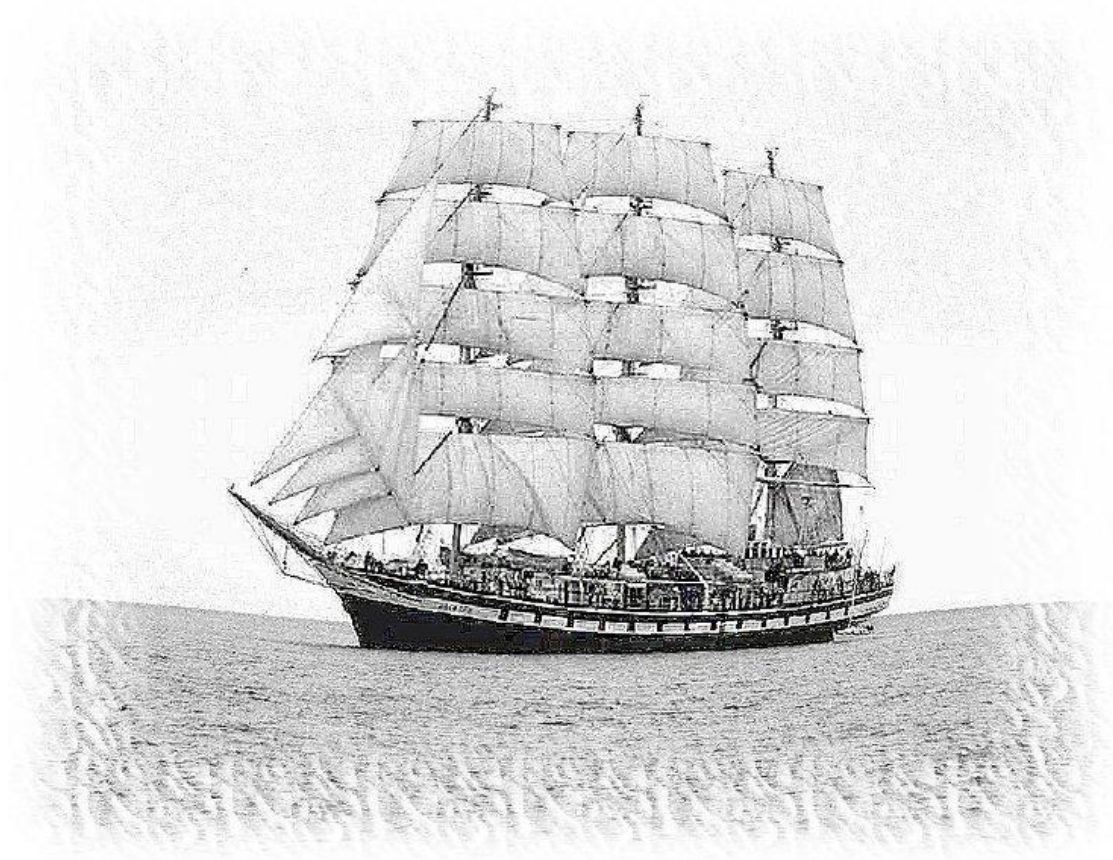


بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید



دوره شاگرد سازی از رادیو

دستور عمل بنای کلیسا - کتاب اول

مقدمه

کلیسا چیست؟

در سطح محلی، کلیسا همانا تجمع مسیحیان در يك خانه (رومیان ۱۶: ۵) یا يك شهر (اول قرن‌تینان ۱: ۲) می‌باشد. در سطح جهانی، کلیسا بدن مسیح (افسسیان ۱: ۲۲-۲۳) می‌باشد و تمام مسیحیان اعضای آن بدن هستند (اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲). کلیسا بنایی روحانی است که هر فرد مسیحی یکی از سنگهای زنده آن می‌باشد (اول پطرس ۲: ۵) و یا مکانی است که خود خدا بواسطه روحش در آن سکونت می‌نماید (افسسیان ۲: ۲۱-۲۲). کلیسا خانواده الهی می‌باشد (افسسیان ۲: ۱۹). خدا، پدر پرمحبت کلیسا و مسیحیان نیز برادران و خواهران یکدیگر می‌باشند. کلیسا گله گوسفندانی است که شبانی را که در جلوی آنها حرکت می‌کند، پیروی می‌کنند (اول پطرس ۵: ۲؛ ۲: ۲۵؛ ۴: ۵). کلیسا ملت مقدس خداست که متشکل از مردمی است که خدا آنها را از میان تمام ملل جهان انتخاب می‌کند (اول پطرس ۲: ۹-۱۰). کلیسا تجلی قابل رؤیت ملکوت یا پادشاهی خدا بر روی زمین می‌باشد (متی ۱۳: ۳۶-۴۳؛ ۱۶: ۱۸-۱۹؛ ۲۱: ۴۲-۴۴). کلیسا هنوز واقعیت کاملی نیست، بلکه در زمان بازگشت مسیح، عروس کامل عیسی خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۱-۲، ۹-۱۰؛ ۱۹: ۷). از طرفی کلیسا، "کلیسای مبارز" در دنیا است که در آن مسیحیان در برابر حملات دشمن ایستادگی می‌کنند (متی ۱۶: ۱۸-۱۹؛ افسسیان ۶: ۱۰-۱۸؛ مکاشفه ۱۲: ۱۰-۱۲). از طرف دیگر، کلیسا، "کلیسای پیروز" در آسمان می‌باشد، مکانی که مسیحیانی که از این جهان رفته‌اند در آنجا در حضور خدا سکونت می‌کنند (غلاطیان ۴: ۲۶؛ عبرانیان ۱۱: ۱۰، ۱۶؛ ۱۲: ۲۲-۲۴؛ ۱۳: ۱۴).

کلیسای مسیح چگونه بنا می‌شود؟

مسیح کلیسای خود را بنا می‌کند و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت (متی ۱۶: ۱۸). مسیح در ابتدا از رسولان استفاده کرد تا کلیساهای تاریخی را در میان یهودیان، غیریهودیان و سامریان بنیان نهد (افسسیان ۲: ۲۰). امروزه او از مسیحیان معمولی جهت بنای کلیسای خود استفاده می‌کند. او کلیسای خود را بر روی مسیحیانی بنیان می‌گذارد که زندگی مسیحی درستی داشته (افسسیان ۴: ۱-۲)، و متکی بر آموزه‌های صحیح از کلام خدا هستند (افسسیان ۴: ۳-۶). او همچنین کلیسای خود را بر روی مسیحیانی که خدمات مختلف و تواناییهای روحانی متفاوتی دارند، بنا می‌کند (افسسیان ۴: ۷-۱۲). او به ایمانداران جدید کمک می‌کند تا تبدیل به شاگردان او شوند (مسیحیان بالغ) (افسسیان ۴: ۱۳-۱۴) و آنها را به جهت انجام خدمات مختلف عملی در داخل و خارج از کلیسا تجهیز می‌کند (افسسیان ۴: ۱۲) و اجتماعی مبتنی بر حقیقت و محبت بنا می‌کند که در آن ایمانداران دائماً در جهت شباهت به مسیح رشد می‌کنند (افسسیان ۴: ۱۵-۱۶). و بدین ترتیب کلیسای خود را بنا می‌کند. امروزه، بنای کلیسای مسیح مسئولیت تمام مسیحیان می‌باشد.

هدف از چهار کتاب دستور عمل بنای کلیسای مسیح

این دوره درسی از طریق عنوان کردن موارد زیر به سر گروه، بنای کلیسای مسیح را امری عملی می‌سازد:

- ۱- هر کدام از چهار کتاب دستور عمل بنای کلیسای مسیح، حاوی ۱۲ درس می‌باشند که می‌توان در طول سه ماه آنها را به اتمام رساند.
- ۲- آیات مهم کتاب مقدسی به شاگردان کمک می‌کنند که مسیح، کلیسا و کتاب مقدس را بشناسند.
- ۳- دستور العمل هایی که با حروف پررنگ چاپ شده مثل " بخوانید"، " کشف و گفتگو کنید" به سرگروه در هدایت گروه کمک می‌کند.
- ۴- " ملاحظات " جواب مختصری به هر سوال می دهند که می توانند بعنوان خطوط راهنما برای سرگروه مورد استفاده قرار گیرند.
- ۵- این دوره آموزشی روشهایی عملی، جهت بنای کلیسای مسیح و بررسی انجیل یوحنا به طور فردی یا جمعی ارائه می‌کند.
- ۶- هر درس دارای يك تکلیف خارج از کلاس می باشد.
- ۷- این دوره آموزشی را می‌توان در اختیار دیگران نیز گذاشت. پس از به اتمام رساندن بررسی یکی از کتب دستور عمل بنای کلیسای مسیح، تنها آن عده از شاگردان می‌توانند يك نسخه از آن کتاب دستور عمل را داشته باشند که مایلند این دوره درسی را در يك گروه کوچک دیگر تعلیم دهند.

دعای ما این است که خداوند به سرعت بر تعداد کلیساهای و کلیساهای خانگی در منطقه شما بیفزاید. عیسی می‌فرماید: "من کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت" (متی ۱۶: ۱۸). باشد که خدا جلال یابد. "زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است. و او را تا ابدالابد جلال باد، آمین" (رومیان ۱۱: ۳۶).

دوره شاگردسازی از رادیو

حقوق مؤلف کتاب

این چهار کتاب دستور عمل شاگردسازی مشمول حقوق مؤلف هستند. رونوشت برداشتن (کپی کردن) از آنها جهت آموزش مجاز است، اما بدون اجازه کتبی نویسنده، فروش، تغییر مطالب و یا ترجمه آنها به زبانهای دیگر ممنوع میباشد.

توصیه:

این دوره آموزشی بدین منظور تهیه شده است که بطور گسترده استفاده شود و باعث برکت بسیاری گردد، اما از آنجا که هدف چهار کتاب دستور عمل شاگردسازی، آموزش یا مجهز کردن مسیحیان است، توصیه میشود که فقط سرگروه های این دوره آموزش شاگردسازی، از چهار کتاب دستور عمل شاگردسازی برابر با اصل، کپی یا رونوشت بردارند. هر شاگرد فقط پس از آنکه یک درس یا یک کتاب دستور عمل را ببایان رسانده و میخواهد شخص یا گروه کوچک دیگری را تعلیم دهد، می تواند يك نسخه از آن درس یا کتاب دستور عمل را داشته باشد.

دوره شاگردسازی از رادیو

فهرست مطالب

دستور عمل بنای کلیسای مسیح - کتاب اول

صفحه
۲

مقدمه و حقوق مؤلف کتاب

برنامه آموزشی ۱

یک برنامه هفتگی برای سه ماه - حدود ۲ ساعت در هفته - تعداد افراد گروه بین حدود ۳ تا ۱۰ نفر باشد - هر برنامه با دعا شروع می‌شود و با دعای در پاسخ به کلام خدا و یک تکلیف برای منزل پایان می‌یابد.

۸	<p>درس ۱</p> <p>رازگهان (مرقس ۱: ۱-۴: ۲۰)</p> <p>حفظ کردن (شباهت به مسیح: دوم قرن‌تینان ۳: ۱۸)</p> <p>تعلیم (عید کلیسایی: میلاد مسیح- جشنی که یادآور تولد مسیح می‌باشد)</p>
۱۵	<p>درس ۲</p> <p>رازگهان (مرقس ۴: ۲۱-۷: ۳۷)</p> <p>حفظ کردن (یاکی: اول پطرس ۲: ۱۱)</p> <p>بررسی کتاب مقدس (مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا)</p>
۲۱	<p>درس ۳</p> <p>رازگهان (مرقس ۸: ۱-۱۱: ۱۹)</p> <p>حفظ کردن (محبت: مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱)</p> <p>تعلیم (عید کلیسایی: جمعه الصلیب- روزی که یادآور مرگ مسیح می‌باشد)</p>
۲۷	<p>درس ۴</p> <p>رازگهان (مرقس ۱۱: ۲۰-۱۴: ۷۲)</p> <p>حفظ کردن (ایمان: رومیان ۴: ۲۰-۲۱)</p> <p>بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱: ۱-۱۸)</p>
۳۳	<p>درس ۵</p> <p>رازگهان (مرقس ۱۵: ۱-۱۶: ۲۰؛ اول قرن‌تینان ۱)</p> <p>حفظ کردن (فروتتی: فیلیپیان ۲: ۳-۴)</p> <p>تعلیم (عید کلیسایی: قیام- روزی که یادآور رستاخیز (قیام) مسیح می‌باشد)</p>
۴۰	<p>درس ۶</p> <p>رازگهان (اول قرن‌تینان ۲-۵)</p> <p>حفظ کردن (مجموعه "شخصیت مسیحی" را مرور کنید)</p> <p>بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱: ۱۹-۵۱)</p>
۴۵	<p>درس ۷</p> <p>رازگهان (اول قرن‌تینان ۶-۸)</p> <p>حفظ کردن (یوحنا ۱: ۱۴)</p> <p>تعلیم (عید کلیسایی: پنطیکاست- روزی که یادآور ریزش روح القدس می‌باشد)</p>
۵۴	<p>درس ۸</p> <p>رازگهان (اول قرن‌تینان ۹-۱۲)</p> <p>حفظ کردن (یوحنا ۱: ۱۶)</p> <p>بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۲)</p>
۶۰	<p>درس ۹</p> <p>رازگهان (اول قرن‌تینان ۱۳-۱۶)</p> <p>حفظ کردن (یوحنا ۲: ۲۵)</p> <p>تعلیم (عید کلیسایی: روز خداوند- روز استراحت، مشارکت و خدمت)</p>

برنامه آموزشی ۲

این برنامه فشرده را می‌توان هفته‌ای یکروز (یک روز کامل) و یا در یک دوره فشرده آموزشی شش روزه استفاده کرد. تمام گروه را با همراهی یک سرگروه آموزش دیده، به گروه‌های کوچک تقسیم کنید. تعداد افراد هرگروه بین حدود ۳ یا ۱۰ نفر باشد.

برنامه پیشنهادی:

پرستش (گروه)	۹:۰۰ - ۹:۳۰
تعلیم (گروه)	۹:۳۰ - ۱۱:۰۰
وقت استراحت	
بررسی کتاب مقدس (گروه)	۱۱:۳۰ - ۱۳:۰۰
وقت استراحت	
وقت اضافی برای پایان دادن تعلیم یا بررسی کتاب مقدس، برای پاسخ به سوالات یا برای یک تعلیم دیگر احتمالی (گروه)	۱۶:۰۰ - ۱۷:۰۰
وقت استراحت	
تعمق و حفظ کردن آیات (دونفری)	۱۷:۳۰ - ۱۷:۴۵
مطالعه کتاب مقدس برای رازگهان (به تنهایی)	۱۷:۴۵ - ۱۸:۳۰
رازگهان (دونفری)	۱۸:۳۰ - ۱۹:۰۰
در میان گذاشتن برکات و دعا (در گروه‌های کوچک حداکثر ده نفره)	۱۹:۰۰ - ۱۹:۴۵

روز اول (دروس ۱ و ۲)

دعا

تعلیم (عید کلیسایی: میلاد مسیح - جشنی که یادآور تولد مسیح می‌باشد)
بررسی کتاب مقدس (مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا)
حفظ کردن (دوم قرن‌تین ۳: ۱۸ و اول پطرس ۲: ۱۱)
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (مرقس ۱-۷)
رازگهان (دونفری: مرقس ۷: ۱-۲۳)
در میان گذاشتن برکات و دعا

روز دوم (دروس ۳ و ۴)

دعا

تعلیم (عید کلیسایی: جمعه الصلیب- روزی که یادآور مرگ مسیح می‌باشد)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱: ۱-۱۸)
حفظ کردن (مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱ و رومیان ۴: ۲۰-۲۱)
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (مرقس ۸-۱۴)
رازگهان (دونفری: مرقس ۱۰: ۱۷-۳۱)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز سوم (دروس ۵ و ۶)

دعا

تعلیم (عید کلیسایی: قیام، روزی که یادآور قیام عیسی می‌باشد)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱: ۱۹-۵۱)
حفظ کردن (فیلیپیان ۲: ۳-۴ و مرور مجموعه "شخصیت مسیحی")
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (مرقس ۱۵-۱۶؛ اول قرن‌تین ۱-۵)
رازگهان (دونفری: اول قرن‌تین ۴: ۱-۲۱)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز چهارم (دروس ۷ و ۸)

دعا

تعلیم (عید کلیسایی: پنطیکاست- روزی که یادآور ریزش روح القدس می‌باشد)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۲)
حفظ کردن (یوحنا ۱: ۱۴ و یوحنا ۱: ۱۶)
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (اول قرن‌تیان ۶-۱۲)
رازگهان (دو نفری: اول قرن‌تیان ۹: ۱-۲۷)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز پنجم (دروس ۹ و ۱۰)

دعا

تعلیم (عید کلیسایی: روز خداوند- روز استراحت، مشارکت و خدمت)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۳)
حفظ کردن (یوحنا ۲: ۲۵ و یوحنا ۳: ۱۶)
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (اول قرن‌تیان ۱۳-۱۶؛ دوم قرن‌تیان ۱-۳)
رازگهان (دو نفری: اول قرن‌تیان ۱۵: ۱۵-۵۸؛ ۱۶: ۲۴)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز ششم (دروس ۱۱ و ۱۲)

دعا

تعلیم (عید سال جدید- روز تجدید نظر و وقف)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۴)
حفظ کردن (یوحنا ۴: ۲۴ و ۵ آیه آخر حفظی را از انجیل یوحنا مرور کنید)
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (دوم قرن‌تیان ۴-۱۰)
رازگهان (دو نفری: دوم قرن‌تیان ۸: ۱-۱۵)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

امکانات برای تعلیم دیگر احتمالی

ضمیمه شماره ۱	نبوتی در رابطه با مرگ و قیام مسیح در عهد عتیق
ضمیمه شماره ۲	نظریاتی در رابطه با زندگی پس از مرگ

درس ۱

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) مرقس
---	-----------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۱: ۱-۴: ۲۰) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی
---	-------------------------------------------------

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: شباهت به مسیح: دوم قرن‌تیان ۳: ۱۸

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) عید میلاد مسیح - جشنی که یاد آور تولد مسیح می باشد
---	------------------------------------------------------------------------

مقدمه: میلاد مسیح (کریسمس)، عیدی مسیحی است که در آن تولد عیسی مسیح را به یاد می‌آوریم. در این درس، تعلیم کتاب‌مقدس را در خصوص آمدن عیسی‌مسیح به جهان خواهیم آموخت. همچنین خواهیم آموخت که چگونه ظهور او در نبوت‌های عهدعتیق پیشگویی شده بود، و به‌هنگام ولادت او چه رخ داد، و اینکه آمدن او به این جهان چه اهمیتی برای ما دارد.

الف - قدیمی‌ترین تاریخ بشر بیانگر اولین وعده خدا به مردم می باشد.

اولین وعده کتاب‌مقدس در پیدایش ۳: ۱۵ یافت می‌شود. زمانی که هیچ گناهی بر روی زمین وجود نداشت، شیطان بر اولین انسانها که آدم و حوا بودند به شکل ماری ظاهر شد. از چارچوب این متن آشکار است که در پشت این مار روح شریری قرار داشت که سخنگویی قوی بود. این روح شریر "ابلیس" نامیده می‌شود که به مفهوم متهم‌کننده، "شیطان"، دشمن، مخالف و حتی اژدها می باشد (مکاشفه ۱۲: ۹). او اولین مرد و زن را وسوسه کرد تا از حکم خدا نا اطاعتی کنند و ایشان از وضعیت پاک‌ی که داشتند به طبیعت گناه آلود سقوط کردند.

خدا آنان را مجازات کرد و به ایشان گفت که از آن پس همواره بین ذریت شیطان (که روح‌های شریر و افرادی هستند که همواره طرفدار شیطان می‌باشند) و ذریت زن (افرادی که همواره طرفدار خدا هستند) دشمنی و منازعه خواهد بود. در آینده شخصی از ذریت زن سر شیطان را خواهد کوبید و شیطان نیز پاشنه وی را خواهد کوبید و به او بسیار آزار خواهد رسانید. بنابراین خدا دوستی مخرب بین شیطان و مردم اولیه را به دشمنی تبدیل کرد. خدا ابتدا در مورد منازعه دائمی بین ذریت شیطان و ذریت زن و بعد در مورد پیروزی نهایی سخن گفت.

در پرتو مکاشفه عهدجدید، متوجه می‌شویم که این منازعه بین ابلیس و عیسی مسیح می‌باشد. عیسی باید ابتدا توسط قوم خود و پس از آن بر روی صلیب عذاب می‌کشید. عیسی مسیح در زمان آمدن خود بر روی زمین، قدرت شیطان را در هم کوبید.

ب - تاریخ عهدعتیق بیانگر منازعه‌ای است که هدفش ممانعت از تحقق وعده خدا می باشد.

۱ - منازعه‌ای که از زمان آدم شروع شد و تا زمان نوح ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

الف) خدا نخستین وعده نجات را به اولین مرد و زن داد (مکاشفه ۳: ۱۵). در ابتدا آنها تنها دو فرزند به نامهای قانن و هابیل داشتند. قانن نسبت به هابیل حسادت ورزیده، خشمگین شد و او را کشت (مکاشفه ۴: ۱-۸). اینطور به‌نظر می‌رسد که شیطان می‌خواست ذریت زن را از بین ببرد تا بدین ترتیب وعده خدا در مورد نجات به تحقق نرسد. اما خدا به آدم و حوا پسران و

دختران دیگری را نیز عطا کرد (مکاشفه ۵: ۱-۵). سومین پسر آدم و حوا به نام شیث، مقدر شد تا حامل و عده نجات خدا باشد (پیدایش ۵: ۶-۳۲). نسل بشر به رشد و گسترش خود ادامه می داد. بنابراین انجام و عده خدا از طریق شخصی که می‌بایست در نسل بشری به دنیا بیاید، امری قابل اجرا به‌نظر می‌رسید.

ب) پس از سالهای زیاد، مردمان زیادی بر روی زمین می‌زیستند. شناخت خدای زنده که آدم و حوا آن را به نسلهای خود انتقال داده بودند، به اندازه ای مبهم شده بود که بشر خود را وقف زندگی کاملاً فاسدی کرد. "پسران خدا" که از ذریت شیث بودند، افرادی بودند که از خدا پیروی می‌کردند. ولی "دختران انسانها" که از ذریت قائن بودند، افرادی بودند که تنها از انسانهای دیگر پیروی می‌کردند. ایمانداران به خدا شروع به ازدواج با غیرایمانداران کردند (پیدایش ۶: ۱-۴؛ تثنیه ۷: ۱-۴؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۴). در نتیجه، شرارت انسان در زمین بسیار شد (پیدایش ۶: ۵-۷، ۱۱-۱۳). خدا بر آن شد تا تمامی بشر را از طریق طوفان هلاک سازد. باز چنین به‌نظر می‌رسید که شیطان بدین طریق پیروز شده و باعث از بین رفتن تمام بشر به همراه و عده نجاتی که به آنها داده شده بود، خواهد شد.

در آن زمان شخصی بر روی زمین بود که ترس خدا را در دل داشت. نوح شخص عادل و درستکاری در میان مردم زمان خود بود. و او با خدا راه می‌رفت (پیدایش ۶: ۸-۹). خدا نوح و خانواده‌اش را از هلاکت طوفان نجات داد (پیدایش ۶: ۱۴-۸: ۲۲). نسل بشری به رشد و گسترش خود ادامه داد و بدین گونه تحقق و عده نجات خدا توسط شخصی که می‌بایست در يك نسل بشری به دنیا بیاید، کماکان امری و واقعی بود.

۲- منازعه ای که از زمان آدم شروع شده تا زمان یهودا ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

الف) در قرن بیست و یک قبل از میلاد، خدا و عده‌ای در رابطه با آمدن نجات‌دهنده به ابراهیم (ابرام) و سارا (ساره) داد. خدا و عده داد که ذریت آنها به اندازه ستارگان آسمان و شنهای دریا بی‌شمار خواهد بود. خدا گفت: "از ذریت تو تمام قبایل زمین برکت خواهند یافت" (پیدایش ۱۱: ۱-۲۶؛ ۳۲: ۱۲-۱؛ ۳-۱۵؛ ۵: ۲۲؛ ۱۷-۱۸). از دیدگاه انسانی این وعده نمی‌توانست به تحقق برسد، زیرا بدن ابراهیم و سارا فرسوده شده بود و سارا هم نازا بود. باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در این مورد پیروز می‌شود. ولی زمانی که ابراهیم ۱۰۰ ساله بود، خدا به‌طرز معجزه‌آسایی به او و سارا پسری به نام اسحاق بخشید (پیدایش ۲۱: ۱-۷). سلسله و عده نجات خدا باز ادامه یافت.

ب) وعده مربوط به آمدن نجات‌دهنده به اسحاق داده شد (پیدایش ۱۹: ۱۷؛ ۲۶: ۴)، ولی همسر او ربکا نیز نازا بود (پیدایش ۲۵: ۲۱). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان پیروز می‌شود. ولی اسحاق در حضور خدا دعا کرد و خدا به او دو فرزند به نامهای عیسو و یعقوب بخشید.

پ) وعده مربوط به نجات‌دهنده موعود به یعقوب داده شد (پیدایش ۲۸: ۱۳-۱۴)، ولی برادرش عیسو می‌خواست او را بکشد، زیرا یعقوب حق نخست‌زادگی را از او گرفته بود (پیدایش ۲۷: ۴۱). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان از طریق ممانعت از تحقق و عده خدا پیروز می‌شود. ولی خدا به یعقوب وعده داد که در هر جایی که برود از او محافظت خواهد کرد (پیدایش ۲۸: ۱۵). یعقوب کشته نشد و سلسله و عده نجات خدا باز ادامه یافت.

ت) وعده مربوط به نجات‌دهنده موعود، به یهودا پسر یعقوب داده شد. طبق این وعده، سلطنت از قبیله یهودا دور نخواهد شد. منجی موعود، پادشاه خواهد بود و تمامی قبایل روی زمین روزی از او اطاعت خواهند کرد (پیدایش ۴۹: ۱۰).

۳- منازعه‌ای که از زمان یهودا شروع شد و تا زمان موسی ادامه یافت، بخشی از منازعه میان شیطان و عیسی بود.

الف) بین قرنهای پانزده و یازده قبل از میلاد، وعده مربوط به نجات‌دهنده موعود از طریق نسل یهودا گسترش یافت. شیطان به دلیل اینکه نتوانست پاتریارخها یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب را از بین ببرد، دشمنی خود را معطوف به بنی‌اسرائیل که از ذریت یعقوب بودند کرد.

در سرزمین مصر بنی‌اسرائیل ملتی بزرگ شدند. در کتاب خروج می‌خوانیم که چگونه پادشاه مصر فرمان کشتن تمام فرزندان ذکور اسرائیلی را صادر کرد (خروج ۱: ۷-۲۲). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در نابودی "ذریت زن" موفق شده است. ولی خدا موسی را در قصر پادشاه مصر محافظت کرد و بعد او را فراخواند تا قوم اسرائیل را در خروجشان از مصر و رفتنشان به سرزمین موعود رهبری کند (خروج ۳: ۱-۱۲).

ب) در طول سفر در بیابان بسوی سرزمین موعود، بنی‌اسرائیل دائماً به سمت بت‌پرستی گرایش پیدا می‌کردند. آنها گوساله‌ای طلایی ساختند و به پرستش آن پرداختند (خروج ۳۲: ۱-۶). خدا از این امر به خشم آمده، بر آن شد تا تمامی قوم اسرائیل را بجز موسی نابود سازد (خروج ۳۲: ۱۰). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در نابودی "ذریت زن" موفق می‌شود. ولی موسی در حضور خدا شفاعت کرد و برای بنی‌اسرائیل طلب رحمت نمود. و خدا دعای او را شنید. موسی در این چارچوب

"نمونه" ای از عیسی مسیح به عنوان بزرگترین شفیع می‌باشد، که نه تنها برای ما دعا می‌کند بلکه جان خود را برای ما فدا ساخت (عبرانیان ۷: ۲۵-۲۸).

۴- منازعه‌ای که از زمان موسی شروع شد و تا زمان داود ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

در طول قرن یازده قبل از میلاد، و عده مربوط به نجات‌دهنده و پادشاه موعود به داود پادشاه داده شده بود. داود از قبیله یهودا بود. در اول تواریخ ۱۷: ۱۱-۱۴ خدا و عده استقرار پادشاهی یکی از پسران داود را داد. این پادشاه آینده قرار بود "خانه ای برای خداوند" بسازد (دوم قرن تیان ۶: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۲۰-۲۲؛ اول پطرس ۲: ۴-۶، ۹-۱۰). خدا و عده داده بود که تخت پادشاهی‌اش را تا ابد استوار خواهد ساخت (اشعیا ۹: ۶؛ متی ۱۲: ۲۸؛ مکاشفه ۱۷: ۱۴؛ ۱۹: ۱۶). "خدا پدر او و او پسر خدا خواهد بود" (دوم سموئیل ۷: ۱۴؛ مزمو ۲: ۷؛ عبرانیان ۱: ۵). در ارمیا ۲۳: ۵ می‌خوانیم، "اینک ایامی می‌آید که شاخه ای عادل برای داود برپا می‌کنم و پادشاهی سلطنت نموده، به فطانت رفتار خواهد کرد و انصاف و عدالت را بر زمین مجرا خواهد داشت." به دلیل این و عده‌هایی که خدا به داود داده بود، شیطان در صدد نابودی او بود. دو بار شاول پادشاه سعی کرد داود را با نیزه‌اش از بین ببرد ولی موفق نشد (اول سموئیل ۱۸: ۱۰-۱۱). پس از آن پسر داود، ایشالوم، به همراه گروهی بزرگ از میان ملت اسرائیل سعی کردند داود را از بین ببرند ولی آنان نیز موفق نشدند (دوم سموئیل ۱۵: ۱-۱۹؛ ۴۳). داود به دست آنان کشته نشد.

۵- منازعه‌ای که از زمان داود آغاز شد و تا زمان آحاز ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

(الف) در طول قرن ده قبل از میلاد، و عده مربوط به نجات‌دهنده و پادشاه موعود، بوسیله پادشاهان حکومت جنوبی یهودا گسترش یافت. بارها پادشاهان حکومت شمالی اسرائیل (نه قبیله و نیم) وارد جنگ با حکومت جنوبی یهودا (دو قبیله و نیم) شدند. بارها اینگونه به نظر می‌رسید که شیطان در نابودی "نسل زن" موفق می‌شود. ولی کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که هیچ کس نتوانست مانع انجام نقشه خدا شود. عتلیا، که دختر شرور اخاب، پادشاه حکومت شمالی اسرائیل و مادر اخزیا، پادشاه متوفی بود (دوم پادشاهان ۸: ۱۸، ۲۶-۲۷)، تصمیم گرفت که تمام اعضای خاندان سلطنتی داود پادشاه را هلاک سازد، زیرا می‌خواست تمامی قدرت را در دست داشته باشد. او تمام پسران پادشاه را کشت. اینگونه به نظر می‌رسید که شیطان در نهایت موفق شده بود که سلسله و عده نجات خدا را قطع کرده، "نسل زن" را نابود کند. ولی بار دیگر خدا اجازه نداد که شیطان در این امر پیروز شود. یهو شیب، نوه اخاب پادشاه، یکی از پسران پادشاه را از میان دیگر پسران در دیده و به مدت ۶ سال این شاهزاده را که نامش یوآش بود، در خانه پنهان کرد، تا اینکه او پادشاه شد و عتلیا کشته شد (دوم پادشاهان ۱۱: ۱-۲۱). اگر عتلیا موفق به کشتار تمام نسل داود پادشاه شده بود، شیطان پیروز می‌شد و نجات‌دهنده موعود به دنیا نمی‌آمد.

(ب) بعدها حکومت شمالی اسرائیل و حکومت ارام (مردم سوریه) نقشه‌ای جهت نابودی حکومت جنوبی یهودا کشیدند (دوم پادشاهان ۱۶: ۵). اینگونه به نظر می‌رسید که ملل اطراف، قوم خدا را (مردمی که به خدا ایمان داشتند) از بین می‌برند و شیطان به این طریق پیروز می‌شود. ولی اشعیا نبی به آحاز پادشاه گفت: "خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند" (اشعیا ۷: ۱-۱۴). خدا و عده داد که علیرغم شرایط سخت تاریخ، هیچ چیزی نمی‌تواند مانع از آمدن نجات‌دهنده موعود به این دنیا شود. نجات دهنده موعود، "عمانوئیل" نامیده می‌شود که به مفهوم "خدا با ما" می‌باشد. ملل اسرائیل و ارام موفق به هلاکت یهودا نشدند. بنابراین شیطان بار دیگر شکست خورد. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که هیچ ملت شروری و هیچ رهبری از هیچ ملتی نمی‌توانند مانع از پیاده شدن نقشه خدا شوند.

۶- منازعه‌ای که از زمان آحاز شروع شد و تا زمان استر ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

در طول قرن پنجم قبل از میلاد، یهودیان (نسل حکومت جنوبی یهودا) در هر نقطه‌ای از امپراطوری پارسها زندگی می‌کردند. هامان شریر از یهودیان متفر بود (استر ۳: ۵-۶) و خشایارشا (اخشورش پادشاه) را وادار کرده بود که حکمی مبنی بر هلاکت تمام یهودیان در آن امپراطوری صادر کند (استر ۳: ۸-۱۰). این نامه‌ها بوسیله قاصدان به تمام استانهای امپراطوری فرستاده شد که به موجب آن، تمام یهودیان می‌بایست در روز سیزدهم ماه دوازدهم که ماه آذار باشد قتل عام شوند و دارایی آنها به غنیمت گرفته شود (استر ۳: ۱۳-۱۴). اگر هامان در انجام این نقشه موفق می‌شد، شیطان پیروز می‌شد و مانع انجام نقشه نجات بخش خدا می‌گردید. استر، ملکه یهودی، خشایارشا (اخشورش پادشاه) را از این توطئه مطلع ساخت. و در نتیجه، پادشاه، هامان را به دار آویخت و حکم دیگری صادر کرد که بر اساس آن به تمام یهودیان امپراطوری‌اش، اجازه داده می‌شد که برای دفاع از خود و خانواده‌هایشان متحد شوند و تمام بدخواهان خود را از هر قوم و ملتی که باشند هلاک سازند (استر ۷: ۱-۱۱). خدا مانع از این بلای بزرگ شد و شیطان نتوانست در این مورد پیروز شود و پیروز نشد.

۷- منازعه‌ای که از زمان استر شروع شد و تا بیت‌لحم ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

الف) در منازعه‌ای که بین شیطان و مسیح در طول قرون وجود داشته است، عیسی مسیح پیروزی را به دست آورده است. منازعه بین شیطان و مسیح در طول دوران عهد عتیق، در مکاشفه ۱۲: ۱-۵ توصیف شده است. "اژدها پیش آن زن که می‌زاید ایستاد تا چون بزاید فرزندش را ببلعد. پس پسر نرینه‌ای را زاید که همه امتهای زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد؛ و فرزندش به نزد خدا و تخت او ر بوده شد." در واقع "زن"، نماد قوم خدا در زمان عهد عتیق می‌باشد. نجات‌دهنده موعود باید در میان آنها به دنیا می‌آمد (یوحنا ۴: ۲۲). "اژدها"، نماد شیطان می‌باشد. و "پسر نرینه"، نماد مسیحی موعود که عیسی مسیح است، می‌باشد. در طول تاریخ عهد عتیق، شیطان سعی کرده بود که مانع از تولد نجات‌دهنده موعود شود. با وجود این، نقشه نجات‌بخش خدا با شکست مواجه نشده و نخواهد شد (اشعیا ۱۴: ۲۴، ۲۷).

ب) وقتی که زمان مناسب برای تولد نجات‌دهنده موعود در بیت‌لحم، فرا رسید (میکا ۵: ۲)، شیطان تلاش نهایی خود را جهت ممانعت از وقوع این امر به عمل آورد. هیرودیوس پادشاه که پادشاه شرور که دست‌نشانده رومیها بود، وقتی که خبر به دنیا آمدن پادشاه و نجات‌دهنده موعود را از زبان مجوسیانی که از شرق آمده بودند، شنید، ترسان شد. او فکر می‌کرد که این منجی موعود تهدیدی برای حکومت زمینی او خواهد بود، به همین دلیل دستور قتل عام فرزندان ذکور پایینتر از ۲ سال در بیت‌لحم را صادر کرد (متی ۲: ۱-۱۸).

باز اینگونه بنظر می‌رسید که شیطان پیروز می‌شود. ولی نقشه ابدی خدا باطل نشده و نخواهد شد. در شب، فرشته خداوند به یوسف ظاهر شده از او خواست تا برخاسته، طفل و مادرش را بردارد و به مصر فرار کند. ایشان تا زمان مرگ هیرودیوس در مصر ماندند.

پ) هنگامی که مسیح خدمت خود را بر روی زمین شروع کرد، شیطان از طریق وسوسه‌های سخت، بار دیگر تلاش کرد تا او را تحت تسلط خود درآورد. در ابتدا شیطان عیسی را وسوسه کرد به اینکه به خدا اعتماد نکند و خود مختار و مستقل از او باشد. او تلاش کرد که اعتماد عیسی را به خدای پدر در زمینه تأمین نیازهای او از میان ببرد (متی ۴: ۱-۴). پس از آن او را وسوسه کرد به اینکه اعتمادی دروغین به خدا داشته باشد و به وعده‌ای در کتاب مقدس ایمان داشته باشد که آن را کاملاً خارج از چارچوب واقعی خود در کلام، بیان کرده بود. شیطان تلاش کرد با نقل قول از کلام خود خدا خارج از چارچوب درستش، عیسی را متقاعد کند (متی ۴: ۵-۷). و در نهایت، شیطان عیسی را وسوسه کرد به اینکه حاکم بر تمامی ممالک روی زمین بشود بدون اینکه راه سخت صلیب را طی کند. او سعی کرد که عیسی را در رابطه با امور مادی مورد وسوسه قرار دهد تا بدین ترتیب عیسی خود را تحت کنترل و حاکمیت او قرار دهد (متی ۴: ۸-۱۱). عیسی مسیح بر هر نوع وسوسه‌ای غلبه یافت و ذات واقعی شیطان را به عنوان يك دروغگو افشا کرد (یوحنا ۸: ۴۴).

ت) عیسی مسیح در طول خدمت نجات‌بخش خود بر روی زمین، دیوها (فرشتگان سقوط کرده شیطان) را از میان مردم اخراج کرد و بدین طریق حاکمیت (پادشاهی) خدا را بر روی زمین مستقر کرد (متی ۱۲: ۲۸). عیسی مسیح به این دنیا آمده بود تا اعمال شیطان را باطل سازد (اول یوحنا ۳: ۸). عیسی مسیح توسط مرگش، شیطان و نیروهای شریر او را خلع سلاح کرده، بر آنها پیروز شد (کولسیان ۲: ۱۵). و توسط قیام، صعود و نشستن بر تخت سلطنتش در آسمان، شیطان را از مقامی که با تکبر به عنوان رئیس این جهان داشت بیرون افکند. از آن زمان به بعد، عیسی مسیح همه مردم را از تمام دنیا به سوی خود می‌کشید (یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲).

از طریق موعظه پیغام انجیل، مردم از حاکمیت شیطان به ملکوت عیسی مسیح منتقل می‌شوند (کولسیان ۱: ۱۳). بدین طریق وعده‌ای که خدا در پیدایش ۳: ۱۵ داده بود به تحقق می‌رسد. عیسی مسیح، که "از نسل زن" و "از نسل ابراهیم" بود (پیدایش ۲۲: ۱۸)، سر مار را کوبید. او از زمان آمدنش بر روی زمین، بر تمامی ریاسات و قدرتهای روی زمین سلطنت کرده است (افسیان ۱: ۲۰-۲۲). از زمان آمدن عیسی مسیح به زمین، هیچ کس نتوانسته است مانع از عمل او در دعوت مردم تمامی ملل به سمت خود، بشود.

پ - انبیای عهد عتیق در رابطه با آمدن نجات‌دهنده نبوت‌های زیادی کردند.

نبوت‌های عهد عتیق در رابطه با آمدن نجات‌دهنده، قدیمی‌ترین نبوت‌هایی در جهان بوده‌اند که به طور واقعی به تحقق رسیده‌اند. انبیا نبوت کردند که نجات‌دهنده موعود بزرگترین نبی، کاهن اعظم و پادشاه خواهد بود.

۱- درست در ابتدای تاریخ بشر، خدا نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود سر شیطان را خواهد کوبید (پیدایش ۳: ۱۵).

۲- بیش از ۲۱۰۰ سال قبل از میلاد، خدا به ابراهیم وعده داد که نجات‌دهنده موعود "از نسل ابراهیم" خواهد بود و او تمامی امت‌های زمین را برکت خواهد داد (پیدایش ۱۲: ۳؛ ۲۲: ۱۸؛ غلاطیان ۳: ۱۶).

۳- **پیش از ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد**، موسی نبی نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود بزرگترین نبی‌ای خواهد بود که تا به حال زیسته است. او کلام خدا را بیان خواهد کرد و خدا اطاعت از او را از تمام مردم مطالبه خواهد کرد (تثنیه ۱۸: ۱۵-۱۸).

۴- **پیش از ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد**، داود نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود بزرگترین کاهنی خواهد بود که تا به حال زیسته است (مزمور ۱۱۰: ۴). اگرچه مردم او را تحقیر کرده، مصلوبش خواهند کرد و رخت او را میان خود تقسیم کرده، بر لباس او قرعه خواهند انداخت (مزمور ۲۲: ۱-۱۸)، او با مرگ خود کفار گناهان آنها خواهد شد (اشعیا ۵۳: ۶، ۱۰).

۵- **پیش از ۷۰۰ سال قبل از میلاد**، میکای نبی نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود در شهر بیت لحم به دنیا خواهد آمد (میکا ۵: ۲). و اشعیا نبی نبوت کرد که او "خدا با ما" نامیده خواهد شد (اشعیا ۷: ۱۴). او به‌خاطر تقصیرات مردم مصلوب می‌شود و آنها را عادل خواهد گردانید (اشعیا ۵۳: ۵، ۱۱). اشعیا نبی همچنین نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود بزرگترین پادشاهی خواهد بود که تا به حال زیست کرده است. او با خدای پدر که خدای ابدی است، یک خواهد بود و پایه حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد ساخت و پادشاهی او را انتهای نبوت خواهد بود (اشعیا ۹: ۶-۷).

۶- **پیش از ۴۰۰ سال قبل از میلاد**، ملاکی نبی نبوت کرد که شخصی راه را برای نجات‌دهنده موعود آماده خواهد کرد (ملاکی ۳: ۱، ۴: ۵-۶). که منظور، یحیی تعمیددهنده است (متی ۱۱: ۱۱-۱۴؛ ۱۷: ۱۰-۱۳).

ت - وقایع مربوط به تولد عیسی مسیح

۱- جسم یافتن او: خدای ابدی در عیسی مسیح مجسم می‌شود.

حیات عیسی مسیح از زمان تولدش در بیت‌لحم شروع نشد. او از ابتدا با خدا بود و او خود خدا بود. او به‌گونه‌ای ابدی دارای طبیعتی الهی بوده است (یوحنا ۱: ۱-۵، ۱۴-۱۸). وقتی که زمان مناسب فرا رسید، عیسی مسیح طبیعت انسانی را در کنار طبیعت الهی‌اش بر خود گرفت و بر روی زمین بین انسانها متولد شد. پس از آن عیسی مسیح نه تنها دارای طبیعت الهی بود، بلکه طبیعتی انسانی نیز داشت. او خدای کامل و انسان کامل بود (غلاطیان ۴: ۴، فیلیپیان ۲: ۵-۸؛ کولسیان ۲: ۹). زمانی که او بر روی زمین بود، مردم شاهد رشد او بودند (لوقا ۲: ۵۲). آنها او را لمس کردند، شاهد معجزات و زندگی عاری از گناه او بودند، تعالیم او را شنیدند و نجات او را تجربه کردند (اول یوحنا ۱: ۱-۳).

۲- اعلام خبر به زکریا

قبل از تولد عیسی مسیح، فرشته‌ای به زکریا ظاهر شد و به او اعلام کرد که در سن پیری صاحب پسری خواهد شد. پسر او پیشرو برای نجات‌دهنده موعود خواهد بود. زکریا به کلام خدا شك کرد و به همین دلیل خدا به او علامتی داد و آن این بود که تا زمان تحقق کلام خدا، او قادر به سخن گفتن نخواهد بود (لوقا ۱: ۵-۲۵، ۵۷-۷۹). پس از تحقق کلام خدا، زکریا قادر به تکلم شد و با بیان این حقیقت که نجات‌دهنده موعود کسی خواهد بود که توسط او، خدا عهد خود را با ابراهیم به تحقق خواهد رسانید، به حمد و پرستش خدا پرداخت (آیات ۷۲-۷۳). عهد فیض خدا که ما لایق آن نبودیم، برای تمامی ملل دنیا توسط عیسی‌مسیح به حقیقت خواهد پیوست.

۳- اعلام خبر به مریم

قبل از تولد عیسی مسیح، جبرائیل فرشته به مریم ظاهر شد و به او اعلام کرد که خدا به طور خاص او را مورد التفات خود قرار داده است (لوقا ۱: ۲۶-۵۶). او مقرر شده بود که از نقطه نظر طبیعت انسانی عیسی، مادر او باشد. او توسط قدرت مافوق طبیعی روح‌القدس حامله گشت و آن مولود مقدس پسر خدا نامیده شد (آیه ۳۵). عیسی مسیح توسط تولدش خدا نشد. بلکه خدای ابدی توسط تولدش، طبیعت انسانی بر خود گرفت. عیسی همواره خدا بوده است و در زمان مناسب، در کنار طبیعت الهی‌اش، طبیعت انسانی را نیز بر خود گرفت. اگر چه چنین اتفاقی هیچوقت در تاریخ بشر به وقوع نپیوسته بود، فرشته اعلام کرد که هیچ امری نزد خدا محال نیست (آیه ۳۷). مریم بر خلاف زکریا، به کلام خدا شك نکرد، بلکه زندگی خود را وقف نقشه و اراده او کرد.

۴- اعلام خبر به یوسف

قبل از تولد عیسی مسیح، فرشته‌ای در خواب به یوسف ظاهر شد و به او اعلام کرد که زنی که با او نامزد بود (در آن زمان به این مفهوم بود که از نظر شریعت با او ازدواج کرده بود)، با قدرت روح خدا حامله خواهد شد. یوسف باید او را "عیسی" می‌نامید که به مفهوم "نجات‌دهنده" می‌باشد. او قوم خود را در تمامی دنیا از گناهانشان نجات خواهد داد. یوسف شوهر بسیار وقف شده‌ای بود. او به کلام خدا ایمان آورده، مریم را ترك نکرد و تا زمان به دنیا آمدن عیسی با او رابطه جنسی نداشت (متی

۱: ۸-۲۵). یوسف و مریم به منظور اسم نویسی طبق حکم امپراتور روم، از ناصره به بیت‌لحم رفتند و زمانی که در بیت‌لحم بودند عیسی متولد شد (لوقا ۲: ۷-۱).

۵- اعلام خبر به شبانان

پس از تولد عیسی مسیح، فرشته‌ای به شبانان ظاهر شد و به آنها اعلام کرد که منجی موعود در بیت‌لحم به دنیا آمده است و او همان مسیحی موعود می‌باشد. پس از آن گروه کثیری از فرشتگان ظاهر شده، در ستایش خدا می‌سراییدند و می‌گفتند که خدا بین تمام افراد روی زمین که او را خشنود می‌سازند و فیض او را می‌پذیرند آرامش و صلح را برقرار می‌سازد. پس از ملاقات شبانان با عیسی، آنها ماجرا را به گوش دیگران رساندند. عیسی را هشت روز پس از تولدش ختنه کردند (لوقا ۲: ۸-۲۴)، زیرا او "زیر شریعت" متولد شده بود (غلاطیان ۴: ۴).

۶- اعلام خبر به شمعون

مدتی پس از تولد عیسی، یوسف و مریم او را جهت تقدیم به خدا، به معبد اورشلیم بردند (لاویان ۱۲: ۱-۸؛ خروج ۱۳: ۲، ۱۲، ۱۵). روح القدس برای شمعون این حقیقت را آشکار ساخته بود که تا مسیح موعود را نبیند چشم از جهان فرو نخواهد بست. هنگامی که او عیسی را در معبد دید، در مورد او نبوت کرد که این عیسی نوزاد، آن نوری خواهد بود که بر امتها تابیده، جلال خدا را بر آنها و بر قوم بنی اسرائیل آشکار خواهد ساخت. او همچنین نبوت کرد که عیسی بی ایمانان را از ایمانداران در اسرائیل جدا خواهد کرد. مردم به دو قسمت تقسیم می‌شوند. برخی از آنها در مورد عیسی مسیح و برخی دیگر هم بر علیه او سخن خواهند گفت. عیسی مسیح اسرار قلبهای انسانها را آشکار خواهد ساخت (لوقا ۲: ۲۵-۳۵).

۷- اعلام خبر به مجوسیان از مشرق زمین

یوسف، مریم و عیسی در آن زمان در خانه‌ای در بیت‌لحم زندگی میکردند. خدا از ستاره‌ای جهت راهنمایی برخی از مجوسیان که از شرق بودند، استفاده کرد تا آنها را به سمت محل تولد پادشاه و منجی موعود جهان هدایت کند. این مجوسیان احتمالاً با نبوتهای عهدعتیق آشنایی داشتند و آنها را زمانی که یهودیان در تبعید در شرق (در بابل و امپراطوری پارس) به سر می‌بردند شنیده بودند. آنها پس از دیدن عیسی، هدایای گرانبهای خود را به او تقدیم کرده او را پرستش کردند. این گروه جزو اولین افرادی بودند که در حضور عیسی زانو زدند. پس از اینکه خدا به آنها در خواب هشدار داد که هیروودیس، پادشاه شرور را در رابطه با این واقعه مطلع نکنند، آنها از راه دیگری به وطن خود در شرق بازگشتند. هیروودیس پادشاه، و تمامی مردم اورشلیم در مورد خبر تولد پادشاه موعود بسیار ناراحت بودند. بسیاری از ایشان به‌جای پرستش او، در صدد نابودی او بودند (متی ۲: ۱-۱۲).

۸- فرار به مصر و بازگشت به اسرائیل

وقتی که مجوسیان مشرق‌زمین مکان تولد پادشاه موعود را به هیروودیس پادشاه اطلاع ندادند، او تصمیم گرفت از طریق کشتن تمام کودکان پایینتر از دو سال در بیت‌لحم، عیسی را نیز بکشد. در آن زمان فرشته‌ای به یوسف ظاهر شده، به او هشدار داد که خانواده‌اش را برداشته، به مصر فرار کند. پس از مرگ هیروودیس پادشاه، فرشته‌ای دیگر باز به یوسف ظاهر شد و از او خواست که به همراه خانواده‌اش به سرزمین اسرائیل روانه شود. آنها به ناصره جلیل مراجعت کردند، زیرا از پادشاه جدید که پسر هیروودیس بود و در اورشلیم، در نزدیکی بیت‌لحم (در یهودیه) فرمانروایی می‌کرد، ترسان بودند. بنابراین عیسی در ناصره جلیل بزرگ شد (متی ۲: ۱۳-۲۳).

ث - اهمیت تولد عیسی مسیح

۱- عیسی مسیح به این جهان آمد تا مردم توبه‌کار را از گناهانشان نجات دهد.

یوحنا ۳: ۱۶ می‌فرماید، "زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک ننگرد بلکه حیات جاودانی یابد." و اول یوحنا ۴: ۱۰ می‌فرماید: "و محبت در همین است، نه آنکه ما خدا را محبت نمویم، بلکه اینکه او ما را محبت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما بشود."
عید میلاد مسیح (کرسمس)، جشن محبت خداست. خدا در محبت عظیمش، بزرگترین هدیه خود را که عیسی مسیح است به جهان بخشید. کلمه "جهان" در یوحنا ۳: ۱۶، به مفهوم "جهانی است که انسانها در آن زندگی می‌کنند که دور از خدا، غرق در گناه، در معرض داوری و نیازمند نجات می‌باشد." این "جهانی است که در آن از هر نژاد و ملتی وجود دارند." از طرف دیگر، "جهانی است که هنوز تحت حمایت و مراقبت خدا می‌باشد." خدا عیسی مسیح را به جهان فرستاد تا مردم را نجات دهد. هر که به او ایمان آورد قطعاً هلاک نخواهد گشت بلکه حیات جاودانی خواهد داشت.

۲ - عیسی مسیح به این جهان آمد تا مردمی را که توبه نمی کنند داوری کند.

لوقا ۲: ۳۴-۳۵ می فرماید، "اینک این طفل قرار داده شد برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل و برای آیتی که به خلاف آن خواهند گفت".

عید میلاد مسیح (کریمس)، جشن جدایی مردم از یکدیگر می باشد. عیسی مسیح باعث برخاستن عده ای و افتادن برخی دیگر خواهد شد. بنابراین تمام مردم باید انتخاب کنند که آیا با عیسی مسیح هستند یا بر علیه او. بر طبق اول پطرس ۲: ۶-۸، عیسی مسیح برای بسیاری از مردم يك سنگ زاویه خواهد بود. افرادی که به او ایمان آورند، هرگز خجل نخواهند شد. برای برخی دیگر از مردم او سنگ لغزش خواهد بود. افرادی که از او ناطاعتی کنند قطعاً لغزش خورده، خواهند افتاد. هیچکس نمی تواند در رابطه با آمدن عیسی مسیح به این جهان موضعی خنثی داشته باشد. هیچکس نمی تواند در رابطه با پیام میلاد مسیح حالتی بی تفاوت داشته باشد.

۵	دعا (۸ دقیقه)	دعای در پاسخ به کلام خدا
---	---------------	--------------------------

به نوبت در تمام گروه یا در حالیکه به گروه های دو یا سه نفری تقسیم شده اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته اید به حضور خدا بیاورید.

۶	تکلیف منزل (۲ دقیقه)	برای درس بعدی
---	----------------------	---------------

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " میلاد مسیح (کریمس) - جشنی که یادآور تولد مسیح می باشد " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از مرقس ۴: ۲۰-۷: ۳۷ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (پاکی: اول پطرس ۲: ۱۱) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - انجیل یوحنا را مطالعه کنید. در درس بعدی انجیل یوحنا معرفی خواهد شد.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) مرقس
---	-----------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۴: ۲۰ - ۷: ۳۷) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی
---	-------------------------------------------------

مرور: دو نفری مرور کنید. پاکی: اول پطرس ۲: ۱۱

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا
---	-------------------------------------------------------

این قسمت بررسی کتاب مقدس را مطالعه کرده، در مورد آن با یکدیگر گفتگو کنید.
آیات مطرح شده در این درس از انجیل یوحنا می‌باشند مگر اینکه به محل دیگری اشاره شده باشد.

الف - نویسنده انجیل یوحنا

عامل اصلی در نگارش انجیل یوحنا، خدای روح القدس می‌باشد (دوم تیموتاؤس ۳: ۱۶؛ دوم پطرس ۱: ۲۰ - ۲۱) و نویسنده آن یوحنا می‌باشد.

۱ - نویسنده يك يهودی بود.

الف) او یا نقشه اسرائیل آشنایی داشت. به عنوان مثال او مکان‌هایی مانند قانا، کفرناحوم، و بیت صیدا در جلیل، عینون نزدیک سالیم (۳: ۲۳)، دهکده افرایم (۱۱: ۵۴) و مخصوصاً اورشلیم را می‌شناخت. او همچنین می‌دانست که "بیت عنیا در آن طرف رود اردن" (۱: ۲۸)، از بیت عنیایی که تنها دو مایل از اورشلیم فاصله دارد (۱۱: ۱۸)، متفاوت می‌باشد.

ب) او از موقعیت سیاسی حاکم در اسرائیل در آن زمان، آگاهی داشت. به عنوان مثال، او می‌دانست که بسیاری از یهودیان در میان ملل بت‌پرست زندگی می‌کنند (۱۱: ۵۲)، و اینکه "یهودیان با سامریها معاشرت نداشتند" (۴: ۹) و رومیان بر یهودیان حاکمیت داشتند (۱۱: ۴۸). او همچنین می‌دانست که سنهدرین یهود هیچ نوع قدرت سیاسی جهت محکوم کردن يك فرد به مرگ را نداشت و چنین تصمیمی را حاکم رومی می‌بایست اتخاذ کند (۱۸: ۲۸، ۳۱).

پ) او به طور کامل با عهدعتیق به زبانهای عبری و یونانی آشنایی داشت، زیرا از هر دو زبان در نقل قولهای خود استفاده می‌کند.

ت) او به اعتقادات یهودیان و سامریان اشاره می‌کند، به عنوان مثال: "نجات از یهود است" (۴: ۲۲) و "یهودیان در کوه جرزیم و نه در اورشلیم خدا را عبادت می‌کنند" (۴: ۲۰).

ث) او در مورد اعیاد مذهبی یهود آگاهی داشت، به عنوان مثال: "روز تهیه" (۱۹: ۳۱)، "عید فصح"، "عید خیمه‌ها" (۷: ۲) و "عید تجدید" (۱۰: ۲۲).

ج) او رسوم یهود را به گونه‌ای طبیعی معرفی و تشریح می‌کند. به عنوان مثال در جشنهای عروسی آن زمان بر طبق رسم یهود، ابتدا شراب خوب را به میهمانان می‌دادند و بعد شراب بد و کم ارزش را (۲: ۱۰). یا بر اساس رسم یهود، شخص مرده را در پارچه‌ای کتانی می‌پیچیدند، و در لابلای آن مواد خوشبو قرار داده، پارچه‌ای به دور سر او می‌بستند، و او را در غار یا مقبره‌ای گذاشته، سنگی بزرگ در قسمت ورودی مقبره قرار می‌دادند (۱۱: ۳۸، ۴۴؛ ۱۹: ۴۰).

۲- نویسنده يك شاهد عینی بود.

نویسنده، اعمال عیسی را با چشمان خود دیده بود. او از زمان وقوع اتفاقات آگاه بود، و در بسیاری مواقع ساعات دقیق آن را نیز قید کرده است. با توجه به این که او انجیل خود را در اواخر قرن اول خطاب به یهودیان نوشت، به احتمال زیاد از روش محاسبه زمانی رومیان استفاده کرده است، به این معنا که او زمان را از نیمه شب یا از ظهر محاسبه کرده است. به عنوان مثال، او به یاد دارد که اولین باری که عیسی را ملاقات کرد، يك روز پس از تعمیدش بود. و این ملاقات در حدود ساعت دهم بود که معادل با ساعت ۱۰ صبح می‌باشد (۱: ۳۵، ۳۹).

زمانی که عیسی شمعون را "پطرس" نامید، او سخنان عیسی را دقیقاً به یاد می‌آورد (۱: ۴۲). او همچنین سخنانی را که عیسی به دیگر شاگردان خود گفت، زمانی که او آنها را به پیروی از خود دعوت کرد و همینطور بسیاری از موعظه‌های او را دقیقاً به یاد دارد. با مطالعه انجیل یوحنا این احساس در ما ایجاد می‌شود که گویا نویسنده آن، نه تنها سخنان عیسی را شنیده بود، بلکه احتمالاً آنها را یادداشت برداری کرده و حتی آنها را به خاطر سپرده بود.

۳- نویسنده یکی از دوازده شاگرد عیسی بود.

نویسنده از اعمال، سخنان و احساسات شاگردان عیسی آگاهی داشت. به عنوان مثال، او می‌دانست که شاگردان از گفتگوی عیسی با يك زن متعجب شدند (۴: ۲۷)، یا زمانی که عیسی بر روی آب راه رفت، ترسان شدند (۶: ۱۹).

۴- نویسنده، یوحنا رسول بود.

الف) نویسنده هیچوقت خود را به اسم معرفی نمی‌کند، بلکه خود را "شاگردی که عیسی او را محبت کرد" معرفی می‌کند. او شاگردی بود که در شام آخر به سینه عیسی تکیه زد (۱۳: ۲۳). و به عنوان شاگرد عیسی بر آنچه که دیده و شنیده بود، شهادت داد (۲۱: ۲۰-۲۴).

ب) نویسنده یکی از اولین شاگردان عیسی بود. بر طبق یوحنا ۱: ۳۵-۴۰ و مرقس ۱: ۱۶-۲۰، اولین شاگردان عیسی، اندریاس و برادرش شمعون پطرس، یعقوب و برادرش یوحنا بودند. بر اساس اعمال فصل ۱۲، یعقوب به دستور هیرودیس کشته شد و بر طبق یوحنا ۲۱: ۱۸-۱۹، پطرس در آن زمان شهید شده بود. بنابراین به احتمال زیاد نویسنده انجیل یوحنا، خود یوحنا می‌باشد که شخصاً شاهد عینی اتفاقات آن زمان بوده است.

پ) نویسنده، پسر زبدي بود. بر طبق متی ۲۷: ۵۶، مرقس ۱: ۱۶ و یوحنا ۱۹: ۲۵، اسم مادرش به احتمال زیاد سالومه بود که احتمالاً خواهر مریم، مادر عیسی بود. اگر این نکته صحت داشته باشد، بر اساس آن عیسی پسر خاله یوحنا بود. قبل از اینکه یوحنا پیرو عیسی باشد، از یحیای تعمیددهنده پیروی می‌کرد. بر طبق یوحنا فصل ۱، او عیسی را روز پس از تعمیدش ملاقات کرد. و به مدت يك سال پس از آن به کار ماهیگیری در قایق پدرش، ادامه داد. و پس از آن وقتی که عیسی او را دعوت کرد تا شاگرد او باشد، او کار ماهیگیری خود را ترك کرد تا "صیاد مردم" گردد (متی ۴: ۱۹).

ت) یوحنا و برادرش یعقوب افرادی احساساتی، عصبی، تندخو و عجول معرفی می‌شوند، زیرا مرقس ۳: ۱۷ آنها را "پسران رعد" خطاب کرده است. به عنوان مثال، در لوقا ۹: ۴۹-۵۴، یوحنا نه تنها در خدمت يك شخص دیگر مداخله می‌کند، بلکه زمانی که مردم يك دهکده سامری، عیسی و شاگردانش را راه ندادند، یوحنا و یعقوب بسیار عصبانی شده، خواهان آن بودند که داوری هر چه سریع‌تر بر آن شهر بیاید. ایشان گفتند: "ای خداوند، آیا می‌خواهی بگوئیم که آتش از آسمان باریده، اینها را فرو گیرد؟"

ث) یوحنا یکی از رسولان بسیار مهم بود. بر طبق انجیل و کتاب اعمال رسولان، یوحنا غالباً همراه با پطرس بود. پس از قیام مسیح، یوحنا به همراه پطرس و یعقوب، برادر عیسی، یکی از سه "رکن کلیسا" بود (غلاطیان ۲: ۹؛ اعمال ۱۵: ۶). هنگامی که یهودیان در سال ۶۶ میلادی، بر علیه روم شورش کردند، به احتمال زیاد یوحنا و تمام مسیحیان، شهر اورشلیم را ترك کردند. بر اساس تاریخ کلیسا، یوحنا جهت زندگی و خدمت به افسس رفت.

ب- تاریخ و مکان نگارش انجیل یوحنا

۱- مکان نگارش انجیل یوحنا

بر اساس نوشته ایرنیوس، پدر کلیسا، که در سال ۱۷۰ میلادی می‌زیست، انجیل یوحنا زمانی به نگارش در آمد که یوحنا در افسس که یکی از شهرهای ترکیه امروزی می‌باشد، زندگی می‌کرد.

۲- تاریخ نگارش انجیل یوحنا

الف) انجیل یوحنا قبل از سال ۱۱۰ میلادی به نگارش در آمد. پدر کلیسا، ایرنیوس، که در سال ۱۷۰ میلادی می‌زیست، نوشت: "کلیسای افسس توسط پولس بنیان گذاشته شد و یوحنا تا زمان تراژان، امپراطور روم به‌طور دائم در آنجا ماند". تراژان بین سالهای ۹۸ الی ۱۱۷ میلادی فرمانروایی کرد. نوشته‌های ایگناتیوس، پدر کلیسا، که در سال ۱۱۰ میلادی شهید شد، به وضوح نشان‌دهنده این حقیقت است که او انجیل لوقا را مطالعه کرده بود. بنابراین انجیل لوقا به احتمال زیاد قبل از پایان قرن اول به نگارش در آمده بود.

ب) انجیل یوحنا پس از سال ۷۰ میلادی به نگارش در آمد. یوحنا رسول مطالب سه انجیل دیگر را با این فرض که مردم از مطالب آنها آگاهند، تکرار نمی‌کند. هدف او این بود که به‌طور خاص در رابطه با آن اموری بنویسد که در انجیل دیگر ثبت نشده، و مردم ترغیب را می‌کرد که به عیسی به‌عنوان مسیح موعود ایمان بیاورند و به الوهیت کامل او پی ببرند. بنابراین انجیل یوحنا احتمالاً بعد از انجیل دیگر پس از سال ۶۳ میلادی به نگارش در آمده است. با توجه به اینکه یوحنا در رابطه با افراد معروفی چون پطرس و پولس سخن نمی‌گوید، به‌نظر می‌رسد که این افراد وفات یافته بودند. در رابطه با خرابی اورشلیم و معبد آن نیز هیچ گونه اشاره‌ای در این انجیل نشده است. بنابراین انجیل یوحنا به احتمال زیاد چند سال پس از خرابی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، نوشته شده است.

پ) نتیجه می‌گیریم که انجیل یوحنا بین سالهای ۷۰ الی ۹۸ میلادی نوشته شد. کلمنت اسکندرانی، که یکی از پدران کلیسا بود و در سال ۱۹۰ میلادی می‌زیست، نوشت که یوحنا، حتی پس از بازگشتش از پطمس، به‌عنوان مسئول اداری کلیساهایی که در منطقه افسس بودند، شخصی فعال بود. در این خصوص که انجیل یوحنا قبل یا بعد از تبعید یوحنا به پطمس نوشته شده است، آگاهی نداریم. همچنین در مورد اینکه این انجیل قبل یا بعد از کتاب مکاشفه نوشته شده است نیز اطلاعی نداریم.

پ- بخش بندی انجیل یوحنا

انجیل یوحنا را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: خدمت عمومی عیسی و خدمت خصوصی او. این دو بخش را نیز می‌توان به هفت قسمت تقسیم‌بندی کرد:

۱- بخش اول: خدمت عمومی عیسی

این بخش متشکل از فصل‌های ۱-۱۲ می‌باشد. این بخش را می‌توان به سه قسمت زیر تقسیم کرد.

الف) اولین قسمت یوحنا: یوحنا فصل‌های ۱-۶. قبل از عید خیمه‌ها (۷:۲). عیسی مسیح، به‌عنوان کلمه، خود را به گروه بسیاری از مردم آشکار ساخت ولی در نهایت از سوی آنان طرد شد.

(۱) منصوب شدن عیسی مسیح: یوحنا ۱: ۱-۱۴. دسامبر سال ۲۶ میلادی الی آوریل سال ۲۷ میلادی (۴ ماه).
§ یوحنا ۱: ۱-۱۴، جلال کلمه را قبل از خلقت جهان، در زمان خلقت، و پس از سقوط آن و همچنین مجسم شدن خدا بر زمین در عیسی مسیح را بیان می‌کند.
§ یوحنا ۱: ۱۵ الی ۱۲: ۲ این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، خود را به یحیی تعمیددهنده و شاگردان او آشکار ساخت.

(۲) خدمت اولیه عیسی مسیح در یهودیه: یوحنا ۲: ۱۳ الی ۴: ۴۲. آوریل سال ۲۷ میلادی الی دسامبر سال ۲۷ میلادی (۸ ماه).
§ یوحنا ۲: ۱۳ الی ۳: ۳۶ این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، خود را به جمعی از مردم اورشلیم که نیکو دیموس هم شامل آنها می‌شد، آشکار ساخت.
§ یوحنا فصل ۴، این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، خود را به سامریان آشکار ساخت.

۳) خدمت بزرگ عیسی مسیح در جلیل: یوحنا ۴: ۴۳ الی ۶: ۷۱. دسامبر سال ۲۷ میلادی الی آوریل سال ۲۹ میلادی (۱۶ ماه).

- § یوحنا ۴: ۴۳ - ۵۴ این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح، به‌عنوان کلمه خود را بر مردم جلیل آشکار ساخت.
- § یوحنا فصل ۵ این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، پس از انجام معجزه‌ای در بیت صیدا، در یهودیه از طرف مردم طرد شد.
- § یوحنا فصل ۶ این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، پس از تغذیه ۵ هزار نفر در جلیل، از طرف مردم آن مکان طرد شد.

(ب) دومین قسمت یوحنا: یوحنا فصل‌های ۷ الی ۱۰. از عید خیمه‌ها تا عید تجدید عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، به‌طور جدی از گناهکاران درخواست توبه می‌کند.

- (۱) خدمت عیسی مسیح در دوره کنارمگیری: یوحنا ۷: ۱ - ۹. از آوریل سال ۲۹ میلادی الی اکتبر سال ۲۹ میلادی (۶ ماه).
- § یوحنا ۷: ۱ - ۹، این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، در جلیل می‌گشت، ولی نهایتاً به‌طور مخفیانه به یهودیه رفت.
- (۲) خدمت مؤخرتر عیسی مسیح در یهودیه: یوحنا ۷: ۱۰ الی ۱۰: ۳۹. از اکتبر سال ۲۹ میلادی الی دسامبر سال ۲۹ میلادی (۲ ماه).

- § یوحنا ۷: ۱۰ - ۵۳ بیانگر درخواست عیسی مسیح از جماعت واقع در معبد جهت توبه می‌باشد. او می‌فرماید: "هر که تشنه باشد، نزد من آید و بنوشد. کسی که به من ایمان آورد چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد." (۳۷ - ۳۸).
- § یوحنا ۸: ۱ - ۵۹ بیانگر درخواست عیسی مسیح از زن زناکار جهت توبه می‌باشد. او می‌فرماید: "برو و دیگر گناه مکن" (۱۱). این قسمت همچنین بیانگر درخواست او از جمع مردم به جهت توبه است. او می‌فرماید: "من نور عالم هستم. کسی که مرا متابعت کند، در ظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد" (۱۲).
- § یوحنا ۹: ۱ - ۴۱ بیانگر درخواست عیسی از کور مادرزاد جهت توبه می‌باشد. او می‌فرماید: "آیا تو به پسر خدا ایمان داری. تو او را دیده‌ای و آنکه با تو تکلم می‌کند همان است." (۳۵، ۳۷).
- § یوحنا ۱۰: ۱ - ۳۹ بیانگر درخواست عیسی از فریسیان و شاگردان جهت توبه است. او می‌فرماید: "من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می‌نهد. گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند" (۱۱، ۲۷).

(پ) سومین قسمت یوحنا: یوحنا ۱۰: ۴۰ الی ۱۲: ۵۰. پس از عید تجدید (۱۰: ۲۲).
عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، از طریق دو معجزه تحت عناوین: زنده کردن ایلعازر و ورود مظفرانه‌اش به اورشلیم، به وضوح خود را به‌عنوان مسیحای موعود آشکار ساخت.

- (۱) خدمت عیسی مسیح در بیریه: یوحنا ۱۰: ۴۰ الی ۱۱: ۵۷. از دسامبر سال ۲۹ میلادی الی آوریل سال ۳۰ میلادی (۴ ماه).
- § یوحنا ۱۱: ۱ - ۴۴. عیسی از طرف دیگر رود اردن تا بیت عنیا، که در نزدیکی اورشلیم می‌باشد جهت زنده کردن ایلعازر مرده سفر کرد.
- § یوحنا ۱۱: ۴۵ - ۵۷ به شورای رهبران یهودی در سنهدرین اشاره می‌کند که در آن نقشه قتل عیسی را کشیدند.
- § یوحنا ۱۲: ۱ - ۵۰ بیانگر تدهین عیسی در بیت عنیا و ورود مظفرانه‌اش به اورشلیم می‌باشد.

۲ - بخش دوم: خدمت خصوصی عیسی مسیح

خدمت نهایی عیسی مسیح: یوحنا ۱۳ الی ۲۱. از آوریل سال ۳۰ میلادی الی می سال ۳۰ میلادی (۷ هفته).
این بخش متشکل از فصل‌های ۱۳ الی ۲۱ یوحنا می‌باشد و وقایع مربوط به هفت هفته آخر خدمت عیسی بر روی زمین را در بر می‌گیرد. این بخش را می‌توان به چهار بخش زیر تقسیم کرد.

(الف) چهارمین قسمت یوحنا: یوحنا فصل ۱۳. شام آخر
عیسی به شاگردانش حکمی جدید داد که یکدیگر را محبت کنند. و این موضوع را از طریق شستن پاهای آنها به تصویر کشید.

- (ب) پنجمین قسمت یوحنا: یوحنا فصل‌های ۱۴ الی ۱۷. سخنان و دعای عیسی در شام آخر
- § در یوحنا فصل ۱۴، عیسی شاگردان خود را تسلی داده، به آنها وعده داد که حضور دائمی روح القدس با آنها بوده و آنها با قوت روح، قادر به انجام کارهای بزرگی خواهند بود.
- § در یوحنا فصل ۱۵، عیسی شاگردانش را ترغیب کرد به اینکه دائماً در او بمانند، اجازه دهند که کلام او همیشه در آنها بماند، دعا کنند، میوه بسیار آورند، یکدیگر را دوست داشته باشند، از احکام او اطاعت کنند و در جهان شهادت دهند.

- § در یوحنا فصل ۱۶، عیسی به شاگردانش وعده داد که آنها را ترك نخواهد کرد بلکه روح القدس را بر آنها خواهد فرستاد و پس از قیامش، ایشان باز او را خواهند دید.
- § در یوحنا فصل ۱۷، عیسی برای خود (۱-۵)، برای شاگردانش (۶-۱۹) و برای کلیسا در دنیا، دعا کرد (۲۰-۲۶).

(پ) ششمین قسمت یوحنا: یوحنا فصل‌های ۱۸ الی ۱۹. زحمات عیسی

- § در یوحنا فصل ۱۸، عیسی دستگیر شده، در حضور حنا محاکمه شد، یکبار توسط پطرس انکار شده، پس از آن در حضور پیلطس به عمل آمد.
- § قیافا محاکمه گردید، سپس دو بار دیگر از سوی پطرس انکار شده و در نهایت محاکمه دیگری از او در حضور پیلطس به عمل آمد.
- § در یوحنا فصل ۱۹، عیسی از سوی سربازان رومی مورد شکنجه واقع شده، توسط یهودیان در مکانی به نام جلجتا (به مفهوم کاسه سر) مصلوب شد و پس از مرگش، توسط یوسف رامه‌ای و نیکودیموس در مقبره جدیدی دفن شد.

(ت) هفتمین قسمت یوحنا: یوحنا فصل‌های ۲۰ الی ۲۱. قیام و ظهور عیسی

- § در یوحنا فصل ۲۰، عیسی بر مریم مجدلیه، بر شاگردانش بدون حضور توما و يك هفته بعد به شاگردانش با حضور توما، ظاهر شد. در یوحنا ۲۰: ۳۰-۳۱، نویسنده هدف از نگارش انجیل را بیان می‌کند.
- § در یوحنا فصل ۲۱، عیسی بر هفت نفر از شاگردانش در کناره دریای جلیل ظاهر شد و شمعون پطرس را دوباره به خدمت گماشت. نویسنده پس از آن انجیل خود را با شهادت‌های همسوی متحد از مردم در رابطه با اعتبار تمام مطالب ثبت شده در انجیل یوحنا، خاتمه می‌دهد.

ت - هدف و عنوان انجیل یوحنا

یوحنا رسول به وضوح هدف خود را در یوحنا ۲۰: ۳۰-۳۱ بازگو می‌کند. هدف او این است که خوانندگان در ایمان خود به عیسی در مقام مسیحای موعود (مسح شده و وعده داده شده در طول عهدعتیق) و "پسر خدا" (در الوهیت کامل خود، کولسیان ۱: ۱۵؛ ۲: ۹)، رشد کنند. و بوسیله ایمان به او که واسطه میانجی بین خدا و انسان می‌باشد، صاحب حیات ابدی شوند.

در مقایسه با انجیل دیگر، موارد خاصی به‌گونه‌ای مشخص در یوحنا ذکر شده‌اند که ذیلاً به آنها می‌پردازیم:

- § در فصل ۱، عیسی به‌عنوان خدایی که انسان شد، نمایان شده است. او خدای غیر قابل رؤیت را به انسان آشکار ساخت.
- § در فصل ۳، عیسی خود را به‌عنوان تنها پسر خدا، که توسط او خدا حیات جاودانی را به تمام ایمانداران عطا می‌کند، به نیکودیموس آشکار ساخت.
- § در فصل ۵، عیسی این حقیقت را به فریسیان آشکار کرد که خدا پدر اوست و او با خدا يك می‌باشد (۵: ۱۷-۱۸).
- § در فصل ۷، عیسی به جماعتی که در اورشلیم بودند این حقیقت را آشکار ساخت که تنها اوست که می‌تواند تشنگی روحانی هر انسانی را بر طرف سازد (۷: ۳۷-۳۹).
- § در فصل ۸، عیسی این حقیقت را بر رهبران مذهبی یهود آشکار ساخت که تنها او می‌تواند مردم را از گناه و مرگ آزاد سازد. او ادعا کرد به اینکه تنها خود اوست که بدون گناه می‌باشد و هر که به او ایمان نیاورد در گناهان خود خواهد مرد (۸: ۴۶؛ ۲۴).
- § در فصل ۱۲، عیسی خود را به‌عنوان پادشاهی که همه مردم را به سوی خود خواهد کشید، آشکار ساخت (۱۲: ۱۳، ۳۲).
- § در فصل ۱۳، این حقیقت بر یوحنا آشکار شده بود که خدای پدر همه چیز را به دست پسرش سپرده است (یوحنا ۳: ۳۵؛ ۱۳: ۳) و هر که او را قبول کند، خدای پدر را نیز قبول می‌کند (۱۳: ۲۰).

۵	دعا (۸ دقیقه)
دعای در پاسخ به کلام خدا	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از مرقس ۸: ۱- ۱۱: ۱۹ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (محببت: مرقس ۱۲: ۳۰- ۳۱) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۳

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) مرقس
---	-----------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۸: ۱- ۱۱: ۱۹) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی
---	-------------------------------------------------

مرور: دو نفری مرور کنید. محبت: مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱.

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) جمعه یادبود مرگ مسیح – روزی که یادآور مرگ مسیح می باشد
---	----------------------------------------------------------------------------

مقدمه: جمعه یادبود مرگ مسیح (جمعه الصلیب)، عیدی مسیحی است که در آن، مرگ عیسی مسیح را به یاد می‌آوریم. در این درس در رابطه با آنچه که کتاب مقدس در باره مرگ عیسی مسیح به خاطر گناهان مردم جهان تعلیم می‌دهد، مطالبی خواهیم آموخت. همچنین خواهیم آموخت که چگونه در مورد مرگ او در عهد عتیق نبوت شده بود، و وقتی که او بر روی صلیب جان سپرد چه اتفاقی افتاد، و چرا مرگ او بر روی صلیب برای ما حائز اهمیت است.

بر اساس تقویم یهودی، روز جمعه با غروب آفتاب در روز پنجشنبه آغاز می‌شد و با غروب آفتاب در روز جمعه به پایان می‌رسید. عیسی مسیح در روز جمعه تسلیم دشمنان خود شده، مصلوب شد، مرد و در روز جمعه دفن شد. مرگ عیسی مسیح به عنوان مجازاتی برای گناهان ما و به جای ما بود، و نجاتی که در نتیجه آن مهیا شده است، بهترین چیزی است که می‌توانست برای ما اتفاق بیفتد. اگر چه آن جمعه، برای شاگردان عیسی روز بسیار غمگینی بود، بعد از قیام مسیح آن روز تبدیل به روز شادی شده است. مرگ عیسی مسیح یکی از مهمترین وقایع تاریخ بشر می‌باشد. واقعه مهم دیگر قیام اوست. هیچ واقعه‌ای که تا به حال در تاریخ به وقوع پیوسته است، و پیام هیچ کتاب و مجله ای و اخبار هیچ برنامه رادیویی و تلویزیونی و برنامه‌های دیگر به اندازه واقعه مرگ و قیام عیسی مسیح حائز اهمیت، ضروری و حیاتی نمی‌باشد.

الف- نیوتهای مربوط به مرگ عیسی مسیح

۱- اعداد فصل ۲۱ مثالی در عهد عتیق راجع به مرگ عیسی مسیح می‌باشد.

الف) بخوانید: اعداد ۲۱: ۴-۹.

تعلیم دهید: بر اساس آنچه که در کلام می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که بیش از ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد، قوم اسرائیل به ستوه آمده، بر علیه خدا و موسی سخن گفتند. آنها در مورد سختیهای سفر، مخصوصاً در مورد غذایی که باید در بیابان می‌خوردند لب به اعتراض گشودند. خدا به اعتراضات آنان گوش فرا داد و متوجه طرز برخورد منفی آنها شد و به همین دلیل مارهای سمی به میان ایشان فرستاد. پس از اینکه موسی نزد خدا برای قوم شفاعت کرد، خدا از موسی خواست که يك مار برنجی بسازد و آن را بر سر يك تیر بیاویزد، به طوری که هر کس بتواند آن را ببیند. طبق دستور خداوند، هر که مار او را گزیده بود، اگر به این مار برنجی نگاه می‌کرد، زنده می‌ماند. ولی هر که از کلام خدا ناطاعتی می‌کرد و به آن مار برنجی نگاه نمی‌کرد، قطعاً می‌مرد. خدا طالب این است که مردم گناهکار به او ایمان آورده از کلام او اطاعت کنند.

(ب) بخوانید: یوحنا ۳: ۱۴-۱۶

تعلیم دهید: در عهد جدید، عیسی مسیح تصویر مار را توضیح داد. مار برنجی که بر سر تیری آویخته شده بود، تصویری از عیسی مسیح می‌باشد که بر روی صلیب قرار گرفت. مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب، تحقق تصویری است که در عهد عتیق نشان داده شده بود. هر که به عیسی مسیح ایمان بیاورد هلاک نمی‌شود بلکه حیات جاودانی می‌یابد.

۲- اشعیا ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲ نبوت مهمی در عهد عتیق در رابطه با مرگ عیسی مسیح می‌باشد.

به ضمیمه شماره ۱ مراجعه کنید.

۳- نبوت‌های مهم دیگر در عهد عتیق در رابطه با مرگ عیسی

(الف) بخوانید: زکریا ۱۲: ۱۱-۱۳.

تعلیم دهید: این نبوت در رابطه با مبلغی است که یهودا جهت تسلیم کردن عیسی پرداخت؛ و همچنین در مورد نوع استفاده یهودا از این پول؛ و اینکه این پول بعداً برای چه کاری استفاده شد، می‌باشد (متی ۲۶: ۱۴-۱۶؛ ۲۷: ۳-۱۰).

(ب) بخوانید: زکریا ۱۲: ۱۰.

تعلیم دهید: این نبوت در رابطه با سربازی است که پهلوی عیسی را با نیزه‌ای سوراخ کرد. یوحنا شاهد تمام این وقایع بود (یوحنا ۱۹: ۳۴-۳۷).

(پ) بخوانید: مزمو ۲۲ و ۶۹: ۲۰-۲۱.

تعلیم دهید: این نبوت‌ها در رابطه با رنج‌های بسیار عیسی بر روی صلیب می‌باشند. مردم شریب او را مصلوب کرده (آیه ۱۶؛ یوحنا ۱۹: ۱۶-۱۸)، جامه‌های او را به چند قسمت تقسیم نموده، بر آن قرعه خواهند انداخت (آیه ۱۸؛ یوحنا ۱۹: ۲۳-۲۴)، او را احاطه کرده، اهانت، مسخره و تحقیرش خواهند کرد (آیات ۶-۷؛ متی ۲۷: ۳۹-۴۴). او به شدت تشنه خواهد شد (آیه ۱۵؛ یوحنا ۱۹: ۲۸)، و به تلخی، طرد شدن از سوی خدا را تجربه خواهد کرد (آیه ۱؛ متی ۲۷: ۴۶).

(ت) بخوانید: مزمو ۳۱: ۵.

تعلیم دهید: این نبوت در رابطه با آخرین سخنان عیسی بر روی صلیب می‌باشد (لوقا ۲۳: ۴۶).

(ث) بخوانید: مزمو ۴۰: ۶-۸.

تعلیم دهید: این نبوت در رابطه با قربانی شدن بدن عیسی است که جانسین و تحقق بخش تمامی قربانی‌های حیوانی می‌باشد. و باعث تقدیس ایمانداران می‌شود. (عیرانیان ۱۰: ۵-۱۰).

ب- وقایع مربوط به مرگ عیسی مسیح

۱- نبوت‌های موجود در عهد جدید در رابطه با مرگ مسیح

بخوانید: مرقس ۸: ۳۱؛ ۹: ۳۱؛ ۱۰: ۳۳-۳۴

تعلیم دهید: عیسی مسیح حداقل سه بار قبل از مرگش، در رابطه با مرگ و قیامش نبوت کرد. او به وضوح در رابطه با جزئیات آنچه که بر او واقع خواهد شد، عاملین آن، زمان و مکان واقعه، نبوت کرد. او گفت که توسط رهبران یهودی اورشلیم تسلیم خواهد شد. و آنها او را به عنوان مسیح موعود نخواهند پذیرفت، بلکه او را به مرگ محکوم کرده، به دست رومیان غیر یهودی خواهند سپرد. غیریهودیان او را مسخره کرده، بر او آب دهان خواهند انداخت و در نهایت او را خواهند کشت. و پس از سه روز او قیام خواهد کرد. او نبوت کرد که تمام این امور باید واقع شوند، زیرا بخشی از نقشه ابدی خدا می‌باشند که در عهد عتیق ثبت شده است و این تنها طریق کفاره گناهان بشر می‌باشد.

عیسی مسیح نه تنها در مورد مرگ و قیام خود نبوت کرد، بلکه تمام امور دقیقاً بر طبق نبوت‌های او و دیگر انبیای عهد به وقوع پیوستند. هیچ نبی دیگری نمی‌تواند هم‌تراز با مقام عیسی مسیح باشد. نبوت‌های هیچ نبی دیگری به اندازه نبوت‌های عیسی، دقیق و درست نبوده است. عیسی به مفهوم واقعی، مصلوب شد و از میان مردگان قیام نمود. هیچ نبی دیگری که در طول تاریخ زندگی کرده، یا ادعا کرده است که نبی است، از میان مردگان قیام نکرده است. بسیاری از انبیای مذاهب دیگر هنوز در قبر خود آرامیده‌اند. عیسی مسیح تنها انسانی است که از میان مردگان قیام کرده است و هنوز هم زنده است. این موضوع، این حقیقت را ثابت می‌کند که عیسی مسیح نه تنها بزرگترین نبی تمام زمانها بوده، بلکه بزرگتر از يك نبی بوده است.

۲- تسلیم عیسی به دشمنان، دستگیری و زحمات او

در چهار انجیل، ما در رابطه با اینکه چگونه یهودا با سی پاره نقره به عیسی خیانت کرده، او را به دست دشمنان سپرد، می‌خوانیم. پس از دعای عیسی در باغ جتسیمانی، نگهبانان معبد او را دستگیر کردند.

الف) بخوانید: یوحنا ۱۸: ۱۲-۱۴، ۱۹-۲۴؛ متی ۲۶: ۵۷-۶۸؛ لوقا ۲۲: ۶۶-۷۱.
تعلیم دهید: بین نیمه شب تا صبح زود روز جمعه، عیسی، ابتدا توسط حنا، پدر زن قیافا محاکمه شد. پس از آن قیافا که در آن سال رئیس کاهنان بود، او را محاکمه کرد. و در نهایت تمام رهبران یهود در سنهدرین جهت محاکمه او جمع شدند.

ب) بخوانید: لوقا ۲۳: ۱-۲۵؛ یوحنا ۱۸: ۲۸-۴۰.
تعلیم دهید: روز جمعه، صبح بسیار زود، ابتدا پیلطس، رهبر رومی یهودیه، و پس از آن هیرودیس پادشاه، فرمانروای رومی جلیل او را محاکمه کردند. در انتها پیلطس بار دیگر او را محاکمه کرد. عیسی مسیح پس از تمام این محاکمات، از طرف یهودیان و غیر یهودیان طرد شد. او توسط مقامات مدنی و مذهبی دنیا محکوم شده، کشته شد. ولی کماکان بدون تقصیر و بی گناه بود.

۳- مصلوب شدن عیسی

بخوانید: لوقا ۲۳: ۲۶-۵۶؛ یوحنا ۱۹: ۱۶-۴۲.
تعلیم دهید: در حدود ساعت ۹ صبح روز جمعه، عیسی بر روی تپه‌ای به نام "جلجتا" (به مفهوم کاسه سر)، به صلیب کشیده شد. سربازان دستها و پاهای او را بر روی صلیبی چوبی میخکوب کردند (مزمور ۲۲: ۱۶؛ لوقا ۲۴: ۳۹-۴۰؛ یوحنا ۲۰: ۲۵). پس از آن صلیب را بلند کردند و قسمت پایینی آن را در سوراخی قرار دادند تا به طور قائم بایستد. میخکوب کردن دستها و پاها، برافراشتن صلیب و وجود میخها، برای ساعات طولانی، روش دردناکی برای شکنجه یگ فرد بود. مصلوب کردن، یکی از روشهای وحشتناک جهت اعدام شخص بود. درد ناشی از آن باعث می شد که شخص به تدریج در نتیجه خفگی، بمیرد. بر اساس رسم رومی، باید عنوان جرم فرد اعدامی، روی قطعه‌ای چوب حک شده بر بالای صلیب میخکوب می‌شد. به دلیل اینکه پیلطس هیچ گونه خطایی در عیسی نیافته بود، در مورد او نوشت: "این است عیسی، پادشاه یهود". سربازان از طریق انداختن قرعه، جامه‌های او را به چند قسمت کردند. یهودیان و افراد دیگری که از کنار صلیب رد می شدند او را مسخره کرده، ترغیب می کردند که از صلیب پایین آمده خود را نجات دهد. دو دزد همراه با عیسی در دو طرف او مصلوب شدند. وقتی که عیسی بر روی صلیب بود، مصلوب‌کنندگان خود را بخشید.
از ۱۲ ظهر تا ۳ بعد از ظهر آن روز، تاریکی سطح زمین را فرا گرفت. در نهایت او روح خود را به دستهای پدر آسمانی خود سپرد. وقتی که عیسی جان سپرد، پرده قدس از میان دوپاره گشت. این عمل نمایانگر این حقیقت است که با مرگ عیسی مسیح، معابد و قربانها، مفهوم خود را از دست دادند (متی ۲۷: ۵۱). هیچ نوع ساختمان مذهبی و مراسمی قادر به نجات مردم از گناهانشان نمی‌باشد.

۴- واکنشهای مختلف نسبت به مرگ عیسی

مقدمه: بسیاری از مردم در رابطه با وقایع مربوط به مرگ عیسی مسیح در آن روز جمعه، دخیل بودند. در آن روز مردم مختلفی در اطراف صلیب ایستاده بودند، ولی هر کدام واکنش متفاوتی نسبت به مسیح داشتند.
کشف و گفتگو کنید: چگونه مردم مختلف نسبت به عیسی و مرگ او واکنش نشان دادند؟
ملاحظات:

الف) یهودا ظاهراً خود را شاگرد عیسی مسیح نشان می‌داد، ولی در حق او خیانت کرد. او به خاطر این عمل خود غمگین شد ولی توبه نکرد (نوم قرن‌تینان ۷: ۱۰-۱۱). او سی پاره نقره را برگرداند و بعد خود را به دار آویخت (متی ۲۷: ۳-۵؛ عبرانیان ۶: ۵-۶).

ب) پطرس افتخار می‌کرد به این که حاضر است حتی با عیسی بمیرد، ولی او را سه بار انکار کرد. (یوحنا ۱۳: ۳۶-۳۸؛ ۱۸: ۱۵-۲۷)

پ) یوحنا از ترس گریخت ولی بعد عیسی را از فاصله‌ای دور پیروی کرد چون او را دوست می‌داشت (متی ۲۶: ۵۶؛ یوحنا ۱۵: ۱۸).

ت) حنا، اولین قاضی عیسی، بدون حضور شاهدین صادق که طبق شریعت عهدعتیق امری ضروری بود، او را محاکمه کرد. او از آنچه که حقیقت داشت اجتناب ورزید. او بیشتر به "موفقیت" عیسی علاقه مند بود تا به "حقیقت". ولی عیسی مایل نبود شهادی بر علیه خود باشد. او گفت که همواره آشکارا سخن گفته است و هر کس می‌توانست به تعالیم او گوش دهد. این حقیقت در تناقض کامل با توطئه مخفیانه سنهدرین بود. (یوحنا ۱۸: ۱۲-۱۴، ۱۹-۲۴)

ث) قیافا، قاضی دوم، در حضور شاهدین دروغین، به طور تشریفاتی و مقدماتی و با تعجیل عیسی را محاکمه کرد. او تظاهر کرد به اینکه قاضی عادل است، ولی نتیجه محاکمه تعیین شده بود. رؤسای کهنه و فریسیان تصمیم گرفته بودند که عیسی را بکشند. ولی به منظور کشتن او باید شورای عالی یهود (سنهترین) ابتدا او را محاکمه می‌کرد (متی ۱۲: ۱۴؛ لوقا ۲۲: ۲؛ یوحنا ۱۱: ۴۹-۵۳، ۵۷؛ ۱۸: ۱۴؛ متی ۲۶: ۵۷-۶۸).

ج) سنهترین که متشکل از رهبران سیاسی و مذهبی مردم بود، قاضی سوم عیسی بود. آنها نیز به طور تشریفاتی و با تعجیل او را رسماً محاکمه کردند. آنها به عیسی به خاطر تأثیر بزرگی که بر روی مردم داشت حسادت می‌ورزیدند. در این جلسه رسمی، آنها تصمیمی را که در توطئه مخفیانه‌شان بر علیه عیسی گرفته بودند به تصویب رساندند. آنها دلیل اصلی جهت کشتن عیسی را مخفی کردند و بدین ترتیب در حضور پیلطس او را به دروغ متهم کردند به اینکه عامل توطئه سیاسی بین قوم می‌باشد (لوقا ۲۲: ۶۶-۷۱؛ ۲۳: ۱-۲؛ متی ۲۷: ۱۸).

چ) پیلطس، قاضی چهارم عیسی، او را باز به طور ناعادلانه محاکمه کرد. اگرچه او به طور کامل متقاعد شده بود که عیسی بی‌تقصیر است، با وجود این او را سپرد تا مصلوبش کنند. او بیشتر به خاطر علائق خود عمل کرد، زیرا نگران بود از این که موقعیت سیاسی خود را از دست بدهد. (متی ۲۷: ۱۱-۲۶؛ یوحنا ۱۸: ۲۸-۱۹: ۱۶)

ح) هیرودیس پادشاه، قاضی پنجم عیسی، تنها می‌خواست عیسی باعث سرگرمی او شود. او امیدوار بود که عیسی معجزاتی چند انجام دهد. وقتی دید که عیسی سکوت اختیار کرده است، او و سربازانش، عیسی را مورد اهانت قرار داد، مسخره کردند. (لوقا ۲۳: ۵-۱۲)

خ) زنان اورشلیم، که برخی از آنان پیرو عیسی بودند، برای او بسیار گریه و ماتم کردند. آنها بدون اینکه از خطراتی که متوجه خودشان می‌شد مطلع باشند، دلشان به حال عیسی می‌سوخت. آنها متوجه نبودند که آینده عیسی محفوظ است، و اگر توبه نکنند، آینده خود و فرزندان‌شان محفوظ نخواهد بود. اکثریت جمعیت اورشلیم متشکل از مردم گناهکار بود. عیسی مسیح افرادی را که مایل به توبه نباشند، بدون مجازات نخواهد گذاشت. بنابراین مردم اورشلیم در صورتی که توبه نکنند، هلاک خواهند شد. (لوقا ۲۳: ۲۷-۳۱)

د) سربازانی که او را مصلوب کردند، از فرامینی که به آنها داده می‌شد، اطاعت می‌کردند و فکر می‌کردند که بدین ترتیب وظیفه خود را انجام می‌دهند. ولی آنها با فراتر از مسئولیت خود گذاشته، به عیسی اهانت کرده، با او بد رفتاری کردند. (متی ۲۷: ۲۷-۳۱)

ذ) یهودیان به او حرفهای توهین‌آمیز می‌زدند. (متی ۲۷: ۳۹)
ل. یکی از دزدان حرفهای توهین‌آمیز به عیسی زد، در حالیکه دزد دیگر به گناه خود اعتراف کرد و خود را به مسیح سپرد. (لوقا ۲۳: ۳۹-۴۳)

ر) یوزباشی که فرماندار نظامی سربازان رومی بود، یکی از اولین افرادی بود که به عیسی به عنوان پسر خدا اعتراف کرد (متی ۲۷: ۵۴).

ز) یوسف و نیکودیموس، که پیروان مخفی مسیح بودند، به طور آشکارا او را خدمت کردند و بدن او را از صلیب پایین آورده، آن را دفن کردند. (یوحنا ۱۹: ۳۸-۴۲)

تعلیم دهید: امروزه هر شخصی در دنیا در برابر صلیب عیسی ایستاده است. عیسی مسیح مرد تا کفاره گناهان مردم شود و آنهایی را که به او ایمان می‌آورند، ببخشد. خدا از هر انسانی مطالبه می‌کند که نسبت به عیسی مسیح واکنش نشان دهد. من و تو هم در برابر صلیب عیسی ایستاده‌ایم. واکنش تو نسبت به عیسی و مرگ او بر روی صلیب چیست؟ آیا از این حقیقت فرار می‌کنی یا از عیسی پیروی می‌کنی؟ آیا ادعا می‌کنی که اینک شخص عادل هستی یا به گناهان خود اعتراف می‌کنی؟ آیا نسبت به این حقیقت غافل بوده، موضعی خنثی و بی‌تفاوت داری یا دلیل مرگ مسیح بر روی صلیب را درک کرده‌ای؟ آیا به آزار و اذیت عیسی و مسیحیان ادامه می‌دهی یا به سمت او رفته و حاضر هستی که او را با محبت خدمت کنی؟ آیا او را رد خواهی کرد یا با ایمان او را خواهی پذیرفت؟ واکنش تو چه خواهد بود؟

پ - مفهوم مرگ عیسی مسیح برای ما

۱- اولین دلیل مرگ عیسی به خاطر گناهان ما

بخوانید: رومیان ۳: ۲۳-۲۵؛ ۸: ۷-۱۰؛ یوحنا ۳: ۳۵-۴۴.

تعلیم دهید: اولین دلیل مرگ عیسی مسیح به خاطر ما، به منظور کفاره گناهان ما بود. او ما را نزد خدا عادل گردانیده، ما را با او مصالحه داد. هیچ انسانی در وضعیت گناهکارش نمی‌تواند خدا را خشنود ساخته، نزد او برود، و خود را وقف و سرسپرده او سازد. هنگامی که تمام مردم در گناه بودند، خدا راه نجات را برای آنها فراهم کرد. او عیسی مسیح را در مرگش بر روی صلیب به عنوان قربانی عرضه داشت، که برای گناهان بشر کفاره شد. عیسی مسیح مرد تا جریمه گناهان ما را بپردازد. او برای گناهان ما کفاره شد و ما را عادل ساخت. عیسی مسیح همچنین عقوبت گناهان ما را از ما دور کرد. این بدان مفهوم است که او خشم خدای قدوس و عادل را در رابطه با گناهان ما، از ما دور نگاه داشت و ما را با خدای پدر مصالحه داد.

۲ - دومین دلیل مرگ عیسی مسیح به خاطر گناهان ما

بخوانید: خروج ۲۰: ۱-۲؛ غلاطیان ۲: ۲۱؛ ۳: ۱۰-۲۹.

تعلیم دهید: دلیل دوم مرگ مسیح به خاطر ما، به منظور رهایی ما از لعنت شریعت بود. او ما را از هر نوع شریعتی آزاد ساخت تا بدین وسیله ما را نجات دهد.

در عهدعتیق، هیچ وقت شریعت وسیله‌ای برای عادل شمردگی و نجات نبوده است. پس از آنکه خدا قوم خود را نجات داد، به آنها ده فرمان یا قانون اخلاقی را داد تا بدان وسیله بدانند چگونه باید به عنوان قوم خدا زندگی جدیدی داشته باشند (خروج ۲۰: ۱-۲). البته بعدها معلمین مذهبی یهود مفهوم شریعت را تغییر داده، آن را وسیله‌ای برای نجات تلقی کردند. از آن به بعد بسیاری از یهودیان، مسلمانان و مسیحیان شریعتی، که تحت عنوان "اهل کتاب" نامیده می‌شوند، سعی کرده‌اند از طریق حفظ شریعت خود را نجات دهند. البته کتاب مقدس هشدار داده می‌فرماید: "ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته‌های کتاب شریعت تا آنها را به جا آورد" (غلاطیان ۳: ۱۰). عیسی مسیح به خاطر ما ملعون شد تا ما را از لعنت شریعت آزاد سازد، زیرا مکتوب است: "ملعون است هر که بر دار آویخته شود" (غلاطیان ۳: ۱۳). ما از لعنت شریعت نجات یافته‌ایم. دیگر "زیر شریعت" زندگی نمی‌کنیم، بلکه "زیر فیض" هستیم.

۳ - دلیل سوم مرگ مسیح به خاطر گناهان ما

بخوانید: متی ۵: ۱۷؛ افسسیان ۲: ۱۳-۱۸؛ کولسیان ۲: ۱۴.

تعلیم دهید: دلیل سوم مرگ مسیح به خاطر ما، به منظور از بین بردن جدایی میان قوم اسرائیل و ملل غیر یهودی بود. او ما را خلق کرد تا با قوم خدا که متشکل از ایمانداران تمامی ملل جهان می‌باشد، در اتحاد باشیم. مدت زمان زیادی قبل از پیدایش ملت اسرائیل، خدا وعده داد که تمامی ملل روی زمین را از طریق "نسل" ابراهیم که مسیح موعود می‌باشد، برکت خواهد داد (پیدایش ۲۲: ۱۸). تا زمان آمدن مسیح موعود، شریعت مانعی بین ملت اسرائیل و دیگر ملل غیر یهودی بود. شریعت تشریفاتی با تمام قوانین مذهبی مربوط به مردم، مکانها، زمانها و اعمال مقدس آن، قوم اسرائیل را از ملل غیر یهودی متمایز می‌کرد. هدف خدا برای قوم اسرائیل این نبود که از طریق آنها تمام ملل غیر یهودی را تبدیل به مللی "تحت شریعت" بکند، بلکه هدف او این بود که از طریق قوم اسرائیل، نجات‌دهنده را به آنها معرفی کند. هنگامی که عیسی مسیح به عنوان نجات‌دهنده آمد، توسط زندگی و مرگش تمام ملزومات عادلانه شریعت را به تحقق رساند. بدین ترتیب او به تمام قوانین تشریفاتی آن زمان بعنوان ابزاری برای نزدیک شدن و خدمت به خدا پایان داد و تعالیم خود را در رابطه با ملکوت خدا، جانشین قانون مدنی (اجتماعی) اسرائیل کرد. مرگ عیسی مسیح دشمنی و مانعی را که بین یهودیان و غیر یهودیان وجود داشت از میان برداشت و ایمانداران یهودی و غیر یهودی را با خدا و با یکدیگر مصالحه داد. او ایمانداران یهودی و غیر یهودی را به صورت قوم واحد خدا (اول پطرس ۲: ۴-۱۰)، به طور متحد در کلیسا (افسسیان ۲: ۱۹-۲۲) یا در ملکوت واحد خدا (متی ۲۱: ۴۲-۴۴) شکل داد.

۴ - دلیل چهارم مرگ مسیح به خاطر گناهان ما

بخوانید: دوم قرنیتیان ۵: ۱۵؛ فیلیپیان ۲: ۱-۸.

تعلیم دهید: دلیل چهارم مرگ مسیح به خاطر ما، به این منظور بود که به ما هدف دیگری برای زندگی عطا کند. ما دیگر برای خود زندگی نمی‌کنیم، بلکه برای خدا و به دیگران فداکارانه خدمت می‌کنیم.

۵ - دلیل پنجم مرگ مسیح به خاطر گناهان ما

بخوانید: عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵؛ رومیان ۸: ۳۱-۳۹.

تعلیم دهید: دلیل پنجم مرگ مسیح برای ما، به این منظور بود که علیرغم شرایط سخت زندگیهای ما، به ما اطمینان نجات ابدی را بدهد. چون خدا با ماست هیچ کس و هیچ چیزی نمی‌تواند در برابر ما بایستد. هیچکس نمی‌تواند ما را از محبت عیسی مسیح جدا کند. عیسی مسیح برای ما مرد تا ترس از مردم، شرایط، شیطان و مرگ را از ما بردارد.

۵	دعا (۸ دقیقه)
دعای در پاسخ به کلام خدا	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعا‌های کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد يا گروه، موضوع " جمعه یادبود مرگ مسیح (جمعه الصلیب) - جشنی که یادآور مرگ مسیح می‌باشد " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از مرقس ۱۱: ۲۰- ۱۴: ۷۲ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (ایمان: رومیان ۴: ۲۰- ۲۱) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱: ۱- ۱۸) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۴

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) مرقس
---	-----------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۱۱: ۲۰-۱۴: ۷۲) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی
---	-------------------------------------------------

مرور: دو نفری مرور کنید. ایمان: رومیان ۴: ۲۰-۲۱.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱: ۱-۱۸
---	---------------------------------------------

هدف از بررسی کتاب مقدس در يك گروه، رشد در مشارکت با عیسی مسیح و شراکت با همدیگر می‌باشد. هدف، کمک به یکدیگر جهت حصول دانش و درک کتاب مقدس و کاربرد حقایق آن در زندگی‌هایمان می‌باشد. به همین دلیل مهم است که اعضای گروه یکدیگر را جهت شرکت در گفتگوهایی که در طول بررسی کتاب مقدس می‌شود، تشویق کنند. سعی و تلاش و نظرات هر عضو مهم می‌باشد. نباید هیچ عضوی در گروه، به دلیل داشتن نظری که ممکن است از نظر الهیاتی کاملاً درست نباشد، احساس کند وجودش مفید نیست. رهبر گروه باید اعضای گروه را تشویق کند به اینکه به کمک یکدیگر حقایق موجود در کتاب مقدس را کشف کرده در مورد آنها گفتگو کنند. هر عضو گروه باید احساس کند زمانیکه صحبت می‌کند، دیگر اعضای گروه او را پذیرفته و سخنانش را جدی می‌گیرند. اعضای گروه نباید با هم در رابطه با یادگیری کلام خدا در رقابت باشند، بلکه باید یکدیگر را ترغیب کنند تا در این قسمت رشد کنند و بتوانند با اعتماد به نفس نظرانشان را بازگو کنند.
نمونه بررسی کتاب مقدس که ذیلاً بیان شده، به طرز بسیار خوبی آماده شده است تا رهبر گروه را در چگونگی بررسی قسمتی از کلام خدا یا پاسخگویی به سوالات سخت اعضای گروه، کمک کند.
وقتی که شما با اعضای گروه خود قسمتی از کتاب مقدس را بررسی می‌کنید، ممکن است اعضای گروهتان موضوعات مختلفی را کشف کرده، در مورد آنها از شما سؤال کنند.
از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، جهت بررسی یوحنا ۱: ۱-۱۸ استفاده کنید.

مقدمه: یوحنا فصل‌های ۱-۱۲ مربوط به خدمت عمومی عیسی می‌باشند. او خود را به مردم بسیاری آشکار ساخت ولی در نهایت توسط آنها طرد شد. یوحنا ۱: ۱-۱۴ جلال و عظمت کلمه را قبل از خلقت، در زمان خلقت، پس از ورود گناه به جهان و در زمانی که خدا در عیسی جسم پوشید، توصیف می‌کند. یوحنا ۱: ۱۵ الی ۲: ۲۲ این حقیقت را بازگو می‌کند که عیسی مسیح، به عنوان کلمه، خود را بر یحیی تعمیم دهنده و شاگردان اولیه او آشکار ساخت.

قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۱: ۱-۸ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید

توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

بنویسید: يك يا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

کشف ۱) در یوحنا ۱: ۱۲-۱۳ حقیقت مهمی برای من در رابطه با فرزند خدا شدن، وجود دارد. این آیه می‌فرماید: "و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند." این آیات به من تعلیم می‌دهند که چگونه می‌توانم فرزند خدا شوم.

الف) هر کس که کلام خدا را بشنود، می‌تواند فرزند خدا گردد. اگرچه عیسی مسیح این جهان را خلق کرد و حتی به جهان آمد و بین مردم زندگی کرد، بسیاری از مردم او را نپذیرفتند. ولی از طرف دیگر بسیاری از مردم هم او را پذیرفتند. او نبوت موجود در لوقا ۲: ۳۴ را به تحقق رساند که می‌فرماید، "اینک این طفل قرار داده شد برای افتادن و برخاستن بسیاری نه تنها در اسرائیل بلکه بر طبق ۱ پطرس ۲: ۶-۸ در جهان." او نشانه و آیتی خواهد بود که بر خلاف آن خواهند گفت تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود. هنگامی که یوحنا می‌گوید: "و کسانی که او را قبول کردند"، منظورش هر کس از هر ملتی در دنیا می‌باشد. عیسی مسیح تنها به جهت نجات یهودیان نیامد، بلکه آمد تا همه مردم از همه ملل و زبانهای دنیا را نجات دهد.

ب) تنها کسانی که به او ایمان آورند فرزندان خدا خوانده خواهند شد. ایمان آوردن به اسم عیسی مسیح، به مفهوم ایمان آوردن به او به آن صورتی است که او خود را در کتاب مقدس آشکار کرده است. هر کس که به این حقیقت در قلب خود ایمان داشته باشد، عیسی مسیح را در قلب و زندگی خود خواهد پذیرفت. پذیرفتن، به مفهوم دعوت عیسی مسیح به قلب و زندگی خود، و درک این حقیقت است که او نجات دهنده است و همینطور به این مفهوم است که اجازه دهیم عیسی مسیح زندگی ما را کاملاً تحت تسلط خود داشته باشد.

پ) عیسی به آنها قدرت می‌دهد تا فرزندان خدا شوند. در حالیکه یهودیان خود را فرزندان ابراهیم می‌پندارند، ایمانداران از خدا قدرت دریافت می‌کنند تا به طور واقعی فرزندان خدا شوند. این بدان مفهوم است که عیسی به آنها اقتدار می‌دهد که به طور واقعی فرزندان خدا باشند، نه صرفاً فرزندان ابراهیم. فرزند خدا شدن به این مفهوم نیست که ایمانداران، تنها در آینده فرزندان خدا خواهند شد، بلکه اشاره به این عمل در زمان حال می‌کند و اینکه ایمانداران از طریق عمل آنی خدا در آنها که در کتاب مقدس تجدیدحیات نامیده می‌شود، فرزندان خدا می‌شوند. آنها عادل شمرده شده، بخشش گناهان را دریافت می‌کنند و صاحب حیات ابدی می‌شوند. و در مقام فرزندان خدا قرار می‌گیرند.

آنها همچنین به مرور و به طور تدریجی بیشتر به شباهت فرزند خدا در می‌آیند که این عمل در کتاب مقدس تحت عنوان تقدیس شدن، ذکر شده است. در واقع ایمانداران هر چه بیشتر در عیسی مسیح رشد کنند، بیشتر از قبل شبیه او خواهند شد. مرحله نهایی فرزند خدا شدن، مربوط به بازگشت عیسی و زمانی است که عیسی را آنگونه که هست خواهیم دید (اول یوحنا ۳: ۱-۳)

ت) فرزند خدا شدن عمل مقتدرانه خدا می‌باشد. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که، هر که به خدا ایمان داشته باشد، از او تولد یافته است.

هنگامیکه من پیغام انجیل را شنیدم، بواسطه آنچه که از نسل والدینم به من رسیده بود، یا به خاطر علائق و اراده و تصمیم شخصی من نبود که فرزند خدا شدم، بلکه این فیض خدا بود. خدا از طریق روح القدس در قلب من عمل کرد و مرا نسبت به گناهانم ملزم کرده، حضور عیسی مسیح را برای من واقعی ساخت و به من هشدار داد که در صورتیکه عیسی را در زندگی خود نپذیرم داوری خواهم شد. خدای روح القدس در من کار تجدیدحیات را انجام داد و از آن زمان به بعد دائماً مرا تبدیل و تقدیس کرده است.

کشف ۲) در یوحنا ۱: ۱۶-۱۷ حقیقت مهمی برای من در رابطه با تفاوت موجود بین شریعت و فیض وجود دارد. این قسمت می‌فرماید، "و از پری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض، زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید." این آیات در مورد تفاوت واقعی میان شریعت و فیض تعلیم می‌دهند.

شریعت در عهد عتیق، متشکل از قوانین اخلاقی، تشریفاتی و مدنی (اجتماعی) بود. هیچ گونه مشکلی در رابطه با این شریعت وجود نداشت. خدا آن را به موسی عطا کرده بود. هدف از آن این بود که مردم بدینوسیله آماده پذیرفتن عیسی به عنوان مسیحی

موجود شوند. شریعت وضعیت گمراه مردم را به آنها نشان می‌داد و همینطور از قبل حکایت از نجات خدا می‌کرد. شریعت قادر به انجام دو کار نبود: قادر نبود آن فیضی را مهیا کند که انسان جهت بخشایش گناهانشان و همچنین در مواقع بحرانی به آن نیاز دارد. همچنین قادر نبود حقیقتی را عرضه دارد که واقعتاً نمونه‌هایی را که بدان اشاره داشت، آشکار می‌کرد. به عنوان مثال، شریعت ماهیت واقعی معبد عهد عتیق، کهنات، قربانیا و غیره را که تصاویر یا نمونه‌هایی از واقعیت‌های عهدجدید بودند، آشکار نکرد (کولسیان ۲: ۱۷؛ عبرانیان ۱۰: ۱). تنها عیسی مسیح قادر بود از طریق مرگ و قیامش، فیض و حقیقت را مهیا کند: فیض را جهت بخشش گناهان و حقیقت را جهت آشکار ساختن ماهیت واقعی نقشه نجات خدا. تنها عیسی مسیح مستحق فیض بود و تنها او تصاویر (نمونه‌های) شریعت عهد عتیق را به تحقق رساند.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بررسی کنید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به اول تیموتاؤس ۶: ۳ - ۱۹ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالات خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالات خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. **در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد). **گفتگو کنید:** (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالات انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۱: ۱ - ۳) "کلمه" کیست و چه کاری را انجام داد؟
ملاحظات: کلمه، عنوان مهمی برای عیسی مسیح می‌باشد.

الف) عیسی مسیح کلمه نامیده شده است، زیرا او خدا را آشکار و توصیف می‌کند. در یک سخنرانی معمولی، کلمه بیان‌کننده افکار یک شخص و آشکار ساختن آن فکر به دیگران می‌باشد. به همین ترتیب عیسی مسیح کلمه نامیده می‌شود، زیرا بازگو کننده افکار و وجود درونی خدا بوده و خدا را به مردم آشکار می‌سازد. مسیح تجلی قابل رؤیت خدای نادیده می‌باشد (کولسیان ۱: ۱۵) و خدای پر جلال را به ما انسانها در قالب کلمات و وجود محدود بشری ما آشکار می‌سازد. تنها عیسی مسیح در نزد خدای پدر حاضر بوده است و به همین دلیل است که از افکار، نقشه‌ها و سخنان او آگاهی دارد. عیسی مسیح آنچه را که ما در رابطه با خدا و نقشه او نیاز داریم بدانیم، برای ما آشکار ساخته است (متی ۱۱: ۲۵ - ۲۷).

ب) عیسی مسیح خداست. انجیل یوحنا مؤکد این حقیقت است که مسیح در رتبه‌ای پایینتر از خدا نبود (عبرانیان ۱: ۳؛ ۱ یوحنا ۵: ۲۰). او از ازل بوده و صاحب همان طبیعتی بوده است که خدای پدر دارا می‌باشد.

پ) عیسی مسیح همواره با خدا بوده است. او هیچوقت مخلوق نبوده است. جهت تأکید بر این حقیقت، در آیات ۱ و ۲، افعال در زمان استمراری خود آمده‌اند. او از ازل به طور همیشگی وجود داشته و همواره در نزدیکترین نوع شراکت با خدای پدر بوده است. و از همان ازل به عنوان یک شخصیت مجزا از خدای پدر بوده است. بنابراین انجیل یوحنا بیانگر سه حقیقت در رابطه با عیسی مسیح می‌باشد: او دارای الوهیت کامل بوده، از ازل وجود داشته است، و در عین حال که در شراکت نزدیک و دائمی با خدای پدر می‌باشد به عنوان شخصیتی مجزا از او بوده است.

ت) عیسی مسیح جهان را خلق کرد. جهت تأکید بر این حقیقت که عیسی مسیح بدون استثنا همه چیز را خلق کرد، آیه ۳ از زمان گذشته فعل استفاده می‌کند. عیسی مسیح آسمانها را با ستارگان بی‌شمارش، و زمین و هر آنچه که در آن است، و همینطور انسانها را خلق کرد.

سؤال ۲) (یوحنا ۱: ۴ - ۵) "عیسی حیات و نور است" به چه مفهومی می‌باشد؟

ملاحظات: عیسی مسیح، حیات نامیده می‌شود، زیرا صفات خدا را بازگو می‌کند. و او نور نامیده می‌شود، زیرا صفات خدا را متجلی و به صورت قابل رؤیتی آشکار می‌کند.

به منظور تأکید بر این حقیقت که از ازل مسیح دارای حیات بود، آیه ۴ از زمان استمراری فعل استفاده می‌کند. اصطلاح حیات، به کمال وجود خدا، به صفات پر جلالش (به عنوان مثال به علم، حکمت، صداقت)، به قدرت، حضور، قدوسیت، محبت، حاکمیت او بر هر چیزی و دیگر موارد اشاره می‌کند. این حیات صرفاً در برگرفته حیات روحانی نیست، بلکه منشأ تمام حیات فیزیکی (جسمانی) و روحانی بر روی زمین است. این حیات همچنین منشأ مکاشفه عام و خاص خدا به بشر می‌باشد.

هنگامی که این حیات به طور قابل رؤیت متجلی می‌گردد، نور نامیده می‌شود. بنابراین عیسی مسیح مکاشفه و تجلی قابل رؤیت خدا و صفات پر جلال او می‌باشد (یوحنا ۱: ۹؛ کولسیان ۱: ۱۵). ما تنها از طریق عیسی مسیح می‌توانیم در مورد خدا و

محبتش آگاه شده، آن را تجربه کنیم. در طول دوران عهد عتیق، عیسی مسیح به عنوان نوری در نوبتها، وعده‌ها، دعوتها و تصاویر (نمونه‌های) عهدعتیق درخشان بود. به عنوان مثال بره فصیح اشاره به عیسی مسیح داشت که خون او گناهان انسانها را پاک کرده و ایمانداران را از خشم خدا برحذر می‌دارد. قربانیهای روزانه در معبد، به مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب اشاره می‌کرد. ماری که بر روی تیری برافراشته شده بود، اشاره به صلیب عیسی مسیح می‌کرد. عیسی مسیح نه تنها در دوران عهدعتیق، بلکه در طول دوران عهدجدید نیز می‌درخشد. او فرمود، "هر که مرا دیده است، پدر را دیده است". تمام صفات، سخنان و اعمال عیسی مکشوف کننده خدای غیر قابل رؤیت می‌باشند.

سؤال ۳) (یوحنا ۱: ۹) عیسی مسیح به چه طریقی همه انسانها را منور می‌سازد؟

ملاحظات: وقتی که شخص پیغام انجیل را می‌شنود، عیسی او را منور می‌سازد. این بدین مفهوم است که عیسی مسیح به او فهم جهت درک امور روحانی را عطا می‌کند. شخص ممکن است متوجه شود که خدا به راستی وجود دارد. یا ممکن است متوجه شود که خود به راستی گناهکار است و در تاریکی زندگی می‌کند و خدا راه نجات را برای تمام کسانی که به او ایمان بیاورند، مهیا کرده است.

ولی چنین درک و فهمی صرفاً منجر به نجات نمی‌شود. بر اساس چهارچوب متن، متوجه می‌شویم که همه نجات نمی‌یابند. آیه ۵ می‌فرماید، همه این نور را تصاحب نکردند. (در ترجمه NIV به مفهوم درک نکردند، می‌باشد). آیه ۱۰ می‌فرماید، همه این نور را نشناختند (در ترجمه NIV: تشخیص ندادند). و آیه ۱۱ می‌فرماید، همه این نور را نپذیرفتند (در ترجمه NIV: دریافت نکردند). بسیاری از مردم، وقتی که پیغام انجیل را می‌شنود، ترجیح می‌دهند در تاریکی زندگی کنند. برخی از مردم نیز بر اساس فیض خدا، مسیح را به عنوان نجات دهنده خود دریافت می‌کنند و نجات می‌یابند. انجیل یوحنا در مورد کفرهای محدود تعلیم می‌دهد که به این مفهوم است که همه در جهان نجات نمی‌یابند. این انجیل همچنین در رابطه با اطمینان نجات تعلیم می‌دهد که به این مفهوم است که هر که نجات می‌یابد، در وضعیت نجات یافته خود باقی می‌ماند.

سؤال ۴) (یوحنا ۱: ۱۰) کلمه "جهان" به چه مفهومی است؟

ملاحظات: کلمه "جهان" دارای معانی متفاوتی در انجیل یوحنا می‌باشد.

الف) یوحنا ۱۷: ۵؛ ۱۰: ۱. عیسی قبل از خلقت جهان در حضور خدا صاحب جلال بود و جهان توسط او خلق شد. در اینجا، جهان به مفهوم دنیایی است که در انتظام خلق شده است.

ب) یوحنا ۷: ۴. برادران عیسی می‌گفتند، عیسی باید خود را به جهان آشکار سازد. در اینجا، جهان به مفهوم، عموم مردم می‌باشد.

پ) یوحنا ۱: ۹؛ ۳: ۱۹. عیسی می‌فرماید که نور به جهان آمده است. در اینجا، جهان اشاره به بشر گمراه و گناهکاری می‌کند که دور از خدا، غرق در گناه، زیر محکومیت خدا و نیازمند نجات می‌باشد.

ت) یوحنا ۱: ۲۹. یوحنا می‌فرماید، عیسی بره خداست که گناه جهان را برمی‌دارد. در اینجا، جهان به مفهوم هر فردی که تا به حال در جهان زیست کرده است، نمی‌باشد، زیرا کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که همه مردم نجات خواهند یافت. بلکه در این چهارچوب، جهان به مفهوم مردم گمراه و گناهکار از هر قبیله، ملت و زبانی بر روی زمین می‌باشد. در واقع این مفهوم، معادل مفهومی است که در قسمت ج، آمده است، با این تفاوت که در این قسمت به این حقیقت اشاره شده است که هیچ تمایزی بین مردم از نظر نژاد و ملیت وجود ندارد. بنابراین جهان، دربرگیرنده تمام مردم از تمام قبایل و ملل دنیا می‌باشد. معادل این مفهوم در یوحنا ۳: ۱۶ وجود دارد که می‌فرماید، خدا مردم را از هر قبیله، ملت و زبانی در دنیا دوست دارد.

سؤال ۵) (یوحنا ۱: ۱۴) مفهوم کلمه "جسم" چیست؟

ملاحظات: کلمه جسم، در انجیل یوحنا حاوی مفاهیم متفاوتی می‌باشد.

الف) یوحنا ۱: ۱۳-۱۴. یوحنا می‌فرماید که شخص ایماندار از خدا متولد می‌شود، نه از جسم. در اینجا جسم، به مفهوم انسان یا طبیعت انسانی، بدون هیچ‌گونه ارزش منفی اخلاقی، می‌باشد. کار تجدیدحیات از ابتدا تا انتها کار خدا است، نه کار انسان. یوحنا همچنین در یوحنا ۱: ۱۴ می‌فرماید، عیسی جسم گردید. باز در این چهارچوب، جسم به مفهوم انسان یا طبیعت انسانی، بدون هیچ‌گونه ارزش منفی اخلاقی، می‌باشد. بنابراین عیسی اگرچه بدون گناه بود، ولی به خاطر لعنت گناه که بر بشر قرار داشت، تا زمان قربانی‌اش بر روی صلیب، مانند هر انسانی، خصوصیات طبیعت انسانی ضعیف را در خود داشت (مانند خستگی، درد، سختی و مرگ).

ب) یوحنا ۳: ۶. عیسی می‌فرماید، آنچه که از جسم مولود شده باشد، جسم است، و آنچه که از روح مولود شده باشد، روح است. در اینجا جسم به معنای طبیعت انسانی به عنوان جایگاه و وسیله‌ای برای خواسته‌های گناه‌آلود می‌باشد؛ و در واقع

اصطلاحی است که طبیعت انسان را آنطور که هست توصیف می‌کند. پولس رسول غالباً از کلمه جسم، در این مفهوم استفاده می‌کند.

پ) یوحنا ۶: ۵۱-۵۶. عیسی می‌فرماید، "اگر جسد پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید". در اینجا عیسی به طور مرموز و غیر مستقیم در رابطه با قربانی نیابتی خود بر روی صلیب صحبت می‌کند. وقتی عیسی می‌گوید که باید بدن او را بخوریم، منظورش این است که باید با ایمان آن را قبول کنیم تا صاحب حیات جاودان شویم.

ت) یوحنا ۸: ۱۵. عیسی می‌فرماید، فریسیان به حسب جسم حکم می‌کنند. در اینجا، جسم به ظاهر انسان و معیارهای انسانی اشاره می‌کند.

سؤال ۶) (یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸). ما چگونه باید اصطلاح "پسر یگانه خدا" را درک کنیم؟

ملاحظات: اصطلاح پسر یگانه خدا به هیچ چیزی که وابسته و مربوط به دنیای انسانی باشد، و همچنین به هیچ نقطه آغازی در گذشته اشاره نمی‌کند. این اصطلاح به رابطه پدر و پسر در چهارچوب تثلیث، اشاره دارد. یوحنا ۳: ۱۶ این حقیقت را ثابت می‌کند که مسیح، پسر یگانه پدر قبل از تجسمش بود. در بهترین و قدیمی‌ترین نسخه‌های کتاب مقدس، به جای اصطلاح "پسر یگانه خدا" در یوحنا ۱: ۱۸، اصطلاح "خدای یگانه" آمده است. و به خاطر اینکه خدا ابدی است، اصطلاح "یگانه" اشاره به ابدی بودن مسیح به عنوان پسر خدا در چهارچوب تثلیث می‌کند. این بدین مفهوم است که مسیح از ازل پسر خدا بوده است. از ازل، خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس در ارتباط منحصر به فردی، با هم بوده‌اند.

قدم ۴: بکاربیرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱: ۱-۱۸ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (یوحنا فصل ۱)

- ۱: ۱۲؛ صرفاً داشتن دانش و آگاهی در مورد عیسی مسیح کافی نیست. او را در قلب و زندگیتان بپذیرید.
- ۱: ۱۳؛ شخصی که از خدا مولود شده باشد، عیسی مسیح را در قلب و زندگیش می‌پذیرد.
- ۱: ۱۶؛ به واسطه پری و کاملیتی که در عیسی مسیح وجود دارد، برکات خدا را دریافت کنید. این برکات مانند موجهای دریا به سمت شما سرازیر می‌شود.
- ۱: ۱۷؛ مفهوم واقعی تصاویر (نمونه‌های) عهدعتیق، مانند معبد، قربانیهای خونی، و روز سبت، تنها توسط عیسی مسیح در دوران عهدجدید مکتوف شده است.
- ۱: ۱۸؛ عیسی مسیح خدای غیر قابل رؤیت را به ما آشکار می‌سازد.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم به مسیحیان کمک کنم تا در مورد پذیرش عیسی مسیح در قلب و زندگی‌شان اطمینان داشته باشند. یوحنا فصل ۱ هشدار می‌دهد به این که در این جهان بسیاری هستند که تاریکی را بیشتر از نور دوست دارند. این افراد عیسی مسیح را نمی‌پذیرند، و ارزش حضور او را در زندگی‌شان درک نکرده، او را انکار می‌کنند. عیسی مسیح می‌فرماید، هر کس که او را قبول کند، در همان لحظه فرزند خدا می‌شود و در طول زندگی خود در شباهت به مسیح رشد می‌کند.

ب) من می‌خواهم دائماً تحت فیض و راستی زندگی کنم نه تحت شریعت. در اطراف خود افرادی را می‌بینم که این اعتقاد را دارند که مذهب و اعمال خوب باعث نجات آنها می‌شود. ولی یوحنا فصل ۱ تعلیم می‌دهد که اعمال شریعت قادر به بخشش و نجات ما نیست. مردم تنها زمانی نجات می‌یابند که عیسی مسیح را در قلب و زندگی خود بپذیرند، در این زمان است که زندگی‌شان معنا و مفهومی جدید پیدا خواهد کرد.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱: ۱-۱۸ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

دعا (۸ دقیقه)	۵
دعای شفاعت	

به دعا کردن در گروه‌های دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا ۱: ۱-۱۸" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از مرقس ۱۵: ۱-۱۶: ۲۰ و اول قرن‌تینان فصل ۱ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (فروتتی: فیلیپیان ۲: ۳-۴) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته‌های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۵

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) مرقس و اول قرنیتیان
---	--------------------------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۱۵: ۱-۱۶: ۲۰ و اول قرنیتیان ۱) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی
---	-------------------------------------------------

مرور: دو نفری مرور کنید. فروتنی: فیلیپیان ۲: ۳-۴.

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) عید قیام- جشنی که یاد آور رستاخیز (قیام) مسیح می باشد
---	---------------------------------------------------------------------------

مقدمه: قیام، عیدی مسیحی است که در آن روز ما رستاخیز (قیام) عیسی مسیح را به یاد می‌آوریم. در این درس در رابطه با آنچه که کتاب مقدس در رابطه با قیام عیسی مسیح و تأثیر آن بر مسیحیان تعلیم می‌دهد مطالبی خواهیم آموخت. همچنین خواهیم آموخت که چگونه در مورد قیام او پیشگویی شده بود، چه اتفاقی در زمان قیام او افتاد، و چرا قیام او برای ما حائز اهمیت است.

الف - نبوت‌های موجود در رابطه با قیام عیسی مسیح

۱- نبوت‌های موجود در عهدعتیق در رابطه با قیام عیسی مسیح

الف) بخوانید: ایوب ۱۹: ۲۵-۲۷.
تعلیم دهید: کتاب ایوب به احتمال زیاد قدیمی‌ترین کتاب در عهدعتیق و مربوط به سال‌های ۱۹۰۰ سال قبل از میلاد می‌باشد. در چنین زمان دوردستی از تاریخ، ایوب می‌گوید که او در رابطه با قیام رهاننده خود در آینده (یعنی عیسی که خداست و بر زمین بر خواهد خاست)، و اینکه او خود نیز قیام خواهد کرد، آگاه می‌باشد. او می‌گوید: "می‌دانم که رهاننده من زنده است و در ایام آخر بر زمین خواهد برخاست و بعد از آنکه این پوست من تلف شود، بدون جسد من نیز خدا را خواهم دید."

ب) بخوانید: مزمو ۱۶: ۸-۱۱.
تعلیم دهید: در حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد، داود پادشاه گفت که خدا عیسی را در عالم اموات ترك نخواهد کرد، و قدوس خود را نخواهد گذاشت که فساد را ببیند (اعمال ۲: ۲۲-۲۳).

پ) بخوانید: مزمو ۱۱۸: ۲۲-۲۴.
تعلیم دهید: سنگی را که معماران رد کردند، همان "سنگ زاویه" شده است. سنگ زاویه، سنگ اصلی و بنیادین ساختمان بود. مسیحای موعود، که یهودیان او را رد کرده، مصلوبش کردند، منجی قیام کرده است. او سرنوشت تمام انسانهای روی زمین را مشخص خواهد نمود (متی ۲۱: ۴۲-۴۴؛ ۱ پطرس ۲: ۴-۸).

ت) بخوانید: اشعیا ۵۳: ۱۱-۱۲. به ضمیمه ۱ مراجعه کنید.
تعلیم دهید: در حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد، اشعیا نبی نبوت کرد که بنده عادل خدا (عیسی) قیام کرده، تا ابد زیست خواهد کرد.

ث) **بخوانید:** اشعیا ۲۵: ۸.
تعلیم دهید: اشعیا همچنین در رابطه با قیام جسمانی انسانها نبوت کرد. او در حالیکه نظر به بازگشت عیسی مسیح داشت، نبوت کرده، گفت: "و موت را تا ابدالابد نابود خواهد ساخت و خداوند یهوه اشکها را از هر چهره پاک خواهد نمود...". عیسی مسیح در زمان بازگشتش، هم عادلان و هم شریران را برمی‌خیزاند و آنان را بر اساس ایمان یا بی ایمانی‌شان داوری خواهد کرد. ایمانداران حیات ابدی را و بی ایمانان مجازات ابدی را وارث خواهند شد (متی ۲۵: ۴۶؛ اعمال ۲۴: ۱۵).

۲ - نیوتهای موجود در عهدجدید در رابطه با قیام عیسی

تعلیم دهید: عیسی مسیح، بارها قبل از مرگ و قیامش، در مورد این دو واقعه پیشگویی کرد. در مرقس ۸: ۳۱، ۹: ۳۱ و ۱۰: ۳۳-۳۴، او به وضوح نبوت کرد که سه روز پس از مرگش قیام خواهد کرد. عیسی مسیح در رابطه با طول زمان سخن نمی‌گوید (پس از سه روز کامل)، بلکه به نقطه خاصی از زمان اشاره می‌کند (در روز سوم پس از مصلوب شدنش) (یوحنا ۲: ۱۹، در سه روز).

ب - وقایع مربوط به قیام عیسی مسیح

۱ - زمان قیام عیسی مسیح

بخوانید: مرقس ۱۶: ۱-۶.
تعلیم دهید: عیسی سه روز پس از مصلوب شدنش قیام کرد. او روز یکشنبه، صبح بسیار زود، که در کتاب مقدس "روز اول هفته" نامیده می‌شود، قیام کرد. به خاطر واقعه قیام عیسی در روز یکشنبه، مسیحیان در تمام جهان، عید قیام را در روز یکشنبه جشن می‌گیرند و هر یکشنبه جهت پرستش خدا با هم جمع می‌شوند.

۲ - زمانی که بر سر قبر آمدند.

بخوانید: متی ۲۸: ۱؛ مرقس ۱۶: ۱؛ لوقا ۲۴: ۹-۱۰؛ یوحنا ۲۰: ۱-۲.
کشف و گفتگو کنید: روز یکشنبه، صبح زود، چند نفر زن بر سر قبر آمدند؟
ملاحظات: در میان نوشته‌های چهار انجیل، هیچ تناقضی در مورد واقعه رفتن زنان بر سر قبر وجود ندارد. لوقا اشاره می‌کند به اینکه بیش از سه زن در آنجا حضور داشتند، در حالیکه متی تنها به دو مریم اشاره می‌کند. مرقس در گزارش خود به سالومه، و لوقا به یونا اشاره می‌کند. یوحنا نیز فرض را بر این می‌گیرد که خوانندگان از گزارشهای سه انجیل دیگر مطلع هستند. اگر چه یوحنا ۲۰: ۲ به بیش از یک زن اشاره می‌کند، یوحنا داستان خود را محدود به مریم مجدلیه می‌کند. همچنین هیچ تناقضی بین نوشته‌های چهار انجیل در رابطه با زمانی که زنان بر سر قبر رفتند وجود ندارد. زمانیکه زنان شروع به رفتن کردند هنوز هوا تاریک بود (یوحنا)، و زمانیکه بر سر قبر رسیدند آفتاب تازه طلوع کرده بود (مرقس).

۳ - نگهداری که بر سر قبر بودند.

بخوانید: متی ۲۷: ۶۲-۶۳؛ ۲۸: ۱۵.
کشف و گفتگو کنید: چگونه وجود نگهداران سر قبر، این حقیقت تاریخی را که عیسی به راستی قیام کرده است به طور قوی اثبات می‌کند؟
ملاحظات: به منظور اینکه بدن عیسی دزدیده نشود، فرماندار، از رؤسای کهنه و فریسیان خواست که سنگ را مختوم کرده، نگهدارانی جهت محافظت آن مقرر کنند. قبر با مهر امپراطوری روم و نقش و نشان پیلاتس مختوم شد. نگهدارانی متشکل از ده الی سی سرباز رومی در قسمت بیرونی قبر قرار گرفته بودند تا هیچ کس نتواند به آن نزدیک شود. البته در زمان وقوع زلزله، که همزمان با قیام مسیح واقع شد، این سربازان وحشت زده شده، فرار کردند. سپس رهبران مذهبی بهود به این سربازان مقدار زیادی رشوه دادند تا این شایعه را پخش کنند که زمانیکه شب هنگام آنها خواب بودند، شاگردان، بدن عیسی را دزدیدند. البته سربازان رومی جرأت نمی‌کردند از وظیفه خود تخطی کرده، به خواب بروند. در هر صورت امروزه این شایعه که بدن عیسی قیام نکرده بلکه دزدیده شده است، کماکان توسط برخی از مردم پخش می‌شود.

۴ - سنگی که قسمت ورودی قبر را بسته بود.

بخوانید: مرقس ۱۵: ۴۶-۱۶؛ ۴: ۲۸؛ ۲
کشف و گفتگو کنید: چه کسی سنگی را که قسمت ورودی قبر را بسته بود، غلطاند؟
ملاحظات: یک سنگ گرد و مسطح، قسمت ورودی قبر را بسته بود. این سنگ به حدی سنگین بود که جهت غلطاندن آن، نیاز به چهار مرد نیرومند بود.

در متی می‌خوانیم که در ابتدا زلزله‌ای واقع شد و بعد فرشته خداوند از آسمان نازل شد. این فرشته سنگ را از شیاری که در آن قرار گرفته بود غلطاند به صورتی که این سنگ به پهلو بر زمین قرار گرفت. سپس فرشته روی آن سنگ نشست. غلطانده شدن سنگ از قسمت ورودی قبر به سمتی دیگر بدون کمک هیچ انسانی، نشانه‌ای از غلبه خدا بر مرگ بود. زنان شاهد این ماجرا نبودند بلکه تنها نتیجه آن را دیدند. فرشته سنگ را غلطانده بود نه به خاطر این که عیسی از قبر بیرون بیاید بلکه به این دلیل که زنان و دیگران بتوانند وارد قبر شوند.

۵- فرشتگانی که سر قبر بودند.

بخوانید: متی ۲۸: ۲-۳؛ مرقس ۱۶: ۵؛ لوقا ۲۴: ۴؛ یوحنا ۲۰: ۱۱-۱۲.

کشف و گفتگو کنید: چند نفر فرشته سر قبر بودند؟

ملاحظات: متی به يك فرشته که روی سنگ قبر نشسته بود، مرقس به يك فرشته که در طرف راست قبر نشسته بود، و لوقا به دو فرشته که به طور ناگهانی در مقابل زنان در داخل قبر ایستادند، اشاره می‌کنند. یوحنا این موضوع را عنوان می‌کند که مریم مجدلیه کمی پس از آن، دو فرشته را در داخل قبر مشاهده کرد. در بین چهار انجیل هیچ تناقضی در رابطه با تعداد فرشتگان وجود ندارد، زیرا متی و مرقس بیان نمی‌کنند که تنها يك فرشته وجود داشت. حداقل دو فرشته در این واقعه وجود داشت که با زنان نیز سخن گفتند.

۶- پارچه کتانی که در قبر وجود داشت.

بخوانید: یوحنا ۱۹: ۳۸-۲۰؛ مرقس ۱۶: ۱-۸؛ لوقا ۲۴: ۱-۱۲.

کشف و گفتگو کنید: چگونه پارچه کتانی داخل قبر، بدون وجود بدن عیسی در آن، می‌تواند حقیقت تاریخی قیام عیسی را به طور قوی اثبات کند؟

ملاحظات: بر طبق رسم آن زمان، یوسف رامه‌ای و نیکودیموس بدن عیسی را در پارچه‌ای کتانی که با مواد خوشبو معطر شده بود، پیچیدند. پس از آن او را در قبری تازه که متعلق به یوسف بود قرار دادند. زمانیکه زنان به سر قبر رسیدند، متوجه شدند که سنگ جلو قبر، به سمتی دیگر غلطانده شده است. فرشتگان آنها را به سمت داخل قبر هدایت کردند تا مکانی را که عیسی بر آن قرار گرفته بود مشاهده کنند. و وقتیکه ایشان داخل شدند و بدن عیسی را نیافتند، ترسان و لرزان از قبر خارج شده و از آن مکان دور شدند. در ابتدا به هیچ کس چیزی در این مورد نگفتند (مرقس)، ولی پس از آن، شاگردان عیسی را از این امر مطلع ساختند. مریم مجدلیه فکر می‌کرد که بدن عیسی به جای دیگری منتقل شده است. او با سرعت به نزد پطرس و یوحنا رفته، موضوع را به آنان گفت (یوحنا). زنان دیگر نیز این موضوع را به شاگردان دیگر عیسی اطلاع دادند، ولی ایشان سخنان زنان را افسانه پنداشته، باور نکردند (مرقس و لوقا).

در همان حین، پطرس و یوحنا به سمت قبر دویدند. وقتیکه داخل قبر شدند، پارچه کتانی را که دور عیسی پیچیده شده بود، دیدند بدون اینکه بدن عیسی در آن باشد. آنها همچنین پارچه‌ای را که دور سر عیسی پیچیده شده بود، و جدا از پارچه دیگر بود، دیدند (یوحنا).

پارچه‌های کتان که کماکان به شکل پيله ابریشم خالی مانده بود، نشان‌دهنده این است که به‌هنگام قیام مسیح، این پارچه‌ها نمی‌توانستند بدن عیسی را نگاه دارند. این موضوع که پارچه‌های کتان حتی پس از قیام مسیح دست‌نخورده در داخل قبر بود (اما به شکل پيله‌ای خالی)، به طور قوی این حقیقت را ثابت می‌کند که هیچ کدام از شاگردان یا دشمنان عیسی، بدن او را از آنجا برنداشته بود. این شواهد برای پطرس و یوحنا جهت ایمان آوردن به این واقعه کافی بود. آنها شاهد اموری بودند که خدا اجازه داده بود اتفاق بیفتد تا بدین وسیله ایمان آنها تقویت شود. از آن زمان به بعد کلام خدا نیز دارای مفهوم دیگری برای آنها شد. قبلاً آنها قسمتهایی از کلام را مانند مزمو ۱۶: ۱۰-۱۱، مزمو ۱۱۸: ۲۲-۲۴ و اشعیا ۵۳: ۱۱-۱۲ درک نکرده بودند. ولی پس از این واقعه، مفهوم این قسمت‌ها برای آنها آشکار شد. آنها فهمیدند که قیام عیسی مسیح یکی از الزامات الهی بود (لوقا ۹: ۲۲، ۴۴-۴۵؛ ۱۸: ۳۱-۳۴؛ ۲۲: ۳۷؛ ۲۴: ۴۴). پس از پنطیکاست، این حقیقت حتی بیشتر از قبل برای آنها آشکار شد.

۷- ملاقات در جلیل

بخوانید: متی ۲۸: ۵-۷، ۱۶-۱۷؛ لوقا ۲۴: ۳۳-۳۶؛ یوحنا ۲۰: ۱۷-۲۰.

کشف و گفتگو کنید: عیسی مسیح پس از قیامش، شاگردان خود را در کجا ملاقات کرد؟

ملاحظات: فرشته‌ها به زنان گفتند که عیسی قبل از شاگردانش به جلیل می‌رود. البته چنین به نظر می‌رسد که اولین ظهورات عیسی بر مردم پس از قیامش، در اورشلیم بود، نه در جلیل. این موضوع بیانگر نوعی تناقض نیست، زیرا عیسی قادر به انجام کارهایی و رای آنچه که وعده داده هست می‌باشد. البته وقتی که بعدها به جلیل رفت، شاهدی دال بر این حقیقت وجود ندارد که او قبل از شاگردانش به جلیل نرسیده باشد.

۸- شاهدین عینی قیام عیسی مسیح

بخوانید: اعمال ۱: ۳؛ مرقس ۱۶: ۹-۱۴؛ اول قرنتیان ۱۵: ۱-۸..

کشف و گفتگو کنید: چگونه این موضوع که عیسی پس از قیام خود بر افراد مختلف ظاهر شد، این حقیقت تاریخی را اثبات می‌کند که او به راستی قیام کرده بود؟

ملاحظات: قیام عیسی مسیح در خفا صورت نگرفت. در عین حال که علوم طبیعی متکی به آزمایشها و اثبات تجربی يك موضوع هستند، علوم تاریخی متکی به شهادت شاهدین قابل اعتماد می‌باشد. صدها نفر شاهد واقعه قیام بودند. بنابراین واقعه قیام يك حقیقت تاریخی غیر قابل انکار می‌باشد، و علوم طبیعی مدرن هیچ توضیح و دلیلی برای این واقعه مافوق الطبیعی ندارند.

در اعمال ۱: ۳ می‌خوانیم که عیسی پس از زحماتش، خود را به طور خاص به شاگردان خود آشکار کرد و به آنها دلایل متقاعد کننده زیادی دال بر زنده بودنش نشان داد. او به مدت چهار روز بر آنها آشکار شد. هنگامیکه شما چهار انجیل را همزمان با هم مطالعه کنید، متوجه خواهید شد که در روز یکشنبه‌ای که او قیام کرد، حداقل پنج بار خود را به اشخاص آشکار کرد. ابتدا در صبح آن روز، او به مریم مجدلیه در کنار باغ نزدیک به قبر، (یوحنا ۲۰)، سپس به زنان دیگری که قبر خالی را مشاهده کرده بودند، ظاهر شد (متی ۲۸). در بعد از ظهر آن روز او به پطرس و سپس به دو نفر از پیروانش در راه عمواس ظاهر شد (لوقا ۲۴). در عصر آن روز او به شاگردانش به جز توما (لوقا ۲۴)، و يك هفته پس از قیام، به تمام شاگردانش که توما هم در بین آنها بود، ظاهر شد (یوحنا ۲۰). پس از آن خود را به افراد زیر ظاهر ساخت: به هفت نفر از شاگردان در کناره دریای طبری (یوحنا ۲۱)، بر یازده شاگرد بر روی کوه جلیل (متی ۲۸)، به بیش از ۵۰۰ نفر از برادران، به یعقوب، و جمیع رسولان (اول قرنتیان ۱۵: ۶-۷)، به رسولان در اورشلیم (اعمال ۱: ۴)، به یازده شاگرد بر کوه زیتون در زمان صعودش (اعمال ۱: ۶)، و در نهایت به پولس در راه دمشق (اول قرنتیان ۱۵: ۸).

قیام عیسی يك حقیقت تاریخی بنیادین می‌باشد.

پ - اهمیت قیام عیسی مسیح برای ما

تعلیم دهید: هیچ پیامبری که در طول تاریخ وجود داشته یا ادعای پیامبری کرده است، تا به حال از میان مردگان قیام نکرده است. تمام پیامبران مذاهب دیگر کماکان در قبر خود آرامیده‌اند. عیسی مسیح، تنها انسانی است که از میان مردگان برخاسته و زنده است. این موضوع اثبات کننده این حقیقت است که عیسی مسیح بزرگترین پیامبر تمام اعصار می‌باشد. قیام او ثابت کننده این حقیقت است که خدا مرگ او را به عنوان کفاره‌ای برای گناهان بشر قبول کرده و از تمام ادعاهای او را تأیید کرده است. قیام عیسی مسیح تجلی قابل رؤیت مقام پر جلال او، شاهی بر معتبر بودن تمام ادعاهای او، و اعلام قوی و مؤثر حقیقی بودن تمام تعالیم او می‌باشد.

۱- اولین نتیجه قیام مسیح

بخوانید: فیلیپیان ۲: ۵-۱۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۴۲-۴۶؛ رومیان ۱: ۳-۴.

تعلیم دهید: اولین نتیجه قیام و جلال یافتن مسیح در رفیع‌ترین جایگاه در عالم هستی، این حقیقت را آشکار کرد که خدای پدر کار تکمیل شده نجات توسط مسیح را قبول کرده است. چون عیسی مسیح خود را فروتن ساخته تا به موت صلیب مطیع گردید، از این جهت خدا نیز او را به غایت سرافراز نمود و نامی را که فوق از جمیع نامهاست بدو بخشید تا به نام او هر زانویی خم شود.

الف) طبیعت انسانی عیسی مسیح قبل و پس از قیامش

رومیان ۱: ۳-۴ تعلیم می‌دهد که این جایگاه رفیع عیسی مسیح چه خصوصیتی داشت. جهت درک رومیان ۱: ۲-۴، بیان ساده زیر از همین آیات به ما کمک خواهد کرد: "انجیل خدا مربوط است به پسر ابدی خدا در دو مرحله زمانی از طبیعت انسانی او: پیش و پس از قیامش".

۱) طبیعت انسانی او پیش از قیامش. پسر ابدی خدا به دنیا آمد. این بدان معنی است که او بدون کنار گذاشتن طبیعت الهی‌اش، طبیعتی انسانی بر خود گرفت. این عمل "تجسم یا حقیر شدن" خوانده می‌شود. به خاطر اینکه عیسی از نسل داود بود، طبیعت انسانی او به صورت بدنی با تمام ضعفهای انسانی نمایانگر شد.

۲) طبیعت انسانی او پس از قیامش. پسر ابدی خدا در مقام "پسر قدرتمند خدا" مقرر شد. این را "وضعیت جلال یافته او" می‌نامند. به دلیل قیام عیسی از مردگان، وجه مشخصه این بعد از طبیعت انسانی او، "روح کامل قدوسیت" بوده است. مقرر گشتن او در مقام "پسر قدرتمند خدا"، همچنین به خداوندی او اشاره دارد، که وجه مشخصه آن قدرت کامل روح القدس می‌باشد. بنابراین او "عیسی مسیح خداوند ما" نامیده می‌شود.

(ب) تناقض موجود میان رومیان ۱: ۳ و ۱: ۴.

این تناقض میان طبیعت انسانی و الهی مسیح نیست، زیرا عیسی مسیح به طور ابدی پسر خدا و دارای طبیعت الهی می‌باشد. آیه ۳ بازگوکننده این حقیقت است که انجیل خدا در رابطه با "پسر" می‌باشد. اصطلاح "پسر" در این آیه اشاره به طبیعت الهی و ابدی عیسی می‌کند که قبل از تجسم، به‌هنگام قیام و پس از قیامش آن را دارا بوده است. تقابل موجود میان آیات ۳ و ۴ بیشتر میان دو عنصر موجود بین طبیعت انسانی او، یکی پس از تولد و دیگری پس از قیامش می‌باشند. در هر دو برهه از زمان، این دو عنصر طبیعت انسانی او، قابل تفکیک از طبیعت الهی او نمی‌باشند. تضاد موجود، میان "پست و حقیر بودن" طبیعت انسانی عیسی پس از تولد، و "جلال یافتن" این طبیعت پس از قیام او از میان مردگان می‌باشد. آیه ۳ توصیف‌کننده جایگاهی است که عیسی در زمان تولدش داشت، در حالیکه آیه ۴ بیانگر جایگاهی است که در نتیجه قیام از مردگان آن را کسب کرد.

(۱) در آیه ۳، عیسی مسیح به عنوان پسر خدا به تصویر کشیده شده است که با تولدش طبیعت انسانی بر خود گرفت. اولین بُعد تجسم مسیح، بین تولد و قیامش می‌باشد که مؤکد این حقیقت است که عیسی مسیح کاملاً انسان و دارای بدنی جسمانی بود. واقعه تاریخی تولد عیسی، بیانگر این موضوع است که او از نظر تاریخی از نسل داود و از قبیله یهودا بود که زیر شریعت یهود، و از یک باکره به دنیا آمد. او از طریق تولدش، به طور کامل طبیعت انسانی را مشابه طبیعت انسانی یک انسان سقوط کرده بر خود گرفت، با این تفاوت که او مانند دیگر انسانها مرتکب گناه نشد. طبیعت انسانی عیسی، نه به دلیل اینکه در او گناهی بود، بلکه به خاطر گناهان بشر خطاکار و اینکه به خاطر گناهان آنها بر روی صلیب مصلوب می‌شد، طبیعتی ضعیف و ناتوان بود.

(۲) در آیه ۴، عیسی مسیح به عنوان پسر ابدی خدا به تصویر کشیده شده است که توسط قیامش در جایگاه رفیع خداوندی قرار گرفت. دومین بُعد تجسم مسیح، پس از قیامش بود، که وجه مشخصه آن، "روح بودن آن" به طور کامل (روح قدوسیت به مفهوم روح القدس است) می‌باشد. واقعه تاریخی قیام مسیح، او را از نظر شرایط تاریخی و ابدی، در جایگاهی قرار داد که کاملاً تحت تسلط روح القدس بود. عیسی مسیح به‌واسطه قیامش، طبیعت انسانی ضعیف خود را کنار گذاشته، با گناه و مرگ قطع رابطه کرد. از آن زمان به بعد طبیعت انسانی او تغییر شکل یافته، به طور کامل تحت کنترل روح القدس قرار گرفته و با او یک شده است. به همین دلیل است که در دوم قرننیا ۳: ۱۷ نوشته شده است، "خداوند (مسیح) روح است." در اول قرننیا ۱۵: ۴۶، مسیح، "روح حیاتبخش" نامیده شده است. به همین ترتیب، در رومیان ۱: ۴، وجه مشخصه طبیعت قیام کرده انسانی او، "روح قدوسیت" می‌باشد. او پیروزمندانه در جایگاه و مقام قدرتمندی قرار گرفت، به طوری که برای تمام آن چیزهایی بود که در زمان تجسم او بر زمین به خاطر محدودیتهای طبیعت انسانی‌اش به او نسبت داده شده بود (متی ۲۸: ۱۸). پس از قیام، طبیعت انسانی عیسی مسیح، خداوندی کامل قدرت روح القدس می‌باشد.

۲- دومین نتیجه قیام مسیح

بخوانید: یوحنا ۲: ۱۸-۲۲؛ مرقس ۱۴: ۵۷-۵۸.

نتیجه دوم قیام مسیح این بود که عیسی معبدی جدید با نظام جدید پرستشی، بنیان گذاشت. این معبد، کلیسا است که در آن خدای پدر در روح و راستی پرستش می‌شود.

تعلیم دهید: یوحنا ۲: ۱۸-۲۲ مرگ عیسی تفسیر و تعبیر می‌کند؛ این تفسیر در قالب موضوع خراب شدن معبد زمان عهد عتیق با تمام مراسم و آیینهای آن صورت می‌گیرد؛ همین آیه‌ها قیام عیسی را در رابطه با ساختن معبدی جدید با پرستش مخصوص به آن بررسی می‌کند.

الف) تصویر و مفهوم آن

مفهوم عیسی از این جمله چه بود: "این قدس (معبد) را خراب کنید و من در سه روز آن را بر پا خواهم نمود"؟ این جمله تصویری است در عهدجدید در رابطه با مرگ و قیام مسیح. عیسی مسیح بیش از سه سال قبل از مصلوب شدن و قیامش، این نبوت مهم را در رابطه با مرگ و قیامش کرد. این نبوت به شکل یک معما بود، زیرا کلمات موجود در آن هر کدام دارای دو مفهوم بودند. کلمه "معبد" ممکن است هم اشاره به "معبد ساخته شده به سنگها" در اورشلیم، و هم اشاره به "معبد بدن" داشته باشد. کلمه "خراب کردن" می‌تواند هم اشاره به "در هم کوبیدن" ساختمان، و هم اشاره به "از بین بردن" بدن داشته باشد. و کلمه "برپا نمودن" ممکن است هم اشاره به "بنای مجدد" یک ساختمان، و هم اشاره به "قیام" بدن بکند.

پس مفهوم تمام این جمله بدین صورت است: "اگر چه توسط مصلوب کردن من، شما یهودیان معبد بدن مرا از بین می‌برید، من در سه روز قیام خواهم کرد. و اگر چه در نتیجه کشتن من، شما همچنین معبدهای سنگی خود و تمام آیینهای مذهبی مربوط به آن را در هم می‌کوبید، من با قیام خود معبدی جدید با شیوه‌های جدید پرستش بنا خواهم کرد. منظور عیسی بنای کلیسا بود که در آن خدای پدر در روح و راستی پرستش خواهد شد (یوحنا ۴: ۲۳-۲۴).

(ب) تصویر نمی‌تواند جدا از تحقق خود باشد.

در اصطلاح الهیاتی، "نمونه نمی‌تواند از اصل خود جدا باشد". نمونه یعنی شخص، واقعه یا چیزی که به عنوان یک تصویر عمل می‌کند. در واقع نمونه، تصویر واقعه‌ای در آینده می‌باشد، که اصل نامیده می‌شود. خیمه یا معبد اسرئیل، به عنوان مکانی که خدا در آن سکونت می‌کرد، یک تصویر می‌باشد. و بدن عیسی که به مفهومی برتر، محل سکونت خدا می‌باشد، تحقق این

تصویر می باشد (یوحنا ۱: ۱، ۱۸؛ ۱۴: ۹-۱۰؛ کولسیان ۱: ۱۵؛ ۲: ۹). بنابراین هر کس که بدن عیسی مسیح را رد کند یا آن را تخریب نماید، معبد اورشلیم را با تمام سیستم پرستشی آن تخریب خواهد کرد.

هنگامی که عیسی مسیح مصلوب شد، ساختمان معبد و تمام سیستم پرستشی آن دیگر مفهوم خود را از دست داد. به همین دلیل است که وقتی که عیسی بر روی صلیب مرد، پرده معبد از میان شکافت (متی ۲۷: ۵۱). بر اساس این واقعه، پس از قیام مسیح، مسیحیان موعظه کرده، می‌گفتند که ساختمان معبد دیگر هیچ نوع عملکردی ندارد (اعمال ۲: ۴۸-۵۰؛ ۱۷: ۲۴-۲۵). در سال ۷۰ میلادی، جنایت وخیم مصلوب کردن عیسی، منجر به خرابی اورشلیم و معبد سنگی آن شد (لوقا ۱۹: ۴۱-۴۴). از زمان مرگ عیسی، ایمانداران یهودی و غیریهودی قادر بوده‌اند که به طور مستقیم با خدای پدر، توسط فرزندش عیسی مسیح، ارتباط داشته باشند (افسیان ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۲).

پ) قیام بدن عیسی مسیح دلالت بر بنای کلیسا دارد.

در زمان محاکمه عیسی، سخنان او به‌طور تحت‌اللفظی مورد تعبیر قرار گرفت و شاهدان تصور کردند که منظور عیسی، ویرانی معبد اورشلیم و بنای معبدی جدید در اورشلیم بوده است، به همین جهت شهادتی که بر علیه او در این رابطه داده شد، شهادتی دروغ بود. در واقع منظور عیسی، بنای "معبدی جدید بود که به دست انسانها ساخته نمی‌شود" (مرقس ۱۴: ۵۸) و با سنگ و مصالح فیزیکی بنا نمی‌گردد. این "معبد دیگر" اشاره به کلیسا دارد که متشکل از انسانها (و نه ساختمانهای کلیسا) می‌باشد. در عهد جدید، کلیسا یا بدن ایمانداران به عنوان معبد خدا در نظر گرفته شده است (اول قرنیتیان ۳: ۱۶-۱۷؛ دوم قرنیتیان ۶: ۱۶؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۴؛ ۱ پطرس ۲: ۴-۱۰). کلیسا یا معبد عهدجدید، مکانی است که خدا توسط روحش در آن ساکن می‌باشد (افسیان ۲: ۲۱-۲۲). و سنگهای زنده‌ای که توسط آنها معبد عهدجدید بنا شده است، مسیحیان از تمام ملل می‌باشند (اول پطرس ۲: ۹-۱۰).

ت) مردم متوجه نشدند که این تصویر اشاره به معبد اورشلیم داشته و تحقق آن مربوط به قیام عیسی بود.

یهودیان در یوحنا فصل ۲، تنها شاهد معبد سنگی اورشلیم بودند که بنای آن به مدت ۴۶ سال به طول انجامیده بود. اگر کلام را با قلبی با ایمان مطالعه کرده بودند، متوجه می‌شدند که معبد اورشلیم، با وسایل و مراسم آن، صرفاً تصویری (نمونه‌ای) بود که به زودی خراب می‌شد. قسمتهای دیگر عهدعتیق بیانگر این حقیقت هستند که ساختمان معبدی که در عهدعتیق وجود داشت، به همراه تابوت عهد و قربانیهای آن، تماماً موقتی بودند.

۱) اول پادشاهان ۸: ۲۷ و ۲ تواریخ ۲: ۵-۶ به وضوح تعلیم می‌دهند که خدای زنده که خالق جهان است، در معبد ساخته شده به دست انسانها ساکن نمی‌شود. به همین دلیل است که استیفان و پولس تعلیم دادند: "خدایی که جهان را و هر آنچه که در آن است آفرید، چونکه او مالک آسمان و زمین است، در هیكلهای ساخته شده به دستها ساکن نمی‌باشد" (اعمال ۷: ۴۸-۴۹؛ ۱۷: ۲۴-۲۵).

۲) در ارمیا ۳: ۱۶، ارمیا نبوت کرد که تابوت عهد دیگر ذکر نشده، به یاد مردم آورده نخواهد شد و بار دیگر ساخته نخواهد شد.

۳) عبرانیان ۱۰: ۵-۷ نقل قولی از مزمور ۴۰: ۶-۷، بر اساس عهدعتیق یونانی می‌باشد. این قسمت می‌فرماید: "تو قربانی و هدیه را نخواستی، بلکه جسدی برای من مهیا ساختی. به قربانی سوختنی و قربانیهای گناه رغبت نداشتی. آنگاه گفتم، اینک می‌آیم تا اراده تو را ای خدا به جا آورم." این قسمت تعلیم می‌دهد که مرگ عیسی مسیح، تحقق قربانیهای عهد عتیق بود. نه تنها یهودیان، بلکه شاگردان عیسی نیز متوجه نبودند که "معبدی" که عیسی در مورد آن در یوحنا فصل ۲ سخن می‌گفت، معبد بدن خود بود. آنها مفهوم روحانی سخنان عیسی را فقط زمانی درک کردند که او در روز سوم پس از مرگش قیام فرمود.

۳- سومین نتیجه قیام مسیح

بخوانید: متی ۲۸: ۱۸؛ یوحنا ۱۳: ۳؛ افسسیان ۱: ۲۰-۲۳؛ فیلیپیان ۲: ۸-۱۱؛ اول پطرس ۳: ۲۱-۲۲.

تعلیم دهید: نتیجه سوم قیام مسیح این است که مسیح جهان را در جهت منفعت کلیسا فرمانروایی می‌کند. عیسی مسیح قیام کرد و الآن در دست راست خدای پدر نشسته است تا هم بر جهان و هم بر کلیسای روی زمین فرمانروایی کند. خدا همه چیز را زیر پایهای او قرار داد. او را مقرر کرد تا حاکم و فرمانروا بر هر مقام و موقعیتی در تاریخ، در هر برهه از زمان باشد. تمام فرشتگان آسمان و تمامی ریاسات و قدرتهای روی زمین تحت حاکمیت او هستند. او سر کلیسا و حاکم بر تمام جهان می‌باشد. او قادر است تمام اتفاقات جهان و وقایع مربوط به تاریخ آن را طوری هدایت کند که در جهت منفعت کلیسا خدمت کنند. عیسی مسیح که خداوند قیام کرده است، "پادشاه پادشاهان" و "خداوند خداوندان" می‌باشد. هیچ اتفاقی بر روی زمین، خارج از کنترل و اجازه او به وقوع نمی‌پیوندد.

۴ - چهارمین نتیجه قیام مسیح

بخوانید: رومیان ۶: ۴-۷.

تعلیم دهید: چهارمین نتیجه قیام مسیح این است که او در زمان حاضر، به مسیحیان حیاتی جدید و تقدیس شده، عطا می‌کند. ایمانداران، به وسیله ایمان (رومیان ۱: ۵؛ افسسیان ۱: ۱۳)، از نظر روحانی در مرگ و قیام مسیح شریک هستند. شراکت آنها با قیام مسیح در رومیان ۶: ۴-۷، اولاً به زندگی قیام کرده و تازه آنها با مسیح و ثانیاً به قیامت بدنهای آنها در آینده اشاره دارد. بر اساس رومیان ۶: ۵ متوجه می‌شویم که شراکت روحانی در مرگ و دفن مسیح، از شراکت روحانی در قیام او قابل تفکیک نمی‌باشد. وقتی صحبت از زمان آینده می‌شود، منظور انجام عملی در آینده نیست بلکه قطعیت حقیقتی در زمان حال می‌باشد. این حقیقتی قطعی است که مسیحیان در مرگ و دفن مسیح شریک بوده‌اند و این موضوع به "عادل شمردگی آنها از نظر قانونی" منجر شده است. به همین صورت مسیحیان در قیام مسیح شریک شده‌اند و این موضوع منجر به "قداست آنها از نظر اخلاقی" شده است. "عادل شمردگی از نظر قانونی" به این مفهوم است که ایمانداران از جریمه گناهانشان آزاد شده، بخشیده شده، و عادل شمرده شده‌اند. "قداست از نظر اخلاقی" به این مفهوم است که ایمانداران از قدرت گناه آزاد شده، دیگر تحت تسلط طبیعت گناهکارشان نیستند و قادرند که در مسیر تقدیس رشد کنند. مرگ عیسی مسیح به عنوان کفاره گناهان، برای عادل شمردگی ایمانداران حائز اهمیت است و قطعاً منجر به عادل شمردگی آنان شده است. به همین طریق، زندگی قیام کرده عیسی مسیح برای داشتن زندگی مقدس لازم است و قطعاً منجر به تقدس ایمانداران می‌شود. مسیحیان، قطعاً، زمانی که بر روی زمین هستند در شباهت به عیسی، در تقدس رشد خواهند کرد. تمام گفتگوی که در رومیان فصل ۶ مطرح شده است، حول ارتباط ضروری میان عادل شمردگی و تقدس می‌باشد.

۵ - پنجمین نتیجه قیام مسیح

بخوانید: یوحنا ۵: ۲۸-۲۹؛ فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۴۲-۵۴.

تعلیم دهید: پنجمین نتیجه قیام مسیح این است که قیام او، قیامت بدنهای مسیحیان را در آینده تضمین می‌کند. قیام عیسی، ضامنی است بر اینکه بدنهای مسیحیان نیز از میان مردگان قیام خواهند کرد. در زمان بازگشت عیسی مسیح، تمام مسیحیانی که مرده‌اند، قیام کرده و با روحهای ابدی خود بگ می‌شوند. و تمام مسیحیانی که در زمان بازگشت مسیح زنده باشند، در لحظه‌ای متبدل می‌شوند. بنابراین تمام مسیحیان مانند عیسی مسیح، زندگی پر جلالی در روحها و بدنهای فانی خود خواهند داشت.

۵	دعا (۸ دقیقه)
دعای در پاسخ به کلام خدا	

به نوبت در تمام گروه یا در حالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیابورید.

۶	تکلیف منزل (۲ دقیقه)
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع "قیام- عیدی که یادآور قیام مسیح از مردگان می‌باشد" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از اول قرنتیان ۲-۵ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - هر روزه ۵ آیه حفظی را در مورد "شخصیت مسیحی" مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱: ۱۹-۵۱) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشت‌های تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۶

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) اول قرن‌تیان
---	-------------------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (اول قرن‌تیان ۲-۵) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی
---	-------------------------------------------------

مرور: دو نفری ۵ آیه حفظی را که در مورد "شخصیت مسیحی" است، مرور کنید.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱: ۱۹-۵۱
---	----------------------------------------------

مقدمه: یوحنا فصل‌های ۱-۱۲ مربوط به خدمت عمومی عیسی مسیح می‌شوند. یوحنا ۱: ۱۵-۲: ۱۲ در باره کلمه، عیسی مسیح و ظهور او بر یحیی و شاگردان توضیح می‌دهد.

قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۱: ۱۹-۵۱ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

قدم ۲: کشف کنید توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

کشف ۱) در یوحنا ۱: ۳۹ و ۴۶ در رابطه با آمدن و دیدن، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. زمانی که دو نفر از شاگردان به نامهای یوحنا و اندریاس، از عیسی در مورد محل اقامتش پرسیدند، او به آنها پاسخ نداد و به جای آن، آنها را دعوت کرده، گفت: "بیایید و ببینید". عیسی مایل بود دیگران در مورد زندگی و منزل او آشنایی داشته باشند. او برای آنها فرصتهایی را مهیا کرد تا از نزدیک او را بشناسند. او می‌خواست آنها بدانند که او چه کسی است و چگونه زندگی می‌کند. او می‌خواست آنها شاهد زندگی او باشند. به زودی شاگردان نیز همان کار را انجام دادند. وقتی که نتنائیل این سؤال را پرسید که چگونه می‌شود عیسی همان مسیحی موعود باشد، در حالیکه از مکانی به نام ناصره می‌آید که نام و نشان خوبی ندارد، فیلیپس در پاسخ به او گفت: "بیا و ببین". شاگردان مایل بودند که دیگران هم در مورد عیسی و زندگی او آگاه شوند. بنابراین آنها را دعوت کردند تا نزد عیسی آمده، خود تجربه کنند که آیا او به راستی مسیح موعود است یا نه. اگر مسیحیان می‌خواهند مردم دیگر بدانند که عیسی

کیست، مسیحیان چه کسانی هستند و چگونه زندگی می‌کنند، باید آنها را به خانه‌های خود دعوت کنند و در مورد زندگی خود با آنها صحبت کنند. من می‌خواهم از نمونه شاگردان الگو بردارم. من نیز می‌خواهم با دیگران در مورد کار خدا در زندگی صحبت کنم و حتی آنها را به خانه خود دعوت کنم، تا بدین ترتیب آنها بدانند که یک مسیحی چگونه زندگی می‌کند و به این طریق با عیسی مسیح آشنا شوند.

کشف ۲) در یوحنا ۱: ۴۲، در رابطه با، نوع نگرش به مردم، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. زمانی که اندریاس، برادرش شمعون را نزد عیسی آورد، عیسی به قلب او نگاه کرد. او می‌دانست که شمعون مردی است درشت‌اندام با قلبی کوچک. او همچنین می‌دانست که شمعون ممکن است وعده‌های زیادی بدهد ولی قادر به انجام آنها نباشد. او می‌دانست که شمعون شخصی است که بدون تفکر عمل می‌کند. ولی از طرف دیگر عیسی نبی بزرگی است که نه تنها در مورد وضعیت فعلی شخص، بلکه در مورد آینده او نیز مطلع می‌باشد. او به خوبی از این حقیقت آگاه بود که زندگی شمعون تغییر کرده، شخصیتی محکم، ثابت قدم و سازش‌ناپذیر خواهد شد. عیسی مسیح به شمعون، تنها در وضعیت فعلی‌اش و شخصیتی که داشت نگاه نمی‌کرد، بلکه او را به عنوان شخصی مبدل شده در آینده می‌دید. عیسی مسیح در مورد آنچه که خدا بر اساس فیضش در زندگی شاگردش متحقق خواهد ساخت، پیشگویی کرد. به همین جهت او را "پطرس" نامید، یعنی صخره. پس از آن، عیسی در متی ۱۶: ۱۸، در این مورد پیشگویی کرد که او کلیسایش را بر پطرس، که صخره است، بنا خواهد کرد. و در اعمال می‌خوانیم که چگونه عیسی از پطرس استفاده کرد تا اولین کلیساها را بین یهودیان، سامریان و غیریهودیان تأسیس کند. من می‌خواهم شبیه عیسی شوم. من می‌خواهم مردم را نه تنها در وضعیت فعلی‌شان، بلکه در آینده، در آنچه که به فیض و قوت خدا خواهند شد ببینم. خدا بر اساس فیضش قادر است زندگی هر انسانی را تبدیل کند. من می‌خواهم مردم را به این حقیقت امیدوار سازم که فیض خدا قادر به تبدیل زندگی‌شان می‌باشد. من می‌خواهم، به جای انتقاد از مردم و نگاه کردن به خطاهایشان، متوجه پیشرفتهای روحانی آنها بشوم و آنها را تشویق کنم.

سؤال ۳: سوال

توجه کنید: در این متن چه سوالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱: ۱۹-۵۱ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. **در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد). **گفتگو کنید:** (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سوالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۱: ۲۱) آیا یحیی تعمید دهنده "الیاس" بود یا نه؟

ملاحظات: یهودیان انتظار داشتند که الیاس نبی قبل از ظهور مسیح موعود، به زمین بازگردد. عقیده آنها بر اساس تفسیر تحت‌اللفظی‌شان از ملاکی ۴: ۵-۶ بود. البته در لوقا ۱: ۱۷، فرشته خداوند پیشگویی کرد که یحیی تعمید دهنده راه را برای عیسی آماده خواهد کرد و او این کار را "به روح و قوت الیاس" انجام خواهد داد. او قوم خدا را به نزد خداوند خدایشان باز خواهد گرداند. دل‌های پدران را به طرف فرزندان‌شان و دل‌های نافرمانان را به حکمت عادلان بر خواهد گرداند. او قومی آماده برای خداوند مهیا خواهد ساخت. در متی ۱۷: ۱۲-۱۳، عیسی مسیح، یحیی تعمید را "الیاس" نامید. اگرچه یحیی تعمید دهنده در واقع، الیاس نبود، ولی بر طبق گفته فرشته خداوند و خود عیسی مسیح، او تحقق‌بخشنده نبوتی بود که ملاکی فصل ۴ به آن اشاره می‌کند. عیسی به وضوح می‌فرماید که الیاس آمد و کار مهیاسازی خود را به کمال رساند، ولی مردم او را نشناختند و در نهایت او را کشتند.

سؤال ۲) (یوحنا ۱: ۲۵) چرا یحیی تعمید دهنده مردم را تعمید می‌داد؟

ملاحظات: یحیی تعمید دهنده به وضوح فرمود که او آن پیشرو و آن مسیح موعودی نیست که یهودیان انتظارش را داشتند. پس از آن، فریسیان سؤال کردند که اگر چنین است، چرا یحیی کاری را انجام می‌دهد که مربوط به مسیح موعود یا فرستاده خاص خدا می‌باشد؟ آنها فکر می‌کردند که تنها، مسیح موعود یا الیاس یا آن نبی خدا قادر به تعمید مردم خواهد بود. فریسیان قطعاً می‌دانستند که همه قادر به انجام مراسم طهارت نمی‌باشند. در لایوان ۱۴: ۱-۷، تنها کاهنان اجازه داشتند که پرنده زنده را در داخل ظرفی که حاوی آب و خون پرنده سر بریده بود، فرو کنند. و تنها کاهنان اجازه داشتند که مخلوط خون و آب را بر سر شخصی که از جذام شفا یافته بود، بپاشند. در واقع رسم طهارت مردم، به طور مشخص، عملی مسیحایی بود. در حزقیال ۳۶: ۲۵ خداوند قادر مطلق فرمود، "آب پاک بر شما خواهم پاشید و طاهر خواهید شد و شما را از همه نجاسات و از همه بتهای شما طاهر خواهم ساخت." در حزقیال ۳۷: ۲۳ او می‌گوید: "ایشان را از میان جمیع مساکن ایشان که در آنها گناه ورزیده‌اند نجات داده، طاهر خواهم ساخت."

اگر یحیی تعمید دهنده آن پیشرو و مسیح موعودی نبود که آنها انتظار داشتند، پس چرا او مردم را تعمید می‌داد؟ این روشن است که فریسیان به هویت یحیی پی نبرده بودند. آنها این سخنان یحیی را درک نکردند که گفت او آن کسی است که اشعیای نبی در موردش پیشگویی کرده که راه خداوند را مهیا خواهد ساخت. یحیی به وضوح این حقیقت را بیان کرد که او کسی است که راه را برای آمدن مسیح موعود مهیا می‌کند. و بعد در یوحنا ۱: ۳۳، یحیی تعمید دهنده فرمود که او مردم را تنها به آب تعمید می‌دهد در حالیکه مسیح موعود آنها را به روح القدس تعمید خواهد داد. یحیی یه وضوح این موضوع را بیان کرد که بین او و مسیح موعود تفاوت عمده‌ای وجود خواهد داشت. یحیی به آب که علامتی برای طهارت بود، مردم را تعمید می‌داد، ولی مسیح موعود، عمل طهارت و تجدیدحیات را به قدرت روح القدس انجام خواهد داد (یوحنا ۳: ۵).

یوحنا به یهودیان گفت که، این مسیح موعود در میان آنها است ولی آنها او را نشناخته‌اند. یحیی به آنها در این مورد هشدار داد که علیرغم اشتیاق زیادی که جهت آشکار کردن مسیح‌های دروغین داشتند، متوجه نبودند که در مورد مسیح موعود واقعی غافل مانده‌اند. در یوحنا ۱: ۳۱، یحیی تعمید دهنده گفت که به این دلیل مردم را به آب تعمید می‌دهد تا مسیح موعود واقعی را به قوم یهود آشکار سازد. بر طبق مرقس ۱: ۴، یحیی تعمید دهنده در مورد تعمید توبه، به جهت آمرزش گناهان، مو عظه می‌نمود. او مو عظه کرده می‌گفت که یهودیان باید از گناهانشان توبه کنند و قلبشان را جهت دریافت مسیح موعود آماده سازند. او آنها را تعمید داد تا علامتی باشد حاکی از اینکه آنها قلبشان را برای دریافت و پذیرش مسیح موعود آماده ساخته‌اند. آب تعمید، نمایانگر نیاز روحانی مردم برای تقدیس روحانی بود. تعمید یحیی کماکان مربوط به رسوم طهارت عهد عتیق بود، که مردم طبق رسوم آن زمان تطهیر می‌شدند. تنها کسی که می‌توانست مردم را از نظر روحانی تقدیس کند، مسیح موعود یعنی عیسی ناصری بود. بنابراین یحیی تعمید دهنده یهودیان را تعمید داد تا بدینوسیله آنها را جهت دریافت مسیح موعود آماده سازد. در طول مو عظه و تعمید مردم، او تمام توجه یهودیان را معطوف به بره خدا کرد، بره‌ای که گناه جهان را برمی‌دارد.

سؤال ۳ (یوحنا ۱: ۲۹) چرا عیسی مسیح "بره خدا" نامیده می‌شود؟

ملاحظات: عیسی مسیح بره خدا نامیده می‌شود، زیرا او تحقق‌بخش تصاویر (نمونه‌های) مربوط به بره در عهد عتیق بود. در عهد عتیق بره‌های مختلفی وجود داشت که به عنوان تصاویری از مسیح موعود آینده، نمایانگر شدند.

الف) بره فصیح. بره فصیح در روز فصیح قربانی شده، خون آن بر سر در خانه‌های ایمانداران مصر قرار گرفت تا بدین ترتیب از داوری خدا بر مردم خطاکار مصر، مصون بمانند. در اول قرن‌تینان ۵: ۷، عیسی مسیح، "بره فصیح ما" نامیده شده است. بر طبق ۱ پطرس ۱: ۱۹، او بر روی صلیب قربانی شد تا بدین وسیله خشم مقدس و عادلانه خدا را در مورد گناهان ما، از ما دور نگاه دارد. خون گرانبهای او ما را از زندگی توخالی و بی‌مفهومی که داشتیم، رهایی داد.

ب) بره‌هایی که برای قربانی‌های سوختنی روزانه، وجود داشت. بر طبق اعداد ۲۸: ۴، کاهنان باید هر روز صبح و بعد از ظهر یک بره را قربانی می‌کردند. بر طبق لاویان فصل ۱، بره باید بدون عیب می‌بود که نمایانگر این حقیقت است که عیسی بدون خطا و تقصیر است. کاهن باید دست خود را بر روی سر بره می‌گذاشت. این عمل نمایانگر این حقیقت است که گناه بشر بر روی عیسی قرار می‌گرفت. در عهد عتیق، "قربانی سوختنی" از طرف این شخص خطاکار، به منظور کفار گناهانش، پذیرفته می‌شد. به همین ترتیب در عهد جدید، قربانی عیسی مسیح بر روی صلیب، تنها طریق مؤثر جهت کفار گناهان ما می‌باشد (رومیان ۳: ۲۵).

پ) بره‌ای که در مورد آن در اشعیا ۵۳ نبوت شده بود. اشعیا ۵۳: ۶-۷، ۱۰ می‌فرماید، "جمع ما مثل گوسفندان گمراه بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد. او ... مثل بره‌ای بود که برای ذبح می‌برند... اما خداوند را پسند آمد ... او را به دردها مبتلا سازد ... و جان او را چون قربانی گناه سازد." بر طبق لاویان ۵: ۱-۴، ۱۶، "قربانی گناه"، عملی نیابتی در رابطه با اعمالی است که انسان طبق حکم خدا باید آنها را انجام می‌داد، ولی از انجام آنها غافل مانده بود. قربانی گناه، عمل کفار را انجام می‌داد، به این مفهوم که خشم خدا را در رابطه با گناه انسان، از او دور نگاه می‌داشت.

بنابر این به این نتیجه می‌رسیم که هر سه نوع بره در عهد عتیق، تصاویری (نمونه‌هایی) هستند که در عیسی مسیح (اصل)، در عهد جدید تحقق یافته‌اند.

سؤال ۴ (یوحنا ۱: ۳۲) چرا برای عیسی مسیح دریافت روح القدس، امری ضروری بود؟

ملاحظات: نویسنده انجیل یوحنا آشکارا فرض را بر این می‌گیرد که خوانندگانش با مطالب سه انجیل دیگر آشنایی دارند که در آنها اشاراتی به تعمید عیسی توسط یحیی در رود اردن، شده است. در زمان تعمید عیسی، روح القدس مانند کیوتری بر روی او قرار گرفت. هر چند که روح القدس بدن جسمانی ندارد و با چشمان فیزیکی نیز قابل رؤیت نمی‌باشد، خدا اجازه داد که عیسی و یحیی تعمید دهنده روح القدس را در نماد یک کیوتر ببینند. احتمالاً خدا به این دلیل از یک کیوتر برای این منظور استفاده کرد که کیوتر مظهر پاکی، صلح و آرامش است و روح القدس به طور نامحدود دارای این خصوصیات می‌باشد. روح القدس، پاک و مقدس است، و به همین جهت بر طبق افسسیان ۴: ۳۰، هر نوع گناهی او را محزون می‌سازد. روح القدس، روح ملایمی است، زیرا بر طبق یوحنا ۱۶: ۸، ۱۳، او مردم را مجبور نمی‌کند حقیقت را بپذیرند، بلکه به ملائمت آنها را نسبت به گناه، عدالت و داوری ملزم می‌سازد. روح القدس، روح صلح و آرامش است، زیرا بر طبق رومیان ۱۴: ۱۷-۲۰، او عملی را انجام نمی‌دهد

که باعث لغزش مردم شود، بلکه آنچه را که باعث بنای ایمان آنهاست، انجام می‌دهد. روح القدس برای مدتی در جلوه‌ای قابل رؤیت، بر روی عیسی قرار داشت. سپس صدای پدر از آسمان به وضوح شنیده شد که فرمود و عیسی پسر خداست و او آن کسی است که خدا دوستش دارد و از او خشنود می‌باشد. در اینجا متوجه می‌شویم که "خدای تثلیث" خود را به صورت پدر، پسر و روح القدس بر ما متجلی می‌سازد.

ولی چرا برای عیسی مسیح دریافت روح القدس امری ضروری بود؟ عیسی روح القدس را در زمان تعمیدش، در طبیعت انسانی خود دریافت کرد. و بدین ترتیب او به وسیله روح القدس مسح شده، توسط خدا مقرر شد تا به عنوان شفیع و میانجی عمل کند، و توسط روح القدس جهت انجام این کار تجهیز شد. در لوقا ۴: ۱۸-۱۹، عیسی تعلیم می‌دهد که نبوت موجود در اشعیا ۶۱: ۱-۲، در او متحقق شده است. این آیات می‌فرمایند، "روح خداوند پیوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم، و تا از سال پسندیده خداوند و از یوم انتقام خدای ما ندا نمایم و جمیع مائیمان را تسلی بخشم". و در یوحنا ۳: ۳۴، یوحنا می‌فرماید، خدا روح را به فراوانی به عیسی عطا کرده است. این قسمت بیانگر همان مطلبی است که پولس در کولسیان ۲: ۹، می‌فرماید که، "در مسیح از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است".

سؤال ۵) (یوحنا ۱: ۴۷) چرا عیسی نتنائیل را "آن اسرانیلی حقیقی که در او مکرری نیست"، نامید؟

ملاحظات: با در نظر گرفتن آیه ۵۱، که اشاره به صعود و نزول فرشتگان می‌کند، به نظر می‌رسد، وقتی که عیسی نتنائیل را مورد خطاب قرار داد، یعقوب، پاتریارخ را در ذهن خود داشت. در پیدایش ۲۷: ۳۵-۳۶، اسحاق به عیسو گفت که برادرش یعقوب به حيله و فریب حق نخست زادگی‌اش را از وی گرفته است. عیسو گفت، به راستی، برادرش یعقوب نامیده شده است که به مفهوم حيله‌گر می‌باشد. این خصوصیت یعقوب که تنها به فکر خواسته‌های خود بود و با حيله و فریب می‌خواست آنها را بدست آورد، نه تنها محدود به او بود بلکه شامل حال پسران یعقوب یعنی یهودیان نیز می‌شد. در پیدایش ۳۴، آنها با نیرنگ مردم شهر را فریب داده، کشتند و اموالشان را تصاحب کردند. يك اسرانیلی واقعی و صادق، که در او حيله‌ای وجود نداشته باشد، جزء موارد استثنا محسوب می‌شد، طوری که وقتی عیسی نتنائیل را ملاقات کرد، بی‌درنگ در مورد او شهادت داده گفت، "اسرانیلی حقیقی که در او مکرری نیست". حيله و نیرنگ احتمالاً خصوصیت بسیاری از مردم از ملل مختلف می‌باشد. در یوحنا ۲: ۲۴-۲۵ می‌خوانیم که عیسی همه انسانها را می‌شناخت و در مورد آنچه که در آنها بود، آگاهی داشت. عیسی مرا می‌شناسد و از افکار، انگیزه‌ها و طرز برخورد من، و آنچه که در من است، آگاه است. او همچنین می‌داند، چه زمانی من متوسل به نیرنگ می‌شوم. بنابراین مهم است که من اجازه دهم تا روح القدس، افکار، انگیزه‌ها و عملکردهای مرا متبدل سازد.

سؤال ۶) (یوحنا ۱: ۵۱) منظور از صعود و نزول کردن فرشتگان خدا بر پسر انسان، چه می‌باشد؟

ملاحظات: عیسی هنوز در رابطه با یعقوب پاتریارخ فکر می‌کرد. در پیدایش ۲۸، یعقوب در رؤیایی نردبانی را دید که سرش به آسمان می‌رسید و فرشتگان خدا بر روی آن صعود و نزول می‌کردند. خود عیسی در سر آن نردبان ایستاده بود و یعقوب را برکت می‌داد. او به یعقوب وعده داده، گفت: "و اینک من با تو هستم و تو را در هر جایی که روی محافظت فرمایم... تا آنچه را که به تو گفته‌ام انجام ندهم، تو را رها نخواهم کرد... و از تو و از نسل تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت". حال در انجیل یوحنا، عیسی به این موضوع اشاره می‌کند که تصویر (نمونه) نردبان یعقوب، در او تحقق (اصل) خود را می‌یابد. عیسی مسیح خود رابط بین آسمان و زمین است. او تنها شفیع و میانجی میان خدا و انسان می‌باشد. او توسط مرگش بر صلیب، خدا را با انسانهای گناهکار و انسانهای گناهکار را نیز با خدا مصالحه می‌دهد. عیسی به نتنائیل می‌فرماید که او شاهد چیزهای بزرگتری خواهد بود. این "چیزهای بزرگتر" چه بودند؟ شاگردان متوجه بودند که عیسی علم و دانایی مطلق دارد و از درون قلب نتنائیل مطلع است. از آن زمان به بعد، طبق گفته عیسی، آنها شاهد خصوصیات الهی بیشتری از او بوده، به طور خاص شاهد مصلوب شدن او، شکافته شدن آسمان، نزدیک شدن خدا به انسانها و مصالحه انسانها با خدا می‌شوند (یوحنا ۸: ۲۸؛ ۱۲: ۳۲). و در انتها او را خواهند دید که با قدرت بر تخت داوری نشسته، مردم را محاکمه می‌کند و پس از آن فرمانروای آسمان و زمین جدیدی می‌شود (دانیال ۷: ۱۳-۱۴).

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱: ۱۹-۵۱ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به يك کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از يك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (یوحنا فصل ۱)

- ۱: ۲۲-۲۳ * وقتی مردم در مورد دعوت و وظیفه شما در زندگی‌تان از شما سؤال می‌کنند، به وضوح به آنها پاسخ دهید.
- ۱: ۲۹ * توجه مردم را از خود به عیسی مسیح، که بره خداست، معطوف کنید. مردم را با عیسی مسیح آشنا سازید.
- ۱: ۳۳ * موضوع تمعید به روح‌القدس به خوبی در اول قرن‌تین ۱۲: ۱۲-۱۳ توضیح داده شده است.
- ۱: ۳۹ * مردم را از نحوه زندگی مسیحی آگاه سازید و در مشارکتهای آنان، آنها را دعوت کنید. به آنها بگویید، "ببایید و ببینید" (آیه ۴۶).
- ۱: ۴۲ * اعضای خانواده خود را به سمت عیسی مسیح دعوت کنید.
- ۱: ۴۲ * به مردم نه تنها در وضعیت فعلی‌شان نگاه کنید، بلکه آنها را در آینده در آنچه که توسط عیسی مسیح خواهند شد، ببینید.
- ۱: ۴۳ * عیسی ما را دعوت می‌کند که نه تنها او را تحسین کنیم، بلکه تا او را پیروی کنیم و شاگرد او شویم.
- ۱: ۴۴ * با دوستانتان در مورد عیسی مسیح سخن بگویید. انبیای عهدعتیق در مورد او نبوتهایی را نوشته‌اند.
- ۱: ۴۷ * مردم را به خاطر نقاط مثبتی که دارند، تشویق کنید.
- ۱: ۴۹ * در این مورد فکر کنید که "چه اعترافی در رابطه با عیسی مسیح دارید؟"

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) به دلیل اهمیت "رفتن و دیدن"، من به طور دائم در جلسات مسیحی شرکت می‌کنم، تا شاهد شخصیت و اعمال مسیحیان باشم. من می‌خواهم عیسی را بهتر بشناسم. به همین دلیل است که به یک گروه بررسی کتاب مقدس ملحق شده‌ام.

ب) عیسی مسیح به شمعون، تنها در وضعیت فعلی‌اش با شخصیتی که داشت نگاه نکرد، بلکه او را به عنوان شخصی مبدل شده در آینده می‌دید. این موضوع بسیار باعث تشویق من می‌باشد، زیرا عیسی مسیح به من انطور که در آینده با فیض او خواهم شد، نگاه می‌کند. به همین دلیل است که من از عیسی مسیح انتظار دارم که مرا به آن شخصی مبدل سازد که او مایل است باشم.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱: ۱۹-۵۱ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	دعا (۸ دقیقه)	دعای شفاعت
---	---------------	------------

به دعا کردن در گروه‌های دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	تکلیف منزل (۲ دقیقه)	برای درس بعدی
---	----------------------	---------------

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای یک فرد یا گروه، موضوع "یوحنا ۱: ۱۹-۵۱" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از یک فصل از اول قرن‌تین ۶-۸ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۱: ۱۴) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۷

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) اول قرن‌تینان
---	--------------------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (اول قرن‌تینان ۶-۸) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	-------------------------------------------

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۱: ۱۴.

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) پنطیکاست- روزی که یادآور ریزش روح القدس می‌باشد
---	---------------------------------------------------------------------

مقدمه: پنطیکاست عیدی مسیحی است که یادآور ریزش روح القدس می‌باشد. ما در رابطه با تعلیم کتاب مقدس در مورد ریزش روح القدس و تأثیرات آن بر مسیحیان مطالبی خواهیم آموخت. خواهیم آموخت که چگونه در مورد ریزش روح القدس در عهدعتیق نبوت شده است، در زمان ریزش روح القدس چه اتفاقی افتاد، و چرا ریزش روح القدس برای ما حائز اهمیت است.

الف - نبوت‌های مربوط به ریزش روح القدس

۱- عید حصاد در عهدعتیق، تصویری از ریزش روح القدس می‌باشد.

تعلیم دهید: در عهدعتیق، پنطیکاست عید حصاد و زمان پایان برداشت محصول بود (خروج ۲۳: ۱۶). این عید، پنجاه روز پس از سبوت عید فصح (که تصویری از قربانی کفارهای مسیح بود) برگزار می‌شد. پنطیکاست "عید هفته‌ها" نیز نامیده می‌شد که خود تصویری از ریزش روح القدس بود (لاویان ۲۳؛ تثنیه ۱۶). اسرانیلیها باید بخشی از محصول خود را متناسب با آن مقداری که خدا آنها را برکت داده بود، به معبد می‌آوردند و در آنجا با خانواده، خادمان، لاویان، بیگانگان و فقرا عید را به شادی جشن می‌گرفتند. بنابراین، پنطیکاست عید شکرگزاری از خدا به جهت محصول بود.
در عهدجدید، روح القدس در زمان عید حصاد بر پیروان عیسی فرو ریخت (اعمال ۲). رسولان انجیل را موعظه کرده، ۳۰۰۰ نفر به عیسی مسیح ایمان آوردند و اولین کلیسای محلی در اورشلیم بنیان گذاشته شد. بدین ترتیب بود که "عید حصاد زمان عهدعتیق" تبدیل به "عید حصاد زمان عهدجدید" شد، که متشکل از مسیحیان و کلیساهای محلی جدید در هر نقطه از دنیا می‌باشد.

۲- نبوت‌های مربوط به ریزش روح القدس در عهدعتیق

کشف و گفتگو کنید: چگونه انبیای زیر در رابطه با ریزش روح القدس نبوت کرده‌اند؟

الف) بخوانید: اشعیا ۳۲: ۱۵؛ ۴۴: ۳.

ملاحظات: خدا گفت که روحش را بر قوم خود فرو خواهد ریخت. و همانگونه که باران بر زمین خشک و بی‌آب می‌بارد، و بیابان را به بوستان و جنگل تبدیل می‌کند، روح خدا نیز بر مردم ریخته، برکات را بر آنها جاری خواهد ساخت.

ب) بخوانید: حزقیال ۳۶: ۲۵-۲۸.

ملاحظات: خدا گفت که او آب پاک بر مردم خواهد پاشید و آنها را از همه نجاسات، گناهان و بتهایشان، طاهر خواهد ساخت. دل سنگی را از آنها گرفته، دلی گوشتین به آنها خواهد داد، و به این ترتیب آنها از احکام و فرامین خدا اطاعت خواهند کرد.

پ) بخوانید: یوئیل ۲: ۲۸-۳۲

ملاحظات: خدا گفت که او روح خود را بر تمام بشر خواهد ریخت. آنها نبوت کرده، خوابها و رؤیاهای خواهند دید. و هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.

ت) بخوانید: زکریا ۴: ۶.

ملاحظات: خدا گفت که او کار خود را نه به قدرت و قوت انسان، بلکه به روح خود انجام خواهد داد.

ث) **خلاصه:** بنابراین، ریزش روح القدس بر قوم خدا، منجر به این موارد می‌شود: قلبی مبدل و طاهر، اطاعت از کلام خدا، خدمت به خدا از طریق اعلام کلامش، عملی شدن خوابها و رؤیاهای مردم که موجب جلال خدا می‌شوند، و در نهایت نجات هر کس که نام خداوند را بخواند.

۳- نبوتهای مربوط به ریزش روح القدس در عهد جدید

کشف و گفتگو کنید: عیسی مسیح چه نبوتی را در رابطه با ریزش روح القدس نمود؟

الف) بخوانید: یوحنا ۷: ۳۷-۳۹.

ملاحظات: در انجیل یوحنا، عیسی مسیح بارها وعده داد که روح القدس بر انسان خواهد آمد. او گفت، ایمانداران به او، پس از جلال یافتنش (پس از قیام، صعود و جلوسش بر تخت پادشاهی) روح القدس را دریافت خواهند کرد. و در آن موقع است که روح القدس مانند نهرهای آب حیات از بطن ایشان جاری خواهد شد.

ب) بخوانید: اعمال ۱: ۵.

ملاحظات: درست قبل از صعود عیسی به آسمان، او گفت که ایشان پس از چند روز به روح القدس تعمید خواهند یافت. این اتفاق در روز پنطیکاست به وقوع پیوست که شرح آن در اعمال ۲: ۱۱-۱۴ و ۱۵: ۶-۱۱ آمده است. این قسمتها از کلام خدا، تعلیم می‌دهند که تعمید با روح القدس به همان مفهوم ریزش روح القدس بر ایمانداران جدید می‌باشد.

ب - وقایع مربوط به ریزش روح القدس

۱- ریزش روح القدس در روز پنطیکاست.

بخوانید: اعمال ۲: ۱-۴۷.

کشف و گفتگو کنید: چگونه روح القدس در روز پنطیکاست بر مردم ریخت؟
ملاحظات:

الف) نزول روح القدس بر مردم در دوران عهدعتیق

اگرچه روح القدس در زمان عهدعتیق بر مردم نازل شد، سکونت دائمی او در آنها، وعده‌ای برای دوران عهدجدید می‌باشد (اعداد ۱۱: ۱۷، ۲۵، ۲۹؛ اول سموئیل ۱۰: ۶؛ ۱۶: ۱۳-۱۴؛ ۱۹: ۲۰-۲۱، دوم سموئیل ۲۳: ۲؛ همچنین به یوحنا ۲۰: ۲۱-۲۳ مراجعه کنید).

ب) زمان پنطیکاست.

ده روز پس از صعود عیسی مسیح به آسمان و نشستن او به دست راست خدای پدر به عنوان شاه شاهان و خداوند خداوندان، او روح خود را بر تمام قوم خود یعنی بر تمام ایمانداران به عیسی مسیح در آن زمان فرو ریخت. آن روز، یکی از اعیاد یهود، به مناسبت برداشت محصول بود. بنابراین یهودیان از تمام نقاط دنیا به منظور این جشن به اورشلیم آمده بودند.

پ) علامات منحصر به فرد در روز پنطیکاست. اصطلاح "آوازی مانند صدای وزیدن باد شدید"، نمایانگر قدرت عظیم و غیر قابل رؤیت روح القدس بود، که کار تجدید حیات را در انسان انجام می‌دهد (یوحنا ۳: ۳-۸) و در هر جایی که مایل است، عمل می‌کند (اعمال ۱۶: ۶-۱۰). اصطلاح "زبانهای منقسم شده، مثل زبانه‌های آتش بر ایمانداران قرار گرفت"، نمایانگر توانایی روح القدس در اعلام انجیل با غیرت، شجاعت، محبت و ایجاد الزام می‌باشد (یوحنا ۲: ۳).

ت) ریزش روح القدس بر اولین یهودیانی که به مسیح ایمان آورده بودند. در روز پنطیکاست، روح القدس ابتدا بر حدود ۱۲۰ نفر از شاگردان اولیه عیسی ریخت. اگر چه همه این افراد ایماندار بودند، نتوانسته بودند وعده روح القدس را زودتر از آن دریافت کنند، زیرا عیسی هنوز جلال نیافته بود (یوحنا ۷: ۳۹). ولی پس از جلال یافتنش یعنی پس از قیام، صعود و جلوسش بر تخت شاهی، یهودیان اولین افرادی بودند که روح القدس را دریافت کردند، و روح القدس در آنها به طور دائمی سکونت گزید (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷).

ث) ریزش روح القدس بر اولین یهودیانی، که تبدیل به ایمانداران شدند. پس از آن، پیغام انجیل موعظه شد، و ۳۰۰۰ نفر یهودی تحول یافته، به این پیغام ایمان آورده، روح القدس را دریافت کردند. پنطیکاست عیدی است که یادآور ریزش روح القدس بر اولین ایمانداران دوران عهدجدید می‌باشد. هر که به عیسی مسیح ایمان آورد، روح القدس را دریافت کرد. اعمال ۲: ۴۲ می‌فرماید، ایمانداران خود را وقف تعلیم رسولان، مشارکت ایشان، شکستن نان و دعا کردند. از کتب عهدجدید و تاریخ کلیسا متوجه می‌شویم که وجود کلیسای فعال، شاهدهی بر حضور و دریافت روح القدس توسط انسانها بوده است.

۲ - ریزش روح القدس پس از روز پنطیکاست.

کشف و گفتگو کنید: چگونه روح القدس پس از روز پنطیکاست بر مردم ریخت؟

الف) قدرت جهت گشودن درهای ملکوت خدا برای مردم.
بخوانید: متی ۱۶: ۱۸-۱۹؛ ۱۸: ۱۸.

ملاحظات: عیسی مسیح کلیدهایی را که توسط آن درهای ملکوت خدا برای مردم گشوده می‌شد، تنها به شاگردان خود داده بود، که بعدها به عنوان رسولان او معروف شدند. این وظیفه آنها بود که به یهودیان در یهودیه و اورشلیم، به سامریان در سامره و جلیل و نا اقصای عالم بشارت دهند (اعمال ۱: ۸). این وظیفه شاگردان بود که درهای ملکوت خدا را برای اولین یهودیان (اعمال فصل ۲)، اولین سامریان (اعمال فصل ۸) و اولین غیریهودیان (اعمال فصل ۱۰) بگشایند.

ب) ریزش روح القدس بر اولین ایمانداران سامری.
بخوانید: اعمال ۸: ۴-۱۷.

ملاحظات: سامریان بلافاصله پس از ایمان آوردنشان، روح القدس را دریافت نکردند، زیرا باید منتظر می‌ماندند تا رسولان عیسی مسیح درهای ملکوت خدا را برای آنها بگشایند. پطرس و یوحنا رسول برای اولین ایمانداران سامری دعا کردند و درهای ملکوت خدا را جهت ورود آنها گشودند.

پ) ریزش روح القدس بر اولین غیریهودیان ایماندار.
بخوانید: اعمال ۱۱: ۱۴-۱۸؛ ۱۵: ۷-۱۱.

ملاحظات: خدا باید از طریق رؤیایی خارق‌العاده، کرنیلیوس غیریهودی را ترغیب می‌کرد به اینکه پطرس را دعوت کند تا او پیغام انجیل را برای خانواده و دوستان وی موعظه کند (اعمال ۱۰: ۱-۲۳). وقتی که اولین غیریهودیان، پیغام انجیل را شنیدند، در قلبشان به آن ایمان آوردند و روح القدس را دریافت کردند. و پس از ایمان آوردن و دریافت تولد تازه، تعمید آب را هم دریافت کردند (اعمال ۱۰: ۲۴-۴۸). بدین ترتیب پطرس رسول پیغام انجیل را موعظه کرد و درهای ملکوت خدا را برای اولین غیریهودیان گشود.

ت) کلیسای عهدجدید بر بنیاد رسولان بنا شده است.
بخوانید: افسسیان ۲: ۲۰؛ مکاشفه ۲۱: ۱۴.

ملاحظات: به دلیل اینکه عیسی مسیح از رسولان خود جهت گشودن درهای ملکوت خدا برای سه گروه مهم از مردم که در عهدجدید نام برده شده‌اند، استفاده کرد، رسولان، بانیان کلیسا نامیده شده‌اند. پس از شروع کلیسای مسیحی میان اولین یهودیان، اولین سامریان و اولین غیریهودیان، مردم در هر جایی که پیغام انجیل را می‌شنوند و به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، روح القدس را دریافت می‌کنند (افسسیان ۱: ۱۳؛ تیتس ۳: ۳-۸؛ اعمال ۲: ۳۹؛ ۴: ۴؛ ۵: ۳۲؛ ۶: ۷).

پ - شخصیت و عملکردهای روح القدس

۱ - شخصیت روح القدس

الف) **شخصیت او.** روح القدس یک نیروی غیرشخصی نمی‌باشد، بلکه شخصیت دارد و خود خداست (اعمال ۵: ۳-۴). به طور مشخص، او شخصیت سوم تثلیث است که در عین وحدتی که با سه اقنوم دیگر در طبیعت الهی دارد، شخصیتی مجزا از آنها می‌باشد (متی ۲۸: ۱۹).

ب) صفات او. او دارای صفات ذاتی خدا مانند ابدی بودن (عبرانیان ۹: ۱۴)، می‌باشد. او همچنین دارای صفاتی همانند خدا در ارتباطش با جهان می‌باشد. به عنوان مثال حضور مطلق خدا در همه جا (مزمو ۱۳۹: ۷-۱۰)، از صفات روح‌القدس نیز می‌باشد.

پ) نامهای او. نامهای روح‌القدس به الوهیت او (رومیان ۸: ۹-۱۰)، شخصیت او بعنوان حقیقت، محبت و فیض (یوحنا ۱۴: ۱۷؛ رومیان ۱۵: ۳۰؛ عبرانیان ۱۰: ۲۹) یا به کار او در انسانها به عنوان حکمت، اشاره می‌کند (اشعیا ۱۱: ۲).

ت) نمادهای او. نمادهای روح‌القدس به کار او در ایمانداران اشاره می‌کنند. او به عنوان "بادی غیرقابل پیش بینی و غیرقابل مقاومت"، در مردم عمل تجدیدحیات را انجام می‌دهد (یوحنا ۳: ۳-۸). به عنوان "آب حیات‌بخش"، او باعث نجات و اقتناع روحانی مردم می‌شود و آنها را ترغیب می‌کند به اینکه مجرایی برای انتقال برکات به دیگران باشند (یوحنا ۷: ۳۷-۳۹). به عنوان "زبانه‌های آتش"، او ایمانداران را ترغیب می‌کند که پیغام انجیل را بدون ترس و با شجاعت اعلام کنند (اعمال ۲: ۱-۴). به عنوان "روغن"، او ایمانداران را به جهت وظایف کهناتی، نبوتی و ملوکانه‌شان مسح می‌کند. به عنوان "مهر"، او بر روی ایمانداران قرار گرفته، آنها را به عنوان فرزندان خدا مهر می‌کند (رومیان ۸: ۱۶). و به عنوان "بیعانه"، او به ایمانداران ضمانت می‌دهد که قطعاً در آینده، پری و فراوانی برکات روحانی را تجربه خواهند کرد (دوم قرنیتیان ۱: ۲۱-۲۲).

۲- عملکردهای روح‌القدس در انسان

الف) روح‌القدس جهان را به گناه، عدالت و داوری ملزم می‌سازد (یوحنا ۱۶: ۸).

ب) روح‌القدس نماینده عیسی مسیح بر روی زمین می‌باشد (یوحنا ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۱۳-۱۵). او با قرار گرفتن بر ایمانداران، آن اعمالی را انجام می‌دهد که اگر عیسی بر روی زمین بود، انجام می‌داد.

پ) روح‌القدس کار تجدیدحیات را در انسانها انجام می‌دهد (یوحنا ۳: ۳-۸؛ تیطس ۳: ۳-۷)، و ایشان را ترغیب می‌کند تا کلام خدا را بشنوند (یوحنا ۱۴: ۲۶؛ افسسیان ۶: ۱۸) و از کلام خدا اطاعت کنند (اول پطرس ۱: ۲). او مسیحیان را ترغیب می‌کند تا بیشتر تقدیس شوند (غلاطیان ۵: ۱۳-۲۶)، و علیرغم سختی‌هایی که با آنها مواجه می‌شوند، آنان را تقویت می‌کند (رومیان ۸: ۲۶-۲۷).

۳- عملکردهای روح‌القدس در کلیسا

الف) روح‌القدس در تجارب و زندگی مسیحیان، عیسی مسیح را جلال می‌دهد (یوحنا ۱۶: ۱۴).

ب) روح‌القدس کلیسا را اداره و رهبری می‌کند. از طریق کار تجدیدحیات روح‌القدس در زندگی فرد مسیحی، آن شخص عضو واقعی کلیسا می‌شود (اول قرنیتیان ۱۲: ۱۲-۱۳). روح‌القدس مسیحیان را با هم متحد می‌سازد تا مسکنی باشند جهت سکونت خدا (افسسیان ۲: ۲۲؛ ۱ پطرس ۲: ۴-۵). او پیران کلیسا را ترغیب می‌کند تا کلیسای مسیح را به خوبی نظارت کنند (اعمال ۲۰: ۲۸). او در رابطه با تعالیم صحیح و اعمال کلیسای مسیحی، مسؤول می‌باشد (اعمال ۱۵: ۲۸). او جلسات کلیسایی را رهبری می‌کند (افسسیان ۵: ۱۸-۱۹). و با قدرت عطایای روحانی را به مسیحیان می‌بخشد تا بدینوسیله دیگران را خدمت کنند و باعث بنای کلیسای مسیح شوند (رومیان ۱۲: ۴-۸).

پ) روح‌القدس، مجری و ادارکننده خدمات رسالت بشارتی در جهان می‌باشد. او مسیحیان مختلف را انتخاب کرده، آنها را دعوت به خدمت بشارت انجیل، شاگردسازی و پایه‌گذاری کلیسا می‌کند (اعمال ۱۳: ۱-۴). او مسئولیت هر خادم مسیحی را مشخص می‌کند (اول قرنیتیان ۳: ۵-۹؛ ۱۲: ۴-۶، ۱۱). و در مواقع سختیها و جفاها، آنها را تشویق و تقویت می‌کند (اعمال ۱۳: ۴۹-۵۲).

ت - تمعید با روح‌القدس

۱- اصطلاح "تمعید با روح‌القدس"

الف) اصطلاح "تمعید با روح‌القدس"، تنها ۷ بار در عهدجدید آمده است (متی ۳: ۱۰-۱۲؛ مرقس ۱: ۸؛ لوقا ۳: ۱۶؛ یوحنا ۱: ۳۳؛ اعمال ۱: ۵؛ ۱۱: ۱۴-۱۸ و اول قرنیتیان ۱۲: ۱۲-۱۳). و در هر ۷ مورد اشاره به شروع حیات روحانی يك شخص می‌کند. "تمعید با روح‌القدس" مربوط به اجتماع ایمانداران در ملکوت خدا می‌باشد، در حالیکه "تمعید با آتش"، مربوط به داوری نهایی بی‌ایمانان است (متی ۳: ۱۰-۱۲).

ب) بیشگویی و تحقق آن در مورد تعمید با روح القدس در عهدعتیق پیشگویی شده بود (حزقیال ۳۶: ۲۵-۲۷؛ یوئیل ۲: ۲۸-۳۲). موضوع متحقق شدن تعمید با روح القدس، برای اولین شاگردان مسیح در اعمال ۲: ۱-۴ بیان شده است، و برای اولین یهودیان ایماندار در اعمال ۲: ۳۷-۴۱ (اعمال ۱: ۸ - اورشلیم و یهودیه)، برای اولین سامریان ایماندار در اعمال ۸: ۱۲-۱۷ (اعمال ۱: ۸ - سامره)، و برای اولین غیریهودیان ایماندار در اعمال ۱۰: ۳۴-۳۸ (اعمال ۱: ۸ - دورترین نقطه دنیا؛ ۱۱: ۱۴-۱۸؛ ۱۵: ۷-۱۱).

بنابراین هر که کلام خدا را بشنود و به عیسی مسیح ایمان بیاورد، روح القدس را دریافت خواهد کرد (اعمال ۲: ۳۸-۳۹)، به این معنا که این شخص "با روح القدس مختوم شده" (افسیان ۱: ۱۳-۱۳) یا "با روح القدس تعمید یافته" است (اول قرننیا ۱۲: ۱۳-۱۲).

۲ - مفهوم تعمید با روح القدس

الف) در مورد مفهوم تعمید با روح القدس اصطلاحات مختلفی در کلام به کار رفته است:

- ۱) تعمید با روح القدس (اعمال ۱: ۵؛ ۱۱: ۱۶؛ اول قرننیا ۱۲: ۱۳).
- ۲) دریافت ریزش روح القدس (اعمال ۲: ۱۷، ۳۳؛ تیطس ۳: ۶).
- ۳) دریافت روح القدس (اعمال ۸: ۱۵؛ ۱۰: ۴۶).
- ۴) دریافت نزول روح القدس (اعمال ۸: ۱۶؛ ۱۰: ۴۴؛ ۱۱: ۱۵).
- ۵) دریافت عطای روح القدس که دربرگیرنده خود روح القدس است (اعمال ۲: ۳۸؛ ۱۱: ۱۷؛ ۱۵: ۸).
- ۶) مختوم شدن با روح القدس (افسیان ۱: ۱۳).
- ۷) دریافت نجات با غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است (تیطس ۳: ۵؛ اعمال ۱۱: ۱۴، ۱۸؛ یوحنا ۳: ۳-۵).

همه موارد بالا بیان کننده مفهوم دریافت روح القدس در زمان ایمان آوردن شخص به عیسی مسیح می‌باشند.

ب) تعمید با روح القدس، به مفهوم دریافت روح القدس است که توسط آن شخص، تولد تازه یافته، نجات می‌یابد. هنگامی که نخستین غیریهودیان پیغام انجیل را شنیدند و به عیسی مسیح ایمان آوردند، روح القدس بر آنها نازل شد به همان طریقی که ابتدا بر اولین شاگردان از میان یهودیان نازل شده بود. خدا به آنها عطای روح القدس را که دربرگیرنده خود روح القدس می‌باشد، داد و این واقعه تعمید با روح القدس نامیده می‌شود (اعمال ۱: ۱۵-۱۷، پنطیکاست اولین غیریهودیان). نتیجه این بود که غیریهودانی که به عیسی مسیح ایمان آوردند، همانند یهودیان ایماندار، نجات را دریافت کردند (اعمال ۲: ۱۸، ۲۱؛ ۱۱: ۱۴؛ ۱۵: ۱۱؛ افسسیان ۱: ۱۳). خدا به آنها توبه حیاتبخش را عطا کرد (اعمال ۱۱: ۱۸). و قلبهای آنها را ظاهر ساخت (اعمال ۱۵: ۹).

پ) تعمید با روح القدس، به مفهوم دریافت روح القدس به طریقی است که پس از آن شخص متعلق به مسیح و کلیسای او (یعنی بدن او) می‌شود.

یحیی تعمید دهنده گفت که مسیح مردم را با روح القدس تعمید خواهد داد و به این ترتیب آنها را مانند گندمی در انبار خود ذخیره خواهد کرد (متی ۳: ۱۱-۱۲). پولس ۲۶ سال پس از پنطیکاست خطاب به ایمانداران یهودی و غیریهودی قرنتس نوشت که نه تنها گروه برگزیده‌ای با روح القدس تعمید یافتند، بلکه "جمع ما به یک روح در یک بدن (بدن مسیح)، تعمید یافتیم". این برکت شامل تمام رسولان و ایمانداران جهان می‌شود (اول قرننیا ۱۲: ۱۲-۱۳). بنابراین وقتی انسانها به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، توسط یک روح در بدن مسیح تعمید می‌یابند (افسیان ۱: ۲۲-۲۳).

ت) تعمید با روح القدس، به مفهوم دریافت روح القدس به طریقی است که روح القدس در زندگی و اعمال فرد ایماندار ساکن می‌شود. در زمان تعمید با روح القدس، روح القدس در بدن ایماندار ساکن می‌شود (یوحنا ۷: ۳۷-۳۹؛ اول قرننیا ۶: ۱۹-۲۰). و پس از آن کار تمام شده نجات توسط عیسی مسیح را در زندگی ایمانداران عملی می‌سازد. و به مرور زمان عطایای مختلفی را به مسیحیان می‌بخشد.

ث - پیری روح القدس

۱ - مفهوم پیری روح القدس

الف) شخصیتی مقتدر، نه قدرتی بی‌جان
اگر روح القدس قدرتی بیجان بود که شما می‌توانستید از آن به مقدار مشخصی برخوردار شوید، آنگاه این نگرش را می‌داشتید که "چگونه می‌توانم از مقدار بیشتری از روح القدس را برخوردار شوم؟" ولی اگر روح القدس دارای شخصیتی مقتدر یعنی

شخصیت خدا می‌باشد که می‌تواند به مقدار کم یا زیاد شما را تصاحب کند، در آن زمان نگرش شما باید اینگونه باشد: "چگونه روح القدس می‌تواند قسمت بیشتری از مرا تصاحب کند؟" مسیحیان هیچ وقت روح القدس را تصاحب نمی‌کنند بلکه این روح القدس است که آنان را تصاحب می‌کند. سؤال مربوط به پری روح القدس، در واقع سؤالی در رابطه با خداوندی عیسی مسیح توسط روحش در قلب و زندگی من می‌باشد. "چگونه عیسی مسیح به عنوان پادشاه و خداوند، می‌تواند بیشتر در زندگی من نفوذ کرده، آن را هدایت کند؟" پر شدن از روح القدس به این مفهوم است که من خود را کاملاً وقف خداوند کرده، و اینکه خدا تمامیت وجود مرا کنترل می‌نماید. به این مفهوم است که خدا زندگی مرا از طریق کتاب مقدس هدایت کرده، و مرا ترغیب می‌کند تا بیشتر شبیه مسیح شوم و خدمت پرثمرتر گردد.

ب) وعده مربوط به پری روح القدس.

عیسی به مسیحیان وعده داد که از بطن ایشان نهرهای آب زنده جاری خواهند شد (یوحنا ۷: ۳۷-۳۹). او به طور خاص به شاگردانش وعده داد که آنان قدرت دریافت می‌کنند تا شاهدان او در تمام عالم باشند (اعمال ۱: ۸).

۲- تعلیم در رابطه با پری روح القدس

بخوانید: افسسیان ۵: ۱۵-۲۱.

کشف و گفتگو کنید: تعلیم واضح کتاب مقدس در رابطه با پری روح القدس چیست؟
ملاحظات:

الف) مسیحیان نیاز دارند، همواره توسط و با روح القدس پر شوند.

فعل اصلی در افسسیان ۵: ۱۸-۲۱ "از روح پر شوید" می‌باشد (۵: ۱۸)، که حالت دستوری دارد، و همواره در زمان حال می‌تواند کاربرد داشته باشد. این عمل مقتدرانه توسط خدا انجام می‌شود. بنابراین کتاب مقدس به وضوح به مسیحیان حکم می‌کند که همواره و به طور دائمی باید از روح القدس پر شوند. زندگی پر از روح به عنوان زندگی معمول مسیحی قلمداد می‌شود.

ب) وجه مشخصه مسیحیان پر از روح، سخنان و سرودها و ترنم و شکرگزاری و اطاعت و سرسپردگی ایشان می‌باشد.

۵ فعلی که به دنبال فعل اصلی پری از روح در افسسیان ۵: ۱۹-۲۱ می‌آید، عبارت است از: "بگوئید، بسرایید، ترنم نمایید، خدا را شکر کنید و اطاعت کنید". این افعال به فعل اصلی وابسته هستند و به طور همزمان با فعل اصلی عمل می‌کنند و می‌توانند همواره مانند فعل اصلی در زمان حال کاربرد داشته باشند. بنابراین کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که وجه مشخصه مسیحیان پر از روح موارد ذیل می‌باشند:

۱) يك مسیحی پر از روح در مهمانیهای دنیوی که در آنها مستی، عیاشی و انحرافات اخلاقی وجود دارد، شرکت نمی‌کند (افسسیان ۵: ۳-۱۳؛ اول پطرس ۴: ۳-۴). بلکه به منظور صحبت در مورد امور روحانی، سراییدن و شکرگزاری خدا، با دیگران جمع می‌شود تا باعث بنای آنها شود و بدین ترتیب خدا جلال بیابد. این يك نمونه از ثمره روح، به نام پرهیزگاری می‌باشد (غلاطیان ۵: ۲۳؛ اول قرنتیان ۷: ۹؛ ۹: ۲۴-۲۷).

۲) يك مسیحی پر از روح در رابطه با مردم و شرایط موجود، دارای شخصیتی منفی، منتقد و محکوم‌کننده نمی‌باشد. او مانند شخصی نیست که دائماً اعتراض و مجادله کرده، از هیچ چیز ارضا نمی‌شود و روحیه شکرگزار و قدردان ندارد. (فیلیپیان ۲: ۱۴). بلکه او همواره قانع است (فیلیپیان ۴: ۱۱؛ اول تیموتاوس ۶: ۶) و از خدا برای همه شرایط شکرگزار می‌باشد (اول تسالونیکیان ۵: ۱۸). این يك نمونه از ثمره روح به نام شادی می‌باشد (غلاطیان ۵: ۲۲).

۳) يك مسیحی پر از روح، مغرور و فردگرا نمی‌باشد. او شخصیتی نیست که تنها به فکر خود بوده، نیازها و منافع دیگران را در نظر نداشته باشد. بلکه حلیم و فروتن است. به عنوان مثال او مایل است که کوچکترین و آخرین نفر باشد و در جایی که شخص دیگری توانایی یا تمایل جهت خدمت به دیگران را ندارد، حاضر به همکاری است (یوحنا ۱۳: ۱-۱۷). او دیگران را بیشتر از خود احترام می‌نماید (رومیان ۱۲: ۱۰). او علانق و مسائل دیگران را ملاحظه کرده، با آنها دوستانه و با ملایمت و فروتنی برخورد می‌کند (فیلیپیان ۲: ۴). این يك نمونه از ثمره روح به نام تواضع (فروتنی) می‌باشد (غلاطیان ۵: ۲۳).

پ) وجه مشخصه مسیحیان پر از روح، طرز برخورد، حکمت، دانش، اطاعت و اولویت‌هایشان می‌باشد.

در متن اصلی یونانی عهدجدید، بین آیات افسسیان ۵: ۱۷ و افسسیان ۵: ۱۸ حرف ربط "و" وجود دارد. بنابراین يك مسیحی پر از روح توسط آنچه که در آیات ۱۵ الی ۱۷ نوشته شده است، متمایز می‌شود.

۱) يك مسیحی پر از روح، مراقب زندگی و رفتار خود می‌باشد. او شخصیتی نیست که تنها آنچه را که باعث خشنودی خودش می‌شود انجام دهد، بدون اینکه رضایت و خشنودی خدا را در نظر داشته باشد (داوران ۲۱: ۲۵). بلکه در هر جنبه از زندگی‌اش، روشهای گذشته زندگی را ترك کرده، متوسل به زندگی جدید و مقدسی شده است.

۲) يك مسیحی پر از روح، پر از حکمت عملی است. او از بهترین روشها جهت متوسل شدن به بالاترین اهداف استفاده می‌کند. او دانشی را که از کتاب مقدس دارد، به زندگی روزانه‌اش کاربرد می‌دهد، به طوری که خدا در زندگی‌اش جلال بیابد.

۳) يك مسیحی پر از روح، از زمانها و موقعیتهایی که خدا به او عطا کرده است، بهترین استفاده را می‌کند.

۴) يك مسیحی پر از روح، دائماً و فعالانه در صدد درك و انجام اراده خدا، آنگونه که در کتاب مقدس آشکار شده است، می‌باشد.

ج - ثمره روح القدس

بخوانید: رومیان ۸: ۹-۱۶؛ غلاطیان ۵: ۱۳-۲۵.
کشف و گفتگو کنید: حضور طبیعت گناهکار یا حضور روح القدس در شما چگونه متجلی می‌شود؟
ملاحظات:

۱- متجلی شدن طبیعت گناهکار

طبیعت گناهکاری که در شخص ساکن است، خود را از طریق گناهان جسم، مانند فساد جنسی و فجور، گناهان روحانی، مانند بت‌پرستی و جادوگری، و گناهان اخلاقی مانند جاه‌طلبی، خودخواهی، نزاع و شقاق، متجلی می‌سازد.

۲- تجلی روح القدس

روح القدس حضور خود را از طریق ثمره روح در شخص، متجلی می‌سازد. او خود را از طریق خصوصیات بنیادین روحانی مانند محبت، خوشی و سلامتی آشکار می‌سازد؛ و از طریق خصوصیاتی که در زندگی اجتماعی ابراز می‌شوند، مانند حلم، مهربانی و نیکویی؛ و همچنین از طریق ایمان و وفاداری به خدا، تواضع نسبت به دیگران و پرهیزگاری در وجود خود. شما اگر مسیحی باشید، به عیسی مسیح تعلق دارید و روح او در بدنهای شما ساکن می‌باشد. در آن زمان دیگر تحت کنترل طبیعت گناهکاران زندگی نمی‌کنید، بلکه تحت کنترل و حاکمیت روح القدس هستید. روح القدس با طبیعت گناهکاری که در شما وجود دارد، در تضاد می‌باشد و به شما کمک می‌کند که نسبت به آن طبیعت خود را مرده انگارید. در آن زمان، روح القدس ثمره روح را که متشکل از محبت، خوشی، سلامتی، حلم، مهربانی، نیکویی، ایمان، تواضع و پرهیزگاری است، در شما تولید می‌کند، و شما را به طریقی که خدا مایل است بروید، هدایت می‌نماید. بنابراین روح القدس، روح حاکم در زندگی شما بوده، زندگی شما را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، و در نتیجه شما بیشتر خود را وقف او کرده، با همکاری می‌کنید.

چ - عطایای روحانی روح القدس

۱- ماهیت عطایای روح القدس

الف) عطایای روحانی، به مفهوم لغوی، "عطایای فیض مطلق خدا" هستند، که ممکن است متشکل از تواناییها و عملکردها باشند.

ممکن است تواناییها و عملکردهای معمولی یا مخصوص وجود داشته باشد. به عنوان مثال، برخی از مسیحیان توانایی (خدمت) معمولی یا مخصوص نبوت، تعلیم یا تشویق را دریافت می‌کنند (رومیان ۱۲: ۶-۸) و مسیحیان دیگر عملکرد (مقام) معمولی یا مخصوص نبی، معلم یا شبان را دریافت می‌کنند (افسیان ۴: ۱۱؛ رومیان ۱۲: ۴).

ب) عطایای روحانی، "تجلیات" مختلف قدرت، حکمت و دیگر صفات خدا می‌باشند. این صفات توسط ایمانداران متجلی می‌شوند (اول قرن‌تینان ۱۲: ۷).

پ) عطایای روحانی در "خدمات" متفاوتی نمایان می‌شوند. (اول قرن‌تینان ۱۲: ۵). به عنوان مثال: عطایای روحانی ممکن است در اعلام کلام خدا به مردم، در بشارت به جانهای گمشده و در تعلیم و شبانی افراد نجات‌یافته نمایان شوند (افسیان ۴: ۱۱-۱۲).

ت) عطایای روحانی "تأثیرات" (نتایج) متفاوتی دارند. (اول قرن‌تینان ۱۲: ۶). به عنوان مثال: عطایای روحانی شفا دادن (به صورت جمع)، به عطایایی اشاره می‌کنند که ممکن است باعث شفای جسمی، عاطفی و روحانی مردم شوند. این عطایای روحانی ممکن است به شفای افراد به روشی معمولی و یا شفای آنها به روشی معجزه‌آسا اشاره کنند (اول قرن‌تینان ۱۲: ۹).

۲ - محدودیت‌های عطایای روحانی

الف) عطایای روحانی، در هر فهرست از عطایا، به طور محدود بیان شده‌اند. عطایای روحانی زیادی در رومیان ۱۲: ۴-۸؛ اول قرن‌تینان ۷: ۱، ۷؛ ۱۲: ۷-۱۰، ۲۸-۳۰؛ ۱۴: ۶، ۲۶؛ افسسیان ۴: ۱۱؛ ۱ پطرس ۴: ۱۰-۱۱ به طور فهرست‌وار بیان شده‌اند. و هیچ کدام از این فهرست‌ها کامل نیستند. احتمالاً عطایای روحانی بسیار زیاد دیگری هم وجود داشته که در این فهرست‌ها بیان نشده‌اند. به عنوان مثال مهارت در تهیه لباس (خروج ۲۸: ۳؛ ۳۵: ۲۵، ۳۵)، مهارت در انجام کارهای هنری (خروج ۳۱: ۱-۶)، مهارت در ساختن ساختمان (خروج ۳۵: ۱۰؛ ۳۶: ۱)، مهارت در سرآیین سرود (مزمور ۳۳: ۲-۳)، مهارت در نوشتن شعر یا سرود (مزمور ۴۵: ۱۰) و مهارت در رهبری (مزمور ۷۸: ۷۲).

ب) عطایای روحانی توسط دهنده این عطایا محدود می‌باشند.

- ۱) خدا بر اساس فیض و اراده مطلق خود، عطایای روحانی متفاوتی را به مردم عطا می‌کند. او اراده می‌کند به هر کس چه عطایی را بدهد (اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۱).
- ۲) هیچ کس تمام عطایای روحانی را دریافت نمی‌کند و همه مسیحیان نیز يك نوع عطا را دریافت نمی‌کنند. به عنوان مثال، همه مسیحیان عطا رهبری را ندارند، یا همه به زبانها صحبت نمی‌کنند (اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۹-۳۰).
- ۳) مسیحیان در رابطه با این موضوع که هر کدام از آنها عطایی روحانی را دریافت کرده است یا نه، با هم فرق می‌کنند. کلمه "هر يك" می‌تواند به طور عام به مفهوم هر انسان (رومیان ۲: ۶) یا هر فرد مسیحی باشد که تا به حال زیست کرده است (اعمال ۲: ۳۸؛ رومیان ۱۲: ۱۴؛ ۳: ۱۲). بنابراین، برخی از مسیحیان معتقدند که کلمه "هر يك" در اول قرن‌تینان ۷: ۷، ۱۲: ۷، ۱۴: ۲۶ و ۱ پطرس ۴: ۱۰، به این مفهوم است که هر فرد مسیحی يك عطای روحانی را دریافت کرده است (که احتمال این امر وجود دارد).
- از طرف دیگر کلمه "هر يك" می‌تواند از نظر تعلق هر فرد به يك طبقه بندی یا گروهی، دارای مفهومی محدود باشد. به عنوان مثال، هر فرد ریاکار (لوقا ۱۳: ۱۵)، هر فرد در جمعیتی بزرگ (یوحنا ۶: ۷) یا هر فرد مسیحی نیازمند در یهودیه (اعمال ۴: ۳۵). بنابراین گروه دیگر از مسیحیان معتقدند که کلمه "هر يك" در اول قرن‌تینان ۷: ۷، ۱۲: ۷، ۱۴: ۲۶ و اول پطرس ۴: ۱۰، دارای مفهوم محدودی در متن است که اشاره به هر فرد مسیحی در بدن مسیح می‌کند که روح القدس بر اساس اقتداری که دارد، به او يك عطای روحانی را بخشیده است (اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۱، ۲۸-۳۰). بنابراین لزومی ندارد، اینگونه فکر کنیم که روح القدس به هر مسیحی در دنیا، يك عطای روحانی را بخشیده است.
- ۴) افسسیان ۴: ۷ می‌فرماید، "لیکن هر یکی از ما را فیض بخشیده شد بحسب اندازه بخشش مسیح". این آیه نمی‌گوید هر مسیحی يك عطای روحانی را دریافت کرده است، بلکه می‌گوید، هر مسیحی فیض را دریافت کرده است. فیض خدا چیزی بیش از صرفاً دادن عطایای روحانی به مسیحیان است. هر فرد مسیحی به اندازه‌ای از تأثیرات فیض خدا برخوردار بوده است. به عنوان مثال، خدا به برخی از مسیحیان مهارت خاصی جهت گذاشتن بنیادی روحانی بخشیده است (اول قرن‌تینان ۳: ۱۰)، در حالیکه به دیگران قدرت و توانایی خاصی را بخشیده که قادرند از مسیحیان دیگر بیشتر کار کنند (اول قرن‌تینان ۱۵: ۱۰). خدا به برخی از مسیحیان قدرت جهت تحمل و استقامت در شرایط سخت را عطا کرده است (دوم قرن‌تینان ۱۲: ۹)، در حالیکه به برخی دیگر مهارت‌های خاصی جهت انجام خدمات رسالت بشارتی بین ملل دیگر، داده است (غلاطیان ۲: ۹). به همین شکل، برخی از مسیحیان تواناییها یا عملکردهای خاصی را از خدا دریافت کرده‌اند که عطایای روحانی نامیده می‌شوند (افسسیان ۴: ۱۱؛ اول پطرس ۴: ۱۰-۱۱).

پ) عطایای روحانی از نظر مقدار و اندازه، محدود می‌باشند.

نه تنها فیض خدا، بلکه عطایای روحانی نیز همواره اندازه‌گیری می‌شوند (افسسیان ۴: ۷). این بدان مفهوم است که مسیحیان عطایای روحانی را به طور محدود، و به اندازه‌ای که خدا به آنها نصیب کرده است، دریافت کرده‌اند. به عنوان مثال، برخی از مسیحیان عطای روحانی تعلیم به بچه‌ها را و دیگران، عطای تعلیم به افراد بالغ را دریافت می‌کنند. برخی از مسیحیان عطای تعلیم در ارتباط با گفتن داستان به مخاطبینشان، و دیگران عطای روحانی تعلیم در زمینه توضیح و تفسیر کلام خدا را دریافت می‌کنند. هیچ کس همه مردم دنیا را تعلیم نمی‌دهد و هیچ معلمی هم وجود ندارد که دارای تمام تواناییها جهت تعلیم به افراد مختلف باشد (به جز عیسی مسیح).

۳- هدف از عطایای روحانی

عطایای روحانی دارای چهار هدف متمایز از هم می‌باشند.

الف) عطایای روحانی باید جهت خدمت به دیگران به کار گرفته شوند، نه جهت خودنمایی (اول پطرس ۴: ۱۰-۱۱).

ب) عطایای روحانی باید جهت بنای کلیسا به کار گرفته شوند (اول قرنتیان ۱۲: ۷؛ ۱۴: ۱۲).

پ) عطایای روحانی باید جهت تجهیز مسیحیان به منظور انجام خدمات در کلیسا، به کار گرفته شوند (افسیان ۴: ۱۲).

ت) عطایای روحانی باید جهت جلال دادن خدا در هر امری، به کار گرفته شوند (اول پطرس ۴: ۱۱).

ح - درسهای دیگری در رابطه با روح القدس

۱- شخصیت و عملکردهای روح القدس: به مجموعه "بروید و شاگردان بسازید"، در کتاب دوم، درس ۲۱ مراجعه کنید.

۲- تعمید، پری و ثمره روح القدس: به مجموعه "بروید و شاگردان بسازید"، در کتاب چهارم، درس ۴۵ مراجعه کنید.

۳- عطایای روحانی روح القدس: به مجموعه "بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید"، در کتاب سوم، درس ۳۶ مراجعه کنید.

۵	دعا (۸ دقیقه)	دعای در پاسخ به کلام خدا
---	---------------	--------------------------

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیابورید.

۶	تکلیف منزل (۲ دقیقه)	برای درس بعدی
---	----------------------	---------------

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱- تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲- برای يك فرد یا گروه، موضوع "پنطیکاست- روزی که یادآور ریزش روح القدس می‌باشد" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳- رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از اول قرنتیان ۹- ۱۲ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴- حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۱: ۱۶) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵- بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۲) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶- دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷- آموخته‌های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۸

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) اول قرن‌تینان
---	--------------------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (اول قرن‌تینان ۹-۱۲) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	-------------------------------------------

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۱: ۱۶.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۲: ۱-۲۵
---	---------------------------------------------

مقدمه: یوحنا ۲: ۱-۱۱، در مورد ظهور عیسی بر اولین شاگردانش، و یوحنا ۲: ۱۲-۲۵ در مورد ظهور او بر جماعت اورشلیم می‌باشد.

قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۲: ۱-۲۵ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

قدم ۲: کشف کنید توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

کشف ۱) در یوحنا ۲: ۱۱ در رابطه با این موضوع که عیسی جلال خود را به واسطه نشانه‌ای معجزه‌آسا آشکار می‌سازد، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. جلال عیسی مسیح، تمامی صفات الهی او هستند که از طبیعت انسانی او درخشش می‌یابد. یکی از نمونه‌های جلال او، فیض و راستی او است. یوحنا ۱: ۱۴-۱۸ می‌فرماید: "ما جلال او را دیدیم... پیر از فیض و راستی". دیدن جلال او به مفهوم آزمودن و متمرکز شدن بر صفات الهی او می‌باشد. در این قسمت، جلال خدا بیانگر فیض و راستی اوست که در اعمال و سخنان او نمایان گشته است.

نمونه دیگری از تجلی جلال او، نشانه‌های معجزه‌آسای او هستند. در یوحنا ۲: ۱۱، عیسی جلال خود را توسط نشانه‌ای معجزه‌آسا آشکار کرد. او صفات الهی خود را از طریق تبدیل آب به شراب در يك جشن عروسی، متجلی ساخت. در این قسمت جلال خدا به این موارد اشاره می‌کند: او ارزشهای کامل اخلاقی خود را از طریق احترام به رسم ازدواج، و بخشش الهی خود

را از طریق تهیه شراب آشکار کرد و بدین ترتیب میزبانان را از شرمساری به علت نبودن شراب در آن مهمانی رهایی داد. من مایلم نگاهی عمیقتر به موضوع جلال عیسی مسیح در عهد عتیق و عهدجدید بیفکنم.

کشف ۲) در یوحنا ۲: ۲۴-۲۵، در رابطه با اعتماد نکردن عیسی به هیچ کس، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. وقتی که جماعت در اورشلیم نشانه‌های معجزه‌آسای عیسی را دیدند، بسیاری به او ایمان آوردند (۲۳). ولی عیسی به آنها اعتماد نکرد، زیرا از درون آنان آگاه بود. در نتیجه افرادی را که به او ایمان آوردند، به عنوان ایمانداران واقعی تلقی نکرد. تنها عیسی است که همه مردم را می‌شناسد و از درون آنها آگاهی دارد. تنها عیسی است که می‌داند چه کسی به راستی تولد تازه یافته است. آیه ۲۵ می‌فرماید که عیسی نیاز نداشت شهادتی در مورد مردم بشنود، زیرا خود او قادر بود با چشمان بانفوذش، اعماق قلب انسانها را ببیند.

در یوحنا فصل ۱، وقتی عیسی شمعون را برای بار اول دید، نیاز نداشت کسی او را معرفی کند. او با چشمان بانفوذش درون شمعون را دید. همچنین وقتی عیسی نتنائیل را برای بار اول دید، لازم نبود کسی نتنائیل را به او معرفی کند، زیرا او می‌دانست که نتنائیل آن اسرائیلی واقعی بود که در او هیچ مکرری وجود ندارد. بنابراین در فصل ۲، عیسی می‌دانست که ایمان بسیاری از مردم در اورشلیم، ایمانی اصیل و نجاتبخش نبود. او قادر بود با چشمان بانفوذش اسرار درون انسان را بخواند. او از افکار، انگیزه‌ها و نگرشهای آنان آگاه بود. و در یوحنا فصل ۳، وقتی عیسی نيقوديموس را برای بار اول ملاقات کرد، نیاز نداشت کسی به او بگوید او که بود. این آیات برای من حائز اهمیت زیادی هستند، زیرا بر اساس آنها متوجه می‌شوم که عیسی همه چیز را در مورد من می‌داند. چشمان نافذ او قادرند درون افکار، قلب و تمامی زندگی مرا ببینند (دوم تواریخ ۱۶: ۹؛ عبرانیان ۴: ۱۳). او همان گونه که از ضعفهای پطرس آگاه بود، از ضعفهای من نیز آگاه است. او همان گونه که از صداقت و بی‌ریایی نتنائیل آگاه بود، از صداقت و خلوص من نیز آگاه است. او همانند مردم دیگر، از ایمان من آگاه است و همانند نيقوديموس او سؤال قلبی مرا می‌داند.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟

سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۲: ۱-۲۵ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سیس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۲: ۱۱) هدف از معجزات در کتاب مقدس چه می‌باشد؟

ملاحظات: یوحنا مایل است از کلمه "نشانه‌ها" به جای کلمه "معجزات" استفاده کند.

الف) نشانه، معجزه‌ای است که اقتدار و عظمت الهی را ثابت می‌کند.

هدف از معجزه این است که توجه بیننده را از خود عمل، معطوف به عامل الهی آن بکند. معجزات در کتاب مقدس، غالباً در زمان وقوع مکاشفه‌ای جدید واقع شده‌اند.

۱) وقتی که خدا شریعت را بر موسی مکشوف ساخت، از طریق او معجزاتی انجام داد. او ده بلا بر علیه دشمنان او فرستاد، دریای سرخ را از وسط شکافت تا قوم اسرائیل بتوانند از مسیری خشک عبور کنند و آب تلخ را به آبی شیرین تبدیل کرد، و غیره. توسط این معجزات، این حقیقت بر موسی ثابت شد که شریعت از طرف خدا، و با اقتدار الهی او داده شده است.

۲) هنگامی که خدا واقعی بودن حضور خود را در زمانی که مردم یهودا و اسرائیل از او رویگردان شده بودند، بر آنان مکشوف ساخت، از طریق انبیایی مانند ایلیا و الیشع، معجزاتی را انجام داد. او برای بیومزنی فقیر خوراک مهیا کرد، و از آسمان آتش فرستاد تا قربانی، آب و حتی سنگهای مذبح را ببلعد، تا بدین ترتیب ثابت کند که بتهّا از خود هیچ قدرتی ندارند. او به کودکان مرده حیاتی دوباره بخشید، خادمین خود را از طریق عرابه‌های آتش محافظت کرد و غیره.

۳) هنگامی که عیسی طبیعت انسانی بر خود گرفت و به میان ما آمد، بیشترین و بزرگترین معجزات را انجام داد. او بیماران را شفا داد، افرادی را که در اسارت دیوها بودند رهایی بخشید، مفلوجان و نابینایان و ناشنوایان را بهبود داد، مردگان را برخیزانید، جماعتی گرسنه را خوراک داد و طوفان دریا را آرام ساخت.

موارد ذیل بیان کننده بزرگترین معجزات هستند: او از طریق يك باکره که با قدرت روح القدس حامله شده بود متولد شد، از میان مردگان برخاست و به آسمان صعود نمود. او همواره میلیونها انسان را از مرگ و هلاکت ابدی نجات داده، زندگی آنها را مبدل می‌سازد تا بدینوسیله شهروندان ملکوت خدا شوند.

۴) هنگامی که خدا کلیسای خود را توسط اعمال و نوشته‌های رسولان در نقاط مختلفی بنا کرد، معجزات بسیاری را مخصوصاً از طریق آنها به انجام رساند. آنها نیز بیماران را شفا داده، مردمی را که در اسارت دیوها بودند رهایی بخشیدند، مفلوجین و نابینایان را بهبود دادند و مردگان را برخیزانیدند. ولی مهمتر از آن، خدا از آنها استفاده کرد تا پیغام انجیل را در اقصا نقاط جهان موعظه کرده، زندگی بسیاری را تغییر دهند. آنها همچنین کلیساهای بسیاری را بین یهودیان، سامریان و غیریهودیان تأسیس کردند و آخرین کتب کتاب مقدس را به نگارش در آوردند.

ب) نشانه، عمل قدرتمندی در قلمرو فیزیکی است و اصلی را نمایان می‌سازد که در قلمرو روحانی قابل اجرا و عملی می‌باشد. نشانه، هدف مشخصی دارد. معجزه‌ای که در محدوده فیزیکی خلقت به وقوع می‌پیوندد، توجه انسان را از آن به معجزه‌ای معطوف می‌دارد که در محدوده روحانی نجات و رهایی، واقع می‌شود. به عنوان مثال، در یوحنا ۶: ۱۴، نشانه (معجزه) برکت نان با این هدف انجام شد که توجه مردم را به عیسی مسیح که بخشنده نان حیات است معطوف سازد، و به این مفهوم است که عیسی مسیح به آنانی که به او ایمان آورند، حیات جاودانی عطا می‌کند (۶: ۳۵). در یوحنا ۹: ۱۶، نشانه باز شدن چشمان شخصی که نابینای مادرزاد بود، به این حقیقت اشاره دارد که عیسی نور جهان است، و به افرادی که به او ایمان آورند، نور روحانی عطا می‌کند (۸: ۱۲). در یوحنا ۱۱: ۴۷ و ۱۲: ۱۸، نشانه زنده شدن ایلعازر معطوف به این حقیقت است که عیسی قیامت و حیات می‌باشد، و به ایمانداران حیات روحانی می‌بخشد و در زمان قیامت مردگان، بدن فانی ما را به صورت بدن پر جلال خود متبدل می‌سازد (۱۱: ۲۵) (فیلیپیان ۳: ۲۱). تنها از چهار چوب هر متن متوجه می‌شویم که آن نشانه خاص، مفهوم ثانوی و عمیقتر روحانی دارد یا نه. در هر مورد، متوجه می‌شویم که يك نشانه، همواره توجه شخص را معطوف به عامل اصلی آن می‌کند. در یوحنا ۲: ۱۱، نشانه تبدیل آب به شراب، اولین نشانه معجزه‌آسای عیسی نامیده می‌شود و هدف از آن بیان این حقیقت است که عیسی مسیح به این جهان آمده است تا آیین و روش قدیمی را متحقق ساخته، به آن پایان دهد و آیین و روشی جدید را جانشین آن سازد (یوحنا ۲: ۱۹-۲۱؛ متی ۵: ۱۷). آمدن عیسی مسیح به جهان، به آیین و روش عهد عتیق (معبد، قربانیا، و غیره) پایان داد و به جای آن آیین و روش جدیدی عرضه داشت (پرستش خدا در روح و راستی، قربانی عیسی مسیح به عنوان کفاره‌ای برای گناهان تمامی بشر، آمدن مردم از هر قوم و نژادی به حضور خدا و غیره). روش جدید از روش قدیم بسیار برتر می‌باشد، همانگونه که شراب با آب متفاوت و از آن بهتر است.

پ) نشانه، به منظور ایجاد ایمان در شخص نیست، بلکه به منظور تقویت آن است. متن اصلی یونانی یوحنا ۲۰: ۳۰-۳۱ بطور تحت اللفظی می‌فرماید، "این نشانه‌ها نوشته شده‌اند تا شما به ایمانتان ادامه دهید". این آیه نمی‌فرماید "نشانه‌ها به این منظور هستند تا در شما ایمان ایجاد شود"، بلکه می‌گوید، "تا شما به ایمانتان ادامه دهید". هدف معجزات به عنوان نشانه، ایجاد ایمان نیست، بلکه تقویت ایمانی راستین و نجات‌بخش می‌باشد. تنها روح القدس است که ایمان را در شخص ایجاد می‌کند و معجزات و تعالیم مربوطه، صرفاً جهت تقویت ایمان فرد هستند. یوحنا رسول انجیل یوحنا را نوشت تا بدینوسیله ایمان ایمانداران را در مواجهه با معلمین دروغین و دشمنان کلام، تقویت و محافظت کند.

سؤال ۲) (یوحنا ۲: ۱۴-۱۷). چرا عیسی معبد را پاک می‌کند؟

ملاحظات: همه یهودیان باید هر سال عید فصح را در اورشلیم جشن می‌گرفتند (خروج ۲۳: ۱۴-۱۷) و مالیات معبد را می‌پرداختند (خروج ۳۰: ۱۱-۱۶). در طول هفت روز عید فصح، حیوانات زیادی به عنوان قربانی به خداوند تقدیم می‌شدند (اعداد ۲۸: ۱۶-۲۵). با توجه به اینکه بسیاری از یهودیان از کشورهای نوردستی جهت شرکت در این مراسم می‌آمدند، آنها باید حیوانات خود را جهت قربانی، در اورشلیم می‌خریدند. رئیس بدکار شورای عالی یهود (سنهدرین) به نام حنا، می‌خواست از این شرایط سوءاستفاده کند. به همین دلیل او به فروشندگان و صرافان اجازه داد تا از قسمتی از معبد به نام صحن غیریهودیان، جهت کار خود استفاده کنند. فروشندگان گاو و گوسفند، وسوسه می‌شدند که حیوانات خود را به قیمت‌های گزافی بفروشند و از عبادت کنندگان، در رابطه با کارشان بهره‌برداری کنند. صرافان نیز از این قسمت از معبد جهت کار خود استفاده می‌کردند. هر پرستنده ذکوری باید در سال، به اندازه نیم شکل مالیات به معبد می‌پرداخت. بنابراین، یهودیانی که در کشورهای دیگر زندگی می‌کردند باید پول خود را به سکه‌های یهودی تبدیل می‌کردند. به طور طبیعی، صرافان برای هر تبدیل پولی که انجام می‌دادند، کارمزدی نیز مطالبه می‌کردند. این افراد موقعیتهای زیادی جهت فریب دادن مردم و سوءاستفاده از آنها داشتند. وقتی که عیسی وارد معبد شد، متوجه شد که مردم در صحن معبد، گاو و گوسفند و کبوتر می‌فروشند و بعضی دیگر نیز در پشت میزهایشان مشغول صرافی می‌باشند. بنابراین معبدی که باید جای دعا و پرستش می‌بود (اشعیا ۵۶: ۷)، به خانه تجارت و دزدی تبدیل شده بود.

الف) عیسی در مقام پسر خدا معبد را پاک کرد.

عیسی معبد را خانه پدر خود خواند (لوقا ۲: ۴۹). او از طریق پاکسازی معبد، قدرت خود را در مقام پسر یگانه خدا اعمال کرد تا بدین ترتیب خانه پدر خود را پاک کرده، آن را به حالت اولیه خود، یعنی خانه دعا و پرستش خدا باز گرداند.

ب) عیسی در مقام مسیح موعود معبد را پاک کرد.

یهودیان از کتب مقدسه خود نیز آگاهی نداشتند. هزار سال قبل از میلاد، داود پادشاه نبوت کرده، گفته بود: "غیرت خانه تو مرا خورده است" (مزمور ۶۹: ۹). پاکسازی معبد، به نوعی در مرگ عیسی مسیح نقش داشت. میکای نبی نبوت کرد که خداوند به

طور ناگهانی وارد معبد خود خواهد شد و مانند آتش سوزانی خواهد بود... و افراد قبیله لاوی را پاك خواهد كرد (ملاکی ۳: ۱-۳). بنابراین عهدعتیق این حقیقت را ثابت می‌کند که مسیح موعود قدرت و اختیار جهت پاکسازی معبد را دارد. وقتی عیسی معبد را پاك کرد، شاگردانش نبوتهایی را که در رابطه با او در عهدعتیق نوشته شده بود، به یاد آوردند. عیسی مسیح با اقتدار معبد را پاك کرد، زیرا به عنوان پسر یگانه خدا و مسیح موعود، اختیار و قدرت جهت انجام این کار را داشت.

سؤال ۳) (یوحنا ۲: ۱۸-۲۲). منظور از خرابی معبد و بازسازی آن در سه روز چه می‌باشد؟
ملاحظات:

الف) معمای عیسی.

عیسی فرمود، "این قدس (معبد) را خراب کنید و در سه روز آن را برپا خواهیم نمود". این نوعی معما بود، زیرا کلمات موجود در آن هر کدام دارای دو مفهوم هستند. کلمه "معبد" ممکن است هم اشاره بکند به "معبد ساخته شده به سنگها" در اورشلیم، و هم به "معبد بدن". کلمه "خراب کردن" نیز می‌تواند هم اشاره کند به "در هم کوبیدن" ساختمان، و هم به "از بین بردن" بدن. و کلمه "برپا نمودن" ممکن است هم اشاره بکند به "بنای مجدد" یک ساختمان، و هم به "قیام" بدن.

ب) مفهوم معما.

نیلاً به منظور عیسی از بیان این معما می‌پردازیم.

- ۱) اگر چه یهودیان، معبد بدن مسیح را از بین خواهند برد، او در سه روز قیام خواهد کرد.
- ۲) یهودیان، در نتیجه از بین بردن معبد بدن مسیح، معبدهای سنگی خود و تمام آیینهای مذهبی مربوط به آن را نیز در هم می‌کوبند.
- ۳) عیسی مسیح، در نتیجه قیامش، معبدی جدید و روحانی با شیوه‌های جدید پرستش بنا خواهد کرد که در آن مردم خدای پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد (دوم قرنیتان ۶: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۲۲؛ اول پطرس ۲: ۴-۵).

پ) تصویر (نمونه) و تحقق (اصل) آن نمی‌توانند در کتاب مقدس جدا از هم باشند.

تصویر (نمونه)، خیمه یا معبد قوم اسرائیل است که به عنوان مکانی که خدا در آن سکونت می‌کند تلقی شده است (خروج ۲۵: ۲۲). تحقق (اصل) آن، بدن مسیح است که در مفهوم برتری، محل سکونت خدا می‌باشد (کولسیان ۲: ۹). بنابراین هر کس که بدن مسیح را از بین ببرد، معبد اورشلیم را نیز با تمام مراسم مذهبی آن در هم می‌کوبد. زمانی که عیسی مصلوب شد، ساختمان معبد و تمام روشهای مذهبی آن دیگر معنا و مفهومی نداشت. پرده معبد از بالا تا پایین توپاره شد (متی ۲۷: ۵۱). مسیحیان به وضوح تعلیم می‌دادند که معبد دیگر هیچ مفهومی ندارد (اعمال ۷: ۴۸-۴۹؛ ۱۷: ۲۴-۲۵). همچنین رساله به عبرانیان به وضوح تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح، با کار نجات‌بخش خود، یکبار برای همیشه به معبد و تمام مراسم مذهبی آن پایان داد. مدتی بعد، در سال ۷۰ میلادی، رومیان اورشلیم و معبد آن را از بین بردند. دقیقاً به همین ترتیب، قیام بدن عیسی مسیح، دلالت بر ایجاد معبدی جدید می‌کند، که ساخته شده به دست انسان نمی‌باشد (مرقس ۱۴: ۵۸). عهدجدید تعلیم می‌دهد که جمع ایمانداران (یعنی کلیسا)، معبد (یا هیكل) خداست (اول قرنیتان ۳: ۱۶-۱۷، دوم قرنیتان ۶: ۱۶، افسسیان ۲: ۲۱-۲۲؛ اول پطرس ۲: ۴-۵).

ت) یهودیان متوجه تحقق (اصل) موضوع نشدند.

آنها تنها شاهد معبد سنگی اورشلیم بودند که بنای آن به مدت ۴۶ سال به طول انجامیده بود. اگر کلام را با قلبی با ایمان مطالعه کرده بودند، متوجه می‌شدند که معبد اورشلیم، با وسایل و مراسم آن، صرفاً تصویری (نمونه‌ای) بود که به زودی خراب می‌شد (عبرانیان ۸: ۵). اشعیا نبی نبوت کرد که معبد نمی‌تواند به مفهوم واقعی، خانه خدا باشد (اشعیا ۶۶: ۱-۲). ارمیای نبی نبوت کرد که تابوت عهد ذکر نخواهد شد و تابوت عهد دیگری ساخته نخواهد شد (ارمیا ۳: ۱۶). در عهدعتیق به زبان یونانی، در مزمور ۴۰: ۶-۷ (عبرانیان ۱۰: ۵-۷)، نوشته شده است، "در قربانی و هدیه رغبت نداشتی، لکن جسدی (بدنی) برای من مهیا ساختی. به قربانیهای سوختنی و قربانیهای گناه رغبت نداشتی. آنگاه گفتم، اینک می‌آیم تا اراده تو را ای خدا بجا آوردم". قربانی عیسی مسیح جانشین تمام قربانیها دیگر شد.

ث) شاگردان متوجه نشدند که معبدی که عیسی در مورد آن سخن می‌گفت، معبد بدنش بود.

تنها پس از مصلوب شدن عیسی و شکافته شدن پرده معبد از بالا تا پایین، و همچنین پس از قیام او در روز سوم بود که شاگردان متوجه مفهوم روحانی سخنان عیسی شدند.

سؤال ۴) در چه نمونه‌های دیگری از کتاب مقدس، وقایع فیزیکی نمایانگر حقایق روحانی هستند؟

ملاحظات: یهودیان بارها و بارها متوجه نشدند که وقایع فیزیکی نمایانگر حقایق روحانی هستند. و بارها سخنان عیسی را که مفهومی روحانی داشت، به طور تحت‌اللفظی تفسیر کردند. در اینجا به چند نمونه از انجیل یوحنا در این رابطه اشاره می‌کنیم: در یوحنا فصل ۳، اصطلاح "از نو مولود شدن" مفهومی روحانی دارد. در یوحنا فصل ۴، منظور از اصطلاح "آبی که عیسی

مسیح می‌دهد"، روح‌القدس است. در یوحنا فصل ۶، اصطلاح "خوردن بدن عیسی"، به مفهوم پذیرفتن عیسی با ایمان، می‌باشد. و در یوحنا فصل ۸، کلمه "مرگ"، به مفهوم جدایی ابدی از حضور و توجه محبت آمیز خدا می‌باشد.

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و

فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۲: ۱-۲۵ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (یوحنا فصل ۲)

- ۲: ۱ * موضوع ازدواج را از این نظر که خدا بانی و مؤسس آن است، محترم بشمارید.
- ۲: ۱ * به عنوان یک فرد مسیحی، در فعالیتها و برنامه‌های عادی افراد دیگر شرکت کنید.
- ۲: ۱۱ * در رابطه با جلال خدا که در عهدعتیق و عهدجدید بازگو شده است، تفکر کنید.
- ۲: ۱۲ * با خانواده و دوستان خود وقت صرف کنید.
- ۲: ۱۵-۱۶ * در رابطه با شرارت و بی‌عدالتی، خشمگین شوید، ولی مرتکب گناه نشوید (افسیان ۴: ۲۶).
- ۲: ۲۲ * به عهدعتیق و عهدجدید و به سخنان عیسی ایمان داشته باشید.
- ۲: ۲۳ * به هر کس اعتماد نکنید.
- ۲: ۲۵ * حضور مسیح را تجربه کنید. او همه چیز را می‌بیند و بر همه چیز واقف است.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم جلال خدا را در عهدعتیق و عهدجدید کشف کنم. بنابراین هر بار که قسمتی از کتاب‌مقدس را مطالعه می‌کنم، از خود این سؤال را خواهم کرد که: "از این قسمت چه مطالب بیشتری را می‌توانم در مورد عیسی بیاموزم؟" امروز آموختم که مرگ عیسی مسیح به معبد و مراسم مذهبی آن پایان داد. و اینکه قیام او معبدی جدید را به وجود آورد که متشکل از ایماندارانی است که خدا توسط روح‌القدس در آنها زندگی می‌کند (افسیان ۲: ۲۲)، و جایی است که انسان خدا را در روح و راستی پرستش می‌کند.

ب) من می‌خواهم ایمان و پرستشی حول محور رسالت بشارتی داشته باشم. معبد عهدعتیق دارای صحن یا محوطه‌ای برای غیریهودیان بود تا آنها نیز بتوانند خدای حقیقی را پرستش کنند. البته برخی از رهبران مذهبی مانند حنا، و تاجران یهودی، این صحن را به مکانی جهت تجارت گاو و گوسفند و به پناهگاه دزدان تبدیل کرده بودند؛ ایشان در آنجا با مردم داد و ستد کرده، آنها را فریب می‌دادند. مکانی که خدا مقرر کرده بود تا باعث برکت ملل غیریهود بشود، مورد سوء استفاده یهودیان قرار گرفته بود. بدین ترتیب، یهودیان ثابت کردند که مخالف با فعالیت‌های بشارتی هستند. آنها می‌خواستند ایمانشان را تنها برای خود حفظ کنند. عیسی به عنوان مسیح موعود آمد و تمام این چیزها را تغییر داد. او هم برای یهودیان آمد و هم برای غیریهودیان. او تمام وعده‌هایی را که به ایمانداران داده شده بود، به تحقق رساند و کلیسایی را برای ایمانداران از تمام ملل و قبایل و زبانها بنا کرد. امپدورم کلیسای من و خودم هیچوقت در کلیسای خود را به روی مردم ملل دیگر که پیغام انجیل را نشنیده‌اند، نیندیم.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۲: ۱-۲۵ آشکار کرده است، دعا کنیم.

(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

دعا (۸ دقیقه)	۵
---------------	---

دعای شفاعت

به دعا کردن در گروه‌های دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
----------------------	---

برای درس بعدی

(سر گروه): رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۲ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از اول قرن‌تینان ۱۳ - ۱۶ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۲: ۲۵) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته‌های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۹

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) اول قرن‌تینان
---	--------------------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (اول قرن‌تینان ۱۳-۱۶) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	-------------------------------------------

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۲: ۲۵.

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) روز خداوند - روز استراحت، مشارکت و خدمت
---	-------------------------------------------------------------

مقدمه: روز خداوند، روزی است که در آن مسیحیان استراحت می‌کنند، با دیگران مشارکت دارند و عبادت و خدمت می‌کنند. ما در رابطه با سبت که روز هفتم هفته بود، مطالبی خواهیم آموخت. ما همچنین در رابطه با روز خداوند، که همواره اولین روز هفته بوده، خواهیم آموخت. چرا مسیحیان در تمام دنیا در روز خداوند با هم جمع شده، خدا را عبادت می‌کنند؟ و مسیحیان در روز خداوند چه کاری را باید انجام دهند؟
در فرهنگهای مختلف، روزهای هفته به طرق مختلفی تقسیم‌بندی شده‌اند. در دوران عهدعتیق، روز استراحت یا سبت، آخرین روز هفته بود که هفتمین روز یا شنبه نامیده می‌شد. مسیحیان دوران عهدجدید، روز خداوند را در اولین روز هفته که روز یکشنبه بود، جشن می‌گرفتند. بسیاری از مسیحیان در دنیا از این الگو پیروی می‌کنند و روز خداوند را در اولین روز هفته‌شان که روز یکشنبه است، جشن می‌گیرند. ولی از طرف دیگر، بسیاری از مسیحیان دیگر روز خداوند را در روز ملی استراحت یا تعطیلاتشان که ممکن است روز پنجشنبه، جمعه یا شنبه باشد، جشن می‌گیرند. آنچه حائز اهمیت می‌باشد، هدف از روز خداوند است نه آن روز خاص در هفته که به این مناسبت جشن گرفته می‌شود.

الف - سبت در عهدعتیق و عهدجدید

۱- نگاه داشتن سبت، بخشی از شریعت عهدعتیق بود.

کشف و گفتگو کنید: هدف خدا از روز سبت چه بود؟

الف) بخوانید: خروج ۲۰: ۸-۱۱؛ تثنیه ۵: ۱۲-۱۴.

ملاحظات: خدا ده فرمان را به قوم خود داد تا آن را اجرا کنند. چهارمین حکم آن این است که روز سبت را مقدس نگاه دارند. در عهدعتیق، خدا روز هفتم هفته (شنبه) را به عنوان روزی که باید مقدس نگاه داشته می‌شد، مقرر کرده بود. کلمه "مقدس"، در اینجا به مفهوم جدا بودن آن روز خاص از روزهای دیگر هفته، و وقف آن روز به خدا به جهت هدفی است که او در نظر دارد.

ب) بخوانید: پیدایش ۲: ۲-۳؛ خروج ۲۳: ۱۲.

ملاحظات: هدف خدا از روز سبت این بود که یک روز از هفت روز کاری هفته جهت استراحت مردم، کنار گذاشته شود.

پ) **بخوانید:** لاویان ۲۳.

ملاحظات: هدف دوم خدا از روز سبت، این بود که يك روز از هفت روز کاری هفته کنار گذاشته شود تا در آن روز مردم جهت عبادت خدا با دیگر ایمانداران جمع شوند. بنابراین، حکم چهارم در رابطه با اهمیت استفاده از يك روز هفته، جهت استراحت و عبادت خدا می‌باشد.

۲- رهبران و معلمین مذهبی یهود، روح شریعت عهدعتیق را تغییر دادند.

کشف و گفتگو کنید: رهبران و معلمین مذهبی یهود، چگونه شریعت عهدعتیق را تغییر دادند؟

الف) **رهبران مذهبی یهود چهارمین حکم را تغییر دادند.**

بخوانید: اشعیا ۲۹: ۱۳؛ مرقس ۲: ۲۳-۳: ۶.

ملاحظات: در زمان اشعیا نبی (سالهای ۷۴۰-۶۸۰ قبل از میلاد)، رهبران مذهبی شروع به ایجاد قوانین مختلف انسانی در رابطه با عبادت مذهبی، کردند. مخصوصاً در طول ۴۰۰ سال موجود میان آخرین کتاب عهدعتیق و اولین کتاب عهدجدید، آنها بر اساس تفسیری که از قوانین عهدعتیق کرده بودند، قوانین زیاد دیگری نیز به وجود آوردند. آنها فهرستی از ۳۹ عمل ممنوع در روز سبت، تهیه کردند و حکم چهارم را در زیر این فهرست دهن کردند و تمام این فهرست را به عنوان حکم چهارم تفسیر کردند. به عنوان مثال آنها تعلیم می‌دادند که رفتن به سفر، پختن غذا، یا حمل هر چیزی در روز سبت ممنوع می‌باشد. آنها شاگردان مسیح را که یهودی بودند، متهم کردند به اینکه حکم چهارم ده فرمان را زیر پا گذاشته‌اند، زیرا آنها در روز سبت خوشه‌های گندم را جهت خوردن چیده بودند. از دیدگاه رهبران مذهبی یهود، انجام این عمل در روز سبت ممنوع بود. به این ترتیب به نظر می‌آمد که "انسان به جهت سبت مقرر شده بود"، به این مفهوم که خدا انسان را خلق کرده بود تا سبت را نگاه دارد. رهبران مذهبی یهود، با اضافه کردن ۳۹ عمل ممنوع در روز سبت به حکم چهارم ده فرمان، روز سبت را به روزی تبدیل کردند که انجام قوانین آن برای مردم امری دشوار بود.

ب) **رهبران مذهبی یهود مفهوم شریعت عهدعتیق را به طور کامل تغییر دادند.**

بخوانید: غلاطیان ۳: ۲۵-۲۷؛ کولسیان ۲: ۱۷؛ عبرانیان ۱۰: ۱؛ اعمال ۱۵: ۱، ۵؛ رومیان ۹: ۳۰-۳۳؛ متی ۲۳: ۳-۴.

ملاحظات: رهبران و معلمین مذهبی یهود، به جای اینکه شریعت عهدعتیق را به عنوان شریعتی که معطوف به منجی موعود است، برداشت کنند، آن را به وسیله‌ای برای نجات مردم، تبدیل کردند. آنها تعلیم داده، می‌گفتند که تنها از طریق رعایت قوانین شریعت، شخص می‌تواند نجات بیابد. منظور آنها تنها شریعت عهدعتیق نبود، بلکه آنها تفسیر خودشان از شریعت، به اضافه صدها قانون انسانی دیگر را که خود ابداع کرده بودند، در کنار آن در نظر داشتند. آنها به طور خاص انجام ختنه و حفظ روز سبت را امری ضروری جهت دریافت نجات تلقی می‌کردند. این رهبران، افراد ریاکاری بودند، زیرا از طرفی خود آنچه را که تعلیم می‌دادند انجام نمی‌دادند، و از طرف دیگر انتظار داشتند که پیروانشان آن قوانین را انجام دهند. آنها، شریعت عهدعتیق را به بار سنگینی تبدیل کرده بودند که هیچ کس قادر به حمل آن نبود.

پ) **رهبران مذهبی یهود، رسوم خود را به عنوان احکام خدا در نظر داشتند.**

بخوانید: مرقس ۷: ۱-۱۳.

ملاحظات: عیسی گفت که رهبران و معلمین مذهبی یهود احکام خدا را کنار گذاشته‌اند تا بدینوسیله مراسم انسانی خود را به اجرا درآورند. آنها شریعت عهدعتیق را در زیر ۳۶۵ نهی و ۲۴۸ امر به معروف دهن کرده بودند. تفسیر آنها از شریعت عهدعتیق در تضاد با آن چیزی بود که خدا در نظر داشت. در نظر خدا، شریعت عهدعتیق تصویری بود که معطوف به نجات دهنده موعود و ملکوت او بود. ولی رهبران و معلمین مذهبی یهود آن را تبدیل به وسیله‌ای جهت نجات کرده بودند. آنها تعلیم می‌دادند که اطاعت از شریعت، باعث عادل شدن آنها در نظر خدا می‌شود. ایشان در اشتباه بودند.

۳- مناسک شریعت عهدعتیق توسط عیسی مسیح به تحقق رسیده و خاتمه یافته است.

مقدمه: مناسک و فرایض شریعت عهدعتیق دارای مقررات و آدابی در زمینه چهار قلمرو بود: افراد مقدس، اماکن مقدس، زمانهای مقدس، و اعمال مقدس. افراد مقدس متشکل از کاهنان و لاویان بودند. اماکن مقدس متشکل از خیمه اجتماع (و بعدها معبد بزرگ) بود. زمانهای مقدس متشکل از روزه‌ها، اعیاد، و مخصوصاً روز سبت بود. اعمال مقدس متشکل از ختنه، خوردن خوراک حلال، تقدیم قربانیها، آوردن اولین ثمره محصول و دادن دهیک بود.

کشف و گفتگو کنید: عهدجدید در رابطه با ابعاد مختلف مناسک و فرایض شریعت چه تعلیمی می‌دهد؟

الف) **بخوانید:** عبرانیان ۸: ۵، ۱۳؛ ۱۰: ۱. قوانین مربوط به مناسک شریعت تنها سایه‌ای از واقعیت امور آینده بودند. رسالات رومیان، غلاطیان و عبرانیان در عهدجدید، به وضوح تعلیم می‌دهند که عیسی مسیح مناسک شریعت عهدعتیق را به تحقق رسانید و حقایق آن را آشکار ساخت.

ب) **بخوانید:** عبرانیان ۷: ۲۳-۲۸. تنها کاهن مسیحیان، که ابدی و کامل است، عیسی مسیح است.

پ) **بخوانید:** افسسیان ۲: ۲۱-۲۲. تنها معبد مسیحیان، کلیسا است که متشکل از ایمانداران تمام جهان می‌باشد.
 ت) **بخوانید:** رومیان ۳: ۲۵. تنها قربانی نیابتی برای مسیحیان، مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب می‌باشد.
 ث) **بخوانید:** کولسیان ۲: ۱۱. تنها ختنه مسیحیان، ختنه قلب گناهکار آنها می‌باشد.
 ج) **بخوانید:** عبرانیان ۴: ۱-۱۱. تنها سبت مسیحیان، زمانی است که وارد حضور ابدی و آرام خدا در آسمان می‌شوند.
 چ) **بخوانید:** مرقس ۲: ۱۸-۲۲؛ یوحنا ۱۶: ۱۷-۲۴. روزه و ماتم مسیحیان تبدیل به جشن و شادی شده است، زیرا هر چند عیسی پس از مرگ و قیامت از آنها جدا شد، توسط روح القدس در میان آنها حاضر است.
 ح) **بخوانید:** دوم قرنتیان ۹: ۶-۱۵. مسیحیان در رابطه با دادن دهک، می‌توانند آن مقداری را که در قلبشان هست، سخاوتمندانه بدهند و این موضوع جانشین روش دادن دهک در عهدعتیق شده است که به منظور حمایت از معبد و تمام مراسم آن بوده و امری ضروری بود.
 خ) **بخوانید:** مرقس ۷: ۱۹. در عهدجدید، عیسی مسیح هر نوع غذایی را جهت خوردن، حلال شمرد.
 د) **بخوانید:** متی ۵: ۱۷؛ کولسیان ۲: ۱۴؛ افسسیان ۲: ۱۵. کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح شریعت را کنار نگذاشت، بلکه آن را به تحقق رساند. او به مناسک شریعت و تمام مقررات آن، پایان بخشید. کتاب مقدس همچنین تعلیم می‌دهد که مناسک شریعت منسوخ گشته و دیگر در کلیسا کاربردی ندارند و باعث ایجاد اختلاف بین ایمانداران نخواهند شد.
خلاصه: مناسک و فرایض شریعت عهدعتیق به تحقق رسیده و منسوخ گشته است.

۴- تفسیر عیسی از سبت در عهدجدید

کشف و گفتگو کنید: نظر عیسی در مورد سبت چیست؟

الف) **سبت به منظور کمک به انسان بود.**
بخوانید: مرقس ۲: ۱۸-۲۷؛ متی ۵: ۴؛ رومیان ۱۲: ۱۵؛ دوم قرنتیان ۱: ۳-۷.
ملاحظات: عیسی می‌فرماید که شراب نو باید در مشکهای نو ریخته شود. او در واقع تعلیم می‌دهد که تحقق نمونه‌های عهدعتیق و "محتوای" واقعه‌های عهدجدید، که او آنها را به ارمغان آورده است، باید شکل جدیدی بگیرند. به عنوان مثال او می‌گوید، آنهایی که در حضور او زندگی می‌کنند باید به جای روزه، جشن بگیرند، و به جای غم و ماتم، شادی کنند. این جشن و شادی، نوعی شادی روحانی و درونی به خاطر کار تحقق یافته عیسی مسیح در رابطه با نجات بشر و به خاطر حضور او در زندگی ما می‌باشد و منظور این نیست که ما نباید در غمهای دیگران شریک شویم. عیسی مسیح با آمدنش بر روی زمین، آیین و محتوای (واقعه‌های) جدیدی را آورد که مستلزم شکل و روشهای جدیدی هستند. تجلیات بیرونی روزهای روزه و سبت به نظام قبلی مربوط می‌شود. عیسی فرمود: "سبت برای انسان مقرر شد، نه انسان برای سبت". سبت پس از خلقت انسان به وجود آمد و جهت برکت انسان بود نه اینکه باری بر دوش او باشد. بنابراین اولین هدف سبت این بود که به انسان کمک کند تا بتواند موقعیتی جهت استراحت داشته، با دیگر ایمانداران جمع شده، خدا را عبادت کند.

ب) **سبت به منظور خدمت به خدا مقرر شده بود.**

بخوانید: مرقس ۲: ۲۸-۳: ۶.

ملاحظات: عیسی می‌فرماید: "پسر انسان مالک سبت نیز هست". رهبران مذهبی یهود هیچ اختیار و قدرتی جهت مقرر کردن اصولی به منظور فرمانروایی بر روز سبت ندارند. تنها عیسی اقتدار و اختیار این کار را دارد. به عنوان مثال، زمانی که نیازی واقعی جهت شفا یا نجات زندگی اشخاصی مانند داود بود (اول سموئیل ۲۱: ۱-۶؛ ۲۲: ۱۴-۲۰)، یا شفا دادن افراد مثل نمونه مطرح در این متن، در آن صورت لزومی نداشت قوانین الهی مربوط به روز سبت به‌گونه‌ای خشک و بی‌روح و به‌طور از محبت اجرا شود. عیسی می‌فرماید: "در روز سبت کدام جایز است؟ نیکویی کردن یا بدی؟ نجات دادن جان یا هلاک کردن آن؟" (مرقس ۳: ۴). بنابراین هدف دوم سبت، خدمت به خدا از طریق انجام کارهای نیک یا نجات دادن زندگی مردم است. به عنوان مثال، رهایی مردم از اسارتها و فراهم کردن خوراک و پوشاک برای آنها، نمونه‌ای از اعمالی است که لازم است در صورت نیاز در آن روز انجام شود. تعالیم مسیح بیانگر این حقیقت هستند که شکل و جنبه تشریفاتی حکم چهارم ده فرمان توسط اصول حکیمانه، روحانی و مفیدی جانشین شده است. مسیحیان اولیه این اصول را در مورد روز اول هفته به‌کار بردند و آن روز را "روز خداوند" نامیدند.

ب - روز خداوند در عهدجدید

روز خداوند برای مسیحیان، بسیار حائز اهمیت می‌باشد، زیرا تمام اتفاقات تاریخی مربوط به عیسی مسیح در آن روز به وقوع پیوست. در زمان عهدجدید، اولین روز هفته آنها، روز یکشنبه بود.

کشف و گفتگو کنید: چرا روز خداوند برای مسیحیان حائز اهمیت فراوان می‌باشد؟

۱ - عیسی مسیح در روز اول هفته قیام کرد.

الف) بخوانید: متی ۲۸: ۱.
ملاحظات: اناجیل به وضوح بیان می‌کنند که بعد از سبت (روز هفتم)، در صبح بسیار زود روز اول هفته (یکشنبه)، عیسی مسیح از میان مردگان قیام نمود.

ب) بخوانید: اول قرنتیان ۱۵: ۵۴-۵۷؛ عبرانیان ۲: ۱۴؛ فیلیپیان ۲: ۸-۱۱.
ملاحظات: قیام جسمانی عیسی مسیح این حقیقت را ثابت کرد که گناه، مرگ و شیطان مغلوب شده‌اند. و خدای پدر قربانی عیسی را که به خاطر گناهکاران بود، پذیرفته و بالاترین مقام در جهان را به عیسی بخشیده است.

پ) بخوانید: عبرانیان ۸: ۶، ۱۳؛ ۱۰: ۱.
ملاحظات: مرگ عیسی مسیح به عصر قدیمی عهدعتیق خاتمه داد و قیام او، عصر جدید عهدجدید را آغاز کرد. عهدجدید، که ما در آن زندگی می‌کنیم، دوره‌ای است که در آن سایه‌ها، تصاویر (اصطلاح الهیاتی آن نمونه‌هاست) و نبوت‌های عهدعتیق در عیسی مسیح به تحقق رسیده‌اند. و تاریخ نجات عهدعتیق، و سبت که بخشی از مناسک شریعت عهدعتیق بود، به پایان رسیده است.

تعلیم دهید: مرگ و قیام عیسی مسیح سایه‌ها، تصاویر و نبوت‌های عهدعتیق را به تحقق رساند. این واقعه به تاریخ نجات عهدعتیق پایان داد و واقعیت‌های عهدجدید را معرفی کرد. به عنوان مثال، مرگ عیسی مسیح حانشین قربانی‌های حیوانی عهدعتیق شده است (عبرانیان ۱۰: ۸-۱۰). یا شام خداوند جانشین فصح شده است که یادآور گذر خدا به منظور داوری گناه و کفاره آن می‌باشد (اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۶). تعمید جانشین ختنه شده است که به عنوان علامتی جهت ورود به عهد پرفیض خدا می‌باشد (کولسیان ۲: ۱۱-۱۲). خدمت کهناتی عیسی بر رتبه ملک‌صدق، جانشین خدمت کهناتی زمینی، بر رتبه هارون شده است (عبرانیان ۷: ۱۱-۲۸). کلیسا به عنوان بدن مسیح که متشکل از یهودیان و غیریهودیان تمام ملل دنیا است، جانشین معبد و ملت برگزیده اسرائیل به عنوان قوم خدا، شده است (یوحنا ۲: ۱۹-۲۱؛ افسسیان ۲: ۱۱-۲۲؛ اول پطرس ۲: ۴-۱۰). پرستش خدا به روح و راستی، جانشین پرستش خدا از طریق مناسک شریعت شده است (یوحنا ۴: ۲۳-۲۴). و اصول ملکوت خدا جانشین قانون مدنی ملت اسرائیل شده است (متی ۵-۷؛ ۸: ۱۰-۱۲؛ ۱۳: ۴۰-۴۳؛ ۲۱: ۴۲-۴۴).

به همین ترتیب، روز خداوند (روز اول هفته) جانشین سبت (هفتمین روز هفته) شده است، روزی که باید مقدس نگاه داشته شود. در عهدعتیق، روز آخر هفته (هفتمین روز هفته)، به عنوان روزی که یادآور تکمیل کار خلقت توسط خدا است، حائز اهمیت بود (پیدایش ۲: ۲-۳). در حالی که در عهدجدید، روز اول هفته به عنوان روزی که یادآور تکمیل کار خدا در نجات انسانها می‌باشد، اهمیت دارد (یوحنا ۱۹: ۳۰؛ ۲۰: ۱). قیام عیسی مسیح بیانگر این حقیقت است که خدا کار تکمیل شده مسیح در نجات بشر را پذیرفته است. به خاطر قیام عیسی مسیح، روز اول هفته (یکشنبه) حائز اهمیت زیادی شده است. بخشی از چهارمین حکم ده فرمان مبنی بر مقدس نگاه داشتن روز سبت، تشریفاتی بود و لازم بود که تغییری در نماد عهدعتیق در خصوص روز سبت ایجاد شود. نماد روز هفتم در عهدعتیق و روز استراحت (سبت) توسط نماد عهدجدیدی روز قیام (یکشنبه) جایگزین شده است. در عهدجدید روز اول هفته و نه روز آخر آن، اهمیت زیادی دارد و روزی است که در آن قیام پیروزمانده عیسی از میان مردگان، جشن گرفته می‌شود. مرگ و قیام عیسی مسیح سایه‌ها، تصاویر (نمونه‌ها)، نبوت‌ها و تاریخ عهدعتیق را به تحقق رساند و بر شریعت عهدعتیق و انبیا که شامل جنبه‌های تشریفاتی حکم سبت نیز بود، برتری یافت.

۲ - عیسی مسیح قیام کرده در روز اول هفته بر شاگردان ظاهر شد.

بخوانید: مرقس ۱۶: ۹-۱۴؛ یوحنا ۲۰: ۲۶.
ملاحظات: حقایق دیگر بازگو کننده این موضوع هستند که روز اول هفته (یکشنبه) برای مسیحیان حائز اهمیت زیادی می‌باشد. عیسی مسیح، پس از قیامش، بیش از هر زمانی دیگر، خود را در روز اول هفته (یکشنبه) بر شاگردان ظاهر ساخت: در صبح آن روز، به مریم مجدلیه و دیگر زنان، در بعدازظهر آن روز، بر پطرس و دو شاگرد دیگر در راه عمواس، و در عصر آن روز، به ده نفر از شاگردانش و دوستانشان ظاهر شد. این اولین ظهور او به جمعی از ایمانداران بود. يك هفته بعد، باز در روز اول هفته (یکشنبه)، عیسی مسیح خود را بر یازده شاگرد خود که توها هم بین آنها بود، ظاهر کرد.

۳ - روح القدس در روز اول هفته بر مردم ریخت.

بخوانید: اعمال ۲: ۱؛ لاویان ۲۳: ۱۵-۱۶.
ملاحظات: ریزش روح القدس در روز پنطیکاست، باز در روز اول هفته (یکشنبه) بود.

۴- اولین کلیسا در روز اول هفته تأسیس شد.

بخوانید: اعمال ۲: ۴۲.

ملاحظات: در روزی که روح القدس بر مردم فرو ریخت، اولین کلیسای محلی در اورشلیم تأسیس شد. به نظر می‌آید که خدا برای روز اول هفته (یکشنبه)، احترام خاصی قائل بود زیرا در آن روز، هم عیسی مسیح قیام کرد و هم کلیسای عهدجدید متولد شد.

۵- مسیحیان در روز اول هفته با هم جمع می‌شدند.

(الف) مسیحیان یهودی، در روز اول هفته (یکشنبه) با هم جمع می‌شدند.

بخوانید: اعمال ۲: ۴۲؛ ۲۱: ۲۰-۲۱؛ اول قرنتیان ۹: ۱۹-۲۳.

ملاحظات: به نظر می‌آید که پس از پنطیکاست، جامعه مسیحیان یهودی تبار، روز هفتم هفته (شنبه) را به عنوان روز سبت، جشن می‌گرفتند. بر طبق اعمال ۲: ۴۲، آنها همچنین در روز اول هفته (یکشنبه) با هم جمع می‌شدند تا روز خداوند را جشن بگیرند. آنها مانند قبل، در اجتماعشان با یهودیان دیگر در روز هفتم هفته، از عهدعتیق بخوانید: می‌کردند و به موعظت گوش کرده، با هم دعا می‌کردند، زیرا خود را یهودی می‌پنداشتند. در رابطه با اینکه یهودیان مسیحی، شام خداوند را در روز هفتم هفته برگزار می‌کردند، هیچ اشاره و شاهدهی در عهدجدید وجود ندارد.

(ب) مسیحیان غیریهودی در روز اول هفته با هم جمع می‌شدند (یکشنبه).

بخوانید: اعمال ۲۰: ۵-۱۲؛ اول قرنتیان ۱۶: ۲.

ملاحظات: آنها جهت عبادت، شنیدن موعظه، شرکت در شام خداوند، صحبت در مورد اعمال خدا و تقدیم هدایای خود، با هم جمع می‌شدند.

(پ) مسیحیان در طول تاریخ، در روز اول هفته (یکشنبه) با هم جمع شده‌اند.

بخوانید: مکاشفه ۱: ۱۰.

ملاحظات: اصطلاح روز خداوند در مکاشفه ۱: ۱۰، در نوشته‌های پدران کلیسا و حتی در یونانی امروزی، به روز اول هفته اشاره می‌کند. جامعه مسیحی به جمع شدن با هم در روز اول هفته (یکشنبه) ادامه دادند و بدین ترتیب این روز را "روز خداوند" نامیدند.

خلاصه: بنابراین، از زمان عهدجدید، اولین روز هفته (یکشنبه)، برای مسیحیان به عنوان روزی تلقی شده است که جهت عبادت، موعظه، شرکت در شام خداوند، و صحبت در مورد اعمال خدا، با هم جمع می‌شوند. چند صد سال پس از شروع اولین کلیسا، کنستانتین، امپراطور روم، روز اول هفته (یکشنبه) را به‌طور رسمی به عنوان روز تعطیل جهت استراحت مردم امپراطوری روم، اعلام کرد.

احتمال دارد مسیحیان فرهنگهای دیگر، روز خداوند را در روز تعطیل ملی‌شان که ممکن است روز پنجشنبه، جمعه و یا شنبه باشد، جشن بگیرند. آنچه حائز اهمیت است، هدف از روز خداوند است و نه آن روز خاصی که به این مناسبت جشن گرفته می‌شود.

پ - هدف از روز خداوند

مقدمه: در کتاب مقدس، روز هفتم هفته (شنبه)، روز سبت و روز اول هفته (یکشنبه)، روز خداوند نامیده شده است. در عهدجدید، هیچ حکم مشخصی دال بر اینکه روز اول هفته (روز خداوند) باید مانند روز هفتم هفته (سبت) در عهدعتیق، نگاه داشته شود، وجود ندارد. همچنین هیچ مانعتی جهت نگاه داشتن این دو روز، همانند هم، وجود ندارد. مسیحیان اعصار و نقاط مختلف اینگونه فکر می‌کنند که روح حکم سبت (خروج ۲۰: ۸-۱۱)، در روز اول هفته (روز خداوند) نیز ادامه دارد. اگرچه مسیحیان جنبه تشریفاتی حکم چهارم ده فرمان را پایان یافته تلقی می‌کنند، ولی اصول حکیمانه آن را در رابطه با روز اول هفته که روز خداوند است، حفظ کرده‌اند.

۱- هدف از روز خداوند، رشد، عبادت، مشارکت، خدمت و استراحت می‌باشد.

کشف و گفتگو کنید: مسیحیان، چگونه باید روز خداوند را مقدس نگاه دارند؟

با توجه به اینکه هیچ حکم مشخصی دال بر اینکه روز اول هفته (روز خداوند) باید همانند روز هفتم هفته (سبت) در عهدعتیق، نگاه داشته شود، ۴ مورد زیر به مسیحیان کمک می‌کنند تا بدانند چه اعمالی را می‌توانند در روز خداوند انجام دهند. البته این اعمال نباید تبدیل به شریعتی جدید شوند و یا باری بر دوش آنها باشند.

الف) مسیحیان می‌توانند در روز خداوند، در حضور خدا وقت صرف کنند و در مسیر تقدیس رشد کنند.
بخوانید: اشعیا ۵۶: ۶-۷؛ ۵۸: ۱۳-۱۴.

ملاحظات: هدف از روز خداوند این نیست که مسیحیان آن چه را که آنها را خشنود می‌سازد انجام دهند، بلکه باید اعمالی را انجام دهند که خدا را خشنود می‌سازند. آنها باید شادی واقعی را در خدا بیابند نه در خود. هدف از روز خداوند، خدمت، محبت و عبادت خداست.

ب) مسیحیان می‌توانند در روز خداوند، با یکدیگر جمع شوند.

بخوانید: لاویان ۲۳: ۳؛ اعمال ۲: ۴۲؛ ۲۰: ۵-۱۲.

ملاحظات: هدف از روز خداوند، داشتن اجتماعی روحانی می‌باشد. مسیحیان باید جهت عبادت خدا، شرکت در شام خداوند، موعظه کلام خدا، صحبت با دیگران در رابطه با کلام خدا، دعا و مشارکت با یکدیگر، جمع شوند.

پ) مسیحیان می‌توانند در روز خداوند، به افراد نیازمند رسیدگی کنند.

بخوانید: مرقس ۳: ۴؛ اشعیا ۵۸: ۶-۱۲؛ لوقا ۴: ۱۶-۲۱. **ملاحظات:** هدف از روز خداوند، این نیست که شخص هیچ فعالیتی نداشته باشد، بلکه هدف، انجام کارهای نیک و نجات جانها می‌باشد. مسیحیان باید در رابطه با خدا، اعمال نیک مانند عبادت، محبت و خدمت به او را انجام دهند. آنها باید در رابطه با دیگران نیز اعمال نیکوکارانه انجام دهند مانند، رهایی آنها از اسارت‌هایشان، فراهم کردن خوراک و پوشاک و رساندن پیغام انجیل به آنها.

ت) مسیحیان می‌توانند در روز خداوند استراحت کنند.

بخوانید: خروج ۲۳: ۱۲؛ مرقس ۲: ۱۸-۲۷.

ملاحظات: هدف از روز خداوند این است که مسیحیان از کار شش روز هفته خود، آرامی گیرند. این زمان فرصت خوبی است که آنها بر روی زندگی خود متمرکز شده، استراحت کنند و با خانواده و دوستان خود مشارکت داشته باشند. هدف از روز خداوند، کمک به انسان می‌باشد، نه گذاشتن باری بر دوش او.

۲- هدف از هر روز هفته، این است که شخص هر روز را با در نظر داشتن ابدیت، زندگی کند.

بخوانید: عبرانیان ۴: ۹-۱۱.

تعلیم دهید: آن چه باقی می‌ماند، "آرامی سبت" است، نه "روز سبت". این قسمت از کتاب مقدس در رابطه با روز هفتم هفته (شنبه)، به عنوان روز آرامی و استراحت صحبت نمی‌کند، بلکه در رابطه با آرامی مربوط به ابدیت صحبت می‌کند که برای مسیحیان حقیقتی است در مورد آینده. "آرامی سبت"، اصطلاحی برای آسمان است. زمانی که زندگی و کار مسیحیان بر روی این زمین به انتها برسد، وارد آرامی خدا در آسمان می‌شوند و همان گونه که خدا از کار خلقت خود بر زمین، آرامی گرفت، آنها نیز از اعمال خود بر روی زمین، آرامی خواهند یافت. با توجه به اینکه مسیحیان در مورد آرامی ابدیت، آگاهند، تمام تلاش خود را جهت اعتماد به خدا و اطاعت از او بر روی این زمین به کار می‌گیرند. آنها طبعاً مایل نیستند که موقعیت ورود به آرامی خدا (آسمان) را به خاطر بی‌ایمانی و ناطاعتی (مانند قوم بنی اسرائیل) از دست بدهند. مسیحیان، نه تنها در روز خداوند، بلکه در هر روز از زندگی‌شان باید با شادی در انتظار ورود به آرامی خدا باشند، زیرا این تنها حقیقتی است که برای آنها باقی خواهد ماند. با توجه به آنچه که گفته شد، متوجه می‌شویم چرا مهم است اهدافی که در بالا در رابطه با روز خداوند بیان شدند، تنها محدود به آن روز هفته نباشند. اهداف مربوط به خدمت، محبت، عبادت خدا، جمع شدن با دیگر ایمانداران جهت بررسی کتاب مقدس (عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵)، دعا و مشارکت و انجام کارهای نیک در حق دیگران (غلاطیان ۶: ۹-۱۰)، و نجات جانها، تماماً اهدافی هستند که می‌توان آنها را در روزهای دیگر هفته نیز انجام داد.

۵ دعا (۸ دقیقه)

دعای در پاسخ به کلام خدا

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقیقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " روز خداوند- روز استراحت، مشارکت و خدمت " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل از دوم قرننثیان ۱-۳ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۳: ۱۶) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۳) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۰

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) دوم قرن‌تیان
---	-------------------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم قرن‌تیان ۱-۳) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	-------------------------------------------

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۳: ۱۶.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۳: ۱-۳۶
---	---------------------------------------------

مقدمه: یوحنا ۳: ۱-۲۱، توضیح می‌دهد که عیسی چگونه خود را بر نیقودیموس مکشوف ساخت و یوحنا ۳: ۲۲-۳۶ توضیح می‌دهد که عیسی چگونه به مکشوف ساختن خویش بر شاگردان ادامه داد.

قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۳: ۱-۳۶ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

قدم ۲: کشف کنید توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

کشف ۱) در یوحنا ۳: ۱۶، حقیقت مهمی برای من در رابطه با نجات از طریق ایمان وجود دارد. یوحنا ۳: ۱۶ می‌فرماید، "زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد."

الف) خدا اینقدر محبت نمود. این فعل (زمان گذشته) به يك عمل خدا اشاره می‌کند. محبت خدا تنها حقیقت بزرگ، مرکزی و واقعی در کتاب مقدس می‌باشد. این محبت از ازل بوده، و در طول تاریخ آشکار گشته است و امروزه در زندگی ما ثمر می‌آورد. محبتی که سبب شد خدا ما را قبل از آفرینش جهان برگزیند، به طرز والایی در تجسم و مرگ عیسی متجلی گشته است، و زمانی که ما به عیسی مسیح ایمان می‌آوریم، این محبت در نجات ما آشکار می‌شود.

ب) خدا جهان را اینقدر محبت نمود. کلمه "جهان" معانی متفاوتی در کتاب مقدس و در انجیل یوحنا دارد. در یوحنا ۳: ۱۶، کلمه "جهان" به جهان انسانهای گمراه و خطاکار، بدون در نظر داشتن هیچ تمایزی در رابطه با نژاد و ملیت آنها، اشاره می‌کند. و در واقع خطاب آن به انسانهایی از قبایل، زبانها و ملل مختلف است که از خدا دور بوده، زیر بار گناه، تحت دآوری خدا و نیازمند نجات هستند. البته جهانی که در اینجا به آن اشاره شده است، به عنوانی جهانی در نظر گرفته نشده است که در قلمرو شیطان، و در دشمنی با خدا و مسیح و مسیحیان است. (یوحنا ۱۵: ۱۸ به این نوع جهان اشاره می‌کند). خدا از شرارت منتظر می‌باشد. او همیطور افراد شریری را که از خدا و مسیح و مسیحیان متنفرند، دوست ندارد (رومیان ۱: ۱۸). خدا جهان انسانهای گمراه و خطاکار را بدون در نظر داشتن هیچ تمایزی در رابطه با نژاد و ملیت آنها دوست دارد.

پ) خدا بر اساس محبتش، با ارزش‌ترین هدیه خود را داد. خدا "پسر یگانه خود را داد". این عمل، پسر خدا بودن مسیح در تثلیث را بیان می‌کند، که به این مفهوم است که مسیح از ازل خدا بوده است. منظور از این که خدا پسر یگانه خود را داد، این است که خدا پسر خود را به عنوان قربانی در راه گناهان ما عطا کرد تا بمیرد.

ت) تنها ایمانداران صاحب حیات جاودانی می‌شوند. عیسی در رابطه با کسانی صحبت می‌کند که او را با ایمان دریافت می‌کنند. با توجه به اینکه فعل "ایمان آوردن" در زمان حال استمراری به کار برده شده است، این فعل به افرادی اشاره نمی‌کند که تنها یک بار ایمان آوردند، و بعد از آن به خاطر بی‌ایمانی لغزش خوردند. در این صورت، چنین افرادی ایمانی بر اساس منطق و احساس خود داشته‌اند، نه ایمانی نجات‌بخش. ایمان راستین و واقعی، ایمانی است که به طور مداوم با عیسی مسیح ارتباط داشته و تا به انتها استقامت می‌کند. اگر چه پیغام انجیل می‌تواند در دسترس مردم از هر قبیله، ملت و زبانی در جهان قرار گیرد، همه افرادی که این پیغام را می‌شنوند، نجات را دریافت نمی‌کنند، بلکه هر که به آن ایمان آورد، چه یهودی باشد، چه غیریهودی، حیات جاودانی را در لحظه ایمان آوردن به خدا دریافت می‌کند.

ث) ایمانداران واقعی حیات جاودانی را دریافت می‌کنند. "حیات جاودانی" به مفهوم شناخت شخصی از عیسی مسیح و مشارکت با او از لحظه ایمان آوردن به او می‌باشد (یوحنا ۱۷: ۳). این حیات، زندگی جدیدی است که شامل اطمینان نجات، مشارکت با خدا، آرامش، شادی، محبت به خدا در قلب خود، و داشتن هدف از زندگی بر روی این زمین، می‌باشد. این حیات، حیاتی نیست که فقط از نظر کیفیت، با حیاتی که مشخصه زمان حاضر است متفاوت باشد، بلکه حیاتی بی پایان نیز می‌باشد که به شما این اطمینان را می‌دهد که در آینده نیز پس از بازگشت عیسی مسیح، در زندگی پر جلال او در آسمان و زمین جدید نصیب خواهید داشت.

کشف ۲) در یوحنا ۳: ۱۷-۲۱ در مورد دآوری خدا بر علیه بی‌ایمانی، حقیقت مهمی برای من وجود دارد.

الف) یهودیان معتقد بودند که تنها خودشان قوم برگزیده خدا هستند. آنها فکر می‌کردند مسیح موعود، قوم اسرائیل را محاکمه نخواهد کرد، بلکه ملل غیریهود را به خاطر این که قوم اسرائیل را تحت ظلم و ستم قرار داده بودند، محاکمه خواهد نمود. عاموس نبی به یهودیان هشدار داد که روز دآوری نهایی شامل حال آنان نیز خواهد شد (عاموس ۳: ۲).

ب) عیسی تعلیم می‌دهد که نقشه نجات‌بخش خدا تمام ملل جهان را در بر می‌گیرد. او می‌فرماید، خدا پسر خود را به جهت محکومیت جهان فرستاد، بلکه او را فرستاد تا جهان توسط او نجات یابد. مانند یوحنا ۳: ۱۶، کلمه جهان در اینجا به مفهوم جهان مردم گمراه و سرگردان، از هر نژاد، ملت و زبانی است. هدف خدا، تنها نجات مردم از مجازات گناه نبود، بلکه نجات آنها از خود گناه و دادن حیات جاودانی به آنها بود.

پ) عیسی تعلیم می‌دهد که موضوع نجات یا محکومیت در این دنیا تعیین می‌شود. اگر چه هدف اصلی از آمدن عیسی مسیح بر روی زمین، نجات مردم بود، این بدان مفهوم نیست که هدف اصلی بازگشت او محاکمه مردم خواهد بود. یوحنا ۳: ۱۸ می‌فرماید، "هر که به او ایمان آرد، بر او حکم نشود، اما هر که ایمان نیاورد، الآن بر او حکم شده است، به جهت آن که به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است". لازم نیست شخص به جهت محاکمه شدن، تا روز دآوری صبر کند. این تصمیم مبنی بر این که شما نجات می‌یابید یا محاکمه خواهید شد، در زندگی فعلی شما گرفته شده است. بر طبق یوحنا ۵: ۲۴، در روز دآوری نهایی، هیچک از افرادی که به عیسی مسیح ایمان دارند، محاکمه نخواهند شد، زیرا آنها بخشش خدا را دریافت کرده‌اند. هیچ حکم محکومیتی بر علیه آنها نخواهد بود.

اما بر طبق یوحنا ۵: ۲۸-۲۹، در روز دآوری نهایی، تمام افرادی که مرتکب گناه و شرارت شده‌اند، برای محکومیت برخوانند خاست. این بدان مفهوم نیست که آنها تنها در آن روز محاکمه و دآوری خواهند شد، بلکه دآوری آنها بر عموم مردم آشکار خواهد گشت. تمام مردمی که به عیسی مسیح ایمان نیاورده و او را نپذیرفته‌اند، نیاز ندارند تا زمان دآوری نهایی صبر کنند، با این تفکر که ممکن است محاکمه آنها به آن روز موکول شود. تمام بی‌ایمانان، در حال حاضر نیز مورد محکومیت هستند. یوحنا ۳: ۳۶ می‌فرماید که نارضایتی و خشم خدا بر روی تمام افرادی که از طریق نپذیرفتن مسیح با ایمان، از او ناطاعتی

می‌کنند، می‌ماند. پس از مرگ، دیگر فرصتی جهت ایمان آوردن به مسیح نخواهد بود. موضوع نجات و محکومیت در این دنیا تعیین می‌شود.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۳: ۱-۳۶ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۳: ۳، ۵، ۷) "از سر نو مولود گشتن" (تولد تازه) به چه مفهومی می‌باشد؟ ملاحظات: آنچه که نیقودیموس مایل بود بداند، این بود که "چه کارهای نیکی باید انجام دهم تا بتوانم وارد ملکوت خدا شوم؟" سؤالی که او در مد نظر داشت این بود، "چگونه می‌توانم صاحب حیات جاودانی شوم؟" عیسی از طریق معمایی پاسخ او را داد. معما گفته‌ای است با مفهومی پنهانی. عیسی فرمود: "اگر کسی از سر نو مولود نگردد، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید".

الف) از سر نو مولود گشتن، به مفهوم مولود گشتن از بالا و از روح خداست. اصطلاح "از سر نو مولود گشتن" به صورت لغوی به مفهوم مولود گشتن از بالا، یا از خدایی است که در آسمان می‌باشد (یوحنا ۳: ۳۱). همچنین به معنای از نو مولود گشتن از نظر روحانی، پس از تولد جسمانی می‌باشد (غلاطیان ۴: ۹ - از سر نو). در یوحنا ۳: ۶، عیسی می‌فرماید: "آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت، روح است". مولود گشتن از جسم به مفهوم تولد جسمانی با طبیعت انسانی گناهکار می‌باشد، و مولود گشتن از روح، به مفهوم تولد روحانی، با طبیعت جدید روحانی است.

ب) **تعمید به آب، صرفاً علامت و مُهر تعمید به روح‌القدس می‌باشد.** در یوحنا ۳: ۵، عیسی می‌فرماید: "اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود". در متی ۳: ۱۱ نیز در باره آب و روح می‌خوانیم. یحیی تعمید دهنده می‌فرماید: "من شما را به آب تعمید می‌دهم... ولی او (مسیح) شما را به روح‌القدس تعمید خواهد داد". منظور این است که مردم تنها توسط عمل روح‌القدس در قلب و زندگی‌شان، از نو مولود می‌شوند. روح‌القدس از طریق موعظت و تعالیم کلام خدا کار تجدیدحیات را در مردم انجام می‌دهد و در این زمان است که آنها تولدی تازه دریافت می‌کنند (اول پطرس ۱: ۲۳). مردم صرفاً توسط تعمید به آب، تولد تازه (از نو مولود گشتن) را دریافت نمی‌کنند. تعمید به آب علامت و مُهر یا تأیید آن کاری است که تعمید به روح‌القدس در شخص انجام داده است. مظهر یک چیز تنها زمانی دارای ارزش می‌شود که با اصل خود همراه شود. تعمید به آب، تنها زمانی نشانه و مظهری با ارزش و با مفهوم خواهد بود که این حقیقت را تأیید کند که شما به واسطه تعمید به روح‌القدس، تولدی تازه یافته‌اید. با توجه به اینکه ما در یوحنا ۳: ۶، ۸ دیگر در رابطه با مولود گشتن از آب نمی‌خوانیم، بلکه تأکید اصلی در مورد مولود گشتن از روح است، متوجه می‌شویم که مولود شدن از روح‌القدس، امری بسیار ضروری می‌باشد.

پ) **مولود گشتن از روح‌القدس یکی از امور بسیار ضروری است و کار قدرتمند خدا می‌باشد.** در یوحنا ۳: ۷-۸، عیسی می‌فرماید: "عجب مدار که به تو گفتم باید از سر نو مولود گردی. باد هر جا که می‌خواهد می‌وزد و صدای آن را می‌شنوی لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. همچنین است هر که از روح خدا مولود گردد". نیقودیموس مانند بسیاری از یهودیان دیگر معتقد بود به این که مردم می‌توانند از طریق اطاعت از احکام شریعت عهدعتیق و قوانین انسانی دیگر، خود را نجات دهند. ولی عیسی با گفتن این موضوع که نجات، هدیه خدا به انسان است نه نتیجه کاری که انسان انجام می‌دهد، نیقودیموس را متعجب ساخت. عیسی به او گفت که شخص نمی‌تواند از طریق انجام احکام شریعت نجات یابد، بلکه به منظور حصول نجات، باید از روح‌القدس مولود شود.

نجات در مرحله اول، کار قدرتمند خداست و انسان در این موضوع کاملاً منفعل می‌باشد. هیچ کس قادر نیست باد را هدایت کند، زیرا هر جا که بخواهد می‌وزد. به همین ترتیب هیچ کس قادر نیست نجات خود را هدایت و کنترل کند. روح قدوس خدا، با اقتدار و مستقل از انسان عمل می‌کند. تجدیدحیات، عمل خداست که در آن انسان هیچ نقشی ندارد. قاعدتاً نیقودیموس بر اساس آگاهی و علمی که از عهدعتیق داشت، باید می‌دانست که گناهکار بوده (پیدایش ۶: ۵؛ ایوب ۱۴: ۴؛ مزور ۵۱: ۵؛ ارمیا ۱۷: ۹) و قادر به نجات خود نمی‌باشد (اشعیا ۴۳: ۱۰-۱۱). او نباید اینقدر از تعالیم و سخنان عیسی متعجب می‌شد.

سؤال ۲) (یوحنا ۳: ۳، ۵). "ملکوت خدا" به چه مفهومی می‌باشد؟
ملاحظات:

الف) ملکوت خدا، قلمرویی است که در آن مردم حاکمیت و خداوندی خدا را توسط عیسی مسیح درک کرده، از او اطاعت می‌کنند، و در آن فیض خدا غالب می‌شود. ملکوت خدا، در این موارد متجلی می‌شود: در نجات ایمانداران، (مرقس ۱۰: ۲۴-۲۷)؛ در حاکمیت خدا بر قلب و زندگی آنان (لوقا ۱۷: ۲۰-۲۱)؛ در اجتماع و رشد آنها به عنوان یک کلیسا بر روی زمین (متی ۱۶: ۱۸-۱۹) و در نهایت در آسمان و زمین جدید (عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۴؛ دوم پطرس ۳: ۱۰-۱۳).

ب) ورود به ملکوت خدا همان دریافت نجات یا حیات جاودانی می‌باشد. بنابراین با مقایسه یوحنا ۳: ۳-۸ و یوحنا ۳: ۱۶-۱۷، متوجه می‌شویم که عمل قدرتمند خدا بر هر عمل انسانی مقدم می‌باشد؛ در واقع از نو مولود شدن بر ایمان آوردن به مسیح مقدم می‌باشد. مبدل شدن انسان به فرزند خدا، در مرحله اولیه خود، بر توبه و ایمان آوردن او برتری دارد. این تعلیم را می‌توان در یوحنا ۱: ۱۲-۱۳ و ۶: ۴۴، ۳۷ و ۱۷: ۶ یافت.

سؤال ۳) (یوحنا ۳: ۹-۱۳) وقتی که عیسی در رابطه با شناخت و تصدیق امور آسمانی صحبت می‌کند، منظورش چیست؟
ملاحظات: در یوحنا ۳: ۱۱، عیسی می‌فرماید که یحیی تعمید دهنده و خود او در مورد امور آسمانی آگاهی داشته، آنها را تصدیق نمودند. ولی فریسیان و نیقودیموس شهادت آنها را قبول نکردند. عیسی این موضوع را درک کرده بود، زیرا با چشمان نافذش به قلب نیقودیموس نگاه کرده، متوجه تردید او در ایمان آوردن به تعالیم الهی شده بود (۲: ۲۵).

الف) امور زمینی در یوحنا ۳: ۱۲، عیسی می‌فرماید: "من با شما در مورد امور زمینی سخن گفتم، ولی شما آنها را باور نکردید." او در رابطه با اموری سخن گفته بود که از نظر منشأ و مشخصات، اموری الهی بودند ولی بر روی زمین واقع می‌شدند، مانند تعمید و تجدید حیات. اگرچه در مورد تجدیدحیات انسان توسط روح القدس، به وضوح در عهدعتیق در حزقیال ۳۶: ۲۵-۲۷ تعلیم داده شده است، بسیاری از یهودیان آن را باور نکردند. خدا فرموده بود: "شما را از تمام نجاسات و از همه بتهای شما طاهر خواهم ساخت. و دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد. و دل سنگی را از جسد شما دور کرده، دل گوشتین به شما خواهم داد. و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شما را به فرايض خود سالک خواهم گردانید تا احکام مرا نگاه داشته، آنها را به جا آورید."

عمل تجدیدحیات در محدوده تجربه انسانی بر روی زمین به وقوع می‌پیوندد. بنابراین هر کس که از عهدعتیق آگاهی داشته و به عنوان یک انسان متوجه ناتوانی خود جهت خشنود ساختن خدا شده باشد، ضرورت از نو مولود گشتن را درک خواهد کرد. امور دیگر زمینی شامل: آمدن مسیح موعود در میان قوم خود، مرگ و قیام او و اعلام خبر خوش نجات به غیریهودیان در سراسر جهان می‌باشد. ولی وقتی که نیقودیموس و افرادی مانند او امور زمینی را باور نمی‌کنند، چگونه می‌توانند به سخنان عیسی در رابطه با امور آسمانی، ایمان داشته باشند؟

ب) امور آسمانی. امور آسمانی به طور خاص شامل نقشه ابدی خدا برای نجات می‌باشند که عیسی آن را در یوحنا ۳: ۱۳-۱۸ بیان کرده است. تنها پسر خدا دائماً در حضور خدا بوده و از تصمیماتی که در آسمان گرفته شده است، آگاه می‌باشد. بنابراین درک نقشه خدا جهت نجات مردم از تمام قبایل دنیا و چگونگی این عمل از طریق صلیب، تا زمانی که بر انسانها آشکار شود، کاملاً خارج از حوزه آگاهی آنها می‌باشد. تنها عیسی از آسمان به زمین آمد. و تنها او از نقشه ابدی نجات آگاهی دارد. و تنها اوست که این نقشه را برای مردم آشکار می‌سازد و آن را برای انسانها به تحقق می‌رساند.

سؤال ۴) (یوحنا ۳: ۱۴-۱۵) وقتی عیسی می‌فرماید که "او باید بلند کرده شود"، منظورش چیست؟
ملاحظات:

الف) نقشه نجات خدا در مفهوم واقعی خود، تا حدی در تصاویر (نمونه‌های) عهدعتیق آشکار شده بود، ولی به طور کامل زمانی آشکار شد که عیسی مسیح (اصل)، آن را به تحقق رساند. در عهدعتیق، در کتاب اعداد فصل ۲۱، برافراشته شدن مار بر روی تیری در بیابان، تصویر (نمونه) نقشه نجات خدا بود. نقشه نجات خدا در بلند کرده شدن عیسی بر روی صلیب، به تحقق می‌رسد.

ب) بین این تصویر عهدعتیق و تحقق آن در عهدجدید شباهتهایی وجود دارد. در هر دو مورد، مرگ مجازاتی است برای گناه. و در هر دو مورد خدای قادر مطلق بر اساس فیضش، راه نجاتی را مهیا می‌کند. و در هر مورد چیزی یا کسی باید در انتظار عموم مردم برافراشته شود. و در هر دو مورد تنها کسانی که به آن چیز یا شخصی که برافراشته شده است، با ایمان نگاه کنند، نجات می‌یابند.

پ) تحقق یک تصویر همواره بر خود تصویر برتری دارد. در عهدعتیق، مردم با مرگ فیزیکی (جسمانی) مواجه می‌شدند، ولی امروزه مردم به خاطر گناهانشان دچار مرگ فیزیکی (جسمانی) و روحانی و ابدی می‌شوند. در عهدعتیق، ماری که برافراشته

شده بود، هیچ قدرتی جهت شفای شخص نداشت؛ بلکه تنها يك مظهر و نماد بود. ولی عیسی مسیح قدرت جهت شفا، نجات و نابودی افرادی را دارد که او را نمی‌پذیرند.

ت) بلند کرده شدن عیسی بر روی صلیب يك حقیقت حتمی است. عیسی می‌فرماید، او باید بلند کرده شود. بلند کرده شدن او بر روی صلیب یکی از چند طریق نجات مردم نیست، بلکه تنها طریق نجات آنها از گناهانشان می‌باشد. تنها مرگ و قیام عیسی مسیح می‌تواند آنچه را که عدالت و خشم مقدس خدا (بر علیه گناه) و همچنین محبت او مطالبه می‌کند، برآورده سازد. بلند کرده شدن عیسی، در وهله اول به بلند کرده شدن او بر روی صلیب اشاره می‌کند که این امر جدا از قیام، صعود و جلوس او بر تخت پادشاهی نمی‌باشد. (اعمال ۲: ۳۳). اگر چه عیسی مسیح در انظار مردم بلند کرده شده است، همه نجات نمی‌یابند.

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و

فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۳: ۱-۳۶ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به يك کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از يك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (یوحنا فصل ۳)

- ۳: ۱ * اگر از آمدن نزد خدا در روز می‌ترسید، در شب به نزد او بروید.
- ۳: ۳، ۸ * در نظر داشته باشید که آیا "تولد تازه" (از نو مولود گشتن) را دریافت کرده‌اید؟" خود را امتحان کنید تا ببینید آیا در ایمان هستید یا نه؟ (دوم قرن‌تین ۱۳: ۵).
- ۳: ۱۶ * این آیه را حفظ کنید. این آیه، جوهر پیغام انجیل است.
- ۳: ۱۸ * در رابطه با این موضوع یقین داشته باشید که افرادی که از میان خانواده، همسایگان، همکاران، شهروندان شما، پیغام انجیل را شنیده‌اند ولی به آن ایمان نیاورده‌اند، از هم اکنون محکومند.
- ۳: ۱۹-۲۱ * هیچ عملی را در ظلمت انجام ندهید. بلکه در نور زندگی کنید. در حضور خدا شفاف و خالص باشید.
- ۳: ۳۰ * همواره خود را در برابر عیسی مسیح کوچک و فروتن ساخته، اجازه دهید او بزرگ و بلند کرده شود.
- ۳: ۳۶ * در رابطه با این موضوع یقین داشته باشید که افرادی که عیسی مسیح را نپذیرند، حیات جاودانی را نیز تجربه نخواهند کرد.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم همواره به محبتی که خدا در حق من داشته است، متمرکز بشوم. من یوحنا ۳: ۱۶ را حفظ کرده‌ام که می‌فرماید: "زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد." من هیچ وقت نمی‌خواهم این حقیقت را فراموش کنم که قبل از اینکه من خدا را دوست داشته باشم، او مرا دوست داشته است. خدا ابتدا مرا دوست داشت. من هرگز فراموش نخواهم کرد که بهای محبت خدا، قربانی یگانه پسرش بود. این محبتی فداکارانه بود. من هیچوقت نمی‌خواهم فراموش کنم که خدا مرا همواره دوست داشته است.

ب) من می‌خواهم در زمینه فروتنی رشد کنم. می‌خواهم زندگی و خدمت من به گونه‌ای باشد که عیسی بزرگتر و من کوچکتر باشم. می‌خواهم در این مورد فکر کنم که چگونه می‌توانم مردم بیشتری را به سمت مسیح هدایت کنم. من نمی‌خواهم کلیسا یا مقامی برای خود به وجود آورم. بلکه تنها می‌خواهم نام عیسی مسیح را جلال دهم و کلیسای او را بنا کنم.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۳: ۱-۳۶ آشکار کرده است، دعا کنیم.

(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده‌اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

دعا (۸ دقیقه)	۵
---------------	---

دعای شفاعت

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
----------------------	---

برای درس بعدی

(سر گروه): رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۳ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از دوم قرننیاں ۴-۶ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۴: ۲۴) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۱

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) دوم قرنیتیان
---	-------------------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم قرنیتیان ۴-۶) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	-------------------------------------------

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۴: ۲۴.

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) عید سال جدید- روز تجدید نظر و وقف
---	-------------------------------------------------------

مقدمه: عید سال جدید برای بسیاری از مردم حائز اهمیت فراوان می‌باشد. ما در رابطه با موارد زیر در این درس خواهیم آموخت: چگونه مسیحیان آغاز سال جدید را جشن می‌گیرند؟ چرا مهم است که سال گذشته خود را ارزیابی کنیم؟ چرا اتخاذ تصمیم‌گیری و انتخاب درست در سال جدید حائز اهمیت می‌باشد؟ و چرا مهم است اجازه دهیم خدا در هر کاری که در این سال انجام می‌دهیم، ما را هدایت کند.

مزمور ۹۰: ۱۰-۱۲ می‌فرماید: "ایام عمر ما هفتاد سال است و اگر از بنیه هشتاد سال باشد. لیکن فخر آنها محنت و بطلت است، زیرا به زودی تمام شده، پرواز می‌کنیم. ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم تا دل خردمندی را حاصل نماییم."
عید هر سال جدید برای تمام مردم جهان یادآور این حقیقت است که عمر آنها بر روی این زمین محدود می‌باشد، سال جدید تمام شده، و به زودی به پایان عمر خود نزدیک می‌شوند. عید هر سال جدید فرصتی برای مردم جهت ارزیابی سال گذشته، و اتخاذ تصمیمات مهم می‌باشد. خانواده مسیحی یا گروهی از دوستان می‌توانند در عصر آخرین روز سال گذشته، مدتی وقت صرف کنند و سؤالات مهمی در رابطه با آن سال از خود بپرسند.

کتاب مقدس کتابی است که به شما در رابطه با "آغاز تمام امور مهم" تعلیم می‌دهد. به عنوان مثال، این حقیقت را آشکار می‌سازد که خدا از ازل بوده است. کلام خدا در رابطه با پیدایش جهان و مخلوقات، آغاز هدف خدا و مأموریت انسان در جهان نیز تعلیم می‌دهد. کتاب مقدس همچنین "انتهای امور" را نیز آشکار می‌سازد. به عنوان مثال، در رابطه با انتهای این جهان و همه حکومت‌ها به‌هنگام بازگشت عیسی مسیح، تعلیم می‌دهد. عیسی مسیح پس از بازگشتش، تمام مردم را بر اساس نوع ارتباطشان با او و چگونگی زندگی‌شان بر روی زمین، داوری خواهد کرد. مسیحیان از این حقیقت آگاهند که خدا آغاز و پایان همه امور است. و آنها تنها با کمک خدا قادر خواهند بود سال بعد را به خوبی شروع کرده، آن را به خوبی نیز به پایان برسانند. بنابراین عید سال جدید فرصتی برای مسیحیان جهت ارزیابی سال گذشته، اصلاح اشتباهاتشان، اتخاذ تصمیمات و انتخابات جدید و به‌طور خاص وقف مجدد زندگی خود به خدای زنده می‌باشد.

الف - عید سال جدید، فرصتی است جهت آزمودن خود

مقدمه: عید سال جدید، زمان مناسبی است که جهت آزمودن خود، چند سؤال مهم از خود بپرسید تا بدین ترتیب بتوانید سال گذشته خود را ارزیابی کنید.

۱- اولین سؤال سال جدید: "آیا من ایماندار هستم؟"

بخوانید: یوحنا ۳: ۱۶-۱۸، ۳۶؛ یوحنا ۵: ۲۴؛ اول یوحنا ۳: ۹-۱۰؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۵.

کشف و گفتگو کنید: مهمترین سؤالی که هر شخص می‌تواند از خود بپرسد چیست؟

ملاحظات: مهمترین سؤالی که شما می‌توانید قبل از شروع سال جدید از خود بپرسید، در مورد نجاتتان است، و این که "آیا من یک مسیحی هستم یا نه؟" دوم قرنتیان ۱۳: ۵ می‌فرماید: "خود را امتحان کنید که در ایمان هستید یا نه. خود را باز یافت کنید. آیا خود را نمی‌شناسید که عیسی مسیح در شما است، اگر مردود نیستید؟" بسیاری از مردم، سال جدید را بدون حضور عیسی مسیح که خدای زنده است، شروع می‌کنند. هر که به عیسی مسیح ایمان نداشته باشد، گمراه است، و گناهانش بخشیده نشده است. خشم خدا بر روی چنین شخصی فرار می‌گیرد و او بدین ترتیب مجازات ابدی را تصاحب می‌کند. هر که به ارتکاب گناه ادامه داده، آن چه را که درست است انجام ندهد و برادرش را نیز دوست نداشته باشد، فرزند شیطان می‌باشد. ولی هر که به نزد خدا بازگشت کند و به عیسی مسیح ایمان بیاورد، محکوم به هلاکت نخواهد بود، بلکه حیات جاودانی را به دست خواهد آورد. چنین شخصی دیگر به ارتکاب گناه ادامه نمی‌دهد زیرا از خدا مولود شده است. او آنچه را که درست است انجام می‌دهد، و برادرش را نیز محبت می‌کند. و یقین دارد که فرزند خداست. بنابراین، هر کس باید خود را تفتیش کند.

تذکر: اگر هیچگاه عیسی مسیح را به عنوان منجی در زندگی‌تان قبول نکرده‌اید، این کار را الان انجام دهید. این گونه در حضور خدا دعا کنید: "ای پدر آسمانی، من اعتراف می‌کنم به اینکه شخصی گناهکار و گمشده هستم. من ایمان دارم که عیسی مسیح بر روی صلیب به جای گناهان من مرد. من ایمان دارم که او از مردگان قیام کرده، به عنوان پادشاه پادشاهان سلطنت می‌کند. در این لحظه از عیسی مسیح دعوت می‌کنم تا وارد زندگی من شده، گناهانم را ببخشد و به من حیاتی جدید عطا کند. من می‌خواهم از عیسی مسیح به عنوان معلم، سرمشق بگیرم و از او به عنوان خداوند زندگی‌ام، اطاعت کنم. از تو به‌خاطر این که به دعای من گوش دادی، متشکرم. در نام عیسی. آمین."

۲- دومین سؤال سال جدید: "من در طول سال گذشته، چگونه زندگی کرده‌ام؟"

بخوانید: مزمور ۱۳۹: ۱-۷، ۲۳-۲۴؛ یوحنا ۸: ۳۲.

کشف و گفتگو کنید: دومین سؤال مهمی که هر شخص باید از خود بپرسد، چیست؟

ملاحظات: دومین سؤال مهمی که هر شخص باید از خود بپرسد، این است: "من در طول سال گذشته، چگونه زندگی کرده‌ام؟" مزمور ۱۳۹ دعایی جهت آزمودن خویش است. داود متوجه می‌شود که او کامل و بدون خطا نیست. او همچنین متوجه می‌شود که همواره از این موضوع آگاه نیست که چه چیزهایی در زندگی‌اش باعث نارضایتی خدا می‌شود. بنابراین از خدا می‌خواهد تا گناهانش را به وی نشان دهد. او این گونه دعا می‌کند: "ای خداوند، تو مرا آزموده و شناخته‌ای. تو نشستن و برخاستن مرا می‌دانی؛ و فکرهای مرا از دور فهمیده‌ای. راه و خوابگاه مرا تفتیش کرده‌ای و همه طریق‌های مرا دانسته‌ای. زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جز این که تو ای خداوند آن را تماماً دانسته‌ای. از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟ ای خدا مرا تفتیش کن و دل مرا بشناس. مرا بیازما و فکرهای مرا بدان، و ببین که آیا در من راه فساد است. و مرا به طریق جاودانی هدایت فرما."

توجه کنید: پزشکان تنها زمانی قادرند به درمان بیمارشان بپردازند که شخص متوجه شود که بیمار است. تا زمانی که شخص حاضر نباشد بیماری و ضعف خود را باور کند، متوجه نخواهد شد که به پزشک نیاز دارد. ولی وقتی که او بیماری خود را باور داشته و اعتراف کند به این که نیازمند معالجه می‌باشد، پزشک قادر خواهد بود او را در جهت درمانش کمک کند. به همین ترتیب، عیسی می‌فرماید: "تندرستان احتیاج به طبیب ندارند بلکه مریضان. و نیامده‌ام تا عادلان بلکه تا عاصیان را به توبه بخوانم" (لوقا ۵: ۳۱-۳۲). هر کس متوجه عصبان خود بشود و آن را به عیسی اعتراف کند، از بهترین طبیب جهان، جهت بهبود وضعیت خود، کمک دریافت خواهد کرد. هر که این حقیقت را باور کند، از آزمودن عمیق خویش به جهت یافتن ترسهای پنهانی و خطایای گذشته خود، ترسان نخواهد بود، زیرا او متوجه خواهد بود که انجام این کار، بهترین و سریعترین طریق برای بهبودی و درمانش می‌باشد.

بنابراین قبل از شروع سال جدید، سؤال مهمی که باید از خود بپرسید، در رابطه با احتمال وجود گناه در زندگی‌تان است. "آیا گناه خاصی در زندگی من وجود دارد، که آن را به عیسی مسیح اعتراف نکرده‌ام؟" آیا انگیزه‌های پنهانی در من وجود دارند که باعث خشنودی خدا نمی‌شوند؟ "آیا گناه مخفی در من وجود دارد که مرا به اسارت خود در آورده است؟" در مورد سال گذشته فکر کرده، رفتار، سخنان، انگیزه‌ها، نگرشها و تصمیم‌گیریهای مربوط به آن سال را ارزیابی کنید. وقتی که احساس کردید که در قسمتهایی از زندگی‌تان درست عمل نکرده‌اید، ولی متوجه نمی‌شوید خطایاتان چه بوده است، در آن صورت مزمور ۱۳۹ را به صورت "دعایی تفتیشی"، به حضور خدا بیاورید. با استفاده از چنین دعایی در مزامیر، از خدا بخواهید تا افکار پنهانی شما و احساسات عمیق‌تان را بیازماید. از او بخواهید تا ترسها، زخمها و رفتار توهین‌آمیز شما را به شما نشان دهد. خدا از آن چه که در فکر و قلب و زندگی شما مخفی است آگاه می‌باشد، ولی مایل است که از او بخواهید تا آنها را به شما نشان دهد. خدا می‌خواهد شما متوجه این موارد بشوید، چون می‌خواهد شما را از آنها رهایی دهد. در یوحنا ۸: ۳۲، عیسی وعده داد و فرمود: "حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد ساخت." این حقیقت (حق)، می‌تواند شما را حتی از تاریکترین قسمتهای طبیعتتان آزاد سازد.

۳- سوال سوم سال جدید: "در طول سال گذشته به چه پیشرفتهایی نائل شده‌ام؟"

بخوانید: کولسیان ۲: ۶-۷؛ اول تیموتاؤس ۴: ۱۵-۱۶.

کشف و گفتگو کنید: سومین سؤال مهمی که هر کس باید از خود بپرسد، چیست؟

ملاحظات: سومین سؤال مهمی که هر شخص باید از خود بپرسد، این است: "در طول سال گذشته به چه پیشرفتهایی نائل شده‌ام؟" انسان موجودی است زنده؛ هر موجود زنده‌ای یا پیشرفت می‌کند یا پسرفت. ممکن است مردم فکر کنند که جهت مواجهه و برخورد با مشکل خاصی، باید برای مدتی حالتی ساکن و بدون تحرك داشته باشند. ولی حتی مواجهه با يك مشکل نیز خود يك نوع پیشرفت محسوب می‌شود. تنها موجودات بی‌جان هستند که برای مدت طولانی، به طور ساکن و آن گونه که هستند باقی می‌مانند. پولس رسول، تیموتاؤس را تشویق می‌کند که پیشرفت نماید. او می‌فرماید: "در این امور تأمل نما و در اینها راسخ باش تا ترقی تو بر همه ظاهر شود. خویشتن را و تعلیم را احتیاط کن و در این امور قائم باش که هر گاه چنین کنی، خویشتن را و شنوندگان خویش را نیز نجات خواهی داد."

توجه کنید: سؤال مهمی که شما باید قبل از شروع سال جدید از خود بپرسید، در مورد پیشرفتهایی شما در طول سال گذشته می‌باشد. "آیا به عنوان يك مسیحی در زمینه رشد روحانی خود، پیشرفت کرده‌ام یا نه؟" به چه طریقی باعث پیشرفت کار خدا و ملکوت او شده‌ام؟ "خدا از من می‌خواهد در این سال جدید، در چه قسمتهایی تغییر یا پیشرفت کنم؟" مدتی وقت صرف کنید تا مواردی را که در زندگی‌تان نیاز به تغییر دارند، مورد ملاحظه قرار دهید. از طریق مطالعه کلام خدا و دعا، در رابطه با این سؤالات خود را تقویت کنید.

ب - عید سال جدید، فرصتی است جهت وقف و سرسپردگی

مقدمه: عید هر سال جدید، فرصت بسیار خوبی است جهت اتخاذ تصمیمات مهم در زندگی‌تان. برخی از تصمیماتی که باید بگیرید، می‌تواند از این قبیل باشد: "زندگی من در این سال جدید در چه مسیری پیش خواهد رفت؟" "اعتماد خود را بر روی چه کسی قرار خواهم داد؟" "چگونه از وقت، استعدادها، موقعیتهای پول و... خود در این سال استفاده خواهم کرد؟" "اهداف و اولویتهای من در زندگی چه هستند؟" با هم به تصمیم‌گیریهایی که برخی از مردم در کتاب مقدس اتخاذ کرده‌اند، نگاهی می‌اندازیم. پس از آن سعی کنید به تصمیم و انتخابی درست دست بزنید.

۱- اولین تصمیم سال جدید: "من تصمیم درستی در زندگی خود خواهم گرفت."

بخوانید: ارمیا ۶: ۱۶. "بر طریق‌ها بایستید و ملاحظه کنید و در مورد طریق درست سؤال نمائید تا طریق نیکو کدام است تا در آن سلوک نموده تا برای جان خود راحت بیابید."

توجه و گفتگو کنید: شما چه طریقی را می‌خواهید انتخاب کنید؟ زندگی شما در طول سال جدید در چه جهتی هدایت خواهد شد؟
ملاحظات: تصمیم مهمی که باید پیش از شروع سال جدید بگیرید، در رابطه با جهت یا مسیر زندگی شما است. عید هر سال جدید به منزله ایستادن بر سر يك چهارراه می‌باشد که باید تصمیم بگیرید به سمت راست بروید یا چپ، در مسیر مستقیم حرکت کنید یا به سمت عقب برگردید. باید تصمیم بگیرید که آیا می‌خواهید به سمت خدا رفته او را پیروی کنید و طریق درست و نیکو را طی کنید یا می‌خواهید از خدا رویگردان شده، طریق اشتباه را بپیمایید. "طریق درست و نیکو" طبق این آیه، در ارتباط با "طریق قدیمی" می‌باشد. "طریق قدیمی" به طریقی اشاره می‌کند که خدا آن را از زمانهای قدیم (از زمان خلقت جهان)، در کتاب مقدس آشکار کرده است. دعا کنید و از خداوند بخواهید که به شما طریق یا مسیر درست و نیکو را نشان دهد. البته ممکن است با چنین چهارراهایی در مواقع دیگری از زندگی‌تان نیز مواجه شوید.

۲- دومین تصمیم سال جدید: "من به شخص مناسب و درستی در زندگی خود، اعتماد خواهم کرد."

توجه و گفتگو کنید: در طول این سال، به چه کسی می‌خواهید اعتماد کنید؟

ملاحظات: تصمیم مهمی که قبل از شروع سال جدید باید بگیرید، این است که در این سال جدید به چه کسی می‌خواهید اعتماد کنید؟

الف) بخوانید: ارمیا ۱۷: ۵-۱۰. باید انتخاب کنید یا بر انسانها و آن چه که به آنها متعلق است اعتماد کنید، یا به خدا و کلامش. هر که اعتماد خود را بر انسان بنهد، مانند بوته‌ای خشک در بیابان خواهد بود. ولی هر که اعتماد خود را بر خدا نهد، مانند درختی نشانده در نزد نهر آب خواهد بود. خدا بر علیه هر نوع وابستگی و اعتماد ناسالم به هر انسانی هشدار می‌دهد.

ب) بخوانید: امثال ۲۳: ۴-۵؛ متی ۶: ۲۵-۳۴. کسانی که اعتماد خود را بر مادیات، از جمله اموال و پول می‌گذارند، متوجه می‌شوند که تلاششان برای کسب ثروت بی‌نتیجه است و ثروتشان فانی خواهد بود. مردمی که به خدا اعتماد می‌کنند، تمام وقت و تلاش خود را صرف کسب مادیات نمی‌کنند، بلکه ابتدا در طلب ملکوت خدا و آن اموری هستند که در نظر خدا پسندیده می‌باشد.

پ) **بخوانید:** مزمو ۲۰: ۴-۸. آنانی که به قدرتهای نظامی یا سلاح‌های خودشان اعتماد می‌کنند، متوجه خواهند شد که آنها روزی "خم شده، خواهند افتاد". ولی هر که به خداوند اعتماد کند، نجات خواهد یافت؛ خداوند دعای او را می‌شنود و او "برخاسته، خواهد ایستاد".

ت) **بخوانید:** هوشع ۴: ۶؛ اول قرن‌تین ۱: ۱۸-۲۵. آنانی که تنها به دانش انسانی، مانند امور فلسفی یا علمی اعتماد می‌کنند، متوجه خواهند شد که در نظر خدا جاهل و نادان هستند. ولی هر که به خداوند و کلامش اعتماد کند، فردی حکیم خواهد بود. او هلاک نشده، بلکه نجات خواهد یافت.

ث) **بخوانید:** مزمو ۲۳: ۱-۶. مردمی که به خداوند به عنوان شبانشان اعتماد کنند، این حقیقت را تجربه خواهند کرد که خدا آنها را در مسیری درست هدایت می‌کند، و حتی وقتی که از وادی سایه موت نیز عبور کنند، با ایشان حاضر است، و به آنها بر علیه دشمنانشان پیروزی می‌بخشد.

۳- سومین تصمیم سال جدید: "من در زندگی‌ام پیشرفت خواهم کرد".

توجه و گفتگو کنید: خدا می‌خواهد در این سال جدید، در چه قسمتهایی از زندگی‌تان پیشرفت کنید؟
ملاحظات: تصمیم مهمی که شما باید قبل از شروع سال جدید بگیرید در رابطه با قسمتهایی از زندگی‌تان است که باید در آنها پیشرفت کنید. برخی از مردم تنها زمانی که در مدرسه مشغول تحصیل هستند، به پیشرفتهایی نائل می‌شوند. پس از آن، در طول سالهای بعدی زندگی خود بیشتر به جای پیشرفت، پسرفت می‌کنند. خداوند ما عیسی مسیح و پولس رسول مسیحیان را ترغیب می‌کنند که در طول زندگی‌شان پیشرفت کنند.

الف) **بخوانید:** متی ۲۵: ۱۴-۳۰. خدا به هر انسانی يك يا چند "قنطار" عطا کرده است. هر "قنطار" مقدار هنگفتی پول بود. يك کارگر معمولی در زمان عیسی، باید به مدت بیست سال کار می‌کرد تا می‌توانست يك قنطار کسب کند. نکته مهمی که در این مثل وجود دارد، این است که هر شخص باید در استفاده از موقعیتهایی که خدا در اختیار او قرار داده است، وفادار باشد. او باید از آنها به طریقی استفاده که خدا جلال یافته، ملکوت او گسترش بیابد و برادران کوچکترین (متی ۲۵: ۴۰) نیز بهره بیابد. خدا افرادی را که نسبت به این موضوع غافل مانده باشند، مجازات می‌کند، ولی به افراد فروتن پاداش خواهد داد. اگرچه اشخاص از موقعیتهای متفاوتی در زندگی خود بهره‌مند شده‌اند، با وجود این، باید همواره سعی کنند در زندگی‌شان پیشرفت کرده، از آن چیزی که خدا در اختیار آنها قرار داده است، استفاده کنند و از آنها بهره ببرند.

ب) **بخوانید:** افسسیان ۵: ۱۵-۱۷. مردمان حکیم، اشخاصی هستند که با خدا راه رفته، در مورد اراده او آگاهی دارند. آنها در صدد رسیدن به بالاترین هدف از بهترین طرق ممکنه هستند. آنها به بهترین نحو از تواناییها و موقعیتهایشان جهت حصول موفقیت استفاده می‌کنند. برای نیل به پیشرفت، شخص باید حکیم باشد.

پ) **بخوانید:** فیلیپیان ۳: ۷-۱۶. پولس هدف خود را توضیح می‌دهد تا بدین وسیله ایمانداران فیلیپی را ترغیب کند تا از نمونه او پیروی کنند. هدف او، شناخت مسیح، دریافت او، و شباهت به او می‌باشد. هدف او تکامل مذهبی و اخلاقی است. پولس به موضوع برگزیدگی افراد قبل از بنای خلقت (افسیان ۱: ۴)، و به اطمینان نجات (دوم تیموتاؤس ۲: ۱۹) ایمان دارد. ولی او به موضوعات برگزیدگی الهی بدون وجود مسؤولیت انسانی، نجات الهی بدون وجود تلاشی انسانی، و اطمینان نجات بدون استفاده مداوم از وعده‌های خدا، اعتقاد ندارد. اگرچه مسیحیان نمی‌توانند تا زمانی که بر روی این زمین هستند به طور کامل تقدیس شوند، اما باید همواره تلاش کنند تا در مسیر تقدس رشد کنند.

ت) **بخوانید:** اول تیموتاؤس ۴: ۱۱-۱۶. پولس تیموتاؤس را تشویق می‌کند تا در زندگی، محبت، ایمان و تقدس نمونه باشد. و خود را وقف مطالعه کلام خدا، موعظه و تعلیم کند و مراقب زندگی و تعالیم خود باشد. هر گاه در این امور ثابت قدم باشد، مردم شاهد ترقی و پیشرفت او خواهند بود.

پ - عید سال جدید، فرصتی است جهت برخورداری از وعده‌های خدا

مقدمه: خدا در اراده مقتدرانه خود، به ما آزادی محدودی جهت انتخاب و تصمیم‌گیری بخشیده است که در رابطه با آنها، ما باید به او حساب پس دهیم. به عنوان مثال او از ما در رابطه با رد کردن یا قبول تعالیم او، و اطاعت یا ناطاعتی از احکام او مطالبه و بازخواست خواهد کرد. ولی در رابطه با قسمتهای دیگر زندگی‌مان به ما آزادی نداده است. به عنوان مثال ما قادر نیستیم زمان و مکان تولد و در بسیاری از مواقع، حتی شرایط زندگی خود را تعیین کنیم. ولی خدا به ما در رابطه با انتخاب نوع نگرش و عکس‌العمل‌هایمان در قبال شرایط موجود در زندگی، آزادی داده است.

عید هر سال جدید، فرصت خوبی جهت وقف و سرسپردگی به اراده خدا می‌باشد. خدا از ما می‌خواهد با تمام وجود خود را وقف اراده او در کلامش بکنیم و تصمیم بگیریم به تعالیم او ایمان بیاوریم و احکام او را انجام دهیم. او همچنین از ما می‌خواهد که خود را کاملاً سرسپرده آن موقعیتها و شرایطی بکنیم که او بر حسب اراده مقتدرانه خود اجازه داده تا در زندگی ما وجود داشته باشند. بنابراین بیاورید اجازه دهیم که خدا ما را در تمام تصمیم‌گیریهای سال جدیدمان هدایت کند.

۱- اولین وعده سال جدید: "من به حضور خدا در زندگی‌ام، متکی خواهم بود".

کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس در مورد حضور خدا چه وعده‌ای می‌دهد؟
ملاحظات: موضوع مهمی که هر مسیحی باید قبل از شروع سال جدید خود را به آن وقف کند، اتکا به حضور خدا، مخصوصاً در شرایط سخت زندگی می‌باشد.

الف) بخوانید: تثبیه ۱: ۲۹-۳۳. خدا پیش روی قوم خود رفته، برای آنها جنگ می‌کند. در سال جدید به هر جایی که برویم، خدا قبل از ما در آنجا خواهد بود، و در کنار ما برای ما جنگ خواهد کرد. در واقع خدا مشکلات ما را از ما دور نمی‌سازد، بلکه از طریق مشکلات، ما را پیش می‌برد. همان گونه که یک پدر، از پسر خود در بیابان مشکلات مراقبت می‌کند، خدا نیز از طریق مشکلات، ما را پیش می‌برد تا به سرنوشت نهایی خود برسیم.

ب) بخوانید: دوم پادشاهان ۶: ۱۵-۱۷. گاهی خدا اجازه می‌دهد ما با شرایط بسیار سختی مواجه شویم. دشمنان الیشع، او و تمام شهر را احاطه کرده بودند. خادم الیشع بسیار ترسان بود. آنگاه خدا چشمان روحانی او را باز کرد و او لشکری از سواران و اربابها را دید که شهر را احاطه کرده بودند. اگرچه ما به عنوان انسان، تنها می‌توانیم خطرات فیزیکی و دشمنان اطراف خود را ببینیم، در همان لحظه خدا و فرشتگانش حاضر هستند. مزور ۳۴: ۷ می‌فرماید: "فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان اوست؛ اردو زده ایشان را می‌راند." در اشعیا ۴۱: ۱۰، خدا وعده می‌دهد و می‌فرماید: "مترس زیرا که من با تو هستم و مشوش مشو زیرا من خدای تو هستم. تو را تقویت خواهم نمود و البته تو را معاونت خواهم داد و تو را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم کرد." و در اشعیا ۴۳: ۱-۷ نیز می‌فرماید: "چون از آنها بگذری من با تو خواهم بود و چون از میان آتش روی، سوخته خواهی شد."

۲- دومین وعده سال جدید: "من به فیض خدا در زندگی‌ام، متکی خواهم بود".

کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس در مورد فیض چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات: موضوع مهمی که هر مسیحی باید قبل از شروع سال جدید خود را به آن وقف کند، اتکا به فیض خدا در زندگی‌اش می‌باشد."

الف) بخوانید: مکاشفه ۳: ۷-۸. تنها به واسطه فیض خداست که درهای موقعیتهای مختلف برای ایمانداران گشوده می‌شود. او ممکن است به ما موقعیت جهت تحصیل، بر خورداری از شغلی خوب و یا ازدواج و غیره عطا کند. او همچنین درهایی جهت بشارت در مورد عیسی مسیح و خدمت در ملکوت او برای ما می‌گشاید. حتی وقتی دیگران سعی کنند دری را ببندند، قادر به انجام آن نخواهند بود زیرا عیسی می‌فرماید که "آن دری را که من بگشایم، هیچ کس قادر به بستن آن نخواهد بود، و آن دری را که من ببندم، هیچ کس قادر به گشودن آن نمی‌باشد." رهبران سیاسی، نظامی و مذهبی در دنیا، ممکن است درهایی را به روی ما ببندند، ولی این کار را تنها با اجازه خدا می‌توانند انجام دهند. و خدا بر اساس قدرت مطلقش، می‌تواند درهای دیگری را برای ما بگشاید که هیچ کس قادر به بستن آنها نخواهد بود. مسیحیان به قدرت مطلق خدا و همچنین به عیسی مسیح ایمان دارند. بنابراین آنها باید در زمینه گشوده شدن درهای موقعیتهای زیادی برای خود در این سال جدید، متکی به فیض خدا باشند.

ب) بخوانید: امثال ۲۷: ۱؛ یعقوب ۴: ۱۳-۱۷. کتاب مقدس در مورد فخر کردن به آنچه که در آینده انجام خواهید داد، هشدار می‌دهد. هیچ کس از فردای خود مطلع نیست. هیچ کس نمی‌داند آیا فردا زنده خواهد بود یا نه. بنابراین هر مسیحی وقتی برای آینده خود برنامه‌ریزی می‌کند، باید به فیض خدا متکی باشد. مسیحیان باید بگویند: "اگر خدا بخواهد زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم."

پ) بخوانید: دوم قرنتیان ۱۲: ۹. البته هر مسیحی با مشکلات مواجه می‌شود. ولی خدا از مشکلاتی که شما فردا یا در طول سال جدید با آنها مواجه می‌شوید، هدفی دارد. پولس تعلیم می‌دهد که وقتی شما با مشکلات، بیماریها و جفاها مواجه می‌شوید، باید به فیض خدا اتکا کنید. خدا مشکلات پولس را از او دور نکرد، بلکه به او فرمود: "فیض من تو را کافی است، زیرا که قوت من در ضعف کامل می‌گردد." بنابراین در زمان مواجهه با سختیها و مشکلات در این سال جدید، باید همواره به فیض خدا متکی باشید. خدا از مشکلات شما استفاده می‌کند تا شما را بیشتر به شباهت مسیح درآورده، زندگی‌تان پرثمرتر گردد.

۳- سومین وعده سال جدید: "من به پیروزی خدا در زندگی خود متکی خواهم بود".

کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس در مورد پیروزی خدا چه وعده‌ای می‌دهد؟

ملاحظات: موضوع مهمی که هر مسیحی باید قبل از شروع سال جدید، خود را به آن وقف کند، اتکا به پیروزی خدا در زندگی‌اش می‌باشد. وقتی که مردم روزنامه می‌خوانند یا به اخبار جهان از طریق رادیو گوش می‌دهند، غالباً خبرهای بدی می‌شنوند. ملتی با ملتی دیگر وارد جنگ می‌شود، مردم مرتکب دروغ، دزدی، قتل و جنایت می‌شوند. برخی از تاجران و سیاستمداران در فساد هستند. برخی از پلیسها و قاضیان از حق مردم فقیر و نیازمند دفاع نمی‌کنند، و در عوض در مورد مردمی که به آنها باج و خراج می‌دهند، تبعیض قائل می‌شوند. ولی مردمی که کتاب مقدس را مطالعه می‌کنند، همواره خبر خوشی به گوششان می‌رسد.

الف) بخوانید: رومیان ۸: ۲۸-۳۹. خدا تعلیم می‌دهد که پیروزی نهایی متعلق به قوم خدا می‌باشد، نه مردم شریر و فاسد. این آیه می‌فرماید: "هر گاه خدا با ماست کیست به ضد ما؟ کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا دلتنگی یا جفا یا قحط یا عریانی یا خطر یا شمشیر؟ در همه این امور از حد زیاده نصرت یافتیم." مهم نیست که برای يك فرد مسیحی در سال جدید چه اتفاقی بیفتد، او می‌داند که در پیروزی نهایی خدا سهمی دارد.

ب) بخوانید: متی ۱۳: ۴۱؛ اعمال ۳: ۲۱؛ مکاشفه ۲۱: ۲۷. هر اتفاقی که در این جهان رخ دهد، پایان کار نیست. پایان این جهان ناقص فعلی، بازگشت عیسی مسیح، قیامت مردگان، داوری نهایی، محکومیت مردم شریر و ایجاد آسمان و زمین جدیدی می‌باشد که تنها مردم عادل در آن سکونت خواهند کرد. بنابراین وقتی که شما سال جدید را شروع می‌کنید، توجهتان معطوف به آن پیروزی نهایی باشد که آن را در انتهای زندگی خود بر روی این زمین بدست خواهید آورد.

۵	دعا (۸ دقیقه)
دعای در پاسخ به کلام خدا	

به نوبت در تمام گروه یا در حالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیورید.

۶	تکلیف منزل (۲ دقیقه)
برای درس بعدی	

(سر گروه): رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.

- ۱ - **تعهد** - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - **برای يك فرد یا گروه، موضوع "عید سال جدید- روز تجدید نظر و وقف"** را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - **رازگهان** - هر روز نیمی از يك فصل از دوم قرنیتیان ۷-۱۰ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - **حفظ کردن** - هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی از انجیل یوحنا را مرور کنید.
- ۵ - **بررسی کتاب مقدس** - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۴) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - **دعا** - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - **آموخته های جدید** مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۲

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) دوم قرن‌تیان
---	-------------------------------------------------

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم قرن‌تیان ۷-۱۰) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	-------------------------------------------

مرور: ۵ آیه آخر حفظی یوحنا را دو نفری مرور کنید.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۴: ۱-۵۴
---	---------------------------------------------

مقدمه: یوحنا ۴: ۱-۴۲، توضیح می‌دهد که عیسی چگونه خود را بر سامریان مکشوف می‌سازد و یوحنا ۴: ۴۳-۵۴ توضیح می‌دهد که چگونه او خود را به جلیلیان می‌شناساند.

قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۴: ۱-۵۴ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

قدم ۲: کشف کنید توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--

کشف ۱) در یوحنا فصل ۴ در رابطه با تفاوت موجود میان آب معمولی و آب زنده و حیات‌بخش که عیسی عطا می‌کند، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در یوحنا ۴: ۱۰، عیسی می‌فرماید: "اگر بخشش خدا را می‌دانستی و کیست که به تو می‌گوید آب به من بده، هر آینه تو از او خواهش می‌کردی و به تو آب زنده عطا می‌کرد". وقتی که عیسی در رابطه با آب زنده و حیات‌بخش صحبت می‌کرد، زن سامری فکر کرد منظور او آب معمولی چاه است و یا به‌طور خاص آبی است که در اعماق چاه فوران می‌کند و در زیر آب سطحی چاه قرار گرفته است و عیسی دلوی جهت کشیدن آب از قسمت‌های عمیق چاه ندارد. این چاه را یعقوب پاتریارخ حفر کرده بود و برای زن این سؤال پیش آمده بود که آیا عیسی بزرگتر از یعقوب است. عیسی به او فرمود: "هر که از این آب بنوشد، باز تشنه گردد، لیکن کسی که از آبی که من به او می‌دهم بنوشد ابدأ تشنه نخواهد شد، بلکه آن آبی که به او می‌دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد." عیسی در مورد آب زنده و حیات‌بخشی به نام نجات

صحبت می‌کرد، که به قوت روح القدس به او عطا می‌شد. او آب معمولی را با آب زنده مقایسه کرد. وقتی که شما آب معمولی می‌نوشید، باز تشنه می‌شوید، ولی وقتی که آب زنده و حیات‌بخش (نجات) را که عیسی مسیح می‌دهد بنوشید، تا به ابد تشنه نخواهید شد. آب معمولی که شما می‌نوشید، خارج از جان شما قرار می‌گیرد و نمی‌تواند نیاز جان و روحتان را برطرف سازد. ولی وقتی که آب زنده و حیات‌بخش (نجات و تمام برکات حاصله از آن) وارد جان شما شود، عمیقترین نیازهای آن را ارضا خواهد کرد. تأثیر آب معمولی پس از نوشیدن آن، به زودی از بین می‌رود. ولی آب زنده به منزله چشمه پایان ناپذیری است که شما را دائماً سیراب خواهد کرد.

کشف ۲) در یوحنا فصل ۴ در رابطه با این که چگونه عیسی زن را متقاعد ساخت تا به او ایمان بیاورد، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در امثال ۱۱: ۳۰ نوشته شده است: "کسی که جانها را صید کند، حکیم است". عیسی به ما نمونه‌ای می‌دهد از این که او چگونه جان زن سامری را صید کرد. عیسی بر سر راهش از یهودیه به جلیل، باید از سامره رد می‌شد. در آنجا روزی به‌هنگام ظهر، او خسته و تشنه بر سر چاهی نشست. در آن حین شاگردانش جهت تهیه خوراک به شهر مجاور رفته بودند. عیسی سر چاه، با زنی صحبت می‌کرد که شهرت خوبی نداشت؛ او قصد داشت جان او را برای ملکوت خدا صید کند.

الف) عیسی ابتدا از طریق درخواست يك جرعه آب از زن، از او طلب كمك و همدردی کرد. یکی از مؤثرترین طرق جهت تسخیر قلب يك شخص، این است که برای او موقعیتی فراهم کنید تا کاری برای شما انجام دهد، یا شما لطفی در حق او بکنید. عیسی از هر دو روش استفاده کرد. او از زن آب معمولی طلب کرد و بعد به او آب حیات را عطا کرد.

ب) عیسی حس کنجکاو ی زن را با گفتن این جمله برانگیخت: "اگر بخشش خدا را می‌دانستی و کیست که به تو می‌گوید آب به من بده". زن فکر می‌کرد که عیسی يك یهودی است که طالب كمك می‌باشد و او به عنوان يك زن سامری توانایی جهت كمك به او را دارد. ولی عیسی به نوعی زن را متوجه ساخت که خود او نیاز به آب زنده دارد و عیسی خود، چشمه ای است که می‌توانست آن آب را فراهم کند. عیسی با گفتن این حرف، حس کنجکاو ی زن را برانگیخت. بهترین روش جهت برانگیختن حس کنجکاو ی انسانها این است که به آنها در مورد خدا و آنچه که او می‌خواهد به آنها عطا کند، صحبت کنید.

پ) عیسی اشتیاق زن را جهت برآورده شدن نیازش، با گفتن این جمله برانگیخت: "لیکن کسی که از آبی که من به او می‌دهم بنوشد، ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آبی که به او می‌دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد". عیسی آب معمولی را با آب زنده مقایسه کرد. وقتی که شما آب معمولی می‌نوشید، باز تشنه خواهید شد. این آب خارج از جان شما قرار می‌گیرد و نمی‌تواند نیاز جان و روحتان را برطرف سازد. و به زودی تأثیر آن از بین می‌رود. ولی وقتی که آب زنده و حیات‌بخشی را که عیسی مسیح به شما می‌دهد بنوشید، تا به ابد سیراب خواهید شد. این آب وارد جان شما شده، عمیقترین نیازهای آن را ارضا خواهد کرد. این آب به منزله چشمه‌ای پایان ناپذیر خواهد بود که شما را دائماً سیراب خواهد کرد. یکی از طرقی که می‌توانید اشتیاق شخصی را جهت بدست آوردن حیات جاودانی برانگیزانید، مقایسه آن با زندگی معمولی می‌باشد.

ت) عیسی زمانی که از زن خواست تا شوهر خود را بیاورد، وجدان او را بیدار کرد. عیسی می‌دانست این زن تنها در صورتی نیاز به آب زنده و حیات‌بخش را در خود احساس خواهد کرد که از گناهان خود آگاه شود. وقتی عیسی به شوهر او اشاره کرد، او احساس تقصیر کرد، زیرا شوهری نداشت. او زندگی فاسدی از نظر اخلاقی داشت. بهترین طریق جهت برانگیختن اشتیاق نجات در مردم، كمك به آنها است تا متوجه گناهانشان بشوند.

ث) عیسی تدریجاً خود را بر زن مکشوف ساخت. همان گونه که عیسی تدریجاً حقیقت وجودی خود را بر زن مکشوف می‌سازد، زن نیز تدریجاً به شناخت عیسی نائل می‌شود. او در ابتدا عیسی را به عنوان يك فرد یهودی، بعد به عنوان يك نبی و در نهایت به عنوان مسیح موعود می‌پذیرد.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۴: ۱- ۵ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

**سؤال ۱) (یوحنا ۴: ۲۰-۲۴) پرستش حقیقی چیست؟
ملاحظات:**

الف) مکانی که مسیحیان خدا را در آن پرستش می‌کنند. سامریان و یهودیان فکر می‌کردند محل عبادت خدا، بسیار مهم است. ایشان گمان می‌کردند برای این منظور نیاز به یک عمارت دارند، آن هم در کشور خود. ولی عیسی پاسخ داده فرمود: "لیکن ساعتی می‌آید که نه در این کوه و نه در اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد. لیکن ساعتی می‌آید بلکه الان است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد. زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است." عیسی تعلیم می‌دهد که در پرستش خدا، مهم مکان پرستش نیست، بلکه حالت پرستش و صداقت ما در پرستش حائز اهمیت می‌باشد. بنابراین پرستش حقیقی محدود به مکانهای فیزیکی نیست. مسیحیان می‌توانند خدا را در هر مکانی عبادت کنند، در خانه‌هایشان، در کلیسا، در زندان و در فضای آزاد.

ب) راستی و حقیقتی که به واسطه آن مسیحیان خدا را پرستش می‌کنند. حالتی که ما بر اساس آن خدا را می‌پرستیم، به وسیله حقیقت موضوع پرستش ما، تعیین می‌شود. ما خدا را می‌پرستیم. ولی حقیقت در مورد خدا چیست؟ حقیقت در مورد خدا آن چیزی نیست که مردم در مورد او می‌گویند یا به آن باور دارند، بلکه آن چیزی است که خدا در کتاب مقدس برای ما آشکار کرده است. خدا به ما آشکار کرده است که کیست و همانند چیست. خدا شخصیت، صفات، سخنان و اعمال خود را در کتاب مقدس برای ما مکتشف کرده است.

یکی از حقایقی که خدا برای ما مکتشف کرده است، این است که او روح است. خدا ماهیتی کاملاً روحانی دارد. او خدایی در قالب سنگ، درخت یا کوه نیست که به صورت بتی تراشیده شده از سنگ، در زیر درخت، یا روی کوه مخصوص یا در معبد خاصی یا طبق دیدگاه پیامبری خاص مورد پرستش قرار گیرد. خدا باید بر اساس آن طریقی که خود را در کتاب مقدس آشکار کرده است، عبادت شود. خدا ذاتی کاملاً روحانی دارد. این به این مفهوم است که او بدن فیزیکی (جسمانی) ندارد و توسط انسانها قابل رؤیت نمی‌باشد. او وابسته به انسانها نیست و نیازمند کمک آنها نمی‌باشد. او یک وجود شخصی است و انسانها باید به طریقی شخصی با او در ارتباط باشند. انسان نمی‌تواند به طریق همه‌خدایی یا وحدت وجود با خدا یکی شود. در یوحنا ۴: ۲۴، عیسی می‌فرماید: "خدا روح است و هر که او را پرستش کند می‌باید به روح و راستی بپرستد." بنابراین پرستش حقیقی معطوف به خدای حقیقی است، به آن طریقی که او خود را در کتاب مقدس و در نقشه نجات بشر، آشکار کرده است.

پ) روحی که به واسطه آن مسیحیان خدا را می‌پرستند. حالتی که ما بر اساس آن خدا را می‌پرستیم به وسیله اطاعت ما از حقیقتی که خدا در رابطه با روش پرستش مقرر کرده است، تعیین می‌شود. بسیاری از مردم مذهبی معتقدند که روش پرستش متشکل از دعاهایی مشخص و نوشته شده یا تکراری، مکانهای مشخص جهت عبادت و اعیاد مخصوص می‌باشد. البته باید در نظر داشت که هر نوع پرستشی خدا را خشنود نمی‌سازد. و هر نوع روش پرستشی را نمی‌توان در کلیسا به کار برد. به عنوان مثال، در اشعیا ۱: ۱۳-۱۵، خدا می‌فرماید: "هدایای باطل دیگر میاورید. بخور نزد من مکروه است ... گناه را با محفل مقدس نمی‌توانم تحمل نمایم ... عیدهای شما را جان من نفرت دارد ... چون دعاهای بسیار می‌کنید، اجابت نخواهم نمود." بنابراین مسیحیان نباید تظاهر به پرستش بکنند، بلکه پرستش آنان باید از درونی باشد. مسیحیان باید با روح بخشش، با اعتراف به گناهانشان، با سرسپردگی و وقف زندگی‌شان، و با حمد و شکرگزاری، خدا را به خاطر آنچه که هست و آنچه که انجام داده است، بپرستند. بنابراین پرستش حقیقی باید از تمامیت درون انسان باشد.

ت) حالت تواضعی که به واسطه آن مسیحیان خدا را می‌پرستند. یوحنا ۴: ۲۳ می‌فرماید: پدر طالب پرستندگانی است که او را در روح و راستی پرستش می‌کنند. این بدین منظور نیست که پدر به دنبال افرادی است که خود را تبدیل به چنین پرستندگانی کنند. بلکه منظور این است که پدر طالب این است که افرادی که او نجات داده است، چنین پرستندگانی باشند. خدای پدر قدم اول را در نجات انسانها برداشته است. او همچنین مایل است که از طریق تبدیل انسانهای نجات یافته به پرستندگانی در روح و راستی، نجات آنها را به کمال برساند.

سؤال ۲) (یوحنا ۴: ۲۷) چرا شاگردان از صحبت عیسی با یک زن متعجب شدند؟

ملاحظات: در یوحنا ۴: ۲۷، شاگردان از این موضوع که عیسی با یک زن صحبت می‌کرد بسیار متحیر شدند. آنها به این دلیل متعجب شدند که زیرا علمای یهود چنین تعلیم می‌دادند که "هیچ کس اجازه ندارد در خیابان با یک زن، حتی اگر زن خودش باشد صحبت کند". امروزه بسیاری از معلمین مذهبی بار سنگینی را بر دوش زنان خود می‌گذارند. آنها معتقدند که زنان صرفاً جهت خشنودی و رضایت مرد خلق شده‌اند؛ آنها باید به روش خاصی لباس بپوشند؛ همواره باید در خانه بمانند؛ مردان نباید با زنان دیگر صحبت کنند؛ یک مرد می‌تواند با زنان مختلف ازدواج کند؛ او می‌تواند زن خود را به هر دلیلی طلاق دهد؛ و می‌تواند زن خود را بزند و حتی او را بکشد.

عیسی فرهنگ و طرز تفکر یهودی را در رابطه با مقام زن در جامعه تغییر داد. او آزادی واقعی زنان را به شاگردان خود نشان داد. آزادی واقعی زن به این مفهوم نیست که مسیحیان باید در مورد تفاوتی موجود بین مرد و زن و یا مسؤولیتهایی که خدا به آنها در چهارچوب ازدواج و در کلیسا داده است، بی‌تفاوت باشند. در نظر خدا زن به اندازه مرد ارزش دارد. و کارهایی که زن در خانه و در کلیسا انجام می‌دهد به اندازه فعالیت‌های مرد، حائز اهمیت می‌باشد. زن همچنین به اندازه مرد در جامعه باید مورد

احترام واقع شود. عیسی در رابطه با زنان انگیزه و طرز برخورد پاک و نجیبی داشت. اگرچه شاگردان از صحبت عیسی با آن زن متعجب شدند، ولی هیچ کدام از آنها از عیسی نپرسید، "از آن زن چه می‌خواهی؟" البته اگر این سؤال را از او کرده بودند، او در جواب می‌گفت: "از او می‌خواهم به من جرعه‌ای آب بدهد". و هیچ کس از او نپرسید: "چرا با این زن صحبت می‌کنی". در آن صورت عیسی پاسخ می‌داد: "می‌خواهم به او آبی زنده و حیات‌بخش بدهم." عیسی همواره با زنان با احترام و محبت برخورد می‌کرد.

سؤال ۳) (یوحنا ۴: ۳۵ - ۳۸) عیسی در مورد ارتباط موجود میان کارندگان و دروندگان چه تعلیمی می‌دهد؟ ملاحظات:

الف) کارندگان، عیسی و زن سامری هستند. عیسی برای زن سامری نجات را مهیا ساخت. و او نیز به شهر خود بازگشت تا پیغام نجات را به گوش مردم شهر خود برساند. وقتی که زن سامری به شهر خود رسید (کاری که مستلزم ده دقیقه پیاده‌روی از سرچاه بود)، به مردم نگفت که عیسی همان مسیح موعود است، بلکه مردم را ترغیب کرد که خود متوجه این موضوع شوند. او به ایشان گفت: "بیباید و ببینید..."، درست همان گونه که عیسی با دو شاگرد اولش برخورد کرد. او به آنها گفت: "این مرد هر آنچه کرده بودم، به من گفت. آیا این مسیح نیست؟" سامریها نیز مانند یهودیان انتظار داشتند که مسیح موعود، نبی قید شده در تثنیه ۱۸: ۱۸-۱۹ باشد. بسیاری از مردم از شهر بیرون شده، نزد عیسی رفتند.

ب) حصاد روحانی، محدود به فصل خاصی نمی‌باشد. در همان هنگام عیسی به شاگردانش فرمود: "آیا شما نمی‌گویید که چهار ماه دیگر موسم درو است؟" زمان برداشت محصول (درو) در آن منطقه در اواسط ماه فروردین (ماه آوریل) بود. و زمانی که عیسی زن سامری را ملاقات کرد، ماه دسامبر و احتمالاً دسامبر سال ۲۷ میلادی بود. این ماه، زمان مناسبی برای درو محصول نبود. ولی حصاد روحانی مردم، محدود به فصل خاصی نیست. چون این محصول همواره رسیده و آماده است. بنابراین در رابطه با زن سامری، زمان خاصی میان کاشتن تخم انجیل و برداشت محصول حیات جاودانی وجود نداشت. عیسی شاهد آمدن انبوه مردم از شهر و مزارع به سمت چاه بود و در این اثنا به شاگردان گفت: "به شما می‌گویم، چشمان خود را بالا افکنید و مزرعه‌ها را ببینید زیرا که الآن به جهت درو سفید شده است." عیسی می‌خواست شاگردان را بسوی مردم بفرستد تا آنها را بسوی ملکوت خدا دعوت کنند. در این زمان نبوت موجود در عاموس ۹: ۱۳ در حال تحقق بود. این نبی نبوت کرد که "ایامی می‌آید که شیار کننده به درو کننده خواهد رسید و پایمال کننده انگور به کارنده تخم."

پ) دروکنندگان، شاگردان هستند. در یوحنا ۴: ۳۸، عیسی می‌فرماید: "من شما را فرستادم تا چیزی را که در آن رنج نبردید، درو کنید. دیگران محنت کشیدند و شما در محنت آنها داخل شده‌اید." عیسی و زن سامری هر دو میان سامریان کار کرده بودند. عیسی به طور غیرمستقیم از طریق زن سامری، و زن سامری پس از دریافت پیغام انجیل، به طور مستقیم بین مردم شهر خود فعالیت کرده بود. پس از آن عیسی شاگردان خود را فرستاد تا محصول روحانی مردم را برداشت کنند.

ت) در قلمرو روحانی، الگوی معمول این است که در جایی که شخصی تخمی را کاشته است، شخص دیگری آن را درو کند. در یوحنا ۴: ۳۷، عیسی می‌فرماید: "این کلام راست است که یکی می‌کارد و دیگری درو می‌کند." هر کس که در ملکوت خدا کار می‌کند در عین حال که یک کارنده است، یک دروکننده نیز می‌باشد. او آنچه را که توسط دیگران کاشته شده است، درو می‌کند. او همچنین تخمی را می‌کارد که در زمان مناسب توسط دیگران درو خواهد شد. بنابراین در نقشه متعال خدا، همواره محصولی جهت برداشت وجود دارد. یا شما موقعیت جهت درو آن را خواهید داشت یا شخص دیگری تخمی را که شما کاشته‌اید درو خواهد کرد. به این ترتیب، هم کارنده و هم درونده هر دو خوشحال خواهند بود. خادمین مسیحی باید همواره از کار کاشتن و درویدن محصول روحانی خشنود باشند. پولس رسول در اول قرنیتیان ۱۵: ۵۸ می‌فرماید: "بنابر این ای برادران حبییب من، پایدار و بی‌تشویش شده، پیوسته در عمل خداوند بیفزایید، چون می‌دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست."

سؤال ۴) (یوحنا ۴: ۴۴ - ۴۵) چرا عیسی به ولایت خود جلیل می‌رود، در حالی که می‌داند که یک نبی در شهر خود حرمت ندارد؟

ملاحظات: در متی ۱۳: ۵۳-۵۸، عیسی به شهر خود ناصره که در جلیل واقع شده است، رفت. مردم او را نپذیرفتند و عیسی فرمود: "نبی بی‌حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش". جلیل ولایتی بود که او در آن بزرگ شده بود. هنگامی که در اورشلیم بود، بسیاری از مردم به خاطر معجزاتی که از او دیده بودند، به او ایمان آوردند. پس از پاکسازی معبد، او اولین برخورد جدی را با فریسیان داشت. او با هدف خاصی به جلیل رفته بود، زیرا در جلیل نیاز نبود از این موضوع نگران باشد که مردم او را طوری حرمت خواهند کرد که باعث ایجاد تنش بین او و فریسیان شده، بحرانی زودرس ایجاد شود. جلیلیان او را پذیرفتند، زیرا او معجزه انجام می‌داد (۴۵). ولی با وجود این، او را حرمت نکردند (۴۸). و اگر معجزات او را نمی‌دیدند، به او ایمان نمی‌آوردند. هنگامی که عیسی تعلیم داد که اگر آنها او را با ایمان در قلب و زندگی خود نپذیرند، صاحب حیات جاودانی نخواهند شد، بسیاری از جلیلیان نیز او را ترک کردند (۶: ۶۶).

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است. در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر براساس یوحنا ۴: ۱- ۵۴ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.

(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر (یوحنا فصل ۴)

- ۴: ۱ * مانند عیسی، بروید و شاگرد بسازید (متی ۲۸: ۱۹).
- ۴: ۷ * سعی کنید با مردم ارتباط داشته باشید و از آنها بخواهید کاری برای شما انجام دهند، یا شما کاری نیک برای آنها انجام دهید.
- ۴: ۱۰ * حس کنجکاو مردم را از طریق صحبت در مورد خدا و اعمال او، برانگیزانید.
- ۴: ۱۳- ۱۴ * از طریق مقایسه حقایق روحانی با حقایق فیزیکی، علائق مردم را در مورد امور روحانی برانگیزانید.
- ۴: ۱۶- ۱۸ * به مردم کمک کنید تا متوجه گناهانشان بشوند و بدین ترتیب در آنها علاقه های واقعی در رابطه با موضوع نجات ایجاد کنید.
- ۴: ۱۹ * خود را تدریجاً به مردم بشناسانید، تا زمانی که در مورد حقیقت با آنها صحبت می کنید، ترسان نشوند.
- ۴: ۲۱- ۲۴ * خدا را با طرز فکری درست پرستش کنید. خدایی را پرستید که خود را در کتاب مقدس مکتوف کرده است.
- ۴: ۲۱- ۲۴ * خدا را در روح پرستید. خدا را نه از طریق مراسم مذهبی، بلکه با خلوص و صداقت پرستید.
- ۴: ۲۷ * با زنان همان طرز برخوردی را داشته باشید که با مردان دارید. به آنان بدون داشتن حس تبعیض، احترام بگذارید.
- ۴: ۳۲، ۳۴ * غذای مورد نیاز جسمتان را بخورید، ولی هیچ وقت از خوردن غذای روحانی که شامل انجام اراده خدا و اتمام کاری است که او به شما سپرده است، غافل نمانید.
- ۴: ۳۷- ۳۸ * در هر جایی که می توانید، تخم انجیل را بکارید و در هر زمان که می توانید، محصول روحانی را برداشت کرده، مردم را بسوی ملکوت خدا دعوت کنید.
- ۴: ۴۲ * از این موضوع مطمئن شوید که ایمان شما به عیسی مسیح تنها بر روی سخنان مردم بنا نشده است، بلکه بر پایه ایمان و تجربه شخصی شما از عیسی مسیح می باشد.
- ۴: ۴۴ * زمانی که به عنوان یک واعظ در شهر خود حرمت ندارید، به شهر دیگری بروید (متی ۱۰: ۱۱- ۱۵).
- ۴: ۴۸- ۵۳ * این حقیقت را بپذیرید که اگر علیرغم دیدن عیسی مسیح و معجزات او، به او ایمان آورده اید، برکات بیشتری را به دست خواهید آورد (یوحنا ۲۰: ۲۹).

نمونه های از کاربردهای شخصی

(الف) من می خواهم مانند عیسی، کار خود را به کمال برسانم. من به عیسی مسیح ایمان آورده ام و می خواهم علیرغم مشکلاتی که با آنها مواجه می شوم، در ایمان و اعتماد خود بر او، رشد کنم. عیسی فرمود: "خوراک من آن است که خواهش فرستنده خود را به عمل آورم و کار او را به انجام رسانم". من هم می خواهم خود را وقف اراده خدا کنم و کاری را که او به من سپرده است، به کمال برسانم.

(ب) من می خواهم در این حقیقت شادی کنم که می توانم در زندگی برخی از مردم تخم انجیل را بکارم، حتی اگر نتوانم محصول روحانی را برداشت کنم. و حتی اگر بتوانم آنچه را که دیگران کاشته اند برداشت کنم، باز شادی خواهم کرد. من می خواهم از آن کاری که خدا به من سپرده است، راضی و قانع باشم. بعضی وقتها من می کارم و بعضی وقتها هم درو می کنم. من می دانم در نقشه الهی خدا همواره محصولی روحانی جهت برداشت وجود دارد. یا من افتخار برداشت آن محصول را خواهم داشت، یا در این حقیقت شادی خواهم کرد که شخص دیگری تخم محصولی را که من کاشته ام، درو خواهد کرد. به این ترتیب کارنده و درونده هر دو خوشحال خواهند بود.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۴: ۱ - ۵۴ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

دعا (۸ دقیقه)	۵
دعای شفاعت	

به دعا کردن در گروه‌های دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۴ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از دوم قرن‌تیاں ۱۱ - ۱۳ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (هر دو ایماندار: دوم قرن‌تیاں ۶: ۱۴) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته‌های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

نبوتی در رابطه با مرگ و قیام مسیح در عهد عتیق

اشعیای نبی این نبوت را بیش از ۷۰۰ سال قبل از میلاد ثبت کرد. این نبوت به ۵ بند که هر کدام ۳ آیه دارد، تقسیم بندی شده است. این نبوت از جلال و عظمت به ژرفای رنج فرود می‌آید و بار دیگر به اوج جلال بر می‌شود.
بخوانید: بند به بند.

۱- بند ۱. اشعیای ۵۲: ۱۳-۱۵. عیسی مسیح تنها از طریق رنج کشیدن، در مقامی رفیع قرار خواهد گرفت.

اولین بند، عنوان این نبوت را معرفی می‌کند. "مسیح موعود تنها از طریق رنج کشیدن در مقامی رفیع قرار خواهد گرفت." در این بند خود خداوند سخن می‌گوید.

(الف) آیه ۱۳، مقام رفیع و بلند او را توصیف می‌کند.

این آیه به قیام او پس از مرگ، صعودش به آسمان و نشستن او بر تخت سلطنت در دست راست خدای پدر، اشاره می‌کند (اعمال ۳: ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۹-۱۱).

(ب) آیه ۱۴ خوار شدن او را توصیف می‌کند.

این آیه به خشونت و بدرفتاری مردم نسبت به او اشاره می‌کند که باعث شد ظاهر او زیبایی خود را از دست داده، شکل واقعی خود را به عنوان یک انسان نداشته باشد (مرقس ۱۴: ۶۵؛ ۱۵: ۱۷، ۱۹؛ یوحنا ۱۹: ۱-۵).

(پ) آیه ۱۵ جلال یافتن او را توصیف می‌کند.

این آیه، خوار شدن او را در آیه ۱۴ با جلال یافتن و مقام رفیع او در آینده مقایسه می‌کند. کلمه "پاشیدن" را می‌توان به صورت "بر پا شدن" نیز ترجمه کرد. پادشاهان و ملتهای جهان از حیرت بر پا شده، از مشاهده منظر او متعجب خواهند شد (۷: ۴۹؛ ایوب ۲۹: ۹-۱۰، ۲۱-۲۲؛ مزمور ۲۲: ۲۹). آنها چیزهایی را خواهند دید که کسی برای آنها تعریف نکرده و چیزهایی را خواهند فهمید که از کسی نشنیده بودند، که این همان منظور انجیل و تعالیم عهدجدید می‌باشد. بسیاری از مردم، وقتی که شاهد تغییر عظیم در سرنوشت عیسی مسیح در زمان آمدن او بر زمین بشوند، از مکاشفه خدا در حیرت خواهند افتاد.

۲- بند ۲. اشعیای ۵۳: ۱-۳. عیسی مسیح از سوی مردم مطرود و خوار شمرده خواهد شد.

بند دوم خوار شدن عیسی مسیح را توصیف می‌کند. مردم با بی‌ایمانی او را مورد تمسخر قرار داده، نسبت به او بدرفتاری خواهند کرد. در اینجا اشعیای نبی به عنوان نماینده قوم واقعی خدا سخن می‌گوید.

(الف) آیه ۱ می‌فرماید که از نظر مذهبی، با او بی‌ایمانی بر خورد خواهد شد.

خدا خود را و پیغام خود را از طریق خادم خود، عیسی مسیح، مکشوف ساخت. با وجود این، بسیاری به او ایمان نیاوردند.

(ب) آیه ۲ می‌فرماید که او از نظر اجتماعی، خوار شمرده خواهد شد.

اجداد انسانی عیسی افراد مقدسی نبودند، بلکه گناهکاران بزرگی بودند. به عنوان مثال راحاب یک فاحشه و داود پادشاه یک قاتل بود. او در ناصره که شهری مطرود در منطقه جلیل بود، پرورش یافته بود. او در زمانی از تاریخ زندگی کرد که اسرائیل به عنوان قوم خدا، از نظر روحانی، قومی مرده و خشک بود. خانواده و ملت او باعث سرافرازی او نبودند. او زیبایی و منظر خاصی نداشت که مردم را بسوی خود جذب کند.

(پ) آیه ۳ می‌فرماید که از نظر جسمانی، با او بدرفتاری خواهد شد.

اعضای شورای عالی یهود (سنهدرین) بر صورت او سیلی زده، با مشت‌های خود بر او می‌کوفتند. سربازان رومی او را برهنه کرده، تازیانه زده، تاجی از خار بر سر او گذاشتند، و بارها با چوب بر سر او زدند. او آنچنان صدمه و ضربه خورده بود که مردم نمی‌توانستند به ظاهر نامطبووع او نگاه کنند.

۳- بند ۳. اشعیای ۵۳: ۴-۶. عیسی مسیح به خاطر گناهان ما مصلوب خواهد شد.

بند سوم، مرکز یا قلب این نبوت است و در رابطه با نقشه نجات خدا پیشگویی می‌کند. خادم خداوند (مسیح موعود، عیسی مسیح) به جای قوم خود زحمت خواهد دید و به عنوان یک قربانی به جای آنها فدا خواهد شد. در این قسمت تقابلی بین "گناهان ما" و "رنجهای او"؛ "رنجهای او" و "شفای ما" وجود دارد. کلمه "ما"، تنها اشاره به قوم واقعی خدا می‌کند. آنها مردمی هستند که ایمان آورده، بازوی خداوند بر آنها منکشف شده است (آیه ۱).

الف) آیه ۴ می‌فرماید که او غمها و دردهای ما را حمل خواهد کرد. این آیه این حقیقت را توصیف می‌کند که چگونه خادم خداوند در زمان نیاز، به مردم کمک خواهد کرد. کلمه "دردها" می‌تواند اشاره به بیماریها و زخمها بکند. کلمات "دردها" و "غمها" بیانگر هر نوع مصیبت جسمی و روحی می‌باشند. تمام این مصائب نتایج سقوط بشر به واسطه گناه، می‌باشد. او با میل قلبی دردها و غمهای ما را بر خود حمل خواهد کرد. با وجود این، مردم رنجهای او را به عنوان بلا و مجازاتی از طرف خدا بر او، قلمداد خواهند کرد.

ب) آیه ۵ می‌فرماید که او به‌خاطر گناهان ما مصلوب خواهد شد. این آیه طریق مرگ او را پیشگویی می‌کند. او ناعادلانه مورد خشونت قرار گرفته، مجروح و مضروب خواهد شد. این آیه به رنجهای او در طول حیاتش بر زمین اشاره می‌کند که در مرحله نهایی خود، در زمان مصلوب شدنش نمایان می‌شوند. بدن او سوراخ خواهد شد. اینها اشاره به مرگ فجیع او دارد که در اثر جراحاتی به‌وقوع می‌پیوندد که انسانها بر او وارد می‌آورند. این آیه همچنین دلیل مرگ او را پیشگویی می‌کند. او به خاطر سرکشی و نافرمانی ما از الزامات اخلاقی و روحانی، خواهد مرد. او همچنین به خاطر شرارت‌های ما و تخطی ما از حقیقت الهی و کلام خدا جان خود را فدا خواهد کرد. او به خاطر تقصیرات ما مجازات خواهد شد. و بدین طریق صلح و آرامش خدا را بر ما خواهد آورد. آرامش خدا، تقد و شفای کامل خدا می‌باشد. بلکه، او مجروح خواهد شد تا ما شفا بیابیم. عیسی مسیح نه تنها به خاطر ما، بلکه به جای ما خواهد مرد.

پ) آیه ۶ می‌فرماید که او به خاطر استقلال ارادی ما مجازات خواهد شد. این آیه وضعیت وخیم ما را پیشگویی می‌کند. هر يك از ما به راه خود رفته‌ایم، با این تفکر که این راه درست است، در حالی که ما را از خدا دور می‌کند. با وجود این، خدا گناه همه ما را بر عیسی مسیح خواهد نهاد. او به خاطر استقلال‌طلبی و سرکشی ارادی ما مجازات خواهد شد.

۴- بند ۴. اشعیا ۵۳: ۷-۹. عیسی مسیح تسلیم رنجهای خود خواهد شد. چهارمین بند به‌طور مفصل تسلیم و وقف کامل خادم خداوند به نقشه خدا را بازگو می‌کند، یعنی "نجات توسط رنجهای نیابتی". در آیات ۷ الی ۱۰، نبی، دیگر به عنوان نماینده قوم ایماندار خدا سخن نمی‌گوید (به عنوان يك کاهن)، بلکه به عنوان اعلام‌کننده نقشه نجات خدا (به عنوان يك نبی).

الف) آیه ۷ رنجهای او را به عنوان بره توصیف می‌کند. این آیه، رنجهای عیسی را توضیح می‌دهد. او بدون مقابله با جفاکنندگان، رنج خواهد کشید. مردم با او بدرفتاری خواهند کرد. او اجازه خواهد داد مردم او را تحقیر کنند- و او با اراده شخصی خود، تسلیم رنجهای خود خواهد شد، زیرا بدینوسیله قادر خواهد شد نقشه نجات خدا را تکمیل کند. مردم سخنان بد و دروغ به او خواهند گفت، ولی او به آنها پاسخ نخواهد داد. او خود را تسلیم اتهامات دروغین، تحقیر، تمسخر و طرد شدن از طرف مردم خواهد کرد. مردم جامه او را درآورده، او را عریان مصلوب خواهند کرد. ولی حتی يك بار هم دهان خود را به جهت دفاع از خویش نخواهد گشود. و در نهایت مصلوب خواهد شد.

ب) آیه ۸ مرگ او را به عنوان يك جنایتکار توصیف می‌کند. خادم خداوند به‌خاطر بدرفتاریهای مردم ستم خواهد دید و رنج خواهد کشید (نه به‌سبب درد و رنج صرف). قاضیان ستمگر او را داوری خواهند کرد. در نهایت سربازان او را جهت مصلوب کردن خواهند برد. جمله "از طبقه او که (چه کسی) تفکر نمود"، بهتر است این‌گونه ترجمه شود: "چه کسی می‌تواند محل سکونت او را پیدا کند (عمق این سیر را کشف کند)؟" نبی از این موضوع غمگین و سوگوار است که قوم اسرائیل پادشاه خود را نپذیرفته، او را خواهند کشت و مسیح موعود به مکانی که آنها از آن مطلع نیستند، برده خواهد شد. در طول دوران عهد عتیق تا پیش از فرا رسیدن دوران عهدجدید (زمانی که شاگردان به خاطر مرگ عیسی مسیح سوگوار بودند)، در رابطه با زندگی پس از مرگ اطلاعات محدودی وجود داشت. خادم خداوند با مرگ طبیعی و در آرامش وفات نخواهد یافت (همانند زمانهای قدیم)، بلکه به عنوان جنایتکاری محکوم به مرگ، و کسی که مستحق مجازات الهی می‌باشد، خواهد مرد. او به جای گناهان و تقصیرات مردم جان خود را فدا خواهد کرد.

پ) آیه ۹ بیانگر این موضوع است که او همچون مردی ثروتمند دفن خواهد شد. فرمانروایان و قدرتمندان، قبر او را با خطاکاران تعیین خواهند کرد (اشعیا ۱۴: ۱۸-۲۰؛ ارمیا ۸: ۱). این یکی از بدترین اموری است که در آن روزها واقع خواهد شد. ولی خدا حاکم بر اوضاع بوده، اجازه خواهد داد خادمش همانند يك مرد ثروتمند تدفین شود (اشعیا ۲۲: ۱۶). با توجه به اینکه او در نظر خدا کاملاً مبرا از گناه خواهد بود، با احترام دفن خواهد شد.

۵- بند ۵. اشعیا ۵۳: ۱۰-۱۲. عیسی مسیح پاداشی بزرگ دریافت خواهد کرد. بند پنجم، پاداش خدا برای مسیح موعود، و جلال نهایی او را توصیف می‌کند. در آیه ۱۰، نبی به عنوان نماینده قوم ایماندار خدا صحبت نمی‌کند (یعنی به‌عنوان کاهن)، بلکه به‌عنوان اعلام‌کننده نقشه نجات خدا (یعنی به‌عنوان نبی). در آیات ۱۱ الی ۱۲، خداوند بار دیگر رشته سخن را به‌دست می‌گیرد.

الف) آیه ۱۰ رنجهای نیابتی و قیام او را به عنوان بخشی از نقشه خدا بازگو می‌کند.

این آیه نقطه عطف نبوت می‌باشد. سوال این است: "اگر خادم خداوند به طور کامل مصون از گناه بود، چرا باید می‌مرد؟" پاسخ این سوال این است که اهداف عالی خدا توسط رنجها و مرگ عیسی به تحقق می‌رسند. رنجهای مسیح طبق اراده و نقشه ابدی خدا بوده است. در حوزه تاریخ عمومی و دنیوی بشر، مرگ او به خاطر محکومیت غیرمنصفانه دادگاههای دنیوی بود. در حالی که در حوزه تاریخ نجات خدا، مرگ او به خاطر حکم عادلانه خدا در مورد گناه بشر می‌باشد. خدا زندگی و مرگ او را به عنوان قربانی گناه پذیرفت. اگرچه قربانیهای نیابتی گناه در چهارچوب قربانیهای عهدعتیق به تصویر کشیده شده‌اند، قربانی شخصی و ارادی پسر خدا قابل تصور نبود. مرگ او به عنوان قربانی گناه، دو نتیجه خواهد داشت: اولاً او ذریت خود را خواهد دید، یعنی تمام افرادی که او آنها را عادل ساخته (آیه ۱۱)، برکت خواهد داد (پیدایش ۱۲: ۳). ثانیاً، او حیات را در طول ایام خواهد دید، به این مفهوم که او قیام کرده، تا ابد زنده خواهد بود (مکاشفه ۱: ۱۸). این موضوع قابل توجه است، زیرا آموزه قیام در عهدعتیق به خوبی شکل نگرفته بود (اشعیا ۲۶: ۱۹). خادم خداوند پس از مرگ و قیامش، کماکان وظیفه بزرگی بر دوش خواهد داشت؛ "مسرت خداوند در دست او میسر خواهد بود". مسرت یا اراده خداوند نه تنها به خاطر رنجهایش (آیه ۱۰)، بلکه به خاطر آینده درخشان او نیز خواهد بود (آیه ۱۰). این آینده در آیه ۱۱ توصیف شده است. بوسیله او (به دست او)، نقشه خداوند، در هر زمان میسر خواهد شد. عیسی مسیح از طریق مرگ و قیامش، صاحب نسل روحانی بی‌شماری خواهد گشت، نسلی که از حیات جاودانی برخوردار خواهند شد (یوحنا ۱۲: ۳۲).

ب) آیه ۱۱ کار او را به عنوان کاهن اعظم توصیف می‌کند که پس از قیامش باعث عادل شدن بسیاری خواهد شد. آیه فوق را می‌توان این گونه تشریح کرد: "او نتیجه رنجهای جان خویش را خواهد دید و به خاطر آن خشنود و راضی خواهد شد؛ به واسطه معرفت خود، بسیاری را عادل خواهد گردانید، زیرا متحمل گناهانشان خواهد شد." توصیف نتیجه یا پاداش رنجها و مشقتهای او ادامه پیدا می‌کند. او ثمره کار نجاتبخش خود را خواهد دید و این موضوع باعث رضایت او خواهد شد. در این آیه، به طور خاص به عمل عادل شمردگی انسان توسط مسیح و خشنودی او از این حقیقت اشاره شده است. بسیاری از انسانها به واسطه معرفتی که خادم مصون از خطای خداوند به آنها می‌دهد، عادل شمرده خواهند شد. خادم خداوند به خاطر این که گناهان آنها را بر خود حمل کرده است، آنها را عادل خواهد ساخت.

پ) آیه ۱۲ بیانگر این حقیقت است که عیسی مسیح پاداش رنجهای نیابتی خود را که "عادل شدن بسیاری از مردم" می‌باشد، دریافت می‌کند.

ترجمه ساده این آیه اینچنین است: "بنابر این بسیاری را نصیب او خواهم کرد و غنیمت بسیاری دریافت خواهد کرد، زیرا جان خود را تا به مرگ ریخت، و از خطاکاران محسوب شد و گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود." با توجه به این که آیه ۱۱ به وضوح بیان می‌کند که هدف اصلی، "عادل گرداندن بسیاری" می‌باشد، جمله "او را در میان بزرگان نصیب خواهم داد"، بهتر است این گونه ترجمه شود: "من بسیاری را نصیب او خواهم کرد". این قسمت این موضوع را بیان نمی‌کند که خادم خداوند بخشی از "بسیاری" را، به عنوان میراث خود دریافت می‌کند، بلکه منظور این است که او "بسیاری" را به عنوان تمام یا کل میراث خود دریافت می‌کند. با توجه به این که او گناهان و خطایای "بسیاری" را حمل خواهد کرد (آیه ۱۲)، و "بسیاری" را عادل محسوب می‌کند (آیه ۱۱)، خدا "بسیاری" را به عنوان میراث (غنیمت)، نصیب او خواهد ساخت. او به واسطه رنجهای نیابتی‌اش، "بسیاری" را به عنوان پاداشی از خدا دریافت خواهد کرد. رنجهای نیابتی او همچنین زمینه‌ای برای جلال یافتن او می‌باشد.

ترجمه "او غنیمت را با زور آوران تقسیم خواهد کرد"، شایسته مقام رفیع او نمی‌باشد. او صرفاً یکی از قدرتمندان و بزرگانی نیست که در غنیمت سهمی داشته باشد، بلکه او در مقامی برتر از هر کس و هر چیزی می‌باشد. پادشاهان در حضور او به پا خواهند خاست و سروران او را سجده خواهند نمود (۴۹: ۷). پادشاهان و ممالک جهان از حیرت برپا شده، از مشاهده منظر او متعجب خواهند شد (۵۲: ۱۵؛ فیلیپیان ۲: ۹-۱۱؛ کولسیان ۱: ۱۸). بنابر این او نمی‌تواند با بزرگان روی زمین در یک مقام و رتبه قرار گیرد. "صاحب غمها" تبدیل به پادشاه پیروزمندی شده است که بواسطه رنجهای خود، پیروزی را کسب کرده، ملل بی‌شماری را به عنوان غنیمت دریافت کرده است (منظور تمام مردم عادل شده، از دید خدا هستند).

او تمام شخصیت، بدن و جان خود را خواهد ریخت و از خطاکاران یا "جنایتکاران" (یعنی از افرادی که شمشیر در دست داشته، به نظر می‌رسد می‌خواهند به دیگران آسیب برسانند) محسوب خواهد شد (لوقا ۲۲: ۳۷). این حقیقت بر همه آشکار خواهد بود که خادم خداوند به فکر منافع خود نیست زیرا اجازه می‌دهد تمامی این چیزها در مورد او گفته و انجام شوند، در حالی که حقیقت چیز دیگری است. در واقع او حیات مردم را از آنها نمی‌گیرد، بلکه زندگی خود را فدای آنها می‌سازد. او حتی برای افرادی که او را می‌کشند، و همچنین برای خطاکارانی که به خاطر آنها جان خود را فدا می‌سازد، دعا می‌کند (آیه ۵).

نظریاتی در رابطه با زندگی پس از مرگ

- کتاب مقدس به وضوح حقایق زیر را در رابطه با حیات پس از مرگ تعلیم می‌دهد.
- (همچنین به دستور عمل بنای کلیسای مسیح - کتاب دوم، درس ۲۳ و ضمیمه ۵ در آن کتاب مراجعه کنید).
- کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که هر فرد دارای بدن و روح یا جان می‌باشد؛
 - روح یا جان پس از مرگ بدن باقی می‌ماند؛
 - روح یا جان يك فرد مسیحی بلافاصله پس از مرگ به آسمان می‌رود؛
 - روح یا جان يك فرد مسیحی به طور کامل هشیار است و دیگران را در آسمان تشخیص می‌دهد؛
 - زمانی که روح یا جان يك شخص از بدن او جدا می‌شود، قادر نیست با اشخاصی که بر روی زمین زندگی می‌کنند، ارتباط داشته باشد.

تکذیب نظریات مختلف غیر کتاب مقدسی در رابطه با وقایع پس از مرگ انسان

الف - نظریه عالم مردگان

۱- نظریه عالم مردگان مبتنی بر کتاب مقدس نیست.

این نظریه تعلیم می‌دهد که عالم مردگان که در زبان عبری عهدعتیق "شئول (هاویه)" و در زبان یونانی عهدجدید "هادس" نامیده می‌شود، محل سکونت تمام مردگان می‌باشد، چه ایماندار و چه بی‌ایمان. نظریه عالم مردگان در اشکال زیر یافت می‌شود:

الف) اولین نظریه عالم مردگان می‌گوید وقتی که هر دو گروه مردم عادل و شریر می‌میرند، بدن‌ها و جانهای آنها به مکانی در زیر زمین به نام هاویه نزول می‌کند. این مکان، در نقطه‌ای در زیر زمین قرار گرفته و خصوصیتی خنثی دارد. این مکان، سرزمین فراموشیهاست، جایی که تمام مردگان محکوم به فنا هستند، و تنها انعکاسی خیالی از حیات بر روی زمین از آنها باقی می‌ماند. مذاهب دیگر هم چنین تفکری دارند. آنها معتقدند که مردم همان گونه که بر روی زمین زیست می‌کنند، در عالم مردگان زندگی می‌کنند. آنها این باور را دارند که شخص مرده نیازمند پول، خوراک، لباس و دیگر ملزومات زمینی جهت بقا در عالم مردگان می‌باشد، و این موارد باید توسط آشنایان زمینی آنها، برایشان مهیا شوند. به نظر آنها عالم مردگان مکانی است که در آن هیچ نوع هشیاری اخلاقی، و هیچ نوع شادی و فعالیت وجود ندارد. و مکانی جهت دریافت پاداش یا مجازات نیست.

ب) نظریه دوم عالم مردگان می‌گوید که عالم مردگان، مکانی خنثی نیست، بلکه به دو بخش به نامهای فردوس، برای مردم خوب، و جهنم برای مردم بد، تقسیم شده است. تا زمان داوری نهایی، مردمان خوب تا اندازه‌ای از پاداش بهشت لذت می‌برند، در حالی که مردمان بد تا اندازه‌ای از مجازات جهنم، عذاب می‌کشند. يك گروه معتقد است که بهشت تنها برای یهودیان است و گروه دیگری معتقد است که بهشت تنها متعلق به آن دسته از یهودیانی است که شریعت را نگاه داشته‌اند و یهودیان دیگر و غیریهودیان همه به جهنم خواهند رفت. این گروه از یهودیان معتقدند که مسیح موعود تمام یهودیان را از عالم مردگان رهایی خواهد داد، در حالی که غیریهودیان برای همیشه در عالم مردگان، که مکان تاریکی است، باقی خواهند ماند. يك گروه از مسیحیان بر این باورند که قبل از صعود مسیح، تمام ایمانداران به بهشت رفتند، ولی پس از صعودش آنها به "آسمان" می‌روند. هر دو نظریه عالم مردگان، غیر کتاب مقدسی هستند.

۲- تعلیم مبتنی بر کتاب مقدس در رابطه با عالم مردگان (هاویه)

کلمه "هاویه" در کتاب مقدس همیشه از مفهومی یکسان برخوردار نیست. این کلمه سه جنبه مختلف از مرگ را توضیح می‌دهد. به طور مجازی حالت مرگ، و یا به طور لغوی، مکان مرگ را توصیف می‌کند، که ممکن است یا اشاره به قبری بکند که بدن مردم مرده به آنجا می‌روند یا به جهنم اشاره بکند، که تنها جانهای مردم شریر در آنجا قرار می‌گیرد. بر اساس چهارچوب هر قسمت از کتاب مقدس، باید متوجه شویم که به طور خاص به کدام مفهوم از این کلمه در آن قسمت اشاره شده است. در چهارچوب لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱، این کلمه بیانگر مکانی به نام جهنم می‌باشد.

الف) کلمه هاویه (عالم مردگان)، گاهی به مفهوم حالت مرگ می‌باشد.
هاویه، حالت جدایی بدن از جان می‌باشد.

(۱) **حالت مرگ به عنوان قلعه‌ای با دروازه‌ها** در کتاب مقدس، حالت مرگ، غالباً مکانی پنداشته شده که قلمرو مرگ است. این مکان همچون قلعه‌ای با دروازه‌ها نموده شده که تنها مسیح کلیدهای آن را در دست دارد (متی ۱۶: ۱۸؛ مکاشفه ۱: ۱۸). این تصویر مکانی به احتمال قوی تعمیم اندیشه قبر است (بازگشت به خاک)، یعنی جایی که همه انسانها پس از ورود به حالت مرگ بدان فرود می‌آیند (جامعه ۳: ۱۹-۲۱). با توجه به این که هم مسیحیان و هم غیرمسیحیان وقتی که می‌میرند، وارد حالت مرگ می‌شوند و بدن آنها در قبر قرار می‌گیرد، به طور مجازی می‌توان گفت که هیچ تمایزی بین آنها در هاویه وجود ندارد (جامعه ۹: ۲-۳). "خداوند می‌میراند و زنده می‌کند؛ به قبر (یا هاویه، حالت مرگ) فرود می‌آورد و برمی‌خیزاند (حالت زنده بودن) (۱ سموئیل ۲: ۶)". مفهوم نزول به هاویه، در قسمتهای زیر از کتاب مقدس یافت می‌شود: ایوب ۱۴: ۱۳-۱۴؛ ۱۷: ۱۳-۱۴؛ مزمور ۸۹: ۴۸؛ هوشع ۱۳: ۱۴؛ اعمال ۲: ۲۷، ۳۱؛ و در مکاشفه ۶: ۸ و ۲۰: ۲۸ به آن شخصیت داده شده است. برخی از قسمتهای کتاب مقدس مانند مزمور ۱۶: ۱۰، ۳۰: ۳۴، ۴۹: ۱۵ و ۸۹: ۴۸ در مورد رفتن جانها به هاویه یا بودن آنها در این مکان صحبت می‌کنند. ولی این موضوع آشکار است که در زبان عبری، ضمیر ملکی "من"، اگر همراه با کلمه جان (در عبری: *نَفْس*) به کار رود، اصطلاح مجازی است که معادل با ضمیر شخصی "من" می‌باشد. به عنوان مثال، مزمور ۸۹: ۴۸ می‌فرماید، "کدام آدمی زنده است که موت را نخواهد دید؟ و جان خویش را از دست قبر خلاص خواهد ساخت؟". این آیه به این مفهوم است که "چه انسانی قادر است خود را از مرگ و قدرت آن خلاصی دهد؟" امثال ۲۳: ۱۳-۱۴ می‌فرماید که اگر تو فرزند خود را با چوب تنبیه کنی، جان او را از هاویه نجات خواهی داد، که در این جا منظور این است که تو او را یا از مرگ زودرس (حالت مرگ) و یا از نابودی در جهنم، نجات خواهی داد.

(۲) **حالت مرگ به عنوان مکانی یأس‌آور و تاریک**. مکاشفه خدا در رابطه با حالت و وضعیت انسان بین مرگ و رستاخیز او، در عهدعتیق هنوز کامل نشده بود. بعضی‌ها حالت مرگ، مخصوصاً پوسیدگی و تباهی انسان در قبر را، به عنوان مکانی تاریک و انده‌ناک تلقی می‌کردند. در ایوب ۷: ۹-۱۰، ۱۰: ۱۹-۲۲، ۱۶: ۲۲ و ۱۷: ۷-۱۶، ایوب نقطه نظر خود را در مورد مرگ بازگو می‌کند. در این آیات، هاویه به عنوان حالت مرگ، به صورت "مکانی که در آن برگشتی به جهان حاضر نیست"، "زمین سایه موت و ظلمت" و "زمین سایه موت و بی‌ترتیب" توصیف شده است. همچنین به صورت "مکانی تاریک که شخص در آن ساکن می‌شود"، "جایی که ارتباط نزدیکی بین کره‌ها و پوسیدگی بدن وجود دارد"، و "جایی که مردگان با تمام نقشه‌ها و آمال و آرزوهای خود در پشت دروازه‌هایی بسته قرار می‌گیرند"، توصیف شده است.

در ایوب ۱۴: ۷-۱۱، ایوب هاویه (حالت مرگ) را به عنوان چیزی "ناامید کننده" تلقی می‌کند؛ درختان و گیاهان از بین می‌روند، ولی هر سال شکوفه داده، محصول می‌آورند. ولی انسان می‌میرد و پس از آن هیچ وقت به حیات قبلی خود باز نمی‌گردد. حیات انسان محدود است و بر خلاف گیاهان و درختان، تنها یک بار فرصت زیستن بر روی این زمین را دارد.

(۳) **امید به حیات پس از مرگ در عهدعتیق**. در ایوب ۱۴: ۱۲-۱۷، ایوب آرزوی خود را بازگو می‌کند. آیا امکان دارد که انسان پس از مرگ باز موقعیت برای زیستن داشته باشد؟ آیا خدا برای مرگ زمان محدودی در نظر نخواهد گرفت و او را تا زمانی که زمین و آسمان جهان حاضر به انتها برسند، در حالت مرگ، پنهان خواهد کرد؟ آیا خدا او را ندا داده، از هاویه بر نخواهد خیزانید؟ در آن زمان او با امید، انتظار مبدل شدن توسط خدا را خواهد کشید. این افکار مثبت نبوتی، بلافاصله در ایوب ۱۴: ۱۸-۱۹ به ناامیدی تبدیل می‌شوند. و در ایوب ۱۶: ۱۹-۲۱ و ۲۵: ۲۷، این افکار نبوتی باز در ذهن ایوب بیدار می‌شوند. اگرچه ایوب به زمان مرگ خود نزدیک شده بود، می‌دانست که رهاننده او زنده است، و در انتهای تاریخ جهان، خدا بر روی این زمین می‌ایستد، و در اتفاقات آن سهیم خواهد بود. و پس از این که بدن او از بین برود، بدون جسدش نیز خدا را خواهد دید. او در واقع خدا را در روح خواهد دید.

افکار نبوتی ایوب در کتب دیگر عهدعتیق به وضوح بیشتری بیان شده است. در این قسمتها، همانگونه که در عهد جدید نیز به آن اشاره شده است، انتظار دیدن خدا با شادی، علیرغم مرگ فیزیکی (جسمانی)، نمایان می‌باشد. به عنوان مثال خنوخ با خدا راه می‌رفت و به حضور خدا بالا برده شد (پیدایش ۵: ۲۲-۲۴). ایلیا در گردباد به آسمان صعود کرد (دوم پادشاهان ۲: ۱۱). خنوخ و ایلیا به عالم مردگان منتقل نشدند (عبرانیان ۱۱: ۵). مزمور ۱۱۶: ۱۵ می‌فرماید: "موت مقدسان خداوند در نظر وی گرانبهاست." عادلان می‌میرند تا از مصیبتی که در راه است، خلاصی یابند، و بدین ترتیب از آرامش و سلامتی خدا برخوردار شوند (اشعیا ۵۷: ۱-۲). در زمان مرگ، بدن انسان به جایی که از آن آمده است، باز می‌گردد (به زمین)، ولی روح او به نزد عطا کننده آن، که خداست، برمی‌گردد (جامعه ۱۲: ۷). بدن عادلان در سلامتی و آرامش کامل قرار می‌گیرد و در حضور خداوند کمال شادی را تجربه خواهند کرد (مزمور ۱۶: ۹، ۱۱؛ ۱۷: ۱۵؛ ۴۹: ۱۵؛ ۷۳: ۲۴-۲۶؛ امثال ۱۴: ۳۲؛ اشعیا ۲۵: ۸؛ دانیال ۱۲: ۲).

(۴) **امید به حیات پس از مرگ در عهدجدید**. خدا، خدای مردگان نیست، بلکه خدای اشخاص زنده‌ای همچون ابراهیم، اسحاق و یعقوب می‌باشد (متی ۲۲: ۳۲). ایمانداران عهدعتیق در انتظار وطنی بهتر بودند که وطنی آسمانی است (عبرانیان ۱۱: ۱۳-۱۶). عهدجدید با وضوح بیشتری چهره شادمان مسیحیان را آشکار می‌سازد و در مورد شادی آگاهانه آنها پس از مرگ فیزیکی‌شان (جسمانی‌شان) تعلیم می‌دهد. به عنوان مثال، پس از این که بدن یا خیمه زمینی ما فرو ریزد، عمارتی از خدا داریم، خانه‌ای جادوانی در آسمان. هنگامی که از بدن خود جدا شویم، در حضور خداوند خواهیم بود (دوم قرنتیان ۵: ۱، ۸؛ لوقا ۱۶: ۲۲-۲۵؛ ۲۳؛ ۴۳؛ اعمال ۷: ۵۹؛ افسسیان ۳: ۱۴-۱۵؛ فیلیپیان ۱: ۲۱، ۲۳؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۰؛ مکاشفه ۶: ۹، ۱۱؛ ۱۴: ۱۳).

ب) کلمه هاویه گاهی به مفهوم جهنم می‌باشد.
هاویه مکان مجازات ابدی می‌باشد.

۱) هاویه به عنوان جهنم در برخی از قسمتهای کتاب مقدس، مقایسه موجود میان مرگ و هاویه، بیشتر به صورت تهدید و اخطاری عرضه شده است تا به صورت حالت و وضعیت مرگ (امثال ۵: ۵؛ ۷: ۲۷؛ ۹: ۱۷-۱۸؛ ۱۵: ۲۴؛ ۲۳: ۱۴). بدین ترتیب مفهوم آن بیشتر به جهنم نزدیک است. به عنوان مثال، امثال ۱۵: ۲۴ می‌فرماید که طریق حیات برای عادلان به سوی بالاست، تا او را از رفتن به سمت هاویه دور نگاه دارد. در این جا منظور از هاویه، جهنم می‌باشد. شریران تهدید شده‌اند که به عنوان مجازات اعمالشان، به جهنم خواهند رفت. در تثبیه ۳۲: ۱۹-۲۲، خدا می‌فرماید که آتشی در خشم او بر علیه بت‌پرستی قوم اسرائیل برافروخته شده که تا هاویه پایین‌ترین (که منظور جهنم است) شعله‌ور شده است. بنابراین خشم خداوند در هاویه در مفهوم جهنم، شعله‌ور می‌شود. مزمو ۹: ۱۷-۱۸ در مورد این حقیقت اخطار می‌دهد که شریران و تمام مللی که خدا را فراموش می‌کنند به هاویه خواهند رفت، که منظور جهنم است، و در آن جا بر خلاف عادلان، فراموش شده، امیدشان از بین خواهد رفت. مزمو ۴۹: ۱۳-۱۵ اخطار می‌دهد که مردمی که بر خود اعتماد کنند، برخلاف عادلان، از هاویه، که منظور جهنم است، خلاصی نخواهند یافت و وارد حضور خدا نخواهند شد. شریران بدون داشتن امید، و حضور پر محبت خدا و بدون خلاصی، در جهنم خواهند ماند.

برخی از مفسرین سعی می‌کنند به منظور پرهیز از این مشکل، اندیشه عالم مردگان را در مفهوم خنثای آن انکار می‌کنند و عالم مردگان را دارای دو قسمت به نامهای بهشت، به عنوان محل سکونت عادلان و جهنم، به عنوان محل سکونت شریران، در نظر می‌گیرند. البته در هیچ جای کتاب مقدس، چنین تقسیم‌بندی را مشاهده نمی‌کنیم. عهدعتیق در مورد هاویه به عنوان مکانی جهت مجازات شریران صحبت می‌کند. و عهدجدید به وضوح بهشت را با آسمان یکی تلقی می‌کند (دوم قرن نیا ۱۲: ۲، ۴) و نه به عنوان مکانی که در عالم مردگان قرار دارد. عهدجدید همچنین هاویه را با جهنم یکی تلقی می‌کند (متی ۱۱: ۲۳-۲۴؛ لوقا ۱۶: ۲۳). در لوقا ۱۶: ۲۳-۲۴، مرد ثروتمند خودخواه، پس از مرگ و تدفینش، خود را در هاویه یافت، که همان جهنم است، جایی که در آن عذاب می‌کشید. در تمامی این موارد، تنها شریران به هاویه، که به مفهوم جهنم می‌باشد، می‌روند، زیرا عادلان به آسمان می‌روند. بنابراین هیچ وقت نمی‌توان هاویه را بر طبق نظریه دوم عالم مردگان که در بالا عنوان شده است، به عنوان عالم مردگان با دو تقسیم‌بندی قلمداد کرد.

۲) هاویه به عنوان مکان سکونت شیطان و نیروهای شریر. اصطلاح هاویه با اصطلاح ابدون که به مفهوم ویرانی است، مترادف می‌باشد (ایوب ۲۶: ۶؛ امثال ۱۵: ۱۱؛ ۲۷: ۲۰). این اندیشه‌ای است سخت که در مورد فرشته چاه هاویه به‌کار رفته و مکانی است که شیطان و نیروهای شریر در آن سکونت دارند (مکاشفه ۱۹: ۱۱؛ مکاشفه ۹: ۱-۵؛ ۱۱: ۷؛ ۱۷: ۸؛ ۲۰: ۱-۳). بنابراین، بر خلاف نظریه اول عالم مردگان، هاویه هیچ وقت نمی‌تواند از مفهومی خنثی برخوردار باشد.

ب) کلمه هاویه گاه به مفهوم قبر می‌باشد.

هاویه قبری است که بدن تمام مردگان به آن جا نزول می‌کنند.

مفهوم اولیه هاویه، به احتمال زیاد، "مکان ویرانی" بوده و بعد در وهله اول در مفهوم جهنم، به عنوان مکانی جهت انهدام ابدی شریران تلقی شده است. تنها در مفهوم ثانوی خود، به آن به عنوان قبر یا مکانی جهت انهدام بدن، اشاره شده است. در مکاشفه تکامل نیافته عهدعتیق، کلمه هاویه بیشتر در مفهوم قبر به کار رفته است تا در مفهوم جهنم، در حالیکه در مکاشفه کامل عهدجدید این اصطلاح در عهدجدید بیشتر در مفهوم جهنم به کار رفته است.

کار آسانی نیست که بخواهیم تعیین کنیم که کلمه هاویه به حالت مرگ اشاره دارد یا به قبر، همان گونه که قسمتهای قید شده در بالا از کتاب ایوب این موضوع را بیان می‌کند (ایوب ۱۴: ۱۳؛ ۱۷: ۱۳؛ ۲۱: ۱۳). در قسمتهای زیر کاربرد مفهوم قبر برای کلمه هاویه، محتمل‌تر می‌باشد. در پیدایش ۴۲: ۳۸، یعقوب می‌گوید که ماتم به جهت از دست دادن پسرش، مویهای سفید او را به هاویه، که به مفهوم قبر است، فرود خواهد برد (همچنین پیدایش ۳۷: ۳۵؛ ۴۴: ۲۹؛ ۱ پادشاهان ۲: ۶، ۹). مزمو ۸۸: ۳ می‌فرماید که زندگی او به هاویه (قبر) نزدیک شده است، که به این مفهوم است که او در حال مرگ است. مزمو ۶: ۵-۴۹: ۱۵ می‌فرماید که سرنوشت مردمی که به خود و ثروت خود و همچنین بر افرادی که کارهای آنان را تأیید می‌کنند، اعتماد دارند، هاویه می‌باشد، که منظور قبر است، مکانی که در آن علیرغم تمام ثروتی که داشته‌اند، بدنشان رو به فساد و تباهی می‌رود. ولی سرنوشت عادلان، یا کسانی که به خدا اعتماد می‌کنند، نجات و رهایی از جانب خدا می‌باشد. خدا بدن آنان را از قبر برخیزانده، ایشان را به حضور خود خواهد برد. البته قبل از قیامت مردگان، در زمان مرگ، "خاک به زمین برمی‌گردد به طوری که بود، و روح نزد خدا که آن را بخشیده بود، رجوع می‌نماید" (جامعه ۱۲: ۷).

جامعه ۹: ۶-۱۰ به حالت مرگ اشاره می‌کند، مخصوصاً به بدنی که در قبر نهاده می‌شود. این قسمت می‌فرماید که در هاویه، که منظور حالت مرگ در قبر می‌باشد، هیچ نقشه، عملکرد و حکمت و دانشی وجود ندارد. افرادی که در قبر نهاده شده و در وضعیت مرگ قرار دارند، در اعمالی که بر روی زمین صورت می‌گیرد، دخیل نیستند و هیچ تأثیری بر زمین فعلی ندارند. شخص مرده در هیچ نوع رابطه‌ای با دنیا و فعالیت‌های آن نمی‌باشد. همانطور که یقیناً بدن مرده در قبر از زندگی در این دنیا جدا شده است، یقیناً شخص در وضعیت مرگ از تمام فعالیت‌های این دنیای حاضر جدا گردیده است. اعمال ۲: ۲۷، ۳۱ تعلیم می‌دهد که هاویه به وضعیت مرگ اشاره می‌کند، مخصوصاً به بدنی که در قبر فاسد می‌شود.

نتیجه‌گیری: هاویه، وضعیت مرگ پیش از قیامت بدن‌ها می‌باشد. این کلمه بسته به چهارچوب آن، می‌تواند به "وضعیت مرگ (جدایی روح از بدن)، "به قبر" یا "به جهنم" اشاره کند. هیچ قسمتی در کتاب مقدس این تعلیم را نمی‌دهد که جان (روح) تمام مردم، پس از مرگ همه به یک جا می‌روند. بدن تمام مردم شریر و عادل به قبر می‌رود، ولی جانهای (روحها) آنها به جاهای مختلف. جانهای (روحهای) مسیحیان (عادلان) به آسمان می‌روند (جامعه ۱۲: ۷؛ دوم قرنتیان ۵: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۳؛ عبرانیان ۱۲: ۲۳)، در حالی که جانهای (روحهای) غیرمسیحیان (شریران) به جهنم (متی ۱۱: ۲۳-۲۴؛ لوقا ۱۶: ۲۳).

ب - نظریه برزخ

۱ - نظریه برزخ مبتنی بر کتاب مقدس نیست.

الف) نظریه برزخ تعلیم می‌دهد که در زمان مرگ، تنها روح مسیحیانی که پاک هستند، به آسمان می‌رود. اینها مقدسینی هستند که در متی ۲۵: ۴۶ و فیلیپیان ۱: ۲۳ به آنها اشاره شده است. روح تمام مسیحیان قبل از رفتن به آسمان، ابتدا به برزخ، که مکان غذاب و رنج و آتش است، می‌رود. در برزخ، آنها باید از مرحله‌ای عبور کنند که طی آن، از گناهانی که بر روی زمین مرتکب شده و قابل بخشش هستند، تطهیر می‌شوند. بر طبق نظر کلیسای کاتولیک روم، برزخ مکانی جهت مجازات نیست، بلکه مکانی جهت تطهیر شدن و آمادگی برای رفتن به آسمان می‌باشد.

ب) دوره زمانی برزخ و درجه طهارت به تعداد گناهانی بستگی دارد که شخص باید از آنها تطهیر شود. این دوره زمانی را می‌توان کوتاه کرد و درجه رنج و عذاب نیز می‌تواند به واسطه دعاها، و اعمال نیکی که کاتولیکهای در قید حیات بر روی زمین انجام می‌دهند کاهش یابد، مخصوصاً توسط انجام مراسم عشای ربانی در کلیسای کاتولیک روم. پاپ در حوزه قدرت خود، قادر به بخشیدن و عفو شخص می‌باشد، که بدین وسیله دوره رنج و عذاب او در برزخ کوتاهتر شده، حتی ممکن است به اتمام برسد.

پ) کاتولیکها مبنای نظریه خود را بر اساس کتاب مقدس قرار نمی‌دهند، بلکه بر اساس یک کتاب آپوکریفا به نام دوم مکابیان ۱۲: ۴۲-۴۵. البته این قسمت از کتاب مکابیان تعالیمی دارد که حتی کاتولیکها نیز برخی از آنها را نمی‌پذیرند. یکی از این تعالیم در رابطه با رهایی احتمالی سربازانی در برزخ است که در گناه مهلك بتپرستی مرده بودند.

۲ - استدلال مبتنی بر کتاب مقدس در برابر نظریه برزخ

الف) تمام مسیحیان در زمان مرگ، بلافاصله به آسمان می‌روند. تمام مسیحیان، مقدس هستند. کتاب مقدس در رابطه با وضعیت مسیحیان پس از مرگ، در قالب اصطلاحات مختلفی تعلیم می‌دهد. مکان زیبایی که مسیحیان پس از مرگ به آنجا می‌روند به عنوان فردوس (لوقا ۲۳: ۴۳)، به عنوان مکانی که در آن منازل بسیاری وجود دارد (یوحنا ۱۴: ۲)، به عنوان مکان پر جلال (مزمور ۷۳: ۲۴-۲۵)، به عنوان بودن با عیسی (فیلیپیان ۱: ۲۳) و همچنین به عنوان متوطن شدن در نزد خدا (دوم قرنتیان ۵: ۸)، توصیف شده است. بر طبق دوم قرنتیان ۵: ۸، "غربت از بدن" به منظور "بودن نزد خدا" و بر طبق فیلیپیان ۱: ۲۳، "رحلت از بدن" به مفهوم "بودن با مسیح" می‌باشد.

ب) هیچ کس نمی‌تواند چیزی را بر کار تمام شده نجات توسط عیسی مسیح بیفزاید. در زمان مرگ، مسیحیان بلافاصله به آسمان می‌روند، زیرا مسیح جریمه تمام گناهانشان را پرداخت کرده است.

۱) نظریه برزخ سعی دارد بر کار تکمیل شده نجات بر روی صلیب (یوحنا ۱۹: ۳۰)، چیزی بیفزاید. مکاشفه ۲۲: ۱۸-۱۹ به مردم هشدار می‌دهد که هیچ چیزی را از تعالیم کتاب مقدس کم نکنند یا به آن اضافه نکنند. مسیح عدالت و قنوسیت کامل آنها می‌باشد (اول قرنتیان ۱: ۳۰).

۲) نظریه برزخ اعمال نیک و دعاها مسیحیان دیگر را وسیله‌ای جهت نجات انسان تلقی می‌کند. این نظریه به طور خاص، زیادتی اعمال نیک، مانند کارهای نیکوکارانه قدیسیین خاص و همچنین عشای ربانی را عاملی جهت نجات انسان تلقی می‌کند. افسسیان ۲: ۸-۹ تعلیم می‌دهد که هیچ کس توسط اعمال نیک نجات نمی‌یابد. اگرچه کاتولیکها ادعا می‌کنند که کلیدهای مرگ و هاویه را در دست دارند، مکاشفه ۱: ۱۸ به وضوح تعلیم می‌دهد که تنها مسیح این کلیدها را در دست دارد.

پ - نظریه به خواب رفتن روح

۱ - نظریه به خواب رفتن روح، مبتنی بر کتاب مقدس نیست.

الف) این نظریه می‌فرماید که پس از مرگ، روح انسان در حالتی قرار می‌گیرد که بیدار و آگاه نیست. تنها در زمان قیامت بدن او، روحش نیز آگاهی و هشیاری خود را بدست می‌آورد.

ب) این نظریه غالباً با نظریات نیستی و فرصت دوم همراه می‌باشد. پس از مرگ، بدن و روح، هر دو به قبر نزول کرده، در حالت نیستی قرار می‌گیرد. تنها در زمان قیامت بدن، روح انسان هشیار و آگاه می‌شود، و فرصت دومی به جهت توبه، نجات و دریافت بدنی تازه بدست می‌آورد. او همچنین می‌تواند از این موقعیت استفاده نکند و در حالت ناتوبه‌کار و نیستی کامل قرار گیرد.

پ) این معلمین کاذب نظریه خود را بر اساس قسمتهایی از کتاب مقدس مانند یوحنا ۱۱: ۱۱ و اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ قرار می‌دهند که مرگ را به حالت خواب تشبیه می‌کند. آنها همچنین نظریه خود را مبنی بر قسمتهایی مانند مزمور ۶: ۵ و جامعه ۹: ۱۰ قرار می‌دهند که مرگ را به حالتی تشبیه می‌کند که شخص در آن کاملاً ناآگاه می‌باشد. قسمتهای دیگری که آنها اساس نظریه خود را بر آن قرار می‌دهند، دوم قرننیان ۵: ۱۰ و مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۵ می‌باشند؛ بر طبق این قسمتها آنها معتقدند که سرنوشت مردم تنها در روز داوری نهایی معین می‌شود نه قبل از آن.

۲- استدلالات مبتنی بر کتاب مقدس در برابر نظریه به خواب رفتن روح

الف) کتاب مقدس هیچ وقت تعلیم نمی‌دهد که روح یا بدن به خواب می‌رود. کتاب مقدس تنها تعلیم می‌دهد که شخص مرده، به خواب می‌رود. این اصطلاح بیانگر تشابه موجود میان بدن شخص مرده و شخص خوابیده می‌باشد و به عنوان بیان تعبیری نیکوتر، به جای کلمه مرگ به کار رفته است.

ب) کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که روح مردگان بسیار هشیار و آگاه می‌باشد. آن قسمتهایی از کتاب مقدس که ظاهراً این تعلیم را می‌دهد که انسانهای مرده هشیار و آگاه نیستند، هدفشان تأکید بر این موضوع است که در حالت مرگ، انسانها قادر نیستند در فعالیتهای جهان فعلی دخیل باشند. به عنوان مثال، جامعه ۹: ۵-۱۲ می‌فرماید، "مردگان هیچ نمی‌دانند... و دیگر تا به ابد برای ایشان از هر آنچه که زیر آفتاب کرده می‌شود، نصیبی نخواهد بود... در عالم اموات که به آن می‌روی، نه کار و نه تدبیر و نه علم و نه حکمت است." بنابراین پس از مرگ، کارگر قادر به کار کردن، خواننده قادر به خواندن، و پادشاه قادر به حکمرانی بر روی زمین نخواهند بود. بنابراین کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که در حالیکه بدن انسان در قبر آرامیده است، روح او از اموری که بر روی زمین واقع می‌شوند آگاهی ندارد (اشعیا ۶۳: ۱۶). ولی نسبت به اموری که در آسمان یا در جهنم واقع می‌شوند هشیار می‌باشد. به عنوان مثال، لوقا ۱۶: ۲۲-۲۸ می‌فرماید، وقتی که مرد ثروتمند خودخواه مرد و دفن شد، چشمان خود را در جهنم گشود و درد و عذاب آن مکان را تجربه کرد. عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۴ و مکاشفه ۶: ۹-۱۰ می‌فرمایند که هنگامی که مسیحیان می‌میرند، از ارتباط آگاهانه با خدای تثلیث و دیگر مسیحیانی که قبلاً مرده‌اند، لذت می‌برند.

پ) در روز داوری نهایی، سرنوشت ابدی مردم، معین نمی‌شود، بلکه اعلام می‌شود. سرنوشت ابدی مردم به نوع ارتباط آنها با عیسی مسیح در زمانی که بر روی زمین هستند، بستگی دارد. عیسی در یوحنا ۳: ۱۸، ۳۶ می‌فرماید: "هر که ایمان نیاورد الآن بر او حکم شده است، به جهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده." و آن که به پسر ایمان نیاورد، حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند." بر طبق متی ۲۵ و دوم تسالونیکیان ۱، سرنوشت ابدی تمام مردم تنها زمانی که آنها در قید حیات بر روی زمین هستند، مشخص می‌شود. بر طبق مثل قنطارها در متی ۲۵: ۱۴-۳۰، پادشاه یا مجازات هر شخص، قبل از مرگ او و قبل از بازگشت عیسی معین می‌شود. بنابراین پس از مرگ، فرصت دیگری جهت نجات وجود نخواهد داشت. بر طبق متی ۲۵: ۳۴، ۴۱ و دوم تسالونیکیان ۱: ۵-۱۰، داوری نهایی به منظور اعلام قاطعانه حکم خدا، و مکاشفه عدالت و جلال او در حضور فرشتگان و تمام مردمی است که تا به حال زیست کرده‌اند. موضوعی که در روز داوری نهایی باعث تعجب مردم می‌شود، مربوط به بنیان و اساسی است که بر طبق آن داوری انجام می‌شود، نه خود داوری. اساس داوری نهایی، فیض خدا می‌باشد (متی ۲۵: ۳۴) و این که مردم چگونه به واسطه این فیض با مسیح و برادران او شراکت داشته‌اند.

ت - نظریه نیستی

۱- نظریه نیستی، مبتنی بر کتاب مقدس نمی‌باشد.

الف) این نظریه تعلیم می‌دهد که پس از مرگ، روح و بدن، هر دو نیست و نابود می‌شوند. بدن و روح انسان به قبر نزول می‌کنند، در حالت نیستی کامل قرار می‌گیرند. پیروان این نظریه معتقدند که در زمان قیامت، این گونه نیست که بدن و روح انسان دوباره هشیاری و آگاهی خود را بدست آورد، بلکه در آن زمان بدن و روحی جدیدی به وجود خواهد آمد. این نظریه همچنین تعلیم می‌دهد که حیات شیرین پس از مرگ خاتمه می‌یابد، در نتیجه جهنمی جهت درد و عذاب وجود ندارد. شیرین برای همیشه نیست و نابود خواهند شد.

بر طبق این نظریه، حیات عادلان پس از مرگ خاتمه می‌یابد، بنابراین مرحله دیگری پس از مرگ وجود ندارد. در زمان قیامت، عادلان بدن و روحی کاملاً جدید خواهند داشت.

ب) برخی از مردم تعلیم می‌دهند که خدا همه انسانها را موجوداتی غیرفانی خلق کرد، ولی انسان به واسطه ناطاعتی تبدیل به موجودی فانی شده است. زمانی که انسان مرتکب گناه شد، خدا حیات غیرفانی را از او گرفت. خدا به روح توبه کار حیات غیرفانی را دوباره عطا می‌کند، ولی گناهکاری را که توبه نمی‌کنند، از بین می‌برد. برخی دیگر از مردم نیز تعلیم می‌دهند که خدا تمام انسانها را موجوداتی فانی خلق کرد، ولی انسان به واسطه اطاعت از او قادر بوده است به موجودی غیرفانی تبدیل شود. انسان پس از ارتکاب به گناه، به صورت فانی باقی می‌ماند. خدا به روح توبه کار حیات غیرفانی را عطا می‌کند، ولی گناهکاری را که توبه نمی‌کنند، از بین می‌برد.

پ) آنها نابودی گناهکار را یا به منزله از بین رفتن آگاهی او و یا به منزله از بین رفتن تمام موجودیت او تلقی می‌کنند. بعضی معتقدند که شریران مدتی پس از متحمل شدن رنج و عذابی آگاهانه، از بین می‌روند. برخی دیگر نیز بر این باورند که شریران بلافاصله پس از مرگ نابود می‌شوند.

ت) آنها اساس نظریه خود را بر روی این حقیقت قرار می‌دهند که تنها خدا، غیرفانی است؛ و حیات ابدی به ایمانداران داده شده است؛ و بی‌ایمانان نابود می‌شوند که آنرا تنزل یافتن به وجود نداشتن تفسیر می‌کنند.

۲- استدلالات مبتنی بر کتاب مقدس در برابر نظریه نیستی

الف) خدا به طور ابدی غیرفانی است، ولی مسیحیان حیات غیرفانی را دریافت می‌کنند.

۱) خدا ذاتاً غیرفانی است. بر طبق ۱ تیموتاؤس ۶: ۱۶، "تنها خدا غیرفانی است"، که به این مفهوم است که او به طور ابدی غیرفانی است و هرگز نمی‌تواند بمیرد.

۲) خدا انسان را موجودی غیرفانی خلق کرد. آدم و حوا که جزو اولین انسانها بودند، به صورت انسانهایی فانی خلق نشده بودند، بلکه آنها به صورت خدا و در شباهت او (پیدایش ۱: ۲۷)، و در ابتدا آنها حیاتی فانی نداشتند. در زمان خلقت انسانها، خدا ابدیت را در دلهای ایشان نهاده بود (جامعه ۳: ۱۱). هم بدن و هم روح آنها، دارای حیاتی غیرفانی بود. هدف خدا این بود که انسانها به طور دائم در حضور او زیست کنند. آدم و حوا، قبل از ارتکاب گناه، مرگ و تباهی را تجربه نکردند. البته حیات غیرفانی آنها طوری نبود که نتوانند به هیچ وجه مرگ را تجربه کنند. اگر آنها از خدا ناطاعتی می‌کردند، حیات غیرفانی خود را از دست داده، می‌مردند (پیدایش ۲: ۱۵-۱۷). پیدایش فصل ۳ بیانگر این موضوع است که چگونه گناه منجر به مرگ آنها شد.

۳) در زمان قیامت، مسیحیان غیرفانی خواهند شد. آنها به وضعیت غیرفانی تبدیل خواهند یافت. بدن فانی آنها تبدیل به بدن غیرفانی می‌شود (اول قرن‌تینان ۱۵: ۴۲-۵۰). این بدین مفهوم است که در زمان قیامت، انسان، غیرفانی شده، حیاتی ابدی و کامل در حضور خداوند خواهد داشت. سپس مسیحیان نمی‌توانند بمیرند و هیچ وقت نخواهند مرد. در کتاب مقدس، تنها مسیحیانی که حیاتی ابدی در مسیح دارند و خدا را در دائماً از طریق بدن و روحشان جلال می‌دهند، انسانهای غیرفانی نامیده می‌شوند.

ب) روح انسان قطعاً پس از مرگ باقی می‌ماند.

در خروج ۳: ۶ خدا به موسی فرمود: "من هستم خدای پدرت، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب." بر طبق گفته عیسی در متی ۲۲: ۳۲، "خدا، خدای مردگان نیست بلکه خدای زندگان است." وقتی که ابراهیم، اسحاق و یعقوب مردند، از بین نرفتند. اگرچه بدن آنها هنوز در قبر آرامیده و روزی قیام خواهد کرد، روح آنها وجود دارد و زنده است. خدا، خدای روحهای زنده می‌باشد نه روحهای که وجود ندارد. بنابراین در زمان مرگ، روح انسان از بین نمی‌رود، بلکه پس از مرگ نیز باقی می‌ماند.

پ) بدن انسان قطعاً در آینده نیز دارای حیات خواهد بود.

بر طبق پیدایش ۳: ۱۹، در زمان مرگ، بدن انسان در زیر خاک قرار گرفته، فاسد می‌شود (اعمال ۲: ۲۹-۳۱). ولی این به این منظور نیست که حیات آن خاتمه می‌یابد. یوحنا ۵: ۲۸-۲۹، اعمال ۲۴: ۱۵ و مکاشفه ۲۰: ۱۲-۱۵ به وضوح تعلیم می‌دهند که در زمان بازگشت مسیح، بدن انسانها مجدداً خلق نمی‌شود، بلکه برخیزانده می‌شود. بدن شریران و عادلان قیام خواهد کرد. هیچ قسمت از کتاب مقدس بیانگر این موضوع نیست که همه مردم در همان لحظه قیام نخواهند کرد. کتاب مقدس تنها در مورد يك قیامت مردگان تعلیم می‌دهد که آن هم در زمان بازگشت مسیح به وقوع خواهد پیوست.

اول قرن‌تینان ۱۵: ۳۵-۴۲ و فیلیپیان ۳: ۲۱ تعلیم می‌دهند که بدن فیزیکی آنان متبدل شده و بدن قیام کرده آنان به صورت بدن پرجلال عیسی مسیح خواهد بود. بنابراین قیامت بدن مردم، به مفهوم خلقت بدن جدید برای آنها نیست، بلکه مبدل شدن بدن آنها به بدنی پرجلال می‌باشد.

متی ۲۵: ۴۶ به وضوح تعلیم می‌دهد که پس از روز داوری نهایی، شریران و عادلان برای ابد به حیات خود ادامه می‌دهند. بنابراین نه حیات روح و نه بدن انسان در زمان مرگ پایان نمی‌یابد. و نه بدن انسان و نه روح او پس از قیامت و روز داوری، از موجودیت ساقط نخواهد شد.

(ت) غیرفانی بودن یا زندگی دائمی به مفهوم حیات ابدی نمی‌باشد.
حیات ابدی به راستی هدیه‌ای از طرف خدا می‌باشد، که تنها به عادلان یا انسانهایی که به عیسی مسیح ایمان می‌آورند عطا می‌شود. ولی با توجه به این که شریران صاحب حیات ابدی نمی‌شوند، این بدین منظور نیست که آنها به موجودیت خود ادامه نخواهند داد. بر طبق یوحنا ۵: ۲۸-۲۹ و اعمال ۲۴: ۱۵، بدنهای هر دو گروه مسیحیان و غیرمسیحیان قیام خواهند کرد. و بر طبق متی ۲۵: ۴۶، تنها مسیحیان صاحب حیات ابدی می‌شوند، در حالیکه غیرمسیحیان مجازات ابدی را خواهند یافت. کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که زندگی هیچ کس خاتمه نمی‌یابد. هر دو گروه عادلان و شریران، بطور دائمی زیست خواهند کرد. عادلان از حیات ابدی لذت خواهند برد، در حالیکه شریران از مجازات ابدی در عذاب خواهند بود.

(ث) ویرانی یا هلاکت، به مفهوم نیستی یا پایان یافتن حیات انسان نیست.

(۱) در کتاب مقدس، کلمات مرگ، ویرانی و هلاکت در ارتباط با انسان، به مفهوم خاتمه یافتن حیات انسان نمی‌باشند. بر طبق اول قرننیا ۵: ۵، کلمه هلاکت، به مفهوم نیستی نیست، بلکه به مفهوم مجازات است. این قسمت می‌فرماید: "چنین شخصی را به دست شیطان بسپارید به جهت هلاکت جسم تا روح او در روز خداوند عیسی نجات یابد." کلیسا شخص گناهکار را به منظور هلاکت طبیعت گناهکارش به وسیله بیماری یا مصائب دیگر، به دست شیطان می‌سپارد به این امید که روح او برای روز داوری حفظ شود. شیطان تنها قادر است به علت طبیعت گناهکار انسان توسط نابودی یا مجازات سختی ضربه ای وارد آورد، اما فقط عیسی مسیح قادر به از بین بردن طبیعت گناهکار انسان به واسطه عمل نجات‌بخش خود می‌باشد.
(۲) بر طبق دوم تسالونیکیان ۱: ۸-۹، هلاکت در روز داوری، به مفهوم خاتمه یافتن زندگی انسان نمی‌باشد. در آنجا شریران به طور ابدی مجازات می‌شوند، که به این مفهوم است که آنها به طور ابدی از حضور خداوند و جلال او دور خواهند بود. انتقامی که خدا از آنها خواهد کشید یا مجازاتی که خدا بر آنها تحمیل خواهد کرد، دوری آنها از محبت، رحمت و محافظت خدا و شگفتی عظمت و جلال عیسی مسیح می‌باشد. بر طبق مکاشفه ۲۰: ۱۰، و ۲۱: ۸، مرگ ثانوی به منظور افکنده شدن شریران به مکانی است که در آنجا در آتشی افروخته شده، شبانه روز برای همیشه عذاب خواهند کشید.

ث - نظریه فرصت دوم

۱- نظریه فرصت دوم مبتنی بر کتاب مقدس نیست.

(الف) نظریه فرصت دوم تعلیم می‌دهد که نجات بوسیله عیسی مسیح حتی پس از مرگ انسان نیز کامکان امکان پذیر می‌باشد. کسانی که به این نظریه معتقدند می‌گویند که تمام مردمی که موقعیتی جهت شنیدن پیغام انجیل را نداشته‌اند یا سخنان و ادعاهای عیسی را جدی نگرفته‌اند و یا در زمانی که نوزاد بودند چشم از این جهان فرو بسته‌اند، پس از مرگ، فرصت دومی جهت ایمان به عیسی مسیح خواهند داشت. آنها معتقدند که هیچ کس بدون داشتن فرصت مناسبی جهت شنیدن پیغام انجیل و ایمان آوردن به آن، محکوم به جهنم و هلاکت ابدی نخواهد شد. بنابراین آنها این نتیجه‌گیری را می‌کنند که سرنوشت ابدی شخص به طور قطعی، در فاصله بین مرگ فیزیکی (جسمانی) و روز داوری نهایی مشخص نمی‌شود.

(ب) آنها اساس نظریه دوم خود را بر روی درکی انسانی از محبت و عدالت خدا قرار می‌دهند. آنها به آیاتی مانند یوحنا ۳: ۱۸، ۳۶ اشاره می‌کنند و طبق نظر آنها این آیات تعلیم می‌دهند که تنها بی‌ایمانی عمدی زمینه‌ای برای محکومیت شخص می‌باشد. آنها همچنین با اشاره به ۱ پطرس ۳: ۱۹ و ۴: ۶، تعلیم می‌دهند که عیسی در فاصله موجود میان مرگ و قیامت، به روحهایی که در زندان بودند، موعظه نمود؛ ایشان این مکان را هاویه یا عالم مردگان تلقی می‌کنند. آنها همچنین اساس نظریه خود را بر روی قسمتهایی از کتاب مقدس مانند دوم قرننیا ۵: ۱۰ و مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۵ قرار می‌دهند که بر طبق آنها، می‌فرمایند که سرنوشت مردم تنها در روز داوری نهایی معین می‌شود.

۲- استدلالات کتاب مقدسی در برابر نظریه فرصت دوم

(الف) سرنوشت ابدی مردم بر اساس ایمان و زندگی ایمانی آنها، در زمانی که هنوز بر روی زمین هستند، معین می‌شود.
اعمالی را که مردم در جسم بر روی زمین انجام می‌دهند، سرنوشت نهایی آنها را تعیین می‌کند. اعمالی که در فاصله موجود میان مرگ و قیامت بدن آنها به وقوع می‌پیوندند هیچ گاه سرنوشت ابدی آنها را تعیین نمی‌کنند.
یوحنا ۳: ۱۸-۲۱ تعلیم می‌دهد که سرنوشت ابدی مردم به رابطه شخصی آنها با عیسی مسیح، در زمانی که بر روی زمین هستند، بستگی دارد. تعلیم یوحنا فصل ۳، در چهارچوبی است که آمدن عیسی به جهان و طرز برخورد مردم با او در جهان

فعلی را بیان می‌کند. عیسی تعلیم می‌دهد که هر که به او ایمان نیاورد هم اکنون زیر محکومیت قرار دارد. و هر که او را نپذیرد، صاحب حیات ابدی نخواهد شد، بلکه خشم خدا بر او خواهد ماند. سرنوشت ابدی انسانها به نوع زندگی آنها بر روی زمین بستگی دارد. در متی ۷: ۲۲-۲۳، ۱۰: ۳۲-۳۳ و ۲۵: ۳۱-۴۶، عیسی به وضوح تعلیم می‌دهد که انجام اراده خدا بر روی زمین، اقرار عیسی پیش مردم و انجام اعمال نیکوکارانه در حق دیگران (برادران عیسی) بر روی زمین، سرنوشت ابدی مردم را معین می‌کند. البته مردم به واسطه اعمال نیکشان نجات نمی‌یابند بلکه از طریق انجام اراده خدا. اراده خدا این است که آنها به عیسی مسیح به عنوان تنها نجات دهنده و خداوند خود ایمان آورند (یوحنا ۶: ۲۹). و اعمال آنها این حقیقت را ثابت خواهد کرد که آیا ایمانشان، ایمانی راستین و خالص بوده است یا نه (یعقوب ۲: ۱۴-۲۲). در زمان بازگشت عیسی مسیح، پاداش و تقدیر یا محکومیت و مجازات او بستگی به این خواهد داشت که مردم چگونه از تواناییها و موقعیتهایی که او به هر کدام از آنها بر روی زمین سپرده است، استفاده کرده‌اند (متی ۲۵: ۲۱، ۳۰؛ دوم فرنتیان ۵: ۱۰؛ مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۵). در زمان داوری نهایی، مردم فرصت دومی جهت ایمان آوردن به عیسی مسیح نخواهند داشت، بلکه در آن زمان سرنوشت ابدی آنها بر عموم مردم آشکار خواهد شد. بنابراین، سرنوشت ابدی مردم به واسطه ایمان و زندگی ایمانی آنها بر روی این زمین، تعیین خواهد شد.

(ب) وضعیت بی‌ایمانان پس از مرگ، وضعیت و حالتی مشخص و قطعی است. عیسی تعلیم می‌دهد که خدا شریران را بلافاصله پس از مرگشان، مجازات می‌کند (لوقا ۱۶: ۱۹-۲۳). پطرس رسول تعلیم می‌دهد که خدا در عین حال که به مجازات شریران ادامه می‌دهد، داوری نهایی آنها را به روز داوری موکول خواهد ساخت. شریران برای هدف و زمان مشخصی نگاه داشته شده‌اند. پس از مرگ فیزیکی (جسمانی) آنها، مجازات آنها ادامه می‌یابد و آنها تا روز داوری نهایی در عذاب خواهند بود (دوم پطرس ۲: ۹). پس از روز داوری نهایی، رنج و عذاب آنها سنگینتر خواهد شد. خدا داوری و مجازات آنها را بر عموم مردم آشکار خواهد ساخت و این موضوع باعث شرمندگی آنها شده، به درد و رنج آنها می‌افزاید. آنها نه تنها روحاً، بلکه جسماً نیز در جهنم در عذاب خواهند بود (متی ۱۰: ۲۸؛ ۲۵: ۴۱، ۴۶). آنها همچنین به خاطر دوری ابدی از حضور خدا، در رنج و سختی خواهند بود (دوم تسالونیکیان ۱: ۸-۱۰). برای شریران تاریکی ظلمت جاودانی مقرر شده است (یهودا ۷-۱۳).

(پ) نظریه فرصت دوم غالباً بهانه‌ای جهت اعلام نکردن پیغام انجیل می‌باشد. این نظریه بشارت انجیل را امری ضروری تلقی نمی‌کند. انجیل باید به مردم اعلام شود تا بر اساس آن مردم یا به عیسی مسیح ایمان بیاورند و یا در بی‌ایمانی خود باقی بمانند (مرقس ۱۶: ۱۵-۱۶). انجیل تا قبل از بازگشت عیسی مسیح در تمام جهان موعظه خواهد شد تا شهادتی برای تمام ملل دنیا باشد (متی ۲۴: ۱۴).

(ت) قطعاً انجیل به مردم پس از مرگشان موعظه نخواهد شد. برخی از قسمتهای کتاب مقدس مانند اول پطرس ۳: ۱۸-۲۲ و ۴: ۱-۶ در رابطه با یک موضوع واحد تعلیم نمی‌دهند، بنابراین نمی‌توان بر اساس این دو قسمت، نظریه فرصت دوم را شکل داد. هیچ کدام از این قسمتها در رابطه با موضوع موعظه پیغام انجیل به مردم پس از مرگشان، صحبت نمی‌کنند. با توجه به این که این قسمتها، غالباً به اشتباه تفسیر شده‌اند، ما به بررسی آنها می‌پردازیم.

۳- نظریه فرصت دوم بر اساس تفسیر خاصی از اول پطرس ۳: ۱۸-۲۲ و ۴: ۱-۶

(الف) موعظه به مردمی که در هاویه هستند. بر طبق نظریه فرصت دوم، اول پطرس ۳: ۱۸-۲۲ می‌فرماید که روح یا جان عیسی مسیح پس از مرگ و قیامش، به زندان رفت که همان هاویه تلقی شده است. هاویه نیز همان عالم مردگان تفسیر می‌شود، که محل سکونت روحهایی است که قبل از آمدن عیسی می‌زیستند.

(ب) موعظه انجیل. بر طبق نظریه فرصت دوم، اول پطرس ۴: ۶ می‌فرماید که عیسی انجیل را به روح مردم پس از مرگشان موعظه کرد، تا بدین صورت به آنها فرصت دومی جهت نجات عطا کند.

(پ) تفسیر درست

(۱) اول پطرس ۳: ۱۸-۲۲ در مورد نزول عیسی به عالم مردگان جهت موعظه انجیل صحبت نمی‌کند، بلکه در رابطه با صعود پیروزمندانه او به آسمان، و اعلام پیروزی نهایی او می‌باشد.

(۲) اول پطرس ۴: ۱-۶ در مورد موعظه انجیل به مردگان نیست، بلکه در مورد موعظه انجیل به مردم در زمانی است که در قید حیات بوده‌اند. بنابراین نظریه فرصت دوم، غیر کتاب مقدسی می‌باشد.

واقعه مهمی که در اول پطرس ۳: ۱۸ - ۲۲ توصیف شده است، صعود پیروزمندانه عیسی به آسمان و اعلام این پیروزی بر هر چیزی در این جهان می‌باشد.

(الف) آیه ۱۸ در مورد کار کفارهای و مصالحه‌آمیز مسیح توسط مرگ و قیامش گفتگو می‌کند.

- (۱) جمله عیسی "به حسب جسم مرد" به مفهوم این است که او با طبیعت انسانی ضعیفی که بر خود گرفته بود و بار گناهان انسان را بر آن حمل می‌کرد، مرد (رومیان ۱: ۳). عیسی توسط مرگش، طبیعت ضعیف انسانی خود را کنار گذاشته با گناه و مرگ کاملاً قطع رابطه کرد. او در زمان مرگش، روح خود را به دستهای پدر آسمانی خود سپرد (لوقا ۲۳: ۴۶). بنابراین وقتی که عیسی مرد، جسم او در قبر قرار گرفت، در حالی که روح او در حضور خدای پدر بود. در هیچ قسمت از کتاب مقدس نمی‌خوانیم که روح عیسی به هاویه رفت، چه در مفهوم عالم مردگان و چه در مفهوم جهنم.
- (۲) جمله عیسی "به حسب روح زنده گشت" به این مفهوم است که بدن انسانی او به واسطه روح القدس زنده گشته، قیام کرد. پس از قیامش، بدن او، بدنی پر جلال و کاملاً تحت کنترل روح القدس بود (رومیان ۱: ۴؛ کولسیان ۲: ۹). از آن زمان به بعد، عیسی بر حسب جسم، دیگر بدنی با ضعفهای طبیعت انسانی نداشته است، بلکه بدن او کاملاً تحت کنترل روح القدس بوده است. و از آن زمان به بعد خدای پدر بر اساس قدرت غیر قابل قیاس خود، عیسی مسیح را در دست راست خود و برتر از هر قدرتی در جهان قرار داده است (متی ۲۸: ۱۸؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۵؛ افسسیان ۱: ۲۰ - ۲۳؛ فیلیپیان ۲: ۹ - ۱۱؛ مکاشفه ۱: ۵).

(ب) آیات ۱۹ - ۲۰ در مورد رفتن و موعظه عیسی صحبت می‌کنند.

- (۱) "رفتن" عیسی، پس از قیام او بود. عیسی مسیح به قدرت روح القدس قیام کرد و در حالت قیام کرده خود، با هدایت روح القدس، به جایی رفت و چیزی را موعظه کرد. بر طبق آیات ۱۸ - ۱۹، "رفتن" عیسی، پس از قیامش بود، نه قبل از آن. بنابراین عیسی قبل از مرگ و قیامش به جایی نرفت تا چیزی را در روح، موعظه کند. ولی پس از قیامش، به جایی رفت و چیزی را در بدن قیام کرده خود موعظه کرد.
- (۲) "رفتن" عیسی، رفتن به سمت بالا بود. بر طبق آیه ۲۲، این "رفتن"، رفتن به سمت مکانی در پایین نبود، بلکه رفتن به آسمان بود. بنابراین، عیسی به نزد روحهای مردم مرده در عالم مردگان نرفت، بلکه به آسمان رفت و در دست راست خدای پدر قرار گرفت. در یوحنا ۱: ۲، ۳۲، قیام، صعود و جلوس عیسی بر تخت شاهی، به مفهوم "بلند کرده شدن به نزد خدا" و در مکاشفه ۱: ۵، به مفهوم "ریخته شدن به نزد خدا" و همچنین در ۱ پطرس ۳: ۱۹ - ۲۲، به مفهوم "بالا رفتن به نزد خدا" قلمداد شده است.
- (۳) "رفتن" مسیح، اعلام پیروزی او بود. آیه ۱۹ نمی‌فرماید که موعظه عیسی، موعظه انجیل به همه بود. کلمه اصلی در این قسمت به مفهوم اعلام کردن می‌باشد. محتوای اعلام او چه بود؟ در زبان اصلی "رفتن" و "اعلام کردن" عیسی به هم متعلق می‌باشند. "او با رفتن خود (صفت مفعولی در یونانی)، به روحهایی که در زندان بودند، چیزی را اعلام کرد (فعل اصلی)". رفتن پیروزمندانه او به آسمان، خود، اعلام (موعظه) یک حقیقت بود. صعود پیروزمندانه مسیح به آسمان، اثبات و اعلام پیروزی نهایی او بود. آیه ۱۹ در مورد اعلام پیغام انجیل صحبت نمی‌کند، بلکه در رابطه با اعلام پیروزی نهایی مسیح سخن می‌گوید که در نتیجه صعود پیروزمندانه او به آسمان بود.
- (۴) "رفتن" مسیح، اعلامی برای تمام انسانهای بی‌تفاوت و نامطمیع بود.

آیات ۱۹ - ۲۰ می‌فرماید که اعلام پیروزی او به طور خاص خطاب به "روحهایی در زندان است که در زمان نوح، وقتی که کشتی ساخته می‌شد، از خدا ناطاعتی کردند". این روحهای نامطمیع در زندان، روحهای چه کسانی هستند؟ آنها روحها یا جانهای کسانی هستند که در زمان طوفان هلاک شدند و در جهنم زندانی شده‌اند. پیدایش ۶: ۵ می‌فرماید که آنها نسلی شریر بودند و ۲ پطرس ۲: ۵ می‌فرماید که نوح و اعط عدالت بود. وقتی که نوح از کلام خدا اطاعت کرده، کشتی را ساخت، مردم خدانشناس، سخنان و هشدارهای او را در رابطه با آمدن طوفان به منزله داوری خدا، جدی نگرفتند و او را تمسخر کردند. آنها نه تنها به سخنان او ایمان نیاوردند، بلکه نسبت به ساخته شدن کشتی نیز، که یادآور قابل رؤیت هلاکت آنها بود، غافل ماندند. آنها از سخنان و هشدارهای خدا فرمانبرداری نکردند و صبر و تحمل خدا را برای احتمالاً صدها سال، جدی نگرفتند (اول پطرس ۳: ۲۰؛ پیدایش ۵: ۳۲؛ ۶: ۴؛ ۷: ۶). در زمان طوفان، ایمان نوح به خدا ثابت شد، ولی نسل شریر و بی‌ایمان، محکوم شدند (عبرانیان ۱۱: ۶).

بر طبق متی ۲۴: ۳۷ - ۳۹، عیسی خود تعلیم می‌دهد که "مردم زمان نوح" نمایانگر تمام مردم بی‌تفاوت و نامطمیع در جهان هستند. بنابراین صعود عیسی مسیح به آسمان، اعلام پیروزی او بر تمام مردم بی‌تفاوت، نامطمیع و شریر می‌باشد، چه آنهایی که قبل از آمدن او به جهان، زیسته‌اند، و چه آنهایی که بعد از آمدن او بوده‌اند. بر اساس قسمتهای دیگر کتاب مقدس، ما

متوجه می‌شویم که مرگ، قیام، صعود و جلوس مسیح بر تخت شاهی؛ اعلام پیروزی او بر تمام قدرتهای شریر روحانی (افسیسیان ۱: ۲۰-۲۲)، مانند شیطان و دیوها (یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲؛ مکاشفه ۱۲: ۵-۹؛ ۲۰: ۱، ۳، ۷)، بر روحهای شریر (فرشتگان سقوط کرده) (لوقا ۸: ۳۱؛ کولسیان ۲: ۱۵؛ دوم پطرس ۲: ۴؛ یهودا ۶؛ مکاشفه ۹: ۱) و بر تمامی ممالک و حکومتهای شریر در دنیا می‌باشد (مزمور ۲: ۸-۱۲). صعود مسیح به آسمان اعلام پیروزی نهایی و کامل او می‌باشد.

(پ) آیات ۲۱-۲۲ در مورد قیام، صعود و جلوس مسیح بر تخت شاهی سخن می‌گویند.

- (۱) بر طبق دوم قرنتیان ۲: ۱۴ و افسسیان ۴: ۸، وقتی که عیسی به آسمان صعود کرد، تمام مسیحیان را مانند اسرا، در صف پیروزمندانه خود قرار داد. او آنها را با محبت و فیض خود، همان گونه که در انجیل ابراز شده است، تسخیر کرد. صف پیروزمندانه مسیح، این حقیقت را نمایان می‌سازد که مسیح بر روی صلیب، بر مرگ و گناه پیروز شد و در صعود پیروزمندانه‌اش به آسمان، مسیحیانی را که او به واسطه رحمت و محبتش مطیع خود ساخته بود، به دنیا آشکار ساخت.
- (۲) بر طبق کولسیان ۲: ۱۵، نیروهای شکست خورده شریر نیز در زمان ورود مظفرانه مسیح به آسمان، مانند زندانیان جنگ که به زنجیر کشیده شده‌اند، در پشت او صف کشیده‌اند.
- (۳) بر طبق اول پطرس ۳: ۲۱-۲۲، پس از صعود، قیام و جلوس عیسی بر تخت شاهی، تمام فرشتگان خوب و روحهای شریر و تمام قدرتها و حکومتهای روی زمین تحت حاکمیت خدا قرار گرفته‌اند (چه به طور ارادی و چه به طور غیر ارادی). مسیح پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان می‌باشد (متی ۲۸: ۱۸؛ مکاشفه ۱۷: ۱۴). بر طبق اول قرنتیان ۱۵: ۲۵ و فیلیپیان ۲: ۱۰-۱۱، تمام کسانی که خود را وقف و تسلیم رحمت خدا نکنند، روزی باید تسلیم داوری او شوند.

۵- تفسیر درست اول پطرس ۴: ۱-۶

واقعه‌ای که در اول پطرس ۴: ۱-۶ به آن اشاره شده است، موعظه انجیل به اشخاص به‌هنگام حیاتشان می‌باشد، ولی در زمانی که پطرس رساله خود را به نگارش در می‌آورد، آنها دیگر مرده بودند. این قسمت در مورد موعظه انجیل به مردمی است که هنوز جسماً زنده و بر روی زمین بودند، تا بدینوسیله نجات را دریافت کنند و زندگی مقدسی بر روی زمین داشته باشند. این قسمت در رابطه با اهمیت داشتن زندگی روحانی بر حسب جسم در زمان حاضر، علیرغم مرگ فیزیکی (جسمانی) در آینده صحبت می‌کند. اول پطرس ۴: ۶ می‌فرماید: "زیرا که از این جهت نیز به مردگان (مرده به مفهوم لغوی) بشارت داده شد تا بر ایشان موافق مردم به حسب جسم حکم شود و موافق خدا به حسب روح زیست نمایند".

(الف) آیه ۶ در رابطه با هدف از موعظه انجیل تعلیم می‌دهد.

هدف اصلی از موعظه انجیل به مردم، این است که یا باعث نجات آنها شود، و یا آنها را مورد داوری قرار دهد. آیات ۳-۵ می‌فرماید که مردمی که زندگی خود را در گناه و فساد اخلاقی ادامه می‌دهند، مورد محاکمه واقع خواهند شد. و آیات ۱-۲ و ۶ می‌فرماید که مسیحیانی که بقیه عمر خود را بر روی زمین موافق اراده خدا به سر می‌برند، نجات خواهند یافت. تمام مردم، حتی مسیحیان، در آینده "موافق مردم، بر حسب جسم داوری خواهند شد". این بدین مفهوم است که "بدن فانی آنها از هم‌اکنون محکوم است که روزی بمیرد" همان گونه که برای همه مردم جهان رخ می‌دهد (عبرانیان ۹: ۲۷). مسیحیان باید از نظر جسمانی بمیرند، زیرا جسم و خون فعلی آنها قادر به تصاحب ملکوت خدا نمی‌باشد (اول قرنتیان ۱۵: ۵۰).

تمام مردمی که نسبت به پیغام انجیل واکنش مثبتی نشان می‌دهند، "موافق خدا بر حسب روح" زیست خواهند کرد. این بدین مفهوم است که مسیحیان با روح تازه خود برای خدا زیست کرده، او را پرستش و خدمت خواهند کرد، حتی اگر بسیاری از آنها در نتیجه جفاها بمیرند. آنها با انسانیت باطنی خود در طرق و کلام خداوند شادی خواهند کرد (یوحنا ۴: ۲۳-۲۴؛ رومیان ۷: ۲۲، ۲۵). به طور خلاصه، تمام مسیحیان واقعی زندگی تقدیس‌شده‌ای خواهند داشت.

انجیل به "مردگان" موعظه شده بود. مفهوم این جمله این است که مردمی که در طول زندگی خود بر روی زمین پیغام انجیل را شنیده بودند، یا به طور طبیعی مرده بودند یا در نتیجه جفاها به قتل رسیده بودند و در زمانی که پطرس رساله اول خود را می‌نوشت دیگر در قید حیات نبودند. ایمان آوردن ایشان به‌هنگام حیاتشان، مانع از مرگ جسمانی آنها در زمان جفاها و سختیها نشد. بلکه آنها را از مجازات گناه و مرگ ابدی نجات داده، به آنها قدرت داد تا علیرغم سختیها و جفاها، زندگی‌های مقدسی بر روی زمین داشته باشند.

(ب) آیه ۶ در رابطه با نظریه فرصت دوم تعلیم نمی‌دهد و نمی‌تواند چنین تعلیمی را بدهد.

آیه ۶ نمی‌تواند به این مفهوم باشد که به دلیل این که روح مردم مرده، دیگر بدن فیزیکی (جسمانی) ندارد، انجیل، در عالم مردگان یا در جهنم به آنها موعظه شد. بنابراین تنها تفسیر احتمالی آیه ۶ این است که انجیل به این مردم موعظه شد، قبل از این که آنها موافق مردم، بر حسب جسم داوری شوند، که منظور این است که قبل از این که آنها از نظر فیزیکی (جسمانی) بمیرند. نمی‌توان این آیه را این گونه تفسیر کرد که انجیل، پس از مرگ فیزیکی (جسمانی) مردم، به روحهای آنها موعظه شد، زیرا این روحها دیگر بدنی نداشتند که پس از شنیدن پیغام انجیل، محکوم به مرگ شوند.

نتیجه‌گیری: آیه ۶ این تعلیم را نمی‌دهد که انجیل به روح مردم در عالم مردگان یا در جهنم موعظه شده است.

خلاصه: هیچ قسمت از کتاب مقدس بیانگر این موضوع نیست که مردم پس از مرگ، فرصت دومی جهت شنیدن پیغام انجیل و دریافت نجات خواهند داشت. انجیل، تنها زمانی که مردم هنوز بر روی این زمین زندگی می‌کنند، به آنها موعظه می‌شود. ایمان یا بی‌ایمانی آنها زمانی که هنوز بر روی این زمین هستند، سرنوشت ابدی آنها را معین خواهد کرد. بنابراین "اینك الحال، زمان مقبول است؛ اینك الآن روز نجات است" (دوم قرنتیان ۶: ۲). "ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید" (مرقس ۱: ۱۵).